



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

دفتر دوم



پیشکش

سید محمدی طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر دوم نهج البلاغه : شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه

نویسنده:

سید مهدی طباطبایی

ناشر چاپی:

سلام سپاهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۱۵ | دفتر دوم نهج البلاغه : شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه |
| ۱۵ | مشخصات کتاب |
| ۱۶ | اشاره |
| ۲۵ | فهرست |
| ۳۲ | مقدمه |
| ۳۶ | حکمت ها |
| ۳۶ | ۱- در فتنه ها کنارگیری کن. |
| ۳۸ | ۲- برترین پارسایی |
| ۳۹ | ۳- پشت کردن زندگی و ملاقات مرگ سریع است. |
| ۴۰ | ۴- پرده پوشی خداوند از گناهان |
| ۴۱ | ۵- عقل، خوشرویی، تحمل سختی ها از خود راضی بودن |
| ۴۱ | اشاره |
| ۴۱ | ۱- ۵-صبر بر ۴ پایه استوار است |
| ۴۱ | ۲- ۵-یقین بر ۴ پایه استوار است |
| ۴۱ | ۳- ۵-عدل بر ۴ پایه استوار است |
| ۴۲ | ۴- ۵-جهاد بر ۴ پایه استوار است |
| ۴۳ | ۵- ۵-کفر بر ۴ پایه استوار است |
| ۴۳ | ۶- ۵-شک بر ۴ پایه استوار است |
| ۴۹ | ۶-نسبت دادن کارهایی بد به مردم عکس العمل مشابه دارد |
| ۵۰ | ۷-آداب و رسوم غلط بین مردم و امیران |
| ۵۲ | ۸-بیماری سبب ریزش گناهان است |
| ۵۴ | ۹-کسی که در تمام عمرش مجاهد بود (خواب) |
| ۵۶ | ۱۰-آخر کارها را با آغازش بسنجید |

- ۵۸ ۱۱-فلسفه قضا و قدر
- ۶۰ ۱۲-بازماندگان شمشیر بقای بیشتری دارند
- ۶۱ ۱۳-رأی پیر از چالاکی جوان بهتر است
- ۶۳ ۱۴-دو امان مردم زمین از عذاب الهی
- ۶۵ ۱۵-فقیه واقعی کیست؟
- ۶۶ ۱۶-آزمایش الهی از مردم حتمیست
- ۶۸ ۱۷-خیر و نیکی در چیست؟
- ۷۰ ۱۸-فلسفه لباس ساده پوشیدن امام علیه السلام
- ۷۲ ۱۹-مرز حلال و حرام الهی را حفظ کنید
- ۷۴ ۲۰-آثار دوستی اهل بیت علیه السلام
- ۷۵ ۲۱-فنا در بقا، بیماری در سلامت و فقر در دارایی در کمین انسان است
- ۷۶ ۲۲-شش عامل شگفتی از انسان
- ۷۹ ۲۳-کوتاهی در عمل، اندوه در پی دارد
- ۸۰ ۲۴-از سرمای آغاز بهار استقبال کنید
- ۸۲ ۲۵-صحبت امام علیه السلام با اهل قبور
- ۸۵ ۲۶-هشدار امام به مذمت کننده دنیا
- ۹۰ ۲۷-سخنان امام با کمیل بن زیاد
- ۹۷ ۲۸-سی هشدار اخلاقی امام علیه السلام به مردم
- ۱۰۳ ۲۹-برادرت را با نیکی به آن سرزنش کن
- ۱۰۴ ۳۰-انسان در دنیا همواره هدف تیرهای مرگ است
- ۱۰۶ ۳۱-هنگام خشم باید خود را فرو نشاند
- ۱۰۸ ۳۲-کلمه حقی که اراده باطل از آن می شود
- ۱۰۹ ۳۳-صفت شورشگران
- ۱۱۱ ۳۴-خوش آمد مباد
- ۱۱۲ ۳۵-محافظة دو ملک از انسان
- ۱۱۴ ۳۶-مشارکت در خلافت معنا ندارد

- ۳۷- دنیا همچون شتر بدخو است ۱۱۵
- ۳۸- برای تقوای الهی دامن همت به کمر زنید ۱۱۷
- ۳۹- سیزده اندرز آموزنده و آثار آن ۱۱۸
- ۴۰- هر کس به نوایی رسید طغیان می کند ۱۲۱
- ۴۱- سستی در اطاعت تضييع حقوق ديگران است ۱۲۲
- ۴۲- قدرت یافتن بر چیزی علاقه را کم می کند ۱۲۳
- ۴۳- بیست اندرز آموزنده ۱۲۴
- ۴۴- نحوه سوگند دادن ظالم ۱۲۶
- ۴۵- جمعی که از حل مشکل خود عاجزند چگونه توان حل مشکل دیگری را دارند؟ ۱۲۷
- ۴۶- حق را بشناس آنگاه اهل حق را خواهی شناخت ۱۲۹
- ۴۷- زیورهای کعبه را به همان حال واگذارید ۱۳۱
- ۴۸- حال کسی که به خود ضربه می زند تا دشمن را نابود کند ۱۳۳
- ۴۹- افراط در دشمنی گناه آلود است ۱۳۴
- ۵۰- فرصت دو رکعت نماز پس از ارتکاب گناه ۱۳۵
- ۵۱- انسان غیرتمند زناکار نیست ۱۳۶
- ۵۲- سرنوشت قطعی حافظ انسان است ۱۳۷
- ۵۳- تحقق نفرین امام علیه السلام به انس بن مالک ۱۳۸
- ۵۴- قرآن جامع اخبار پیشینیان و آیندگان ۱۴۰
- ۵۵- گاهی بدی را تنها با بدی باید جبران کرد ۱۴۱
- ۵۶- قوانین خوش خطی ۱۴۲
- ۵۷- امام علیه السلام یعسوب مؤمنین ۱۴۳
- ۵۸- محکوم شدن یهودی با استدلال امام علیه السلام ۱۴۵
- ۵۹- امام علی علیه السلام پیروز همه می دانه ۱۴۷
- ۶۰- از فقر به خدا پناه ببرید ۱۴۹
- ۶۱- برای کسب دانش پرسش کن نه برای ایجاد زحمت ۱۵۰
- ۶۲- مشورت با رهبر و اطاعت از او ۱۵۱

- ۶۳- توصیه به آرام نمودن زنان در مصیبت ها ۱۵۲
- ۶۴- گفت و گوی امام علیه السلام با کشته شدگان خوارج ۱۵۳
- ۶۵- از ارتکاب گناه در خلوت بپرهیزید ۱۵۵
- ۶۶- در مصیبت ها اندوه دوستان به اندازه شادی دشمنان است ۱۵۷
- ۶۷- تمام حجت خداوند تا سن ۶۰ سالگی است ۱۵۸
- ۶۸- پیروزی با گناه پیروزی نیست ۱۶۰
- ۶۹- گرسنگی فقیر از زیاده خواهی ثروتمند است ۱۶۱
- ۷۰- بی نیاز بودن از عذرخواهی بهتر است ۱۶۲
- ۷۱- با نعمت خداوند نافرمانی او نکنید ۱۶۳
- ۷۲- طاعت خداوند غنیمت زیرکان است ۱۶۴
- ۷۳- سلطان (عادل) پاسدار الهی در زمین است ۱۶۵
- ۷۴- شادی مؤمن در چهره او و اندوهش در سینه اوست ۱۶۶
- ۷۵- اندیشه در سرانجام امور ۱۶۸
- ۷۶- هر کس در اموالش دو شریک دارد ۱۷۰
- ۷۷- تا وعده نداده ای آزادی ۱۷۱
- ۷۸- دعوت کننده بی عمل کماندار بدون زه است ۱۷۲
- ۷۹- حلم دو گونه است ۱۷۳
- ۸۰- رای صائب با قدرت همراه است ۱۷۴
- ۸۱- عفت زینت فقر است ۱۷۵
- ۸۲- روز مظلوم علیه ظالم، سخت تر از روز ظالم علیه مظلوم است ۱۷۶
- ۸۳- بی نیاز واقعی ۱۷۸
- ۸۴- هر کس در گرو اعمال خویش است ۱۷۹
- ۸۵- توصیه مؤکد به رعایت تقوای الهی ۱۸۰
- ۸۶- عدم توانایی برگناه مصونیت است ۱۸۱
- ۸۷- آبروی خود را نزد هر کس مریز ۱۸۲
- ۸۸- ستایش بیش از حد تملق است ۱۸۳

- ۱۸۴-۸۹-گناه هر چه باشد کوچک مشمار.....
- ۱۸۵-۹۰-پانزده اندرز بازدارنده.....
- ۱۸۷-۹۱-سه نشانه ستمگران.....
- ۱۸۸-۹۲-بعد از سختی ها آسانی آشکار می شود.....
- ۱۸۹-۹۳-همه دل مشغولی هایت برای اهل و عیال نباشد.....
- ۱۹۰-۹۴-بزرگترین عیب هر کسی.....
- ۱۹۱-۹۵-اینچنین مبارک باد بگویند.....
- ۱۹۲-۹۶-درهم و دینار از ساختمان سر بر می آورد.....
- ۱۹۳-۹۷-روزی هر کس به دست او خواهد.....
- ۱۹۴-۹۸-مرگ را همچون سفر تلقی کنید.....
- ۱۹۵-۹۹-از استدراج ترسان باشید.....
- ۱۹۷-۱۰۰-اسیران حرص و رغبت به دنیا.....
- ۱۹۹-۱۰۱-سخن افراد را حتی المقدور حمل بر فساد مکن.....
- ۲۰۰-۱۰۲-حاجت خود از خداوند را با صلوات توأم کن.....
- ۲۰۱-۱۰۳-از بحث لجاجت آمیز دوری کن.....
- ۲۰۲-۱۰۴-شتاب و سستی در عمل هر دو غلط است.....
- ۲۰۳-۱۰۵-از مسائل تحقق نیافتنی سوال نکن.....
- ۲۰۴-۱۰۶-اندیشه آینه شفاف و درخشنده.....
- ۲۰۵-۱۰۷-علم پیوسته با عمل همراه است.....
- ۲۰۷-۱۰۸-متاع دنیا و باخیز است.....
- ۲۱۰-۱۰۹-ثواب بر طاعت است و کیفر بر گناه.....
- ۲۱۱-۱۱۰-پیشگویی امام درباره قرآن، اسلام، مساجد و...
.....
- ۲۱۳-۱۱۱-توصیه امام علیه السلام به تقوا.....
- ۲۱۵-۱۱۲-بالاترین شرافت اسلام است.....
- ۲۱۸-۱۱۳-استواری دین و دنیا بر چهار چیز است.....
- ۲۲۰-۱۱۴-مبارزه با ظلم و ستم با قلب و زبان و دست و جوارح.....

- ۱۱۵-مراحل سه گانه جهاد و مبارزه با منکرات ۲۲۲
- ۱۱۶-اولین مرحله جهاد ۲۲۴
- ۱۱۷-حق گوارا و باطل مرگ آور است ۲۲۶
- ۱۱۸-خوف و رجا دو بال پرواز ۲۲۷
- ۱۱۹-بخل جامع تمام عیوب است ۲۲۹
- ۱۲۰-روزی دو گونه است ۲۳۱
- ۱۲۱-عدم اعتماد به بی اعتباری دنیا ۲۳۳
- ۱۲۲-خود را اسیر سخنت نکن ۲۳۴
- ۱۲۳-آنچه ندانی مگو، آنچه دانی همه را مگو ۲۳۶
- ۱۲۴-در وقت معصیت خداوند غایب و در وقت اطاعت حاضر باش ۲۳۸
- ۱۲۵-با آنچه می بینی به دنیا ۲۴۰
- ۱۲۶-دلیل پستی دنیا ۲۴۲
- ۱۲۷-جوینده یابنده بود ۲۴۳
- ۱۲۸-خوبی که جهنم در پی دارد خوبی نیست ۲۴۵
- ۱۲۹-بلائی فقر و بیماری جسم و جان ۲۴۷
- ۱۳۰-عمل، شرط موفقیت است نه عمل ۲۴۸
- ۱۳۱-ساعات شبانه روز را به سه بخش تقسیم کن ۲۴۹
- ۱۳۲-بی اعتنایی به دنیا، عیوب آن را آشکار می کند ۲۵۱
- ۱۳۳-سخن بگو تا شناخته شوی ۲۵۳
- ۱۳۴-در طلب دنیا معقول تلاش کن ۲۵۴
- ۱۳۵-بسا سخنی که از قدرت شمشیر نافذتر است ۲۵۵
- ۱۳۶-قناعت برای تو کافیست ۲۵۶
- ۱۳۷-مرگ آری،تن به ذلت دادن نه ۲۵۷
- ۱۳۸-مشک عطر خوبی است ۲۵۹
- ۱۳۹-فخر فروشی را کنار بگذار ۲۶۰
- ۱۴۰-حق پدر و فرزند بر یکدیگر ۲۶۱

- ۱۴۱- چشم زخم، حق است ۲۶۳
- ۱۴۲- هماهنگی با مردم موجب رفع کینه هاست ۲۶۵
- ۱۴۳- پر نیاورده فکر پرواز نباش ۲۶۶
- ۱۴۴- به کارهای مختلف پرداختن تو را به هدف نمی رساند ۲۶۷
- ۱۴۵- معنی لا حول و لا قوة الا بالله ۲۶۸
- ۱۴۶- پرهیز از جز و بحث با انسان های لجوج ۲۷۰
- ۱۴۷- تواضع ثروتمندان در برابر مستمندان، بزرگ منشی مستمندان در برابر اغنیا ۲۷۲
- ۱۴۸- عقل موجب نجات است ۲۷۴
- ۱۴۹- هرکه با حق در افتد برافتد ۲۷۵
- ۱۵۰- قلب، کتاب چشم است ۲۷۶
- ۱۵۱- پرهیزگاری رئیس صفات پسندیده است ۲۷۷
- ۱۵۲- ادب در برابر استاد ۲۷۸
- ۱۵۳- آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگری میسند ۲۷۹
- ۱۵۴- چون آزادگان شکبیا باش ۲۸۰
- ۱۵۵- در مصیبت شکبیا باش و گرنه چون حیوانات غافل باش ۲۸۱
- ۱۵۶- دنیا می فریبید و می گذرد ۲۸۳
- ۱۵۷- برای غیر از خود چیزی وامگذار ۲۸۵
- ۱۵۸- شرایط استغفار ۲۸۷
- ۱۵۹- شکبیبایی همچون قبیله پشتوانه است ۲۸۹
- ۱۶۰- بیچاره فرزند آدم ۲۹۰
- ۱۶۱- جواب دشنام، دشنام یا عفو است ۲۹۱
- ۱۶۲- عقل آن مقدار که راه را از چاه باز شناسی کافیس ۲۹۳
- ۱۶۳- کار نیک را کم ندانید ۲۹۴
- ۱۶۴- کسی که درونش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح نماید ۲۹۶
- ۱۶۵- عیوب اخلاقی خود را با حلم ببوشانید ۲۹۷
- ۱۶۶- ببخش تا خداوند بر تو ببخشاید ۲۹۹

- ۱۶۷- بر ثروت و سلامتی خود تکیه مکن ۳۰۰
- ۱۶۸- مشکل خود را جز به مؤمن مگو ۳۰۱
- ۱۶۹- ویژگی روز عید ۳۰۲
- ۱۷۰- بزرگترین حسرت در قیامت ۳۰۴
- ۱۷۱- زیانکارترین مردم ۳۰۵
- ۱۷۲- قسمت و روزی دو گونه است ۳۰۷
- ۱۷۳- ویژگی اولیاء الهی ۳۰۹
- ۱۷۴- پایان لذات و آغاز آثار سوء آنها ۳۱۲
- ۱۷۵- آزمایش کن تا بشناسی ۳۱۳
- ۱۷۶- شکر و فزونی نعمت دعا و اجابت، توبه، آمرزش ۳۱۴
- ۱۷۷- شایسته‌ترین مردم به کرم معترف کریمان است ۳۱۵
- ۱۷۸- عدل هر چیزی را در جای خود قرار می دهد ۳۱۶
- ۱۷۹- تمام زهد در دو جمله قرآن آمده است ۳۱۸
- ۱۸۰- خواب شکننده تصمیم ها است ۳۲۰
- ۱۸۱- مقامات حکومتی میدان مسابقه مردان است ۳۲۱
- ۱۸۲- بهترین شهر، شهری است که پذیرای تو باشد ۳۲۲
- ۱۸۳- توصیف مالک اشتر نخعی ۳۲۳
- ۱۸۴- خصلت های خوب پی در پی است ۳۲۵
- ۱۸۵- بهترین راه مصرف مال ۳۲۶
- ۱۸۶- تجارت بدون علم، احتمال رباخواری دارد ۳۲۸
- ۱۸۷- مصیبت های کوچک را بزرگ نشمارید ۳۲۹
- ۱۸۸- برای آدم با شخصیت شهوت خوار است ۳۳۰
- ۱۸۹- در شوخی بیجا شخصیت فرو میریزد ۳۳۲
- ۱۹۰- میل و بی میلی نسبت به دیگران را اندازه نگه دار ۳۳۳
- ۱۹۱- فقر و غنی در پیشگاه خداوند آشکار می شود ۳۳۴
- ۱۹۲- زبیر با ما بود تا پسرش بزرگ شد ۳۳۵

- ۱۹۳- تکبر شایسته انسان نیست ----- ۳۳۶
- ۱۹۴- برترین شعرای عرب ----- ۳۳۸
- ۱۹۵- آزاد مرد دنیا را وامی نهد ----- ۳۴۰
- ۱۹۶- دوگرسنه که سیر نمی شوند ----- ۳۴۲
- ۱۹۷- شرایط ایمان واقعی ----- ۳۴۳
- ۱۹۸- آفت انسان در تدبیر اوست ----- ۳۴۴
- ۱۹۹- همت بلند، بردباری و ترک شتاب تولید می کند ----- ۳۴۶
- ۲۰۰- غیبت نمودن تلاش شخص ناتوان است ----- ۳۴۷
- ۲۰۱- تعریف بیجا فریب می دهد ----- ۳۴۹
- ۲۰۲- دنیا برای غیرش آفریده شده ----- ۳۵۰
- ۲۰۳- مهلت بنی امیه برای حکومت ----- ۳۵۱
- ۲۰۴- توصیف یاران باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ----- ۳۵۲
- ۲۰۵- وصف یکی از حاکمان مسلمان ----- ۳۵۳
- ۲۰۶- دندان فشردن برای جمع مال بیجا ----- ۳۵۴
- ۲۰۷- افراط و تفریط در مورد امام ----- ۳۵۶
- ۲۰۸- معنی توحید و عدل ----- ۳۵۷
- ۲۰۹- دعای باران ----- ۳۵۹
- ۲۱۰- خضاب نمودن ----- ۳۶۰
- ۲۱۱- خاجر و پاداش فرد عفیف و خویشتن دار ----- ۳۶۱
- ۲۱۲- قناعت ثروتی پایان ناپذیر ----- ۳۶۲
- ۲۱۳- عدالت پیشه کن ----- ۳۶۳
- ۲۱۴- بدترین گناهان ----- ۳۶۵
- ۲۱۵- پیمان علما و دانشمندان ----- ۳۶۶
- ۲۱۶- بدترین برادران ----- ۳۶۷
- ۲۱۷- اسباب جدایی مؤمن از برادر با ایمانش ----- ۳۶۸
- فهرست الفبایی ----- ۳۷۰

دفتر دوم نهج البلاغه : شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه

مشخصات کتاب

سرشناسه: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق.

Ali ibn abiTalib, Imam I, 600-661'

عنوان قراردادی: نهج البلاغه. فارسی - عربی. برگزیده. شرح

NahjolBalaghah .Persian- Arabic . Selection. Commantries

پیام امام امیرالمومنین علیه السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه. برگزیده

ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: نهج البلاغه/ مولف سید مهدی طباطبایی.

مشخصات نشر: اصفهان: سلام سپاهان، 1401 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ج. 1 978-964-218-431-6:

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده از کتاب "پیام امام امیرالمومنین علیه السلام" نوشته مکارم شیرازی و همچنین کتاب "ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام" ترجمه محمد دشتی است.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. -- کلمات قصار

موضوع: Ali ibn Abitalib, Imam I, 600-661 -- Quotations

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. . نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

موضوع: Ali ibn Abitalib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Criticism and interpretation

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. . نهج البلاغه -- کلمات قصار

موضوع: Ali ibn Abitalib, Imam I. Nahjol – Balaghah -- Quotations

شناسه افزوده: طباطبایی پور، سیدمهدی، 1330 -، گردآورنده

شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. نهج البلاغه. شرح

شناسه افزوده: Ali ibn Abitalib, Imam I Commantries. Nahjol – Balaghah.

شناسه افزوده: مکارم شیرازی، ناصر، 1305 - . پیام امام امیرالمومنین علیه السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه

شناسه افزوده: دشتی، محمد، 1330-1380. ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام

رده بندی کنگره: BP38/0422

رده بندی دیویی: 297/9515

شماره کتابشناسی ملی: 9019339

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ص: 1

اشاره

دفتر دوم نهج البلاغه

به کوشش
سید مهدی طباطبایی



پوسه حالو نشر

•• عنوان کتاب: دفتر دوم نهج البلاغه ••

•• به کوشش: سید مهدی طباطبایی ••

ناشر: سلام سپاهان

مدیر تولید: مرتضی قاسم پور

تعداد صفحات: ۳۶۰ صفحه - قطع: رقعی

شمارگان: ۴۰۰۰ جلد

شابک: ۱-۴۵۲-۲۱۸-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۸-۴۵۳-۲۱۸-۹۶۴-۹۷۸

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۲

چاپ: مؤسسه چاپ و نشر سلام

بهاء: ۸۰,۰۰۰ تومان



| | |
|-------------------------|---|
| سرشناسه | : علی بن ابی‌طالب (ع) امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. 661-600, Imam I, Ali ibn Abi-Talib |
| عنوان قراردادی | : نهج‌البلاغه، فارسی - عربی، برگزیده، شرح Nahjol-Balaghah, Persian- Arabic, Selection, Commantries پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه برگزیده ترجمه نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، برگزیده دفتر دوم نهج‌البلاغه / مولف سیدمهدی طباطبائی. اسفهان: سلام سیاهان، ۱۳۰۲. |
| عنوان و نام پدیدآور | : ۳۶۰ ص. |
| مشخصات نشر | : ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۸-۴۳۱-۶ |
| مشخصات ظاهری | : فیا |
| شابک | : فارسی - عربی |
| وضعیت فهرست نویسی | : کتاب حاضر برگزیده از کتاب "پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام" نوشته مکارم‌شیرازی و همچنین کتاب "ترجمه نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام" ترجمه محمد دشتی است. |
| یادداشت | : علی بن ابی‌طالب (ع) ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - کلمات قصار Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 - Quotations |
| یادداشت | : علی بن ابی‌طالب (ع) ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه - نقد و تفسیر Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah - Criticism and interpretation |
| موضوع | : علی بن ابی‌طالب (ع) ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه - کلمات قصار Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah - Quotations |
| موضوع | : طباطبائی، سیدمهدی، ۱۳۲۰ - گردآورنده |
| شناسه افزوده | : علی بن ابی‌طالب (ع) ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج‌البلاغه، شرح Nahjol - Balaghah, Commantries, Ali ibn Abi-talib, Imam I |
| شناسه افزوده | : مکارم‌شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ - پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه دشتی، محمد، ۱۳۳۰ - ۱۳۸۰، ترجمه نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام |
| شناسه افزوده | : ۴۳۲/BPr8 |
| رده بندی کنگره | : ۹۵۱۵/۳۶۷ |
| رده بندی دیوبند | : ۹۰۱۹۳۳۶ |
| شماره کتابشناسی ملی | : فیا |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | |

فهرست

- مقدمه ۱۳
- ۱۹- مرز حلال و حرام الهی را حفظ کنید ۵۱
- ۲۰- آثار دوستی اهل بیت علیهم السلام ۵۳
- ۲۱- فنا در بقا، بیماری در سلامت و فقر در دارایی در کمین انسان است ۵۴
- ۲۲- شش عامل شگفتی از انسان ۵۵
- ۲۳- کوتاهی در عمل، اندوه در پی دارد ۵۸
- ۲۴- از سرمای آغاز بهار استقبال کنید ۵۹
- ۲۵- صحبت امام علیه السلام با اهل قبور ۶۱
- ۲۶- هشدار امام علیه السلام به مذمت کننده دنیا ۶۴
- ۲۷- سخنان امام علیه السلام با کمیل بن زیاد ۶۹
- ۲۸- سی هشدار اخلاقی امام علیه السلام به مردم ۷۶
- ۲۹- برادرت را با نیکی به آن سرزنش کن ۸۲
- ۳۰- انسان در دنیا همواره هدف تیرهای مرگ است ۸۳
- ۳۱- هنگام خشم باید خود را فرو نشانند ۸۵
- ۳۲- کلمه حقی که اراده باطل از آن می شود ۸۷
- ۳۳- صفت شورشگران ۸۸
- ۳۴- خوش آمد مباد ۹۰
- ۳۵- محافظت دو ملک از انسان ۹۱
- ۳۶- مشارکت در خلافت معنا ندارد ۹۳
- ۳۷- دنیا همچون شتر بدخو است ۹۴
- ۳۸- برای تقوای الهی دامن همت به کمر زنید ۹۶
- ۳۹- سیزده اندرز آموزنده و آثار آن ۹۷
- ۴۰- هر کس به نوایی رسید طغیان می کند ۱۰۰
- ۴۱- سستی در اطاعت تضييع حقوق دیگران است ۱۰۱
- ۴۲- قدرت یافتن بر چیزی علاقه را کم می کند ۱۰۲
- ۴۳- بیست اندرز آموزنده ۱۰۳
- ۴۴- نحوه سوگند دادن ظالم ۱۰۵
- ۱۳- ۱۳
- ۱۷- در فتنه ها کنارگیری کن ۱۷
- ۱۹- برترین پارسایی ۱۹
- ۳- پشت کردن زندگی و ملاقات مرگ سریع است ۲۰
- ۴- پرده پوشی خداوند از گناهان ۲۱
- ۵- عقل، خوشرویی، تحمل سختی ها، از خود راضی بودن ۲۲
- ۵-۱- صبر بر ۴ پایه استوار است ۲۲
- ۵-۲- یقین بر ۴ پایه استوار است ۲۲
- ۵-۳- عدل بر ۴ پایه استوار است ۲۲
- ۵-۴- جهاد بر ۴ پایه استوار است ۲۲
- ۵-۵- کفر بر ۴ پایه استوار است ۲۳
- ۵-۶- شک بر ۴ پایه استوار است ۲۳
- ۶- نسبت دادن کارهایی بد به مردم عکس العمل مشابه دارد ۲۸
- ۷- آداب و رسوم غلط بین مردم و امیران ۲۹
- ۸- بیماری سبب ریزش گناهان است ۳۱
- ۹- کسی که در تمام عمرش مجاهد بود. (خباث) ۳۳
- ۱۰- آخر کارها را با آغازش بسنجید ۳۵
- ۱۱- فلسفه قضا و قدر ۳۷
- ۱۲- بازماندگان شمشیر بقای بیشتری دارند ۳۹
- ۱۳- رأی پیر از چالاکي جوان بهتر است ۴۰
- ۱۴- دو امان مردم زمین از عذاب الهی ۴۲
- ۱۵- فقیه واقعی کیست؟ ۴۴
- ۱۶- آزمایش الهی از مردم حتمیست ۴۵
- ۱۷- خیر و نیکی در چیست؟ ۴۷
- ۱۸- فلسفه لباس ساده پوشیدن امام علیه السلام ۴۹

حکمت‌ها

- ۴۵- جمعی که از حل مشکلات خود ۶۵- از ارتکاب گناه در خلوت پرهیزید... ۱۳۴
- عاجزند چگونه توان حل مشکل ۶۶- در مصیبت‌ها اندوه دوستان به دیگری را دارند؟ ۱۰۶
- ۴۶- حق را بشناس آنگاه اهل حق را ۶۷- اتمام حجت خداوند تا سن ۶۰ اندازۀ شادی دشمنان است ۱۳۶
- خواهی شناخت ۱۰۸ سالگی است ۱۳۷
- ۴۷- زیورهای کعبه را به همان حال ۶۸- پیروزی با گناه پیروزی نیست ۱۳۹
- واگذارید ۱۱۰ ۶۹- گرسنگی فقیر از زیاده خواهی
- ۴۸- حل کسی که به خودضربه می‌زند ثروتمند است ۱۴۰
- تادشمن را نلبود کند ۱۱۲ ۷۰- بی نیاز بودن از عذر خواهی
- ۴۹- افراط در دشمنی گناه آلود است ۱۱۳ بهتر است ۱۴۱
- ۵۰- فرصت دو رکعت نماز پس از ۷۱- بانعمت خداوند نافرمانی او نکنید ۱۴۲
- ارتکاب گناه ۱۱۴ ۷۲- طاعت خداوند غنیمت زیرکان است ۱۴۳
- ۵۱- انسان غیر تمند زناکار نیست ۱۱۵ ۷۳- سلطان عادل پاسدار خدا در
- ۵۲- سرنوشت قطعی حافظ انسان است ۱۱۶ زمین است ۱۴۴
- ۵۳- تحقق نفرین امام علیه السلام به انس ۷۴- شادی مؤمن در چهره او و اندوهش
- بن مالک ۱۱۷ در سینه اوست ۱۴۵
- ۵۴- قرآن جامع اخبار پیشینیان و آیندگان ۱۱۹ ۷۵- اندیشه در سرانجام امور ۱۴۷
- ۵۵- گاهی بدی را تنها با بدی باید ۷۶- هر کس در اموالش دو شریک دارد ۱۴۹
- جبران کرد ۱۲۰ ۷۷- تا وعده نداده‌ای آزادی ۱۵۰
- ۵۶- قوانین خوش خطی ۱۲۱ ۷۸- دعوت کننده بی عمل کماندار
- ۵۷- امام علیه السلام یعسوب مؤمنین ۱۲۲ بدون زه است ۱۵۱
- ۵۸- محکوم شدن یهودی با استدلال ۷۹- حلم دو گونه است ۱۵۲
- امام علیه السلام ۱۲۴ ۸۰- رای صائب با قدرت همراه است ۱۵۳
- ۵۹- امام علی علیه السلام پیروز همه میدانها ۱۲۶ ۸۱- عفت زینت فقر است ۱۵۴
- ۶۰- از فقر به خدا پناه ببرید ۱۲۸ ۸۲- روز مظلوم علیه ظالم، سخت تر از
- ۶۱- برای کسب دانش پرسش کن نه روز ظالم علیه مظلوم است ۱۵۵
- برای ایجاد زحمت ۱۲۹ ۸۳- بی نیاز واقعی ۱۵۷
- ۶۲- مشورت با رهبر و اطاعت از او ۱۳۰ ۸۴- هر کس در گرو اعمال خویش است ۱۵۸
- ۶۳- توصیه به آرام نمودن زنان در ۸۵- توصیه مؤکد به رعایت تقوای الهی ۱۵۹
- مصیبت‌ها ۱۳۱ ۸۶- عدم توانایی برگناه مصونیت است ۱۶۰
- ۶۴- گفت و گوی امام علیه السلام با کشته ۸۷- آبروی خود را نزد هر کس مریز ۱۶۱
- شدگان خوارج ۱۳۲ ۸۸- ستایش بیش از حد تملق است ۱۶۲

- ۸۹- گناه هر چه باشد کوچک مشمار..... ۱۶۳ ۱۱۴- مبارزه با ظلم و ستم با قلب و زبان
- ۹۰- پانزده اندرز بازدارنده..... ۱۶۴ و دست و جوارح..... ۱۹۹
- ۹۱- سه نشانه ستمگران..... ۱۶۶ ۱۱۵- مراحل سه گانه جهاد و مبارزه
- ۹۲- بعد از سختی ها آسانی آشکار می شود..... ۱۶۷ با منکرات..... ۲۰۱
- ۹۳- همه دل مشغولی هایت برای اهل..... ۱۱۶- اولین مرحله جهاد..... ۲۰۳
- و عیال نباشد..... ۱۶۸ ۱۱۷- حق گوارا و باطل مرگ آور است..... ۲۰۵
- ۹۴- بزرگترین عیب هر کسی..... ۱۶۹ ۱۱۸- خوف و رجا دو بال پرواز..... ۲۰۶
- ۹۵- اینچنین مبارک باد بگویند..... ۱۷۰ ۱۱۹- بخل جامع تمام عیوب است..... ۲۰۸
- ۹۶- درهم و دینار از ساختمان سر..... ۱۲۰- روزی دو گونه است..... ۲۱۰
- بر می آورد..... ۱۷۱ ۱۲۱- عدم اعتماد به بی اعتباری دنیا..... ۲۱۲
- ۹۷- روزی هر کس به دست او خواهد..... ۱۲۲- خود را اسیر سخت نکن..... ۲۱۳
- رسید..... ۱۷۲ ۱۲۳- آنچه ندانی مگو، آنچه دانی همه
- ۹۸- مرگ را همچون سفر تلقی کنید..... ۱۷۳ را مگو..... ۲۱۵
- ۹۹- از استدراج ترسان باشید..... ۱۷۴ ۱۲۴- در وقت معصیت خلوند غایب و در
- ۱۰۰- اسیران حرص و رغبت به دنیا..... ۱۷۶ وقت اطاعت حاضر باش..... ۲۱۷
- ۱۰۱- سخن افسراد را حتی المقدور حمل..... ۱۲۵- با آنچه می بینی به دنیا
- بر فساد مکن..... ۱۷۸ اعتماد نکن..... ۲۱۹
- ۱۰۲- حاجت خود از خداوند را با صلوات..... ۱۲۶- دلیل پستی دنیا..... ۲۲۱
- توأم کن..... ۱۷۹ ۱۲۷- جوینده یابنده بود..... ۲۲۲
- ۱۰۳- از بحث لجاجت آمیز دوری کن..... ۱۸۰ ۱۲۸- خوبی که جهنم در پی دارد
- ۱۰۴- شتاب و سستی در عمل هر دو خوبی نیست..... ۲۲۴
- غلط است..... ۱۸۱ ۱۲۹- بلای فقر و بیماری جسم و جان..... ۲۲۶
- ۱۰۵- از مسائل تحقق نیافتنی سوال نکن..... ۱۸۲ ۱۳۰- عمل شرط موفقیت است نه نسب..... ۲۲۷
- ۱۰۶- اندیشه آینه شفاف و درخشنده..... ۱۸۳ ۱۳۱- ساعات شبانه روز را به سه بخش
- ۱۰۷- علم پیوسته با عمل همراه است..... ۱۸۴ تقسیم کن..... ۲۲۸
- ۱۰۸- متاع دنیا و باخیز است..... ۱۸۶ ۱۳۲- بی اعتنائی به دنیا، عیوب آن را
- ۱۰۹- ثواب بر طاعت است و کیفر بر گناه..... ۱۸۹ آشکار می کند..... ۲۳۰
- ۱۱۰- پیشگویی امام علیه السلام درباره قرآن،..... ۱۳۳- سخن بگو تا شناخته شوی..... ۲۳۲
- اسلام، مساجد و..... ۱۹۰ ۱۳۴- در طلب دنیا معقول تلاش کن..... ۲۳۳
- ۱۱۱- توصیه امام علیه السلام به تقوا..... ۱۹۲ ۱۳۵- بسا سخنی که از قدرت شمشیر
- ۱۱۲- بالاترین شرافت اسلام است..... ۱۹۴ نافذتر است..... ۲۳۴
- ۱۱۳- استواری دین و دنیا بر چهار چیز است..... ۱۹۷ ۱۳۶- قناعت برای تو کافیست..... ۲۳۵

- ۱۳۷- مرگ آری، تن به ذلت دادن نه..... ۲۳۶
- ۱۳۸- مشک عطر خوبی است..... ۲۳۸
- ۱۳۹- فخر فروشی را کنار بگذار..... ۲۳۹
- ۱۴۰- حق پدر و فرزند بر یکدیگر..... ۲۴۰
- ۱۴۱- چشم زخم، حق است..... ۲۴۲
- ۱۴۲- هماهنگی با مردم موجب رفع کینه‌هاست..... ۲۴۴
- ۱۴۳- پرنیاورده فکر پرواز نباش..... ۲۴۵
- ۱۴۴- به کارهای مختلف پرداختن تو را به هدف نمی‌رساند..... ۲۴۶
- ۱۴۵- معنی لا حول و لا قوة الا بالله..... ۲۴۵
- ۱۴۶- پرهیز از جرّ و بحث با انسان‌های لجوج..... ۲۴۹
- ۱۴۷- تواضع ثروتمندان در برابر مستمندان، بزرگ منشی مستمندان در برابر اغنیا..... ۲۵۱
- ۱۴۸- عقل موجب نجات است..... ۲۵۳
- ۱۴۹- هر که با حق در افتد برافتد..... ۲۵۴
- ۱۵۰- قلب، کتاب چشم است..... ۲۵۵
- ۱۵۱- پرهیزگاری رئیس صفات پسندیده است..... ۲۵۶
- ۱۵۲- ادب در برابر استاد..... ۲۵۷
- ۱۵۳- آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگری مپسند..... ۲۵۸
- ۱۵۴- چون آزادگان شکیبیا باش..... ۲۵۹
- ۱۵۵- در مصیبت شکیبیا باش و گرنه چون حیوانات غافل باش..... ۲۶۰
- ۱۵۶- دنیا می‌فریبد و می‌گذرد..... ۲۶۲
- ۱۵۷- برای غیر از خود چیزی وامگذار..... ۲۶۴
- ۱۵۸- شرایط استغفار..... ۲۶۶
- ۱۵۹- شکیبایی همچون قبیله پشتوانه است..... ۲۶۸
- ۱۶۰- بیچاره فرزند آدم..... ۲۶۹
- ۱۶۱- جواب دشنام، دشنام یا عفو است..... ۲۷۰
- ۱۶۲- عقل آن مقدر که راه را از چاه باز شناسی کفایت..... ۲۷۲
- ۱۶۳- کار نیک را کم ندانید..... ۲۷۳
- ۱۶۴- کسی که درونش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح نماید..... ۲۷۵
- ۱۶۵- عیوب اخلاقی خود را با حلم بپوشانید..... ۲۷۶
- ۱۶۶- ببخش تا خداوند بر تو ببخشد..... ۲۷۸
- ۱۶۷- بر ثروت و سلامتی خود تکیه مکن..... ۲۷۹
- ۱۶۸- مشکل خود را جز به مؤمن مگو..... ۲۸۰
- ۱۶۹- ویژگی روز عید..... ۲۸۱
- ۱۷۰- بزرگترین حسرت در قیامت..... ۲۸۳
- ۱۷۱- زیانکارترین مردم..... ۲۸۴
- ۱۷۲- قسمت و روزی دو گونه است..... ۲۸۶
- ۱۷۳- ویژگی اولیاء الهی..... ۲۸۸
- ۱۷۴- پایان لذات و آغاز آثار سوء آنها..... ۲۹۱
- ۱۷۵- آزمایش کن تا بشناسی..... ۲۹۲
- ۱۷۶- شکر و فزونی نعمت دعا و اجابت، توبه، آمرزش..... ۲۹۳
- ۱۷۷- شایسته‌ترین مردم به کرم معرف کریمان است..... ۲۹۴
- ۱۷۸- عدل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد..... ۲۹۵
- ۱۷۹- تمام زهد در دو جمله قرآن آمده است..... ۲۹۷
- ۱۸۰- خواب شکننده تصمیم‌ها است..... ۲۹۹
- ۱۸۱- مقامات حکومتی میدان مسابقه مردان است..... ۳۰۰
- ۱۸۲- بهترین شهر، شهری است که پذیرای تو باشد..... ۳۰۱

- ۱۸۳- توصیف مالک اشتر نخعی..... ۳۰۲ ۲۰۷- افراط و تفریط در مورد امام..... ۳۳۵
- ۱۸۴- خصلت‌های خوب پی در پی است..... ۳۰۴ ۲۰۸- معنی توحید و عدل..... ۳۳۶
- ۱۸۵- بهترین راه مصرف مال..... ۳۰۵ ۲۰۹- دعای باران..... ۳۳۸
- ۱۸۶- تجارت بدون علم، احتمال..... ۲۱۰- خضاب نمدن..... ۳۳۹
- ریاخواری دارد..... ۳۰۷ ۲۱۱- خاجر و پاداش فرد عفیف
- ۱۸۷- مصیبت‌های کوچک را بزرگ و خویش‌تن دار..... ۳۴۰
- نشمارید..... ۳۰۸ ۲۱۲- قناعت ثروتی پایان ناپذیر..... ۳۴۱
- ۱۸۸- برای آدم با شخصیت شهوت..... ۲۱۳- عدالت پیشه کن..... ۳۴۲
- خوار است..... ۳۰۹ ۲۱۴- بدترین گناهان..... ۳۴۴
- ۱۸۹- در شوخی بیجا شخصیت فرو..... ۲۱۵- پیمان علما و دانشمندان..... ۳۴۵
- می‌ریزد..... ۳۱۱ ۲۱۶- بدترین برادران..... ۳۴۶
- ۱۹۰- میل و بی میلی نسبت به دیگران..... ۲۱۷- اسباب جدایی مؤمن از برادر
را اندازه نگه دار..... ۳۱۲ با ایمانش..... ۳۴۷
- ۱۹۱- فقر و غنی در پیشگاه خداوند آشکار
می‌شود..... ۳۱۳
- ۱۹۲- زیر بار ما بود تا پسرش بزرگ شد..... ۳۱۴
- ۱۹۳- تکبر شایسته انسان نیست..... ۳۱۵
- ۱۹۴- برترین شعرای عرب..... ۳۱۷
- ۱۹۵- آزاد مرد دنیا را وا می‌نهد..... ۳۱۹
- ۱۹۶- دو گرسنه که سیر نمی‌شوند..... ۳۲۱
- ۱۹۷- شرایط ایمان واقعی..... ۳۲۲
- ۱۹۸- آفت انسان در تدبیر اوست..... ۳۲۳
- ۱۹۹- همت بلند، بردباری و ترک شتاب
تولید می‌کند..... ۳۲۵
- ۲۰۰- غیبت نمودن تلاش شخص
ناتوان است..... ۳۲۶
- ۲۰۱- تعریف بیجا فریب می‌دهد..... ۳۲۸
- ۲۰۲- دنیا برای غیرش آفریده شده..... ۳۲۹
- ۲۰۳- مهلت بنی امیه برای حکومت..... ۳۳۰
- ۲۰۴- توصیف یاران باوفای پیامبر ﷺ..... ۳۳۱
- ۲۰۵- وصف یکی از حاکمان مسلمان..... ۳۳۲
- ۲۰۶- دندان فشردن برای جمع مال بی جا..... ۳۳۳

مقدمه

در مقدمه دفتر دوم نهج البلاغه با توفیقات الهی و عنایات خاص امیر بیان امیرالمومنین علی علیه السلام کتاب دفتر اول نهج البلاغه که در نیمه اول دی ماه 1401 به دست علاقه مندان حضرتش رسید مورد استقبال شگرف و کم نظیر خوانندگان قرار گرفت به گونه ای که تا روزهای پایان سال 1401 چاپ بیستم آن به زیور طبع آراسته گشت. این علاقه مندی کم سابقه که ناشر کتاب را هم به تلاش و تکاپوی مضاعف واداشت (تا بتواند جوابگوی درخواست خوانندگان باشد) دلایل مختلفی دارد که مهمترین و بنیادی ترین آن کلامی است که از خود مولا علی علیه السلام در خطبه کوتاه 57 نهج البلاغه ذکر شده است.

آنجا که حضرت علیه السلام می فرمایند:

أَمَّا إِنَّهُ سَيُظْهِرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحْبُ الْبُلْعُومِ مُنْذِحِقُ الْبُطْنِ يَأْكُلُ مَا يَجِدُ وَيَطْلُبُ مَا لَا يَجِدُ فَاقْتُلُوهُ وَلَنْ تَقْتُلُوهُ أَلَا وَإِنَّهُ سَيَأْمُرُكُمْ بِسَبِّي وَ
الْبِرَاءَةِ مِنِّي فَأَمَّا السَّبُّ فَسُبُّنِي فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ وَ لَكُمْ نَجَاةٌ وَ أَمَّا الْبِرَاءَةُ فَلَا تَتَبَرَّءُوا مِنِّي فَإِنِّي وُلِدْتُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ سَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَ الْهِجْرَةِ .

ص: 13

همانا پس از من مردی بر شما چیره شود، که گلوبی گشاده دارد و شکمی فراخ و برون افتاده. بخورد هر چه یابد و بجوید آن چه نیابد. اگر توانید او را بکشید، و نتوانیدش کشت. او شما را فرمان دهد تا مرا دشنام گوید و از من بیزاری جوید. اما دشنام، مرا دشنام دهید که برای من زکات است و برای شما نجات. اما بیزاری، از من بیزاری مجوید که من بر فطرت مسلمانی زادم، و در ایمان و هجرت از همه پیش افتادم.

بنابراین میزان اقبال هر انسان پاک طینت از کلام امام علی علیه السلام را باید در فطری بودن این سخن جستجو کرد. کلام امام علیه السلام نماد فطرت کامل توحیدی است آن گونه که سراسر وجود خود امام علیه السلام نیز در تمام ابعاد انسانی منطبق بر فطرت الهی و توحیدی می باشد.

قرآن در آیه ی 30 سوره روم می فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

جایی که یک دانشمند مسیحی بیش از 200 بار نهج البلاغه را می خواند و حفظ می کند و بر عمل بر آن می جوشد و

یک عالم معتزلی که تنها یک خطبه آن را در طول 50 سال بیش از هزار بار می خواند و سوگند یاد می کند که هر بار با مطالعه آن لفظی تازه و معنایی عمیق تر و مفاهیم نو نو یافتیم و در خود حرکتی خداجویی پیدا کردم، دلیل آن فطری بودن کلام امام علی بن ابیطالب علیه السلام است.

شخصی نقل می کند برای دیدار با جرج جرداق مسیحی در لبنان به منزلش رفتم. در کتابخانه مشغول مکالمه تلفنی بود، با خود گفتم یک نهج البلاغه پیدا کنم و در این لحظات مطالعه نمایم، اما هر چه پرداختم بدان دست نیافتم. جرج پس از اتمام مکالمه به من گفت چه می خواهی و چه می جویی؟ گفتم نهج البلاغه!

جرج لبخندی زد و گفت: جای نهج البلاغه که در طاقچه و قفسه کتابخانه نیست، جایش اینجاست و آنگاه از جیب بغل پالتو نهج البلاغه را درآورد بیرون آورد و به من داد.

از هزاران نکته بیدارکننده برای اثبات این موضوع اینکه نه تنها جامعه ما به نهج البلاغه، به علی علیه السلام، به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام ظلم کرده، بلکه به بشریت و آفرینش ظلم کرده که انسانیت را آنگونه که باید و شاید با این گنج نهران و این ذخیره پنهان در زیر خاک آشنا نکرده است.

درخانه اگر کس است یک حرف بس است

گر بگیریم تاقیامت چون سحاب *** می نگرود سرد این قلب کباب

اینک در نوروز سال 1402 که همزمان گشته با بهار قرآن ربیع العبادات ماه مبارک رمضان دفتر دوم نهج البلاغه که شامل مجموعه بیشتری از حکمت ها می باشد، تقدیم می گردد.

با تقدیم این مجلّد کلمات قصار پایان می یابد و چنانچه توفیق حاصل شد در مجلّات بعدی به حول و قوه الهی به نامه ها خواهیم پرداخت. انشالله

از همکاری همه دوستان نشر سلام که مخلصانه در این عرصه تلاش کردند و در این راه گام برداشتند و همکارانشان و به ویژه از صبوری خانواده که علیرغم بیماری بنده و اشتغالات فراوان بهترین مددکار برای این حرکت فرهنگی بودند تشکر می نمایم.

کمترین خادمان علی علیه السلام

سید مهدی طباطبایی

شب نیمه شعبان 1444 هجری قمری

ص: 16

1- در فتنه ها کنارگیری کن.

امام علی علیه السلام فرمود:

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرَ فَيَرْكَبَ وَلَا ضَرْعٌ فَيَحْلَبُ وَلَا وَبْرَةً فَتُسَلَبُ. (1)

در فتنه ها همچون شتر کم سن و سال باش، نه پشت او قوی شده که سوارش شوند نه پستانی دارد که بدوشند و نه پشمی دارد که آن را بچینند!

توضیح:

هدف امام علی علیه السلام این است که انسان به هنگام شورش های اهل باطل و فتنه های ناشی از خصومت آنها با یکدیگر، نباید آلت دست این و آن شود؛ باید خود را دور نگه دارد و به هیچ یک از دو طرف که هر دو اهل باطلاند کمک نکند.

باش همچون بچه اشتر در فتن *** تا بماند ایمن از آن جان و تن

بچه اشتر را نه پستان است و شیر *** تا از آن فتنه گران گردند سیر

هم ورا پُستی نباشد استوار *** تا بر آن فتنه گری گردد سوار

هم ندارد پشم و موئی بر بدن *** تا بیافد فتنه گرز آن پیرهن

پس مکن در فتنه خرج از آبرو *** رو که با فتنه نگردی رو برو

ص: 17

مال خود از فتنه گرها دور دار *** خویش را از این کمک معذور دار

در زمان فتنه رو عزلت گزین *** ورنه بازی می خوری از آن و این

یاری باطل نه کار عاقل است *** فتنه گر ابزار دستش جاهل است

«مهدی»

داخل نشوید در فتنه ای که به شما روی آورده و از جاده ای که به آن منتهی شود به یک سو شوید و از میانه راه کنار گیرید و آن را خالی بگذارید.

غرج 2 ش 7749

ص: 18

2- برترین پارسایی

امام علی علیه السلام فرمود:

أَفْضَلُ الزُّهْدِ، إِخْفَاءُ الزُّهْدِ. (1)

برترین نوع پارسایی مخفی داشتن پارسایی است.

توضیح:

زاهد واقعی آن کس نیست که به سراغ دنیا رفته، ولی چون آن را به چنگ نیاورده ناچار لباس زهد به خود پوشیده است. زاهد واقعی کسی است که دنیا به سراغش آمده و او، آن را نپذیرفته و زندگی زاهدانه را بر نعیم دنیا ترجیح داده است.

در کلام دیگری حضرت علیه السلام فرمود :

زهد و پارسایی کمیاب ترین چیزها و ارزشمندترین آن هاست، همگان آن را می ستایند ولی اکثر مردم به آن عمل نمی کنند. (2)

زاهد آن نیست که پشمینه ردائی دارد *** لیک در دل هوس نان و نوائی دارد

زاهد آن است که مخفی بنماید زهدش *** ورنه او اهل فریب است و ریائی دارد

(مهدی)

زهد پیدا کفر پنهان بود اندر روزگار *** پرده از سر برگرفتیم آن همه تزویر را

(سعدی)

ای مردم در دنیا زهد ورزید که به راستی زندگی آن کوتاه، خیر آن اندک و به راستی که این دنیا سرای رفتن و جایگاه برهم خوردن است و به راستی که دنیا اجل ها را نزدیک و آرزوها را قطع می کند. آگاه باشید که این دنیا همچون زن روسپی هوس انگیزی است که خود را نشان دهد و سپس با نفرت پشت کند و همچون مرکب سرکشی که هنگام دویدن از رفتن باز ایستد و دروغگویی است خیانت پیشه.

غرج 1ش 3867

ص: 19

1- همان حکمت 28

2- غرر الحکم ح 6054

3- پشت کردن زندگی و ملاقات مرگ سریع است.

امام علی علیه السلام فرمود:

إِذَا كُنْتَ فِي إِدْبَارِ وَ الْمَوْتِ فِي إِقْبَالِ، فَمَا أَسْرَعَ الْمُلتَقَى. (1)

در حالی که تو به زندگی پشت میکنی و مرگ به تو روی می آورد ملاقات (با یکدیگر) چه سریع خواهد بود.

توضیح:

نکته مهمی در این سخن پرمحتوای امام علیه السلام است که نخست همه انسانها را در حال حرکت به سوی پایان عمر معرفی می کند و این یک واقعیت است. از لحظه ای که انسان متولد می شود و هر ساعتی که بر او می گذرد بخشی از سرمایه عمر او کاسته و هر نفسی که می زند یک گام به پایان زندگی نزدیک می گردد. از طرف مقابل نیز مرگ هم به سوی انسان می شتابد بنابراین سرعت به هم رسیدن انسان و مرگ مضاعف می گردد.

تو به سرعت سوی مرگ و او به سرعت سوی تو *** تا شتابان روی او بینی و ببیند روی تو (مهدی)

بسیار به یاد مرگ باش و به یاد آنچه به سوی آن می روی و پس از مرگ در آن جایی می گیری تا در نتیجه هنگامی که مرگ به نزد تو آید خود را از هر جهت آماده کرده باشی و کمر خود را محکم بسته باشی نکند ناگهان بر تو درآید و تو را مغلوب خود سازد.

غرر ج 2 ش 7749

ص: 20

4- پرده پوشی خداوند از گناهان

امام علی علیه السلام فرمود:

الْحَذَرُ الْحَذَرُ، فَوَاللَّهِ لَقَدْ سَتَرَ، حَتَّى كَأَنَّهُ قَدْ غَفَرَ. (1)

(از مجازات الهی) برحذر باش، برحذر باش، به خدا سوگند آن قدر پرده پوشی کرده، که گویی آمرزیده است.

توضیح:

اشاره به اینکه یکی از صفات پروردگار، ستار العیوب بودن است. با رحمت واسعه اش گناهان پنهانی بندگان را افشا نمی کند تا آبروی آنها در نزد دوست و دشمن ریخته نشود، شاید بیدار شوند و به سوی خدا باز گردند و از گناهان خویش توبه کنند و دست بردارند. اما بسیار می شود که افراد از این لطف و رحمت الهی سوء استفاده می کنند و گمان دارند گناهی نکرده اند یا اگر گناهی مرتکب شده اند خداوند بدون توبه آنها را مشمول عفو خود قرار داده است.

ز بس پرده پوشی نموده إله *** تو گوئی که هرگز نکردی گناه

مشو غره از لطف پروردگار *** مبادا گناهانت کند آشکار (مهدی)

هرگاه دیدی خداوند نعمت هایش را در کنار گناهان تو پی در پی برایت می فرستد بدان که این استدراجی است برای تو که می خواهد تدریجاً تو را به عذاب نزدیک کرده و ناگهان تو را برگیرد.

غرج 1ش 2722

ص: 21

اشاره

امام علی علیه السلام فرمود:

وَ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِيمَانِ،

فَقَالَ

الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى 1- الصَّبْرِ 2- وَ الْيَقِينِ 3- وَ الْعَدْلِ 4- وَ الْجِهَادِ.

1-5 صبر بر 4 پایه استوار است

الف- وَ الصَّبْرُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ:

عَلَى 1- السُّوقِ 2- وَ السَّفَقِ 3- وَ الزُّهْدِ 4- وَ التَّرَقُّبِ؛

فَمَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ

وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ اجْتَنَّبَ الْمُحَرَّمَاتِ

وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمُصِيبَاتِ

وَ مَنْ اِزْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ.

2-5 یقین بر 4 پایه استوار است

ب- وَ الْيَقِينُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ:

عَلَى تَبَصُّرَةِ 1- الْفِطْنَةِ 2- وَ تَأْوُلِ الْحِكْمَةِ وَ مَوْعِظَةِ 3- وَ الْعِبْرَةِ 4- وَ سُنَّةِ الْأَوَّلِينَ؛

فَمَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ

وَ مَنْ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ عَرَفَ الْعِبْرَةَ

وَ مَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَأَنَّهَا كَانَتْ فِي الْأَوَّلِينَ.

3-5 عدل بر 4 پایه استوار است

ج- وَ الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايِصِ 1- الْفَهْمِ 2- وَ غَوْرِ الْعِلْمِ 3- وَ زُهْرَةِ الْحُكْمِ 4- وَ رَسَاخَةِ الْجِلْمِ؛

فَمَنْ فَهِمَ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ

وَ مَنْ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحِلْمِ

وَ مَنْ حَلَّمَ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَ عَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيداً.

4-5 جهاد بر 4 پایه استوار است

د- وَ الْجِهَادُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى 1- الْأَمْرِ

ص: 22

بِالْمَعْرُوفِ 2- وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ 3- وَ الصَّدَقِ فِي الْمَوَاطِنِ 4- وَ شَتَانِ الْفَاسِقِينَ؛

فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ

وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ نُوفَ الْكَافِرِينَ

وَ مَنْ صَدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَى مَا عَلَيْهِ

وَ مَنْ شَتَى الْفَاسِقِينَ وَ غَضِبَ لِلَّهِ غَضِبَ اللَّهُ لَهُ وَ أَرْضَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

5-5 كُفْرُ بَر 4 پايه استوار است

وَ الْكُفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى 1- التَّعَمُّقِ 2- وَ التَّنَازُعِ 3- وَ الزَّيْغِ 4- وَ الشَّقَاقِ؛

فَمَنْ تَعَمَّقَ لَمْ يُنِبْ إِلَى الْحَقِّ

وَ مَنْ كَثُرَ نِزَاعُهُ بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاهُ عَنِ الْحَقِّ

وَ مَنْ زَاغَ سَاءَتْ عِنْدَهُ الْحَسَنَةُ وَ حَسُنَتْ عِنْدَهُ السَّيِّئَةُ وَ سَكِرَ سُكْرَ الضَّلَالَةِ

وَ مَنْ شَاقَّ وَ عُرْتُ عَلَيْهِ طُرْفُهُ وَ أَعْضَلَ عَلَيْهِ أَمْرُهُ وَ ضَاقَ عَلَيْهِ مَخْرَجُهُ.

6-5 شَكُ بَر 4 پايه استوار است

وَ الشُّكُّ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى 1- التَّمَارِي 2- وَ الْهُوْلِ 3- وَ التَّرُدِّ 4- وَ الْإِسْتِسْلَامِ؛

فَمَنْ جَعَلَ الْمِرَاءَ دَيْدَنًا لَمْ يُصْبِحْ لَيْلُهُ

وَ مَنْ هَالَهُ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ نَكَصَ عَلَى عَقْبِيهِ

وَ مَنْ تَرَدَّدَ فِي الرَّيْبِ وَ طِئِنَتْهُ سَنَابِكُ الشَّيَاطِينِ

وَ مَنْ اسْتَسْلَمَ لِهَلَاكَةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ هَلَكَ فِيهِمَا. (1)

از امام عليه السلام درباره ایمان سؤال شد فرمود:

ایمان بر چهار پایه استوار است: بر «صبر» و «یقین» و «عدالت» و «جهاد».

صبر از میان آنها، بر چهار شعبه استوار است، بر اشتیاق،

ترس، زهد و انتظار.

آن کس که مشتاق بهشت باشد، شهوات و تمایلات سرکش را به فراموشی می سپارد.

و آن کس که از آتش جهنم بیمناک باشد از گناهان دوری می گزیند.

و کسی که زاهد و بی اعتنا به دنیا باشد مصیبت ها را ناچیز می شمرد.

و آن کس که انتظار مرگ را میکشد برای انجام اعمال نیک سرعت می گیرد.

یقین نیز بر چهار شاخه استوار است: بر بینش هوشمندانه و عمیق و پی بردن به دقایق حکمت و پند گرفتن از عبرت ها و اقتدا به روش پیشینیان (صالح).

کسی که بینایی هوشمندانه داشته باشد حکمت و دقایق امور برای او روشن میشود.

و کسی که دقایق امور برای او روشن شود عبرت فرا میگیرد

و کسی که درس عبرت گیرد چنان است که گویا همیشه با گذشتگان بوده است.

عدالت نیز چهار شعبه دارد: فهم دقیق، علم و دانش عمیق، قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری راسخ.

کسی که درست بیندیشد به اعماق دانش آگاهی پیدا می کند.

و کسی که به عمق علم و دانش برسد از سرچشمه احکام، سیراب میگردد.

و آن کس که حلم و بردباری پیشه کند گرفتار تقریط و کوتاهی در امور خود نمی شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی خواهد کرد.

جهاد (نیز) چهار شاخه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، صدق و راستی در معرکه های نبرد، و دشمنی با فاسقان.

آن کس که امر به معروف کند پشت مؤمنان را محکم ساخته

و آن کس که نهی از منکر کند بینی کافران (و منافقان) را به خاک مالیده .

و کسی که صادقانه در میدان های نبرد با دشمن (و هرگونه مقابله با آنها) بایستد وظیفه خود را (در امر جهاد) انجام داده.

و کسی که فاسقان را دشمن دارد و برای خدا خشم گیرد خداوند به خاطر او خشم و غضب می کند (و او را در برابر دشمنان حفظ مینماید) و روز قیامت وی را خشنود میسازد.

امام علیه السلام فرمود: کفر نیز بر چهار پایه قرار دارد: تعمق (رفتن به دنبال اوهام به گمان کنجکاوی از اسرار) و ستیزه جویی و جدال، و انحراف از حق (به سبب هوا و هوسها و تعصب ها) و شقاق (و دشمنی با حق و لجاجت در برابر آن).

آن کس که تعمق و کنجکاوی ناصواب پیشه کند هرگز به حق باز نمی گردد.

آن کس که بر اثر جهل، بسیار به نزاع و ستیزه برخیزد، نابینایی او نسبت به حق پایدار خواهد ماند.

و کسی که از راه حق منحرف شود (و به دنبال هوس ها برود) خوبی در نظرش بدی و بدی نزدش خوبی جلوه میکند و گرفتار مستی گمراهی میشود.

و آن کس که به عناد و لجاجت پردازد طرق رسیدن (به حق) برای او ناهموار می گردد و کارها بر او سخت و پیچیده میشود و در تنگنایی که خارج شدن از آن مشکل است گرفتار خواهد شد.

شك نیز بر چهار پایه استوار است: بر «مراء» (گفت و گوی بی حاصل)، ترس (از کشف حقیقت) تردید (در تصمیم گیری)، و تسلیم (خودباختگی).

آن کس که مراء و گفت و گوی بی حاصل را عادت خود قرار دهد ظلمت و تاریکی شبهای شك او را به روشنایی روز یقین نمی رساند.

و آن کس که از حقایق پیش روی خود وحشت کند (و از تصمیم گیری صحیح بپرهیزد) به قهقرا باز می گردد.

و آن کس که در تردید و دودلی باشد (و در تصمیم گیری وسواس به خرج دهد) زیر سم شیاطین له میشود.

و کسی که در برابر عوامل هلاکت خویش در دنیا و آخرت تسلیم گردد (و به مبارزه بر ضدّ اسباب شك و شبهه بر نخیزد) در هر دو جهان هلاک خواهد شد.

توضیح:

امام علیه السلام در این کلام جامع، تفسیری برای ایمان ذکر کرده که در هیچ منبع دیگری به این گستردگی و وضوح دیده نمی شود؛ ایمان را فراتر از جنبه های عقیدتی، از جنبه های علمی و رفتاری نیز مورد توجه قرار داده است و تمام ریزه کاری ها و نکات دقیقی را که در تشکیل ایمان مؤثر است بر شمرده است. درباره کفر نیز با بیانی رسا ابعاد آن را موشکافانه بیان فرمود و همچنین درباره شک به نکات ریزی اشاره نموده است. شایسته است بارها و بارها انسان بر این حکمت دقت کند و با عمق جان پذیرای آن باشد. الحق که باید گفت:

كلام الامام، امام الكلام *** به الفاظ کوتاه به معنی تمام

ای که نعمت های فردوس برینت آرزوست *** در جهان تا می توانی از حرام، امساک کن

(رجاء اصفهانی)

از وقار و حلم، رستن می توان از انقلاب *** کشتی از گرداب موج، ایمن ز لنگر می شود

(لامع)

ص: 26

به کشوری که در آن ماه، زشت است *** اگر که مرگ ببارد، کسی مخالف نیست

(ملک الشهراء بهار)

به چشم تو اگر آن ماه، زشت است *** به چشم من چو حوری از بهشت است

به چشم خویش کار خویشان بین *** به چشم من جمال یار من بین

(عطار نیشابوری)

ص: 27

6- نسبت دادن کارهایی بد به مردم عکس العمل مشابه دارد

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَسْرَعَ إِلَى النَّاسِ بِمَا يَكْرَهُونَ، قَالُوا فِيهِ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ. (1)

کسی که در نسبت دادن کارهای بد به مردم شتاب کند، مردم (نیز) نسبت های ناروایی به او می دهند.

توضیح:

عیب جوئی و ذکر عیوب مردم هرچند آشکار باشد کاری است بسیار ناپسند، و اگر کسی تبت امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد نباید منکراتی را که از بعضی سرزده آشکارا و در ملا عام بگوید، بلکه این گونه تذکرات باید خصوصی و مخفیانه باشد؛ ولی به هر حال از آنجا که مردم از گفتن عیوب و کارهای زشتشان به صورت آشکارا ناراحت می شوند و در مقام دفاع از خود بر می آیند یکی از طرق دفاع این است که گوینده را متهم به اموری می کنند که چه بسا واقعیت هم نداشته باشد تا از این طریق ارزش سخنان او را بکاهند و بگویند: فرد آلوده حق ندارد دیگران را به آلوده بودن متهم کند.

امام علی علیه السلام در کلام دیگری فرمود:

کسی که در جمع تو را نصیحت کند (در حقیقت) تو را تحقیر کرده است.

آن که افشا کرد عیب مردمان را نابجا *** دیگران نسبت دهندش با کلام ناروا

(مهدی)

بدترین مردم کسی است که به هیچ کس اعتماد و وثوق ندارد به خاطر بدگمانی و هیچکس نیز به او اعتماد ندارد به خاطر بدکرداری او .

غرج 2 ش 5921

ص: 28

7- آداب و رسوم غلط بین مردم و امیران

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَدْ لَقِيَهُ عِنْدَ مَسِيرِهِ إِلَى الشَّامِ دَهَاقِينَ الْأَنْبَارِ فَتَرَجَّلُوا لَهُ وَاشْتَدُّوا بَيْنَ يَدَيْهِ،

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هَذَا الَّذِي صَنَعْتُمُوهُ؟

فَقَالُوا خُلِقَ مِنَّا نُعْظُمُ بِهِ أُمَرَاءَنَا.

فَقَالَ وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أُمَرَاؤُكُمْ، وَإِنَّكُمْ لَتَشُقُّونَ عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَتَشَقُّونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ؛ وَ مَا أَحْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ، وَ أَرْيَحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ. (1)

این سخن را امام علی علیه السلام زمانی بیان فرمود که در مسیر حرکتش به شام کشاورزان و دهبانان شهر «انبار» با او ملاقات کردند (و به عنوان احترام) از مرکب پیاده شده و با سرعت پیش روی او حرکت کردند (و این مراسمی را که نشانه خضوع فوق العاده در برابر امرای ستمگر بود انجام دادند).

امام علی علیه السلام فرمود: «این چه کاری بود که کردید؟»

عرض کردند: این رسوم و آدابی است که ما امیران خود را با آن بزرگ میداریم.

امام علی علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند زمامداران شما از این عمل بهره‌ای نمی‌برند و شما با این کار در دنیا مشقت زیاد بر خود هموار می‌سازید و در قیامت بدبخت می‌شوید. چه زیان بار است مشقتی که به دنبال آن عقاب الهی باشد و چه پرسود است آرامشی که با آن امان از آتش دوزخ فراهم گردد.

ص: 29

توضیح:

چنانکه در متن حکمت آمده ، این سخن را امام علیه السلام زمانی بیان فرمود ؛ که در مسیر حرکتش به شام کشاورزان و دهبانان شهر « انبار» با او ملاقات کردند (و به عنوان احترام) از مرکب پیاده شده و با سرعت پیش روی او حرکت کردند (و این مراسم را که نشانه خضوع فوق العاده در برابر امرای ستمگر بود انجام دادند.)

امام علیه السلام با آن همه عظمت و بلندی مقام که هیچ کس را با او قیاس نتوان کرد. از اینکه مردم کوچه و بازار در برابرش کوچکی کنند، ناراحت می شود و آنان را از این اعمال باز می دارد. (دقت کنید)

کوچکی در برابر اُمرا *** که نباشد در آن رضای خدا

نه از آن سود می برد سلطان *** بهر مردم مشقت است و زیان

(مهدی)

به دست آهن تفته کردن خمیر *** به از دست بر سینه پیش امیر

(سعدی)

کسی که کار نیک و احسان خود را بزرگ و بخشش کند شایسته ریاست و سرکردگی است.

غرج 1 ش 3448

ص: 30

8- بیماری سبب ریزش گناهان است

امام علی علیه السلام فرمود :

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي عِلَّةِ اعْتَلَّهَا:

جَعَلَ اللَّهُ مَا كَانَ مِنْ شَيْءٍ كَوَاكِبًا حَطًّا لِسَبِّائِكَ، فَإِنَّ الْمَرَضَ لَا أَجْرَ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ يَحُطُّ السَّيِّئَاتِ وَيَحْتُهَا حَتَّ الْأُورَاقِ، وَإِنَّمَا الْأَجْرُ فِي الْقَوْلِ
بِاللِّسَانِ وَالْعَمَلِ بِالْأَيْدِي وَالْأَقْدَامِ. وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُدْخِلُ بِصِدْقِ النِّيَّةِ وَالسَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الْجَنَّةَ. (1)

امام علی علیه السلام هنگامی که یکی از یاران خود را بیمار میبیند (ضمن احوال پرسی) به او می فرماید:

خداوند این درد و بیماری تو را سبب ریزش گناهانت قرار داد. زیرا در بیماری پاداشی نیست، ولی گناهان را می ریزد، همچون ریزش برگ درختان.

اجر و پاداش، تنها در گفتار به زبان و عمل با دست و پا است.

خداوند سبحان از بندگان کسانی را که بخواهد (و لایق بداند)، به موجب صدق نیت و پاکی باطن داخل بهشت می کند.

مرحوم سید رضی در ذیل این کلام حکمت آمیز نیاز به توضیح دیده و با عبارات شیوایی آن را شرح میدهد و میگوید: آنچه امام علی علیه السلام در اینجا فرموده، راست و درست است، بیماری اجر و پاداش ندارد، هر چند از قبیل اموری است که استحقاق عوض دارد (نه اجر و ثواب) زیرا انسان عوض را در مقابل کارهای خداوند نسبت به بندگان مانند بیماری ها و مانند آن مستحق می شود، اما اجر و ثواب، در مقابل فعل بندگان است، بنابراین بین این

ص: 31

دو فرق است، فرقی که امام علیه السلام با آن علم نافذ و نظریه صائب خود به آن اشاره فرموده است.

توضیح:

این بشارت بزرگی بود که امام علیه السلام به آن یار بیمار داد که قطعاً سبب شادی او شد، و فشار درد و بیماری را برای او کاست و روحیه ای را که بیمار برای مبارزه با مرض باید پیدا کند در او دمید.

می دانیم درد و رنج ها و بلاها و حوادث ناگوار فلسفه های متعددی دارد، یکی از آن فلسفه ها آمرزش گناهان است؛ یعنی خداوند می خواهد بنده صالحش را که لغزشی داشته در همین دنیا پاک کند تا حساب او به قیامت نیفتد.

امام علیه السلام در کلام نغز دیگری فرمود:

مؤمن چون بیمار شود شکایت نمی کند، ولی چون بهبودی یافت حکایت می کند!

نیست در بیماری ات اجر و ثواب *** جز که اعمالت شود عین صواب

لیک می بخشد گناهت را خدا *** پس به شکر حق تعالی کن شتاب

(مهدی)

قول زیبا نیست بی کردار نیکو، سودمند *** قول با کردار زیبا، دلکش و زیباستی

گفتن نیکو به نیکوئی (نه چون کردار هست) *** نام حلوا بر زبان بردن نه چون حلواستی

(میرفندرسکی)

دو چیز است که نباید آنها را عار دانست و از آنها استتکاف کرد بیماری و خویشاوند فقیر .

غورج 2 ش 9179

ص: 32

9- کسی که در تمام عمرش مجاهد بود (خَبَاب)

امام علی علیه السلام فرمود:

يَرْحَمُ اللَّهُ خَبَّابَ بْنَ الْأَرْثِ، فَلَقَدْ أَسْلَمَ زَاغِبًا، وَهَاجَرَ طَائِعًا، وَفَنَعَ بِالْكَفَافِ، وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ، وَعَاشَ مُجَاهِدًا. (1)

خدا رحمت کند «خَبَاب بن الارث» را او از روی رغبت اسلام آورد و برای اطاعت خداوند هجرت کرد، به زندگی ساده قناعت نمود، از خدا خشنود و در تمام دوران عمرش مجاهد بود.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار پرمایه خود تعریف و تمجیدی از یکی از مجاهدان اسلام و مسلمانان راستین به نام «خَبَاب بن الارث» دارد، اوصافی که می تواند برای همه الگو باشد و از آن پند و اندرز گیرند.

عبدالله پسر خَبَاب هم، همچون پدرش از وفاداران و شیعیان مخلص امام علی علیه السلام بود که به دست گروهی از خوارج نهروان همراه با همسرش شهید شد، خوارج به کشتن او و همسرش اعتراف کردند؛ و گفتند ما همه او را کشته ایم و تو را (امام علی علیه السلام) نیز خواهیم کشت!

امام علی علیه السلام پس از شنیدن این اعتراف خوارج فرمود: «به خدا سوگند، اگر همه مردم دنیا چنین، به قتل او اعتراف کنند و من بتوانم همه ایشان را بکشم، چنین کنم.» (2)

خوشا «خَبَاب» که اسلام او ز رغبت بود *** همیشه اهل اطاعت، جهاد و هجرت بود

ص: 33

1- همان حکمت 43

2- دانشنامه ج 10 ص 69- قتل عبدالله بن خَبَاب دانشنامه 6/481

رضا حضرت حق بود و حق رضا از او *** همیشه زاهد و پیوسته در قناعت بود

(مهدی)

ص: 34

10- آخر کارها را با آغازش بسنجید

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْأُمُورَ إِذَا اشْتَبَهَتْ، اعْتَبِرْ آخِرَهَا بِأَوَّلِهَا. (1)

هنگامی که کارها مشتبه شوند (و آینده روشن نباشد) آخرشان را باید به اولشان سنجید.

توضیح:

اشاره به اینکه همیشه آغاز و انجام کارها با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و در واقع شبیه علت و معلولاند، بنابراین اگر ما در چگونگی پایان کاری شک و تردید داشتیم باید ببینیم آغازش چگونه بوده است؛ هرگاه در مسیر صحیح بوده عاقبت آن نیز چنین است و مطابق ضرب المثل فارسی: «سالی که نکوست از بهارش پیداست» و اگر آغاز آن در مسیر نادرستی قرار گرفته باید بدانیم که عاقبت آن نیز نادرست و خطرناک است و به گفته معروف: «بار کج به منزل نمی رسد.»

صائب تبریزی نیز خوش سروده است:

چون گذارد خشت اول بر زمین معمار کج *** گر رساند بر فلک باشد همان دیوار کج

می کند یک جانب از خوان تهی سرپوش را *** هر سبک مغزی که بر سر می نهد دستار کج

نیست جز بیرون در جای اقامت حلقه را *** راه در دل ها نیابد چون بود گفتار کج

راست شو صائب نخواهی کج اگر آثار خویش *** سایه افتد بر زمین، کج، چون بود دیوار کج

ص: 35

شبهه را شبهه نامیدند برای آنکه با حق مشابه و همانند است اما اولیای الهی روشنی بخش آنها در شبهه ناکها یقین است و تا یقین کنند دست به دامان نزنند و راهنمای ایشان آهنگ هدایت یافتن راه راست است و اما دشمنان خدا را گمراهی به سویش به دعوت کرده و راهنمای ایشان کوری باطن است .

غرج 1 ش 4297

ص: 36

زمانی که امام علیه السلام برای سرکوب معاویه و جلوگیری از جنایات او به طرف شام حرکت کرد، و بازگشت و به کوفه رسید یک نفر شامی از امام علیه السلام پرسید: آیا رفتن ما به شام قضا و قدر الهی بود؟

حضرت علیه السلام در جواب فرمود:

وَيَحْكُ، لَعَلَّكَ ظَنَنْتَ قَضَاءً لَازِمًا وَقَدْرًا حَاتِمًا! لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ وَسَقَطَ الْوَعْدُ وَالْوَعِيدُ. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَرَ عِبَادَهُ تَخْيِيرًا وَنَهَاهُمْ تَحْذِيرًا، وَكَلَّفَ يَسِيرًا وَ لَمْ يُكَلِّفْ عَسِيرًا، وَأَعْطَى عَلَى الْقَلِيلِ كَثِيرًا، وَ لَمْ يُعْصِ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يُطْعِ مُكْرَهًا، وَ لَمْ يُرْسِلِ الْأَنْبِيَاءَ لِعِبَادٍ وَ لَمْ يُنْزِلِ الْكُتُبَ لِلْعِبَادِ عَبَثًا، وَلَا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا؛ «ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» (1).

وای بر تو شاید گمان کردی منظورم قضای لازم و قدر حتمی است (و مردم در کارهایشان مجبورند و اختیاری از خود ندارند). اگر چنین بود، ثواب و عقاب الهی به یقین باطل میشد و وعده و وعید ساقط میگشت. خداوند سبحانه، بندگان را امر کرده، و آنها را اختیار بخشیده، و نهی کرده و بر حذر داشته، تکالیف آسانی بر دوش آنان نهاده و هرگز تکلیف سنگینی (به کسی) نکرده. در برابر (اطاعت اندک) پاداش کثیری قرار داده، و هرگز کسی از روی اجبار، او را معصیت نکرده، و از روی اکراه اطاعت ننموده است، خدا پیامبران را بیهوده نفرستاده و کتب آسمانی را برای بندگان عبث نازل نکرده، و آسمان ها و زمین و آنچه در

ص: 37

میان آن هاست باطل و بی هدف نیافریده است. این گمان کافران است. وای بر کافران از آتش دوزخ!

توضیح:

این کلام گهربار امام علیه السلام از سخنان مهم و معروفی است که از امیر مؤمنان علی علیه السلام در زمینه قضا و قدر (و جبر و اختیار) نقل شده و یکی از بهترین طرق حل این مسئله است. بخشی از این کلام که در نهج البلاغه نیامده است در کتاب شریف کافی ذکر شده است. که شرح و تفسیر کامل آن توسط حضرت آیت اله مکارم شیرازی در 12 صفحه در جلد دوازدهم پیام امام آمده است. (خواهران و برادران علاقمند به آن مراجعه فرمائید.)

کار ما تدبیر و تقدیر از خداست *** مبطل تدبیر ما تقدیر ماست

(مهدی)

مثنوی مولوی

این که فردا این کنم یا آن کنم *** این دلیل اختیار است ای صنم

وان پشیمانی که خوردی زان بدی *** ز اختیار خویش گشتی مهتدی

جمله قرآن امر و نهی است و وعید *** امر کردن سنگ مرمر را که دید

عقل کی حکمی کند بر چوب و سنگ *** عقل کی چنگی زند بر نقش چنگ

قضا و قدر الهی بر طبق مقدرات و بر خلاف اختیار و تدبیر بندگان جاری گردد.

غرج 2 ش 8124

ص: 38

امام علی علیه السلام فرمود:

بَقِيَّةُ السَّيْفِ أَبْقَى عَدَدًا وَ أَكْثَرُ وُلْدًا. (1)

باز ماندگان شمشیر، دوام و بقایشان فزون تر و فرزندانشان بیشترند.

توضیح:

این کلام امام علی علیه السلام اشاره به طوایفی است که دشمنان بی رحمانه از آنها قربانی گرفتند؛ ولی باقی ماندگانشان بقای بیشتر دارند و فرزندانشان فزونتر خواهند بود. تجربه های تاریخی این حقیقت را تأیید می کند، و مورخان به طوایفی اشاره کرده اند که عدد کثیری از آنها کشته شدند، ولی چندان نگذشت که فرزندانشان به طور چشمگیری فزونی یافتند. نمونه بارز آن، فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام (علویون) بودند که بنی امیه آنها را هرجا یافتند از دم شمشیر گذراندند و بنی عباس نیز بی رحمانه از آنها قربانی گرفتند ولی نسل آنها به قدری فزونی یافته که بحمدالله در تمام بلاد عدد کثیری از آنها دیده می شوند.

هرجا که رسید شیعیان را کشتند *** یک سوم سادات جهان را کشتند

اما شده پر جهان ز اولاد بتول *** هرچند که زهرای (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جوان را کشتند

(مهدی)

بر توباد پیمودن راه روشن و راست زیرا این کار برای تو کرامت و بزرگواری کسب کند و از سرزنش دیگران تو را کفایت کند.

غرج 2 ش 8576

ص: 39

13- رأی پیر از چالاکی جوان بهتر است

امام علی علیه السلام فرمود:

رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلَدِ الْغُلَامِ

رُويَ مِنْ مَشْهَدِ الْغُلَامِ. (1)

رأى و تدبیر پیر نزد من بهتر از چالاکی جوان است.

در روایت دیگری آمده است: رأی بزرگان از جنگجویی جوان بهتر است.

توضیح:

بدیهی است برای پیروزی در نبرد با دشمن در درجه نخست نقشه های صحیح لازم است و در درجه بعد دلاوری و چالاکی جنگجویان و به یقین تا نقشه صحیح نباشد دلاوری ها به نتیجه ای نمی رسد، از این رو امام علیه السلام می فرماید: تدبیر پیران نزد من از شجاعت و چالاکی جوانان بهتر است.

ز تدبیر شیخ و ز تیغ شباب *** بود رأی و تدبیر عین صواب

(مهدی)

مترس از جوانان شمشیر زن *** حذر کن ز پیران بسیار فن

جوانان پیل افکن شیر گیر *** ندانند دستان رویاه پیر

جوانان شایسته بخت ور *** ز گفتار پیران نیچند سر

(سعدی)

ص: 40

اساس اصلاح در زندگى تدبير است.

غورج 1 ش 2713

ص: 41

امام علی علیه السلام فرمود:

كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا، فَذُوقُوا الْآخَرَ، فَتَمَسَّكُوا بِهِ؛ أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (1).

در زمین دو امان (دو وسیله نجات) از عذاب الهی بود که یکی از آنها برداشته شد دومی را دریابید و به آن چنگ زنید، اما، امانی که برداشته شد وجود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود (که خداوند به برکت وجود او هرگز عذابی بر این امت نازل نکرد، ولی او از میان ما رفت)

و امانی که باقی مانده «استغفار» است، همان گونه که خداوند متعال میفرماید: «تا تو در میان آنها هستی خداوند آنان را عذاب نمی کند و تا آنان نیز از گناهان خود استغفار می کنند، خداوند عذابشان نخواهد کرد.»

توضیح:

امام علی علیه السلام می فرماید: بعد از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رفتن آن حضرت به دیار باقی مسلمانان می توانند خود را به وسیله توبه و انابه و استغفار از عذاب الهی مصون دارند و امام علی علیه السلام با استنباطی که در بالا آمد راه را به آنها نشان داده و بر آن تأکید ورزیده است.

ص: 42

دو امان داده حضرت دادار *** اُمّت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را
اُولی خود وجود احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود *** دومی هست ذکر استغفار

(مهدی)

میوه توبه بازیافت کردن تقصیرات نفس و جبران و تدارک آن است.

غرج 1 ش 1062

ص: 43

امام علی علیه السلام فرمود:

الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْتَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ. (1)

فقیه و بصیر در دین در حدّ کمال، کسی است که مردم را از رحمت الهی نومید نسازد و از لطف او مأیوس نکند و از مجازات های او ایمن ننماید.

توضیح:

همیشه برای رسیدن به مقصد باید از دو نیرو استفاده کرد: نیروی محرک و نیروی بازدارنده؛ به کمک نیروی محرک، حرکت آغاز می شود و هر چه قویتر باشد سرعت بیشتری به خود می گیرد؛ اما نیروی بازدارنده برای حفظ تعادل و پیشگیری از خطرات مخصوصاً در مسیرهای پرخطر ضرورت دارد.

گرچه همراهم بود سیل گناه *** می روم در بحر الطاف إله

(مهدی)

اگر جاده ای بایدت مستقیم *** ره پارسایان امید است و بیم

(سعدی)

هرکس در دین دانا و فهیم شود شخصیت او بسیار گردد.

غرج 2 ش 7946

ص: 44

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ، لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ؛ وَلَكِنْ مَنِ اسْتَعَاذَ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ يَقُولُ «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»، وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ [سَبَّحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ] يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ، لِيَبَيِّنَ السَّخِطَ لِرِزْقِهِ وَالرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ، وَإِنْ كَانَ سَبَّحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَلَكِنْ لِيُظْهِرَ الْأَفْعَالَ الَّتِي بِهَا يُسَدُّ تَحَقُّقُ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ؛ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَيَكْرَهُ الْإِنَاثَ، وَبَعْضُهُمْ يُحِبُّ تَثْمِيرَ الْمَالِ وَيَكْرَهُ انْتِثَامَ الْحَالِ. (1)

هیچ کس از شما نگوید خداوندا! به تو پناه می برم از این که مرا امتحان کنی، زیرا هیچ کس نیست مگر این که امتحانی دارد. ولی اگر کسی می خواهد به خدا پناه برد و دعا کند، از آزمون های گمراه کننده به خدا پناه برد، خداوند سبحان می فرماید: «بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش شماست». معنای این سخن آن است که خداوند مردم را با اموال و اولادشان آزمایش میکند تا آن کس که از روزی اش خشمگین است از آن که شاکر و راضی است شناخته شود، هرچند خداوند سبحان به مردم از خودشان آگاه تر است، ولی این به دلیل آن است که کارهایی که موجب استحقاق ثواب و عقاب می شود ظاهر گردد، زیرا بعضی از مردم (مثلاً) پسر را دوست

ص: 45

دارند و از فرزندان دختر ناخشنودند و بعضی افزایش مال را می خواهند و از نقصان آن ناراحتند (هیچ یک از این نیات سبب پاداش و کیفر نمی شود مگر زمانی که در میدان عمل آشکار گردد).

توضیح:

اصولاً دنیادار امتحان، تکالیف و مسئولیت هاست و بشر برای تکامل آفریده شده و تکامل ها از مسیر امتحان می گذرد و بی امتحان راهی به سوی کمال نیست، بنابراین چنین دعایی مثل این است که انسان بگوید: خداوندا مرا به هیچ تکلیفی مکلف نکن. بدیهی است چنین دعایی دور از استجابت است. ولی باید از آزمایش های سخت و گمراه کننده به خدا پناه ببریم.

خدایا از خطا و از گناه خویش می ترسم *** از آن فتنه که قلبمرا نماید ریش می ترسم

کسی را نیست جز آنکه نمائی امتحانش، لیک *** از آن فتنه که باشد از توان و طاقت من بیش می ترسم

(مهدی)

داخل نشوید در فتنه ای که به شما روی آورده و از جاده ای که به آن منتهی شود به یک سو شوید و از میانه راه کنار گیرید و آن را خالی بگذارید.

غرج 2 ش 7749

ص: 46

امام علی علیه السلام فرمود:

وَسُئِلَ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ؟

فَقَالَ: لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَوَلَدُكَ، وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَأَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَأَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ؛ فَإِنْ أَحْسَدْتُمْ حَمِدْتُمْ اللَّهَ وَإِنْ أَسَأْتُمْ اسْتُغْفِرْتُمُ اللَّهَ؛ وَلَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ، رَجُلٍ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهَوَّيْتُمْ دَارُكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَرَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ. (1)

از آن حضرت پرسیدند: خیر و نیکی چیست؟

امام علی علیه السلام فرمود:

خیر و خوبی در آن نیست که مالت فراوان و فرزندان زیاد شوند، خیر در این است که علمت زیاد و حلمت فزون گردد و با پرستش پروردگار به مردم مباحثات کنی، هر گاه کار نیکی از تو صادر شد خدا را سپاس گویی و اگر گناهی سر زد استغفار نمایی.

دنیا فقط برای دوکس خوب است: کسی که گناهمانی کرده میخواهد با توبه جبران کند، و کسی که با سرعت به سراغ کارهای خیر می رود.

توضیح:

در واقع امام علی علیه السلام در این عبارات پر معنا نظام ارزشی اسلام را بیان می کند و بر خلاف آنچه در دنیای مادی دیده می شود که ارزش را در مال و ثروت و قدرت ناشی از نفرت خلاصه می کنند، امام علی علیه السلام ارزش را در علم و حلم و عبادت و شکر و استغفار خلاصه می فرماید، زیرا مال و

ص: 47

ثروت و قدرت اگر جدا از علم و حلم و بندگی پروردگار باشد مایهٔ فساد و تباهی و ابزاری است که در مسیر شرّ قرار خواهد گرفت.

خیر در اموال بسیار تو نیست *** یا به فرزندان و اقرار تو نیست

خیر باشد در زیاد علم تو *** گر شود همراه علمت، حلم تو

در نکوئی شکر حق بسیار کن *** گر گنه کردی تو استغفار کن

(مهدی)

از جمله چیزهایی که بر هر عالم و دانشمندان فرض و لازم است آنکه جانب خود را با پارسایی نگه دارد و علم و دانش خود را به طالب آن بذل و بخشش کند.

غورج 2 ش 7026

ص: 48

امام علی علیه السلام فرمود:

يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ وَ تَذِلُّ بِهِ النَّفْسُ وَ يَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ. إِنَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عَدْوَانِ مُتَفَاوِتَانِ وَ سَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَ عَادَاهَا؛ وَ هُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا كَلَّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ، وَ هُمَا بَعْدُ صَرَّتَانِ. (1)

قلب به سبب آن خاضع میشود، و نفس سرکش با آن رام می گردد، و مؤمنان به آن اقتدا می کنند. (و از آن سرمشق می گیرند). دنیا و آخرت دو دشمن متفاوت و دوراه مختلف اند، لذا کسی که دنیا را دوست بدارد و به آن عشق ورزد آخرت را دشمن میدارد و با آن دشمنی می کند. این دو به منزله مشرق و مغرب اند و انسان همچون کسی که در میان این دو در حرکت است هر زمان به یکی نزدیک میشود، از دیگری دور میگردد و این دو همچون دو همسر یک مردند (که معمولاً با هم رقابت شدید دارند).

توضیح:

در عصر خلفا (ابوبکر، عمر، عثمان) دامنه فتوحات اسلامی به شرق و غرب و شمال و جنوب کشیده شد و کشورهای مهمی همچون ایران و روم و مصر زیر پرچم اسلام قرار گرفتند و غنائم فراوان و اموال خراجی بسیاری نصیب مسلمین شد. این امر آثار زیان بار فراوانی داشت. گروهی به مسابقه در ثروت روی آوردند، خانه های مجلل، لباس های گران بها، سفره های رنگارنگ و مرکب های زیبا

ص: 49

برای خود انتخاب نمودند و گروه عظیمی از مردم در دنیا و ارزش های مادی فرورفتند و نظام ارزشی جامعه اسلامی دگرگون شد. در این موقعیت امام علیه السلام برای این که مسلمانان منحرف را به صراط مستقیم اسلام و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بازگرداند مظاهر زهد خویش را کاملاً آشکار ساخت که از جمله پوشیدن لباس های ساده و کم ارزش و وصله دار بود. مردم از این اقدام امام علیه السلام در شگفت بودند که ایشان سه دلیل مهم اقدام خود را بیان فرمود.

تا چنین طالبی تو دنیا را *** کی توانی بدید عقبی را

(سنایی غزنوی)

کسی که از خدا بیم داشته باشد علم او کامل است.

غرج 1 ش 2

ص: 50

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ [تَعَالَى] افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَنَهَاكُمْ عَنْ أَسْیَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا، وَسَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَسْیَاءَ وَلَمْ يَدْعَهَا نِسْيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا. (1)

خداوند فریضی را بر شما واجب کرده، آنها را ضایع نکنید، و حدود و مرزهایی برای شما تعیین کرده از آن فراتر نروید، و شما را از اموری نهی کرده است حرمت آنها را نگاه دارید، و از اموری ساکت شده است نه به علت فراموش کاری (بلکه به جهت مصالحی که در سکوت نسبت به آنها بوده است) بنابراین خود را در مورد آنها به زحمت نیفکنید. (و با سؤال و پرسش درباره آنها بار تکلیف خود را سنگین نگردانید.)

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه خود وظائف ما را در چهار بخش خلاصه کرده و تکلیف ما را در هر بخشی روشن ساخته است.

1- واجباتی که باید حتماً به آنها عمل شود. (نماز، روزه، حج، جهاد، زکات و ...)

2- حدود و وظائفی که از آن تجاوز نکنیم. (صله رحم، وظائف زن و مرد نسبت به یکدیگر، وظائف اجتماعی نسبت به مردم و ...)

3- آنچه نهی فرموده که باید حرمت آنها را نگاه داریم. (ستم به مردم، رباخواری، احتکار، گرانفروشی و ...)

ص: 51

4-اموری را تعیین نفرموده که انجام یا ترک آن در اختیار ماست. (سفرکردن، نوع و زنگ لباس، انتخاب تقریحات سالم و نوع ورزش، انتخاب دوست و همسر ...)

ای که عمری را عبادت کرده ای *** ساعتی آیا اطاعت کرده ای

حق چه خواهد از قیام و از صیام *** او بخواهد بنده باشی والسلام

رو عمل کن آنچه گفته کردگار *** ز آنچه نافرموده، داری اختیار

(مهدی)

خدای تعالی فرض کرد ایمان را برای تطهیر از شرک، و نماز را برای پاکیزگی از تکبر، و زکات را به خاطر وسیله شدن برای روزی و روزه را برای آزمایش اخلاص مردم، و حج را به منظور تقویت دین و جهاد را برای عزت اسلام، و امر به معروف را به خاطر مصلحت توده، و نهی از منکر را برای بازداشتن سفیهان، و صله رحم را برای زیاد شدن عدد و نفرات، و قصاص را برای حفظ خون ها، و برپا داشتن حدود را برای بزرگداشت حرام ها، و دستور ترک شراب خواری را برای حفاظت عقل، و اجتناب نمودن از دزدی را برای واجب ساختن پاکدامنی، و دستور ترک زنا را به منظور نگهبانی از نسب ها، و دستور ترک لواط را به منظور تکثیر نسل صادر فرمود و گواهی را برای پشت گرمی بر انکار ها، و دستور ترک دروغ را برای شرافت دادن به راستی، و اسلام را برای ایمنی از چیزهای ترسناک، و امامت را برای نظام دادن به احوال امت اسلامی، و فرمان برداری را به منظور تعظیم مقام امامت مقرر فرمود.

غرر ج 2 ش 7827

ص: 52

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا. (1)

هرکس ما اهل بیت را دوست دارد، باید پوشش فقر را برای خود مهیا سازد (و آماده انواع محرومیت ها و گرفتاری ها) گردد.

توضیح:

امام علیه السلام اشاره به بی وفایی و ناپایداری طبیعت دنیا و از دست رفتن عزیزان دارد که هم آزمونی برای مردان خداست و هم هشدار برای همگان.

از خرمن الطاف علی نان جوی را *** بر سفره گسترده حاتم نفروشیم

ما گرد و غبار قدم قنبر او را *** بر افسر شاهنشاهی جم نفروشیم

(مهدی)

خشنودم از خدای بدین نیستی که هست *** گز صد هزار گنج رمان، گنج فقر به

(خاقانی)

نیکبخت ترین مردم کسی است که فضیلت و برتری ما را شناخته و به وسیله ما به خداوند تقرب جسته و دوستی و محبت ما را پاک و خالص داشته و آنچه را ما بدان ترغیب کرده انجام دهد و از آنچه ما از آن نهی کرده ایم باز ایستد چنین کسی از ماست و در سرای ماندنی در کنار ما است.

غرر ج 1 ش 712

ص: 53

21- فنا در بقا، بیماری در سلامت و فقر در دارایی در کمین انسان است

کسی به امام علیه السلام عرض کرد ای امیر مؤمنان حال شما چگونه است؟

امام علی علیه السلام فرمود:

كَيْفَ يَكُونُ حَالُ مَنْ يَفْنَى بِنَقَائِهِ، وَيَسْقَمُ بِصِحَّتِهِ، وَيُؤْتَى مِنْ مَأْمَنِهِ؟! (1)

چگونه خواهد بود حال کسی که با بقای خود فانی می شود و با سلامت خود بیمار می گردد و در حالی (یا در جایی) که خود را در امان می بیند مرگ دامانش را میگیرد.

توضیح:

امام علیه السلام در سه مورد هشدار می دهند:

1- ناپایداری سکونت در این دنیای فانی

2- ناپایداری سلامتی در این دنیای پر بلا و درد

3- ناپایداری امنیت حیات با بی خبر رسیدن مرگ

نه بر سلامتی خود می توان شوم مغرور *** نه در برابر مرگم توان شوم معذور

من از قضا و قدر های حق چه می دانم؟ *** همین بس است که او آمر است و من مأمور (مهدی)

کجایند آنها که آثارشان نیکوتر و کردارشان عادلانه تر و پادشاه ایشان بزرگتر بود؟

غور ج 2 ش 9309

ص: 54

امام علی علیه السلام فرمود:

عَجِبْتُ لِلْبَحِيلِ يَسْتَعَجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَيَقُوهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ، فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ؛ وَعَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ عَدَاً حَيْفَةً؛ وَعَجِبْتُ لِمَنْ شَكَ فِي اللَّهِ وَ هُوَ يَرَى خَلْقَ اللَّهِ؛ وَعَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَ هُوَ يَرَى [مَنْ يَمُوتُ] الْمَوْتَى؛ وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْآخِرَى وَ هُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْآوَلَى؛ وَعَجِبْتُ لِعَامِرٍ دَارَ الْفَنَاءِ وَ تَارِكٍ دَارَ الْبَقَاءِ. (1)

از بخیل تعجب میکنم که به استقبال فقری میرود که از آن گریخته و غنایی را از دست میدهد که طالب آن است. در دنیا همچون فقیران زندگی میکند ولی در آخرت باید همچون اغنیا حساب پس دهد.

و تعجب میکنم از متکبری که دیروز نطفهای بیارزش بوده و فردا مردار گندیدهای است.

و از کسی که در خدا شک میکند در شگفتم در حالی که «خلق» او را میبند (و می تواند از هر مخلوق کوچک و بزرگ، ساده و پیچیده به ذات پاک آفریدگار پی برد).

و تعجب میکنم از کسی که مرگ را فراموش میکند با این که مردگان را با چشم خود می بیند.

و تعجب میکنم از کسی که جهان دیگر را انکار میکند در حالی که این جهان را می بیند.

و تعجب میکنم از کسی که دار فانی را آباد میکند ولی دار باقی را به فراموشی می سپارد.

ص: 55

توضیح:

امام علیه السلام در این کلام حکمت آمیزش به شش رذیله اخلاقی اشاره فرموده که سرچشمه غالب بدبختی های انسان است و اگر بتواند از آنها فاصله بگیرد دنیا و آخرت خود را آباد کرده و سامان بخشیده است.

هر که بر خویشتن نبخشاید *** گر نبخشد کسی بر او، شاید

(سعدی)

نشاید بنی آدم خاک زاد *** که در سر کند کبر و تندی و باد

تورا با چنین گرمی و سرکشی *** نپندارم از خاک، از آتشی

(سعدی)

برگ درختان سبز در نظر هوشیار *** هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

(سعدی)

دریغا که بی ما بسی روزگار *** بروید، گل و بشکفد، نوبهار

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت *** برآید که ما خاک باشیم و خشت

(سعدی)

آمد صدای بانگ جنازه ز صعب شهر *** ما و تورا به خوان اجل آن صدا صلاست

(دیوان جامی)

ص: 56

وای بر بخیل که از فقیری که می گریخت در آمدنش شتاب کرده و توانگری و توانمندی را که در جستجوی آن بود از دست داده است.

غورج اش 819

ص: 57

23- کوتاهی در عمل، اندوه در پی دارد

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِالْهَمِّ، وَلَا حَاجَةَ لِلَّهِ فَيَمَنْ لَيْسَ لِلَّهِ فِي مَالِهِ وَنَفْسِهِ نَصِيبٌ. (1)

کسی که در عمل کوتاهی کند به اندوه گرفتار می شود و خدا به کسی که در مال و جانش نصیبی برای او (جهت انفاق در راه خدا) نیست اعتنایی ندارد.

توضیح:

امام علی علیه السلام به دو مورد کوتاهی در دو موضوع مهم اشاره می فرماید:

اول اینکه کوتاهی در عمل و انجام تکالیف و وظائف، غم و اندوه به دنبال دارد.

و دوم اینکه کسی که از اموال و داشته های خود بخشش و انفاق نکند مورد بی اعتنایی خداوند متعال قرار می گیرد.

علم با کار سودمند بود *** علم بی کار پایمند بود

(دیوان حدیقه الحقیقه)

بر عمر رفته از سر غفلت مکن حساب *** اوراق باد برده نگرده دگر کتاب

دامن مکن ز حسرت بگذشته پر ز اشک *** آتش به استخوان رسد از گریه کباب

(مهدی)

راهنمایی شود بر عقل مرد به آراستگی او به عفت و قناعت.

غرر ج 2 ش 6814

ص: 58

امام علی علیه السلام فرمود:

تَوَقَّؤُا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ وَ تَلَقَّؤُهُ فِي آخِرِهِ، فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ، أَوَّلُهُ يُحْرِقُ وَ آخِرُهُ يُورِقُ. (1)

از سرما در آغاز آن (در پاییز) بپرهیزید و در آخرش (نزدیک بهار) از آن استقبال کنید، زیرا در بدن های شما همان می کند که با درختان انجام می دهد؛ آغازش می سوزاند و آخرش می رویاند و برگ می آورد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این کلام حکیمانه خود دستور طبی مهم و کارسازی را بیان می کند که مراعات آن می تواند از بسیاری از بیماری ها پیش گیری کند و بر نشاط و نمو جسم و روح انسان بیفزاید.

گفت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب کبار *** تن میپوشانید از باد بهار

ز آن که با جان شما آن می کند *** کان بهاران، با درختان می کند

پس غنیمت باشد آن سرمای او *** در جهان، بر عارفان وقت جو

در بهاران جامه از تن بر کنید *** تن برهنه جانب گلشن روید

لیک بگریزید از باد خزان *** کان کند کان کرد با باغ ورزان

(دیوان مثنوی مولوی ص 42)

ص: 59

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَدْ رَجَعَ مِنْ صِفِّينَ فَأَشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بِظَاهِرِ الْكُوفَةِ:

يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ وَالْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ، يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ، يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ، يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ، يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ
وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ؛

أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ، وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ، وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ.

هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا، فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ؟ ثُمَّ التَّفَّتْ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَتْ:

أَمَّا [وَاللَّهِ] لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى. (1)

امام علیه السلام از میدان (پرغوغا و مملو از تأسف) صفیین باز گشته بود، به کنار قبرستانی که پشت دروازه کوفه بود رسید (رو به سوی قبرها کرده) فرمود:

ای ساکنان خانه های وحشتناک و سرزمین های خالی و قبرهای تاریک! ای خاک نشینان! ای غریبان! ای تنهایان! و ای وحشت زدگان! شما در این راه پیشگام ما بودید و ما نیز به دنبال شما خواهیم آمد؛

اما خانه هایتان را دیگران ساکن شدند، همسرانتان (اگر جوان بودند) به نکاح دیگران درآمدند و اموالتان (در میان ورثه) تقسیم شد. اینها خبرهایی است که نزد ماست، نزد شما چه خبر؟

سپس امام علیه السلام رو به سوی اصحاب و یاران کرد و فرمود:

ص: 61

آگاه باشید اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده میشد به شما خبر میدادند که بهترین زاد و توشه (برای سفر آخرت) تقوا و پرهیزگاری است.»

توضیح:

امام علیه السلام در واقع با این تعبیرات نشان داد که هر انسانی سرانجام در این دنیا به چه سرنوشتی دچار می شود؛ امروز در میان دوستان و عزیزان در خانه های زیبا و مرفه زندگی می کند، جمع آنها جمع و اسباب نشاطشان فراهم است، می گویند و می خندند و از باده غرور سرمستند؛ ولی فردا جایگاهشان گورستان وحشتناک و قبرهای تاریک در وحدت و تنهایی خواهد بود. شادی ها و خوشی ها پایان می گیرد و لذات، خاتمه می یابد، جمعشان به پراکندگی می کشد و دوستیها به فراموشی سپرده می شود.

چند باشی بهر این، حلوا و نان *** زیر منت از فلان و از فلان

نیست جز تقوی در این ره توشه ای *** نان و حلوا را به هیل در گوشه ای

نان و حلوا چیست جاه و مال تو *** باغ و راغ و حشمت و اقبال تو

نان و حلوا چیست این طول امل *** وین غرور نفس و علم بی عمل

نان و حلوا چیست فرزند و زنت *** اوفتاده همچو غل در گردنت

برد این حلوا و نان آرام تو *** سُست از لوح توکل، نام تو

هرچه غیر از دوست باشد ای پسر *** نان و حلوا نام کردن سر بسر

ص: 62

گر همی خواهی که باشی تازه جان *** رو کتاب نان و حلوا را بخوان

(دیوان شیخ بهائی)

راه طویل و پر خطری پیش روی ماست *** وا حسرتا که توشه ما لب گزیدن است

ما را که هست ظلمت دریا و بیم موج *** فانوس راه پند علی علیه السلام را شنیدن است

فرموده است توشه تقوی بر این سفر *** بستان که خیر زاد به تقوی گزیدن است

(مهدی)

کسی که در افتد در میانه دریا و گرداب های آن و مهلکه های زندگی غرق شود.

غرج 2 ش 8074

ص: 63

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سَمِعَ رَجُلًا يَدُمُّ الدُّنْيَا:

أَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا، الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا، الْمَخْدُوعُ بِبَاطِلِهَا، أَتَغْتَرُّ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَدُمُّهَا؟ أَأَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا، أَمْ هِيَ الْمُتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ؟ مَتَى اسْتَهْوَتْكَ، أَمْ مَتَى غَرَّتْكَ؟ أَمْ صَارِعَ أَبَانِكَ مِنَ الْبَلَى، أَمْ بِمَصَاحِبِ أُمَّهَاتِكَ تَحْتَ الشَّرَى؟ كَمْ عَلَلَّتْ بِكَفَيْتِكَ، وَكَمْ مَرَّضَتْ بِيَدَيْكَ! تَبْتَغِي لَهُمُ الشِّفَاءَ وَتَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الْأَطْبَاءَ، غَدَاةَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ دَوَاؤُكَ، وَلَا يُجِدِي عَلَيْهِمْ بُكَاءُكَ، لَمْ يَنْفَعِ أَحَدَهُمْ إِشْفَاؤُكَ، وَلَمْ تُسْعَفْ فِيهِ بِطَلِبَتِكَ، وَلَمْ تَدْفَعْ عَنْهُ بِقُوَّتِكَ! وَقَدْ مَثَلَتْ لَكَ بِهِ الدُّنْيَا نَفْسَكَ، وَبِمَصْرَعِهِ مَصْرَعَكَ. إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا، وَدَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا، وَدَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا، وَدَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا؛ مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ، وَمُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ، وَمَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ، وَمَنْجَرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ، وَرَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَدُمُّهَا وَقَدْ آذَنْتَ بَيْنَهَا، وَنَادَتْ بِفِرَاقِهَا، وَنَعَتْ نَفْسَهَا وَأَهْلَهَا، فَمَثَلَتْ لَهُمْ بِيَلَائِهَا الْبَلَاءَ، وَشَوَّقَتْهُمْ بِسُرُورِهَا إِلَى السُّرُورِ؟! رَاحَتْ بِعَافِيَةٍ، وَابْتَكَّرَتْ بِفَجِيعَةٍ، تَرْغِيبًا وَتَرْهِيبًا، وَتَحْوِيفًا وَتَحْذِيرًا فَذَمَّهَا رِجَالُ غَدَاةِ النَّدَامَةِ، وَحَمَدَهَا آخَرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَكَرْتُهُمُ الدُّنْيَا فَتَذَكَّرُوا، وَحَدَّثْتُهُمْ فَصَدَّقُوا وَعَطَّتُهُمْ فَاتَّعَطُوا. (1)

ص: 64

امام علیه السلام شنید مردی در محضرش نکوهش دنیا میکند (در حالی که از غافلان بود) به او فرمود:

ای کسی که نکوهش دنیا میکنی (و دنیا را به خدعه و نیرنگ و فریبندگی متهم میسازی) تو خودت تن به غرور دنیا داده ای و به باطل های آن فریفته شده ای (عیب از توست نه از دنیا) تو خود فریفته دنیا شده ای سپس دنیا را مذمت میکنی (و گناه را به گردن آن می افکنی؟) تو ادعا میکنی که دنیا بر تو جرمی روا داشته یا دنیا چنین ادعایی بر تو دارد؟ چه زمانی دنیا تو را به خود مشغول ساخت، یا کی تو را فریب داد؟ آیا به محلی که پدرانت به خاک افتادند و پوسیدند تو را فریب داده؟ یا به خوابگاه مادرانت در زیر خاک؟ چه قدر با دست خود به بیماران پرداختی و چه قدر آنها را پرستاری کردی؟ درخواست شفا برای آنها میکردی و از طبیبان، راه درمان آنها را می خواستی، در آن روزهایی که داروی تو به حال آنها سودی نداشت و گریه تو فایده ای نمی بخشید، و دلسوزی آمیخته با ترس تو برای هیچ یک از آنها سودی نداشت و کوشش ها و کمک هایت برای آنها نتیجه ای نمی داد و با نیرویت دفاعی از آنها نکردی (و سرانجام با همه این تلاش و کوشش ها مرگ گریبانشان را گرفت و به همه چیز پایان داد). دنیا با این نمونه ها (که برای تو گفتم) وضع تو را نیز مجسم ساخته و با قربانگاه های او (برای دیگران)، قربانگاه تو را!

دنیا سرای صدق و راستی است برای آن کس که به راستی با آن رفتار کند، و جایگاه عافیت است برای کسی که از آن چیزی بفهمد، و سرای بینازی است برای آن کس که از آن توشه بگیرد، و محلّ موعظه و اندرز است برای کسی که از آن اندرز گیرد. دنیا مسجد دوستان خدا

و نمازگاه فرشتگان پروردگار، و محل نزول وحی الهی، و تجارت خانه اولیای الهی است. آنها در دنیا رحمت خدا را به دست آورده و بهشت را از آن بهره گرفتند. با این حال (که برای تو شرح دادم) چه کسی دنیا را نکوهش میکند؟ دنیا جدایی خود را اعلام داشته و فراق خویش را با صدای بلند خبر داده و از مرگ خود و اهلس همه را با خبر ساخته است. دنیا با نمونهای از بلاهایش بلاهای آخرت را به آنها نشان داده و با صحنه هایی از سرور و خوشحالی اش به سرور آخرت متوجه ساخته است (در حالی که همه می دانند نه بلای آخرت قابل مقایسه با بلای دنیا و نه سرور آخرت شایسته مقایسه با سرور دنیاست). گاه میبینند هنگام عصر در عافیت اند و صبحگاهان در مصیبت (و به این ترتیب) گاه تشویق میکنند و گاه میترسانند و گاه انسان را به خوف می افکنند و برحذر میدارد با این اوصاف، گروهی آن را در «روز پشیمانی» (روز قیامت) نکوهش میکنند و گروه دیگری در آن روز آن را مدح و ستایش می نمایند؛ همان گروهی که دنیا به آنها تذکر داد و متذکر شدند و برای آنها (با زبان حال) سخن گفت و تصدیقش کردند و به آنان اندرز داد و اندرزش را پذیرا شدند.

توضیح:

امام علیه السلام در این گفتار شفاف و بسیار روشن صحنه های عبرت انگیز دنیا را به طرز بسیار آموزنده ای ترسیم فرموده و به پرستارانی اشاره می کند که حال بیمارشان روز به روز سختتر می شود، گاه به دعا متوسل می شوند، گاه به طبیب و دارو، گاه بیتابی می کنند و دلسوزی و گاه سیلاب اشک از چشمشان سرازیر می شود؛ ولی هیچکدام

ص: 66

از آنها سودی نمی بخشد و بیمار در برابر چشمان اشک آلود آنها جان می سپارد. اینها اموری است که بسیاری از مردم تجربه کرده اند و آنها که تجربه نکرده اند از دیگران شنیده اند. آیا این صحنه ها کافی نیست که انسان به وسیله آن پی به بی اعتباری و بی وفایی دنیا ببرد؟

باده تو خوردی گنه زهر چیست *** جرم تو کردی خلیل دهر چیست

دهر نکوهی مکن ای نیک مرد *** دهر به جای من و تو بد نکرد

(نظامی گنجوی)

واعظت، مرگ هم نشینان بس *** اوستادت، فراقِ اینان بس

(اوحدی)

راست کن لفظ و استوار بگو *** سره کن راه و پس دلیر، بتاز

تا نیابی مراد خویش بکوش *** تا نسازد زمانه با تو، بساز

همه فردای تو به از امروز *** همه فرجام تو به از آغاز

(مسعود سعد سلمان)

صائب گهر به سنگ زدن بی بصیر نیست *** ضایع مکن، به مردم بیهوده، پند را

ناصر بیهوده گویی آبروی خویش بُرد *** بوی خون آید ز افغان مرغ بی هنگام را

(صائب تبریزی)

ص: 67

عمرها تخم هوس، در مزرع دل کاشتم *** جُز ندامت بهره بی زین سرزمین، حاصل نشد

(دیوان لامع)

چگونه شاد زید آن که بهر مردان زاد *** به خانه بی که همی انهدام کرده بناست

(دیوان جامی)

هر که آمد هر که آید بگذرد *** این جهان محنت سرایی بیش نیست

دیگران رفتند و ما هم می رویم *** کیست کورا منزلی در پیش نیست

احمد جامی ترا پندی دهد *** آخرت را باش دنیا هیش نیست

(جامی)

دنیا زمانی است کوتاه و آخرت ابدی است و جاویدان.

غرج 1 ش 2770

ص: 68

امام على عليه السلام فرمود:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَّةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا، فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ. النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاعٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. يَا كُمَيْلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ، وَ الْمَالُ تَنْفُسُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُوا عَلَى الْإِنْفَاقِ، وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ. يَا كُمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينَ يُدَانُ بِهِ، بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَ جَمِيلَ الْأُحْدُوذَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ، وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ الْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ. يَا كُمَيْلُ هَلْكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ. هَا إِنَّ هَاهُنَا لِعِلْمًا جَمًّا - وَ أَشَارَ يَدَيْهِ إِلَى صَدْرِهِ - لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً؛ بَلَى [أَصِيْبٌ] أَصَبْتُ لَقِنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ، مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَ مُسْتَظْهِرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ بِحُجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ؛ أَوْ مُنْقَادًا لِحِمْلَةِ الْحَقِّ، لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَانِهِ، يَنْقَدِحُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبُهَةٍ، أَلَا لَا ذَا وَ لَا ذَاكَ؛ أَوْ مِنْهُمَا بِاللَّذَّةِ سَلَسَ الْفِيَادِ لِلشَّهْوَةِ أَوْ مُغْرَمًا بِالْجَمْعِ وَ الْإِدْخَارِ؛ لَيْسَا مِنْ رِعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ، أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبَهًا بِهِمَا الْأَنْعَامَ السَّائِمَةَ؛ كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ، وَ كَمْ

ذَا وَ أَيْنَ أَوْلِيكَ؟ أَوْلِيكَ وَاللَّهِ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا، يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ، حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَيَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ اللَّهِ بِأَهْلِهِمْ؛ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَبِاسْتِرْوَا رُوحِ الْيَقِينِ وَاللَّهِ تَمَلُّوا مَا اللَّهُ تَوَعَّرَهُ الْمَتَرْفُونَ وَ أَسُوا بِمَا اللَّهُ تَوَحَّشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ، وَ صَحَبُوا الدُّنْيَا بِإِدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى؛ أَوْلِيكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالِدَعَاةُ إِلَى دِينِهِ؛ آه آه، شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ. انصِرْفْ يَا كَمِيلُ إِذَا شِئْتَ. (1)

از سخنان امام علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی است. کمیل بن زیاد میگوید:

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام دست مرا گرفت و به سوی صحرا (خارج شهر کوفه) برد هنگامی که به صحرا رسید آه پردردی کشید و فرمود:

ای کمیل بن زیاد! دل ها همانند ظرف هاست پس بهترین آنها ظرفی است که مقدار بیشتری را بتواند نگهداری کند بنابراین آنچه را به تو میگویم حفظ کن و در خاطر خود بسپار. مردم سه گروهند: علمای ربانی، دانش طلبان در طریق نجات و احمقان بی سر و پا و بی هدف که دنبال هر صدایی می روند و با هر بادی حرکت می کنند، آن هایی که با نور علم روشن نشده و به ستون محکمی پناه نبرده اند.

ای کمیل! علم از مال بهتر است (چرا که) علم، تو را پاسداری می کند ولی تو باید مال را پاسداری کنی. مال با هزینه کردن کاستی می گیرد در حالی که علم، با انفاق افزون می گردد. دست پروردگان مال، با زوال آن از بین میروند. (ولی دست پروردگان علوم پایدارند)

ای کمیل بن زیاد! آشنایی با علم و دانش آینی است که

ص: 70

انسان به آن جزا داده میشود و باید به آن گردن نهد، به وسیله آن در دوران حیات، کسب طاعت فرمان خدا میکند و بعد از وفات نام نیک از او می ماند. (در حالی که مال به تنهایی نه وسیله طاعت است نه سبب نیک نامی بعد از مرگ) علم حاکم است و مال محکوم علیه (علم فرمانده است و مال فرمان بردار)

ای کمیل! ثروت اندوزان هلاک شده اند در حالی که ظاهراً در صف زندگانند، ولی دانشمندان تا جهان برقرار است زنده اند خود آنها گرچه از میان مردم بیرون رفته اند، ولی چهره و آثارشان در دلها ثبت است.

سپس امام علیه السلام فرمود:

(درست است که عالمان با عمل اندک اند و علم و دانش با مرگ حاملانش میمیرد) ولی بار خدایا! آری هرگز روی زمین از کسی که به حجت الهی قیام کند خالی نمیشود، خواه ظاهر و آشکار باشد و یا ترسان و پنهان. وجود آنها به این سبب است که دلایل الهی و نشانه های روشن او هرگز باطل نگردد و از دست نرود. آنها چند نفرند و کجا هستند؟ به خدا سوگند تعدادشان کم و قدر و مقامشان نزد خدا بسیار والاست. خداوند به واسطه آنها حجت ها و دلایلی را حفظ می کند تا به افرادی که نظیر آنها هستند بسپارند و بذر آن را در قلوب افرادی شبیه خود بیفشانند. علم و دانش با حقیقت بصیرت به آنها روی آورده و روح یقین را لمس کرده اند. آنها آنچه را دنیاپرستان هوس باز مشکل می شمردند آسان یافته اند. و به آنچه جاهلان از آن وحشت دارند انس گرفته اند. آنها در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که ارواحشان به عالم بالا تعلق دارد، خلفای الهی در زمین اند و دعوت کنندگان به سوی آئینش. آه چقدر اشتیاق دیدارشان

را دارم. ای کمیل! (همین قدر کافی است) هر زمان که میخواهی باز گرد.

توضیح:

امام علیه السلام در این کلام بسیار شریف و پربار و پرمعنا نخست برای آماده کردن مخاطب خود کمیل، او را به مکانی می برد که خالی از اغیار و نامحرمان باشد تا بتواند آزادتر و پربارتر حقایق را برای او بیان کند.

همه انسان ها بخصوص شیعیان علی علیه السلام لازم است این حکمت را بارها و بارها بخوانند و درباره آن تفکر و تعمق کنند.

چو دانش تنش را نگهبان بود *** همه زندگانش ، آسان بود

(فردوسی)

به از دینار و گوهر ، علم و حکمت *** که را دل روشن است و جسم بیدار ؟

(ناصر خسرو)

وجود مردم دانا مثال زر طلاست *** که هر کجا برود قدر و قیمتش دانند

بزرگزاده نادان به شهر واماند *** که در دیار غریبش به هیچ نستانند

(سعدی)

مالی که ز تو کس نستاند علم است *** چیزی که تو را به حق رساند علم است

جز علم، طلب مکن تو اندر عالم *** چیزی که تو را ز غم رهاند، علم است

(شیخ بهائی)

ص: 72

خُنْک ، نیکبختی که در گوشه ای *** به دست آرد از معرفت توشه ای

بر آنان که شد سِرِّ حق آشکار *** نکردند باطل بر او اختیار

تو خود را از آن در چه انداختی *** که چه را ز ره باز نشناختی

(سعدی)

زین عمر فانی در جهان دانش طلب تا جاودان *** ماند تو را نام و نشان ملک سکندر بگذرد

(الهی قمشه ای)

که حکیمان جهانند در ختان خدای *** اگر این خلق همه خار و خسانند و قُمَاش

(ناصر خسرو)

تیغ دادن بر کف زنگی مست *** به که افتد ، علم ، ناکس را بدست

(سعدی)

دانش ار نیست همدم و تقوی *** تیغ بران به دست مستان است

(عطار نیشابوری)

صد هزاران مرد، گم گردد مدام *** تا یکی اسرار بین گردد تمام

کاملی باید در او جانی شگرف *** تا کند غواصی این حرف ژر

(عطار نیشابوری)

ص: 73

چه می داند کسی تا درد من چیست *** چه دردی دارم و هم در من کیست

نه هم دردی که درد خویش گویم *** از او درمان درد خویش جویم

(وحشی بافقی)

در میان جان و جانان رازهاست *** خامه و دفتر ورا محرم کجاست

دوست را با دوست باشد صد سخن *** کی توانش گفت: در هر انجمن

راستی در خلوت جانان و جان *** جسم هر محرم نباشد در میان

(نراقی)

تو دو دیده فرو بندی و گوئی روز روشن مگو *** زند خورشید بر چشمت که اینک من! تو در بگشا

(مولوی)

مردان خدا ز خاکدان دگرند *** مرغان هوا ز آشیان دگرند

منگر تو از این چشم بدیشان کایشان *** فازغ ز دوکون و در مکان دگرند

(ابوسعید ابوالخیر)

عشاق جهان جمله تماشای تو دارند *** عالم ز تماشای تو چون خلد ارم شد

(عطار نیشابوری)

مرا چشمی ست زان هر دم براهی *** که دارم انتظار وصل ماهی

(وحشی بافقی)

امام على عليه السلام فرمود:

لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ، وَ [يَرْجُو] يَرْجُو التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ؛ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ، وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِيينَ؛ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ، وَإِنْ مُنِعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ؛ يَعْجِزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ، وَ يَبْتَغِي الزِّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ؛ يَنْهَى وَ لَا يَنْتَهِي، وَ يَأْمُرُ [النَّاسَ بِمَا لَمْ يَأْتِ] بِمَا لَا يَأْتِي؛ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ، وَ يُبْغِضُ الْمَذْنِبِينَ وَ هُوَ أَحَدُهُمْ؛ يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِكثْرَةِ ذُنُوبِهِ، وَ يَقِيمُ عَلَى مَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ مِنْ أَجْلِهِ؛ إِنْ سَقَمَ ظَلَّ نَادِمًا، وَإِنْ صَحَّ أَمِنَ لَاهِيًا؛ يُعْجَبُ بِنَفْسِهِ إِذَا عُوْفِي، وَ يَقْنَطُ إِذَا ابْتُلِيَ؛ [وَ] إِنْ أَصَابَهُ بَلَاءٌ دَعَا مُضْطَرًّا، وَإِنْ نَالَهُ رَحْمَاءٌ أَعْرَضَ مُغْتَرًّا؛ تَغْلِبُهُ نَفْسُهُ عَلَى مَا يَظُنُّ، وَ لَا يَغْلِبُهَا عَلَى مَا يَسْتَيْقِنُ؛ يَخَافُ عَلَى غَيْرِهِ بِأَذْنَى مِنْ ذَنْبِهِ، وَ يَرْجُو لِنَفْسِهِ بِأَكْثَرٍ مِنْ عَمَلِهِ؛ إِنْ اسْتَعْنَى بِطِرٍ وَ فُتِنَ، وَإِنْ افْتَقَرَ قَنِطَ وَ وَهَنَ؛ يَقْصُرُ إِذَا عَمِلَ، وَ يُبَالِغُ إِذَا سَأَلَ؛ إِنْ عَرَضَتْ لَهُ شَهْوَةٌ أَسَدَ لَفَ الْمَعْصِيَةَ وَ سَوَّفَ التَّوْبَةَ، وَإِنْ عَرَتْهُ مِحْنَةٌ انْفَرَجَ عَنْ سَرَائِطِ الْمِلَّةِ؛ يَصِفُ الْعِبْرَةَ وَ لَا يَعْتَبِرُ، وَ يُبَالِغُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَ لَا يَتَّعِظُ، فَهُوَ بِالْقَوْلِ مُدِلٌّ وَ مِنَ الْعَمَلِ مُقِلٌّ؛ يُنَافِسُ فِيمَا يَنْفَى، وَ يُسَامِحُ فِيمَا يَبْقَى؛ يَرَى الْغَنَمَ مَغْرَمًا، وَ الْغُرْمَ مَغْنَمًا؛ يَخْشَى الْمَوْتَ، وَ لَا يُبَادِرُ الْفَوْتَ؛ يَسْتَعْظِمُ مِنْ مَعْصِيَةِ غَيْرِهِ مَا يَسْتَقْبَلُ أَكْثَرَ مِنْهُ مِنْ نَفْسِهِ؛ وَ يَسْتَكْثِرُ مِنْ طَاعَتِهِ مَا يَحْقِرُهُ مِنْ طَاعَةِ غَيْرِهِ، فَهُوَ عَلَى النَّاسِ

طَاعِنٌ وَلِنَفْسِهِ مَدَاهِنٌ؛ [اللُّغُو] اللَّهُمَّ مَعَ الْأَغْنِيَاءِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الذِّكْرِ مَعَ الْفُقَرَاءِ؛ يَحْكُمُ عَلَى غَيْرِهِ لِنَفْسِهِ، وَلَا يَحْكُمُ عَلَيْهَا لِغَيْرِهِ؛ [يُرْسِدُ نَفْسَهُ وَيُغْوِي غَيْرَهُ] يُرْسِدُ غَيْرَهُ، وَيُغْوِي نَفْسَهُ، فَهُوَ يُطَاعُ وَيَعْصَى، وَيَسْتَتُوفِي وَلَا يُوفِي؛ وَيَخْسَدِي الْخَلْقَ فِي غَيْرِ رَبِّهِ، وَلَا يَخْسَدِي رَبَّهُ فِي خَلْقِهِ. (1)

از کسانی نباش که بدون عمل امید سعادت اخروی دارد و توبه را با آرزوهای دور و دراز به تأخیر میاندازد، درباره دنیا همچون زاهدان سخن میگوید، ولی در آن همچون دنیاپرستان عمل میکند. اگر چیزی از دنیا به وی برسد سیر نمیشود و اگر نرسد هرگز قانع نخواهد بود. از شکر آنچه به او داده شده عاجز است، ولی باز هم فزونی میطلبد. دیگران را از کار بد باز میدارد ولی خود نهی نمیپذیرد و دیگران را به کار خوب وا میدارد، ولی خودش به آن عمل نمیکند. صالحان را دوست دارد ولی عمل آنها را انجام نمیدهد و گنهکاران را دشمن میشمرد ولی یکی از آن هاست.

از مرگ به سبب زیادی گناهان متنفر است، اما به اعمالی ادامه میدهد که مرگ را به سبب آن ناخوش میدارد. هرگاه بیمار میشود (از اعمال بد خود) پشیمان میگردد و هرگاه تندرست شود احساس امنت میکند و به لهو و لعب میپردازد. به هنگام سلامت خود خواه و مغرور میشود و به هنگام گرفتاری ناامید میگردد. اگر بلایی به وی برسد همچون بیچارگان دست به دعا بر میدارد و اگر وسعت و آرامشی به او دست دهد با غرور از خدا روی گردان میشود. نف^۱س او وی را در امور دنیا به آنچه

ص: 77

گمان دارد وادار می کند ولی در امور آخرت به آنچه یقین دارد بی اعتناست. نسبت به دیگران به کمتر از گناه خود میترسد و نسبت به خویشان بیش از آنچه عمل کرده انتظار دارد.

پس امام علیه السلام (فرمود: از کسانی مباش که) به هنگام بی نیازی مغرور و فریفته دنیا میشود و به هنگام فقر مأیوس و سست میگردد. به هنگام عمل کوتاهی میکند و به هنگام درخواست و سؤال اصرار می ورزد. هرگاه شهوتی برایش حاصل شود گناه را جلو میاندازد و توبه را به تأخیر و اگر محنت و شدتی به او برسد (بر اثر نداشتن صبر و شکیبایی) از دستورات دین به کلی دور میشود. عبرت آموختن را مستاید (و به دیگران آموزش میدهد) ولی خود عبرت نمیگیرد و موعظه بسیار میکند اما خود موعظه و اندرز نمیپذیرد. در گفتار به خود مینازد و در عمل بسیار کوتاهی میکند. برای دنیای فانی تلاش و کوشش فراوان دارد، ولی برای آخرت باقی مسامحه کار است. غنیمت را غرامت و غرامت را غنیمت میشمرد. از مرگ میترسد، ولی فرصتها را از دست میدهد.

معصیتهای کوچک را از دیگران بزرگ میشمرد در حالی که بزرگتر از آن را از خود ناچیز مبیند، آنچه را از طاعات دیگران کوچک میشمرد از خودش بزرگ و بسیار میندارد. (مرتباً) به (کارهای) مردم خُرده میگیرد، اما از کارهای خود با مسامحه و مجامله میگذرد. لهُو و لعب با ثروتمندان نزد او از ذکر خدا با فقیران محبوبتر است. همواره به نفع خود و به زیان دیگران حکم میکند، اما هرگز حق را به دیگران نمیدهد. دیگران را هدایت میکند و خود را گمراه میسازد و در نتیجه مردم از آن هدایت میکنند اما خود معصیت خدا می کند. حق خود را

به طور کامل میگیرد ولی حقوق دیگران را نمیپردازد. از خلق خدا از آنچه معصیت خدا نیست میترسد ولی خود از خدا (در مورد ستم کردن) درباره مخلوقش پروا ندارد.

توضیح:

این کلام حکمت آمیز که نصایح بسیار گرانبقدر و مواعظ گرانبهائی در آن هست دستورالعملی است برای تمام زندگی بشر که در سایه آن می تواند سعادت دنیا و آخرت را برای خود به دست آورد. مرحوم سید رضی (ره) بعد از ذکر این کلام شریف، تصریح می کند که اگر در مجموعه کتاب نهج البلاغه جز این کلام شریف نبود برای وعظ و اندرز و موعظه نجات بخش کافی بود، و چه بسیار از افرادی که از جای جای این کلام شریف برای اثبات مقاصد خود بهره گرفتند و سخنان خود را به وسیله آن آراسته اند.

ایها الناس جهان جای تن آسانی نیست *** مرد دانا، به جهان داشتن ارزانی نیست

دست حسرت گزی اریک درمت فوت شود *** هیچت از عمر تلف کرده پشیمانی نیست

(سعدی)

از توبه حرف می زنی و باده می خوری *** بیدار می شوی و سپس خواب می کنی

چون عقل و هوش و دین و دلت را اسیر کرد *** آهنگ این سفر به چه اسباب می کنی؟

(صائب تبریزی)

فکر صید خلق دارد زاهدان را گوشه گیر *** خاکساری پرده تزویر باشد دام را

(صائب تبریزی)

ص: 79

در بند خلق مانده ای و زهد از آن کنی *** تا کویدت کسی که فلانی است پارسا

این زهد کی بود که تو را شرم باد از این *** گویی تو را نه شرم بماد و نه حیا

(عطار نیشابوری)

خدائی که رزاق انس است و جان *** مرا از کرم گسترانیده خوان

چگونه کنم شکر احسان تمام *** ز عاجز بود عجز ختم کلام

(رفعت اصفهانی)

ملک اقلیمی بگیرد پادشاه *** همچنان در بند اقلیمی دگر

(سعدی)

از فقر مکن شکوه که آزاد روان را *** بی برگی ایام، عجب برگ و نوائی است

(صائب تبریزی)

نبرده رنج طلب، جامیا وصال مجوی *** نگشت صاحب خرمَن کسی که تخم نکشت

(جامی)

ترک شهوت ها و لذت ها سخاست *** هر که در شهوت فرو شد برنخاست

عروة الوثقی است این ترک هوا *** بر کشد این شاخ جان را بر سما

مار شهوت را بکش در ابتدا *** ورنه اینک گشت مارت ازدها

(مثنوی معنوی)

فعل و گفتارم نمی باشد چو باهم آشنا *** کی اثر بخشد بگوش دیگران افسانه ام

ص: 80

باید عمل بگفته خود کرد و رنه حرف *** چون دود آید از دهن و برهوا رود

(رجاء اصفهانی)

هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی *** چه حاجت است بگوید شکر، که شیرینم

(سعدی)

مده به راحت فانی حیات باقی را *** به محنت دو سه روز، از غم ابد بگریز

(جامی)

ص: 81

29- برادرت را با نیکی به آن سرزنش کن

امام علی علیه السلام فرمود:

عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَ ارْذُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ. (1)

برادرت را (به هنگامی که خطایی از او سر میزند) با نیکی کردن به او سرزنش کن! و شر وی را از راه بخشش به او دور ساز!

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه خود بهترین راه رفع مزاحمت های بعضی از دوستان را بیان کرده.

بخش ای پسر کادمی زاده صید *** به احسان تواند کرد و وحشی به قید

عدو را به الطاف گردن ببند *** که نتوان بریدن به تیغ این کم-ند

چو دشمن کرم ببند و لطف وجود *** نیاید دگر خبث ازو در وجود

(سعدی)

ص: 82

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَايَا وَنَهْبٌ تُبَادِرُهُ الْمَصَائِبُ، وَمَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقٌ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ؛ وَلَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى، وَلَا يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ؛ فَنَحْنُ أَعْوَانُ الْمُنُونِ وَأَنْفُسُنَا نَصَبُ الْحُتُوفِ، فَمِنْ أَيْنَ نَرْجُو الْبَقَاءَ؛ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَمْ يَرْفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرَفًا إِلَّا أَسْرَعَا الْكِرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَنَيْنَا وَتَفْرِيقِ مَا جَمَعْنَا. (1)

انسان در این دنیا هدفی است که تیره‌های مرگ همواره به سوی او نشانه‌گیری می‌کند و ثروتی است که مصائب، در غارت آن شتاب دارند و بر یکدیگر سبقت میگیرند. همراه هر جرعه‌ای، گلوگیر شدنی و همراه هر لقمه‌ای (نیز) گلوگرفتنی است. انسان به نعمتی از آن نمیرسد جز با فراق نعمت دیگر. به استقبال هیچ روز از عمرش نم‌یرود جز این که از روز دیگری از عمرش جدا می‌شود، بنابراین ما اعوان و یاران مرگیم و جانمان هدف (عوامل) مرگبار و با این حال چگونه می‌توانیم امید بقا داشته باشیم. این شب و روز هرگز ارزش چیزی را بالا نبرده جز این که پراکنده می‌کنند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار نورانی چهره واقعی دنیا را به همگان نشان داده و از بی وفایی و ناپایداری و مشکلات گوناگون آن سخن می‌گوید؛ سخنی که از جان مولا برخاسته و بر

ص: 83

جان می نشیند حضرت در آن به شش نکته مهم اشاره کرده است.

مرا در منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم *** جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها

(حافظ)

بیدار شو ای خواجه که خوش خلق بکشد *** حمال زمانه رخت از خانه عمر

(حافظ)

غافل مشو که عمر تو بر باد می رود *** بر رخس عمر هر نفسی تازیانه ایست

(مفرد همدانی)

موی سپید نامه دعوت رسیدن است *** پیغام ارجعی به کنایت شنیدن است

این رشته محبت دنیا گسسته به *** هنگام دل ز مکت دنیا بریدن است

بودیم دلخوش از قفس تن یکی دو روز *** ای مرغ خوش خیال زمان پریدن است

(مهدی)

فخر و ارزشی در مال نیست جز با جود و بخشش آن مال.

غورج اش 1273

ص: 84

امام علی علیه السلام فرمود:

مَتَى أَشْفِي غَيْظِي إِذَا غَضِبْتُ؟ أَمْ حِينَ أَعْجَزُ عَنِ الْإِنْتِقَامِ، فَيَقَالُ لِي لَوْ صَبَرْتَ؛ أَمْ حِينَ أَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَيَقَالُ لِي لَوْ عَفَوْتَ؟ من کی (1)

آتش خشمم را فرو نشانم آیا هنگامی که از انتقام ناتوانم که به من میگویند: اگر صبر کنی (تا توانا شوی) بهتر است یا هنگامی که قادر بر انتقامم که به من گفته میشود: اگر عفو کنی بهتر است.

توضیح:

این یک واقعیت است که انسان خشمگین در برابر ظلم و ستمی که بر او می رود دو حالت دارد: گاه می خواهد انتقام بگیرد؛ اما توان آن را ندارد و چه بسا به پرخاشگری و گفتن سخنان درشت و تهدید شخص ظالم برخیزد و گاه با او گلاویز شود؛ اما هنگامی که ناتوانی خود را می بیند عقب نشینی می کند. در این هنگام همه به او می گویند: اگر می خواهی انتقام بگیری بگذار توانایی پیدا کنی و این گونه که مایه رسوایی و آبروریزی است به میدان دشمنت مرو، بنابراین در چنین حالتی مردم، او را به صبر و شکیبائی دعوت می کنند؛ اما اگر توان بر انتقام داشته باشد و طرف مقابل در برابر ضعیف و ناتوان گردد همین که دست به انتقام بلند می کند مردم به او می گویند: شایسته است عفو کنی که زکات قدرت عفو است.

ص: 85

در ضعیفی صبر کن تا قدرتی پیدا کنی *** عفو کن تا نزد مردم عزّتی پیدا کنی

خشم کن خاموش هنگام غضب *** تا ز خاموشی آتش لذّتی پیدا کنی

(مهدی اصفهانی)

صبر شکیبایی رفعت و بلندی است و بی تابی و ناشکیبایی پستی و نقصان.

غرج 1 ش 4772

ص: 86

32- کلمه حقی که اراده باطل از آن می شود

امام علی علیه السلام فرمود:

لَمَّا سَمِعَ قَوْلَ الْخَوَارِجِ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ:

کلمه حقی، يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ. (1)

هنگامی که این سخن خوارج را که میگفتند «لا حکم الا لله» (حکم مخصوص خداست) شنید فرمود:

«سخن حقی است که معنی باطلی از آن اراده شده است.»

توضیح:

اشاره به اینکه سخن حق است و برگرفته از آیات قرآن مجید؛ ولی خوارج معنای آن را تحریف می کنند به گونه ای که سر از باطل بیرون می آورند.

گرچه از شب تا سحر پیوسته قرآن خوانده اند *** جملگی از فهم آیات خدا در مانده اند

حرف حق گویند، اما نیت باطل کنند *** این خوارج، خویش از اسلام بیرون رانده اند

کسی که بخاطر حق مغلوب شده در حقیقت غالب است.

غرج 1ش 1932

ص: 87

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صِفَةِ الْغَوَّاءِ: هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا غَلَبُوا، وَإِذَا تَفَرَّقُوا لَمْ يُعْرَفُوا.

وَقِيلَ بَلْ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا ضُرُّوا وَإِذَا تَفَرَّقُوا نَفَعُوا. فَقِيلَ قَدْ عَرَفْنَا [عَلِمْنَا] مَضَرَّةَ اجْتِمَاعِهِمْ، فَمَا مَنَفَعَةُ افْتِرَاقِهِمْ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْجِعُ أَصْحَابُ [أَهْلِ] الْمِهْنِ إِلَى مِهْنَتِهِمْ [مِهْنِهِمْ]، فَيَنْتَفِعُ النَّاسُ بِهِمْ، كَرُجُوعِ الْبَنَاءِ إِلَى بِنَائِهِ وَالنَّسَاجِ إِلَى مَنْسَجِهِ وَالْحَبَّازِ إِلَى مَخْبِزِهِ.

امام علی علیه السلام در بیان صفت توده های بی بند و باری که گاه دست به دست هم می دهند و مفاسدی در جامعه ایجاد میکنند فرمود: آنها کسانی هستند که هر وقت هماهنگ شوند غالب میگردند و هنگامی که پراکنده شوند شناخته نخواهند شد. آنها کسانی هستند که هرگاه متحد شوند زیان میبرسانند و هر زمان متفرق گردند سود به بار می آورند. کسی سؤال کرد: زیان آنها را به هنگام متحد شدن دانستیم، منفعت آنها به هنگام پراکنده شدن چیست؟

امام علی علیه السلام فرمود: پیشه وران و اهل کسب (از آنها) به کارهای خود باز می گردند و مردم از کار آنها بهره مند میشوند؛ بنا به سراغ بتایی میروند و بافنده مشغول بافندگی میشود و نانوا به پخت نان می پردازد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار پرمعناى خود از توده های بی بند و

باری که گاه دست به دست هم می دهند و مفاسدی در جامعه ایجاد می کنند، سخن می گوید.

جمع یاغی چو ملخ مزرعه نابود کند *** چون پراکنده شود، خلق از آن سود کنند

(مهدی)

بدی در وجود و سرشت هر کسی نهفته است که اگر صاحب آن است بر آن غلبه کرد پنهان شود و اگر بر آن غالب نشد آشکار شود.

غرج 1 ص 4335

ص: 89

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ [قَدْ] أُتِيَ بِجَانٍ وَ مَعَهُ غَوَّاءٌ، فَقَالَ: لَا مَرْحَباً بِوُجُوهِ لَا تُرَى إِلَّا عِنْدَ كُلِّ سَوَاءٍ. (1)

هنگامی که جنایتکاری را به همراه جمعی از اویش خدمت امام علیه السلام آوردند.

امام علیه السلام فرمود: خوش آمد مباد بر چهره هایی که جز به هنگام «حوادث بد» دیده نمی شوند.

توضیح:

همواره گروهی در جوامع بشری در پی جنجال آفرینی با حضور در حوادث جنجالی هستند؛ به محض این که نگاه کنند دو نفر با هم در گوشه خیابان دعوا می کنند از اطراف جمع می شوند؛ نه برای میانجیگری، بلکه برای این که آن صحنه زشت را بنگرند و یا هنگامی که بشنوند بنا هست فلان کس را در ملا عام مجازات کنند، دوان دوان به سوی آن صحنه می روند.

جنایت پیشه ای را خوش مبادا *** که در هنگامه بد دیده گردد

خوشا آن چهره زیبای مؤمن *** که دل از دیدنش فرخیده گردد

خصلت هایی که از آنها شر و بدی به بار آید عبارتند از: دروغ، بخل، ستم، نادانی.

غرج 1 ش 4334

ص: 90

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَكَئِينَ يَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْقَدَرُ خَلَّيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ؛ وَإِنَّ الْأَجَلَ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ. (1)

همراه هر انسانی دو فرشته است که وی را (از خطرات) محافظت می کنند، اما هنگامی که روز مقدر فرا رسد او را در برابر حوادث رها می سازند و (بنابراین) اجل و سرآمد زندگی (که از سوی خداوند تعیین شده) سپری است محافظ و نگهدار.

توضیح:

از مجموع آیات و روایات اسلامی به خوبی استفاده می شود که انسان دارای دو اجل و سرآمد عمر است: یکی اجل معلق یا مشروط که اگر در برابر آن دقت شود می توان از آن پرهیز کرد، مانند انواع بیماری های قابل علاج، خطرات رانندگی که بر اثر بی احتیاطی پیش می آید، خطرات زلزله ها و طوفان ها که بر اثر سستی ساختمان خانه ها دامن انسان را می گیرد تمام اینها از اموری است که ممکن است به زندگی انسان پایان دهد ولی در عین حال قابل اجتناب است.

چون قضا آید نماند فهم و رای *** کس نمی داند قضا را جز خدای

چون قضا آید فرو پوشد بصر *** تا نداند عقل ها پا را ز سر

ص: 91

زان امام المتقين داد اين خبر ***گفت: «اذا جاء القضاء عمى البصر»

(مثنوی معنوی)

ص: 92

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ قَالَ لَهُ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ نُبَايَعُكَ عَلِيٌّ أَنَا شُرَكَاءُكَ فِي هَذَا الْأَمْرِ:

[فَقَالَ] لَا وَ لَكِنِّكُمْ شَرِيكَانِ فِي الْقُوَّةِ وَ الْإِسْتِعَانَةِ، وَ عَوْنَانِ عَلَيَّ الْعَجْزِ وَ الْأَوْدِ. (1)

در پاسخ طلحه و زبیر آنجا که به امام پیشنهاد خلافت شورایی کردند و گفتند با تو بیعت می کنیم به این شرط که در حکومت شریک باشیم؛

فرمود: نمیشود (زیرا شرکت در خلافت معنا ندارد) شما شریک در تقویت و کمک و یار و یاور به هنگام ناتوانی و سختی و مشکلات باشید.

توضیح:

طلحه و زبیر به هنگام بیعت و طبق بعضی از روایات مدتی بعد از بیعت خدمت امام علیه السلام آمدند و گفتند: ما بیعت کرده ایم که با تو شریک باشیم منظورشان این بود که حکومت بصره و کوفه را امام به آنها بسپارد و به این ترتیب بر تمام عراق مسلط شوند و دست به دست معاویه بدهند شام را هم در اختیار بگیرند تا قسمت عمده کشور اسلام تحت سیطره آنها واقع شود. با این توضیح می فهمیم چرا امام علیه السلام دست رد بر سینه آنها گذاشت و این جواب حکیمانه پر معنا را به آنها داد.

اعتماد کردن بر قضا و قدر برای برطرف کردن اندوه چیز خوبی است.

غرر ج 2 ش 8118

ص: 93

امام علی علیه السلام فرمود:

لَتَعَطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهِ هَا، عَطَفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَاَدِّهَا؛ وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْنَا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (1)

دنیا همچون شتر بدخویی است که بعد از چموشی به ما روی می آورد و همچون شتری است که دوشنده شیر را گاز می گیرد تا شیر را برای فرزندش نگهداری کند، سپس امام این آیه را تلاوت فرمود: ما میخواهیم بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان و وارثان آن قرار دهیم.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه خود خبر مسرت بخشی از آینده اهل بیت و پیروان مکتب آنها می دهد.

صف بیارائید زندان رهبر دل آمده *** جان برای دیدنش منزل به منزل آمده

طور سینا را بگو ایام «صعق» آخر رسید *** موسی حق در پی فرعون باطل آمده

بانگ زن بر جمع خفاشان پست کوردل *** از ورای کوهساران شمس کامل آمده

بازگو اهریمنان را فصل عشرت بار بست *** زندگی بر کامتان زهر هلاهل آمده

ص: 94

دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین *** با دم عیسی برای حلّ مشکل آمده

(امام خمینی)

خوشحالی و شادمانی شدن به دنیا حماقت و کم عقلی است .

غرج 1ش 2785

ص: 95

امام علی علیه السلام فرمود:

اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تُقَاةً] مَنْ شَمَّرَ تَجْرِيداً وَجَدَّ تَشْمِيراً، وَكَمَّشَ [أَكْمَشَ] فِي مَهَلٍ وَبَادَرَ عَنْ وَجَلٍ، وَنَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمُؤْتَلِ وَعَاقِبَةَ الْمَصْدَرِ وَ
مَعَبَّةَ الْمَرْجِعِ. (1)

تقوای الهی پیشه کنید؛ تقوای کسی که برای اطاعت خدا دامن به کمر زده در حالی که خود را از (علائق مادی) جدا ساخته و سخت (در این راه) میکوشد و با بصیرت در راه خدا با چابکی گام بر میدارد و از ترس اعمال خود، به سرعت (به سوی مغفرت الهی) پیش میرود و در بازگشت به پناهگاه اصلی (آخرت) و به سرانجام زندگی و عاقبت کار می اندیشد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه دستور به تقوا می دهد ولی تقوا را با پنج وصف همراه می سازد که در واقع انگیزه های تقوا و نتایج آن را در بردارد.

1- همت برای ورود به مسیر تقوی

2- با جدیت در این مسیر حرکت کردن

3- حرکت با دقت و بصیرت

4- ترس از تمام شدن عمر و نداشتن زاد و توشه آخرت

5- اندیشه درباره منزل آخرت و جایگاه او در آن

ص: 96

امام علی علیه السلام فرمود:

الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ، وَالْحِلْمُ فِدَامُ السَّفِيهِ، وَالْعَفْوُ زَكَاةُ الظَّفِيرِ، وَالسُّلُوُ عَوْضُكَ مِمَّنْ غَدَرَ، وَالْإِسَّةُ تَشَارَةُ عَيْنِ الْهَدَايَةِ، وَقَدْ خَاطَرَ مَنْ
اسْتَتَعَى بِرَأْيِهِ، وَالصَّبْرُ يُنَاصِلُ الْحِدْنَ، وَالْجَزَعُ مِنْ أَعْوَانِ الزَّمَانِ، وَأَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ الْمُنَى، وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ، وَمِنْ
التَّوْفِيقِ حِفْظُ التَّجْرِبَةِ، وَالْمَوَدَّةُ قَرَابَةٌ مُسْتَفَادَةٌ، وَلَا تَأْمَنَنَّ مَلُولًا. (1)

بخشش حافظ آبرو هاست و حلم دهان بند سفیه است و زکات پیروزی، عفو است و دوری و فراموشی کیفر پیمان شکنان است و مشورت
عین هدایت است و آن کس که به رأی خود قناعت کند خویشان را به خطر افکنده است و صبر با مصائب میجنگد و جزع و بیتابی به
حوادث دردناک زمان کمک میکند و برترین بینازی ترک آرزو هاست و چه بسیار عقلها که در چنگال هوا و هوسهای حاکم بر آنها اسیرند و
حفظ تجربه ها بخشی از موفقیت است و دوستی، نوعی خویشاوندی اکتسابی است و به انسانی که ملول و رنجیده خاطر است اعتماد
مکن.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این مجموعه اندرزهای گرانها که هر کدام از آنها گوهر پرارزشی است، به بخش های مهمی از فضائل اخلاقی اشاره
فرموده است؛

همان فضائلی که دنیا و آخرت انسان را آباد می کند و

ص: 97

جامعه بشری را از گرفتار شدن در امواج بلا حفظ می نماید. این مجموعه در سیزده جمله بیان شده است.

شرف مرد به جود است و کرامت به سجود *** هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود

(سعدی)

سناوت پیشه کن تو از کم و بیش *** کزان بیگانگان گردند چون خویش

(ناصر خسرو)

کسی کو به بخشش توانا بود خردمند و بیدار و دانا بود *** و گر چند بخشی ز گنج سخن بر افشان که دانش نیاید به من

(فردوسی)

کس نبیند بخیل فاضل را که نه در عیب گفتش کوشد *** و کریمی دو صد گنه دارد کرمش عیب ها فرو پوشد

(سعدی)

پوش، چشم ز اوضاع روزگار که نیست *** لباس عافیتی به ز چشمپوشیدن

(صائب تبریزی)

دلت گر به راه خطا مایل است *** تو را دشمن اندر جهان خود دل است

هوارا مبر پیش رای و خرد *** کز این پس خرد سوی تو ننگرد

(فردوسی)

ص: 98

بازیچه نسیم شود کاسه سرش *** هر دل که چون حجاب اسیر هوب شود

(صائب تبریزی)

آفت دو نان به عالی همتان هم می رسد *** دائماً از کج نهادن پای، سردارد خط

(لامع)

بس کن این یاوه سرائی بس کن *** تا به کی خویش ستائی؟ بس کن

(امام خمینی)

ص: 99

40- هر کس به نوایی رسید طغیان می کند

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ نَالَ، اسْتَطَالَ. (1)

کسی که به نوایی رسد طغیان می کند.

توضیح:

عبارت امام علی علیه السلام مفهوم وسیع و گسترده ای دارد و تمام کسانی را که به مال یا مقام و یا هرگونه قدرت دیگری می رسند شامل می شود و این سیره ای ناپسند در بسیاری از مردم است؛ هنگامی که مال و ثروت فراوانی پیدا می کنند می کوشند خود را برتر از دیگران نشان دهند و هنگامی که مقامی پیدا کنند اصرار دارند دیگران را زیر سلطه خود قرار دهند.

یارب روا مدار که گدا معتبر شود *** گر معتبر شود ز خدایی خبر شود

توانگری سرکشی و طغیان آورد.

غرج 2 ش 7668

ص: 100

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي ضَيَّعَ الْحُقُوقَ، وَ مَنْ أَطَاعَ الْوَأَشِي ضَيَّعَ الصَّدِيقَ. (1)

آن کس که از سستی اطاعت کند حقوق افراد را ضایع می سازد و کسی که از سخن چین پیروی کند دوستان خود را از دست خواهد داد.

توضیح:

روشن است که سستی در انجام کارها در موقع مناسب سبب تراکم آنها می گردد و تراکم آنها سبب ضایع شدن بخشی از آن می شود. به یقین چنین کسی هم حق خالق را ضایع می کند و هم حق مخلوق را که سادهترین نمونه آن کاهل بودن در نماز است؛ کسی که نماز را به تأخیر می اندازد بسیار می شود که آن را ضایع می کند. در مورد حقوق مخلوق نیز همین گونه است.

مکن با سُست عنصر هیچ کاری *** که ضایع می کند حق کسان را

ز نمایی اگر کردی اطاعت *** دهی از دست نیکو دوستان را

هرکس مسامحه و سهل انگاری کند با نفس خود در آنچه دوست می دارد به رنج و تعب اندازد او را در آن چه ناخوش دارد .

غرج 1 ش 4218

ص: 101

42- قدرت یافتن بر چیزی علاقه را کم می کند

امام علی علیه السلام فرمود:

إِذَا كَثُرَتِ الْمَقْدِرَةُ، قَلَّتِ الشَّهْوَةُ. (1)

هنگامی که قدرت بر چیزی فزونی یابد علاقه به آن کم میشود.

توضیح:

دلیل این حکمت روشن است؛ چیزی که در دسترس انسان باشد و هر زمان بخواهد به آن برسد، نه برای ذخیره کردن آن دست و پا می زند، نه به علت از دست دادنش اضطراب دارد و ای بسا با بی اعتنایی به آن نگاه کند و حتی گاه از آن سیر و ملول شود؛ ولی به عکس، چیزی که در دسترس او نیست یا به زحمت پیدا می شود به آن علاقه نشان می دهد و گاه اصرار دارد بیش از مقدار حاجت خود از آن ذخیره کند.

به یوسف چون رسد (بانو زلیخا) می شود ساکن *** وصال افزون کند شوق طلبکار معانی را

(صائب تبریزی)

تمایل کم شود آنگه که مطلوبی بدست آید *** عطش کمتر شود با آب عطشان را

(مهدی)

کسی که سربلندی و سرکشی کند در مردم به خاطر توانایی و قدرتی که دارد قدرت و توانایی از او سلب گردد.

غرج 2 ش 8096

ص: 102

امام علی علیه السلام فرمود:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَسْبِيْبًا لِلرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ اِبْتِلَاءً لِاِخْلَاصِ الْخَلْقِ، وَ الْحَجَّ [تَقْوِيَّةً] تَقْرِيْبَةً لِلدِّيْنِ، وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْاِسْلَامِ، وَ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصَدِّحَةً لِلْعَوَامِّ، وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفْهَاءِ، وَ صِدْقَةَ الرَّحِمِ مُمَامَةً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حَقًّا لِلْدِّمَاءِ، وَ اِقَامَةَ الْحُدُودِ اِعْظَامًا لِلْمَحَارِمِ، وَ تَرْكَ شَرْبِ الْخَمْرِ تَحْصِيْنًا لِلْعُقُلِ، وَ مُجَانَبَةَ السَّرِقَةِ اِجَابًا لِلْعَفَّةِ، وَ تَرْكَ الزُّنَى [الزَّانَا] تَحْصِيْنًا لِلنَّسَبِ، وَ تَرْكَ اللُّوْطِ تَكْثِيْرًا لِلنَّسْلِ، وَ الشَّهَادَاتِ اسْتِظْهَارًا عَلَي الْمَجَاحِدَاتِ، وَ تَرْكَ الْكُذْبِ تَشْرِيفًا لِلصِّدْقِ، وَ السَّلَامَ اَمَانًا مِنَ الْمَخَافِ، وَ الْاَمَانَةَ [الْاِمَامَةَ] نِظَامًا لِلْاُمَّةِ، وَ الطَّاعَةَ تَعْظِيْمًا لِلْاِمَامَةِ. (1)

خدا ایمان را برای تطهیر دل از شرک، واجب کرده است، و نماز را برای پاک شدن از کبر و غرور، و زکات را سبب روزی قرار داده است، و روزه را به عنوان آزمایشی برای اخلاص بندگان، و حج را برای تقویت دین، و جهاد را برای عزت و سربلندی اسلام (و مسلمانان)، و امر به معروف را برای اصلاح توده مردم، و نهی از منکر را برای باز داشتن بی خردان، و صلّه رحم را برای افزایش نفوس، و قصاص را برای حفظ خونها (جانها)، و اقامه حدود را برای بزرگ شمردن محرمات الهی، و ترک شرب خمر را برای حفظ و سلامت عقل، و دوری از سرقت را برای حفظ عفت (و پرهیز از آلودگی به اموال مردم)، و ترک زنا را برای حفظ نسبها،

ص: 103

و ترك لواط (و همجنسگرایی) را برای افزایش نسل، و شهادت و گواهی را برای اظهار حق در برابر انکارها، و ترك دروغ را برای احترام و بزرگداشت صدق و راستی، و سلام را امان در برابر ترسها، و امامت را برای نظم و نظام امت، و اطاعت و فرمانبرداری (از امام مسلمانان) را برای تعظیم و تحکیم مقام امامت قرار داده است.

توضیح:

امام علیه السلام در این گفتار حکیمانه مبسوط اشاره به فلسفه های بخش مهمی از احکام اسلامی کرده است که در بیست بخش خلاصه می شود که تمامی آنها سزاوار دقت و تعمق است.

درون خلوت ما غیر دُر نمی گنجد *** برو، که هرکه نه یار من است بار من است

(سعدی)

عقل ضعیف خویش، نگهدار از شراب *** در زیر بال موج مَنه بیضه، چون حباب

دل خانه خداست چو قرآن عزیز دار *** زان پیش تر که سیل شرابش کند خراب

(صائب تبریزی)

هر آنکس که بسیار گوید دروغ *** به نزدیک (مردم) نگیرد فروغ

(فردوسی)

هرکس درباره ایمان خود شک و تردید داشته باشد مشرک شده است.

غرج 1ش 4400

ص: 104

امام علی علیه السلام فرمود:

أَحْلِفُوا الظَّالِمَ - إِذَا أَرَدْتُمْ يَمِينَهُ - بِأَنَّهُ بَرِيءٌ مِنْ حَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، فَإِنَّهُ إِذَا حَلَفَ بِهَا كَاذِبًا، عُوِّجِلَ الْعُقُوبَةَ؛ وَإِذَا حَلَفَ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، لَمْ يُعَاجِلْ، لِأَنَّهُ قَدْ وَحَّدَ اللَّهُ تَعَالَى. (1)

هرگاه خواستید ظالمی را سوگند دهید این گونه سوگند دهید که از حول و قوه الهی بری است (اگر فلان کار را انجام داده باشد) زیرا اگر این قسم دروغ باشد مجازات او به سرعت فرا میرسد (یا به درد سختی مبتلا می گردد و یا میمیرد) ولی هرگاه چنین سوگند یاد کند: به خدایی که جز او خدایی نیست (این کار را نکرده ام) در کیفرش تعجیل نمیشود؛ زیرا خدا را به یگانگی ستوده است.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار نورانی دستوری درباره سوگندهای مؤثر در برابر کارهای که ظالمی مرتکب شده می دهد. از این سخن امام علیه السلام روشن می شود که تعبیرات سوگندها بسیار متفاوت است؛ تعبیرهایی که مدح و ثنای الهی در آن است سبب تعجیل عقوبت نمی شود اما تعبیرات خشنی که بر ضد آن باشد، عقوبت را تعجیل می کند.

قسمها به هنگام در ماندگی *** نماید تو را غافل از بندگی

مبادابه حشش بگوئی دروغ *** که عمرت نماید خدا بی فروغ

(مهدی)

ص: 105

امام علی علیه السلام فرمود:

لَمَّا بَلَغَهُ إِغَارَةُ أَصْحَابِ مُعَاوِيَةَ عَلَى الْأَنْبَارِ، فَخَرَجَ بِنَفْسِهِ مَاشِيًا حَتَّى أَتَى النُّحَيْلَةَ وَادْرَكَهُ النَّاسُ وَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَحْنُ نَكْفِيكَهُمْ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَكْفُونَنِي أَنْفَسَكُمْ، فَكَيْفَ تَكْفُونَنِي غَيْرَكُمْ؟ إِنْ كَانَتِ الرَّعَايَا قَبْلِي لَتَشُدُّ كُوْحَيْفَ رِعَاتِهَا، وَإِنِّي [فَإِنِّي] الْيَوْمَ لَأَشُدُّ كُوْحَيْفَ رِعِيَّتِي؛ كَأَنِّي الْمُقُودُ وَهُمْ الْقَادَةُ، أَوْ الْمُزْرُوعُ وَهُمْ الْوَرَعَةُ. (1)

این سخن را هنگامی امام علی علیه السلام بیان فرمود که خبر حمله اصحاب معاویه به انبار (یکی از شهرهای شمالی عراق) و غارت کردن آنجا را شنید. امام علی علیه السلام شخصا پیاده به طرف نخيله (منزلگاهی نزدیک کوفه که محل اجتماع لشکر بود) حرکت کرد. مردم خود را به امام علی علیه السلام رساندند و عرض کردند: ای امیر مؤمنان ما از عهده آنان برمی آییم (و آنها را سر جای خود می نشانیم).

امام علی علیه السلام فرمود:

شما از عهده مشکلات خود بر نمی آید چگونه میتوانید مشکل دیگران را از من دفع کنید. رعایای پیش از من از ستم فرمانروایان نشان شکایت داشتند؛ اما من امروز از ستم رعیت شکایت دارم. گویی من پیروم و آنها پیشوا و من محکومم و آنها حاکم مرحوم سید رضی (ره) در اینجا می افزاید: «هنگامی که امام علی علیه السلام این سخن را در ضمن يك گفتار طولانی - که قسمت برگزیده‌های از آن ضمن خطبه‌ها گذشت - بیان کرد، دو نفر از یارانش جلو آمدند. یکی از آنها عرض کرد: من جز اختیار خودم و برادرم را ندارم. امر فرما تا اطاعت کنیم.

ص: 106

امام علیه السلام فرمود:

شما دو نفر در برابر آنچه من میخواهم (که بسیج يك سپاه است)، چه کاری میتوانید انجام دهید؟

توضیح:

این سخن را هنگامی امام علیه السلام بیان فرمود که خبر حملهٔ اصحاب معاویه به انبار (یکی از شهرهای شمالی عراق) و غارت کردن آن جا را شنید. امام علیه السلام شخصاً پیاده به طرف نخيله (منزلگاهی نزدیک کوفه که محل اجتماع لشکر بود) حرکت کرد. مردم خود را به امام علیه السلام رساندند و عرض کردند: ای امیر مؤمنان ما از عهدهٔ آنان بر می آیم (و آنها را سر جای خود می نشانیم).

زین مردم دل سیاه، رخ دارم زرد *** بی دردی خلق، دردم افزود، به درد

جُز خوردنِ خون، اگرچه می شاید کرد *** خون باید خورد و باز خون باید خورد

بهترین مردم کسی است که از اصلاح نفس خویش عاجز باشد.

غرج 2 ش 6059

ص: 107

امام علی علیه السلام فرمود:

يَا حَارِثُ [حَارِثُ] إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتَكِ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ، فَحِرْتَ؛ إِنَّكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ، فَتَعْرِفَ مَنْ أَتَاهُ [أَهْلَهُ]، وَ لَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ، فَتَعْرِفَ مَنْ أَتَاهُ. فَقَالَ الْحَارِثُ فَإِنِّي أَعْتَزِلُ مَعَ [سَعْدِ] سَعِيدِ بْنِ مَالِكٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ [سَعْدًا] سَعِيدًا وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ لَمْ يَنْصُرَا الْحَقَّ وَ لَمْ يَخْذُلَا الْبَاطِلَ. (1)

بعضی گفته اند: (شخصی به نام) «حارث بن حوط» (که از یاران آن حضرت علیه السلام محسوب میشد؛ ولی راه خطا را می پیمود) خدمت حضرت علیه السلام آمد و عرض کرد: شما فکر میکنید من هم لشکر جمل را گمراه میدانم؟ (چنین نیست) امام علیه السلام فرمود: «ای حارث! تو به پایین نگاه کردی نه به بالای سرت به همین دلیل حیران و سرگردان شدی (اگر به من و جمعیت مهاجران و انصار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگاه میکردی در شناخت حق گرفتار سرگردانی نمیشدی) تو حق را نشناختی تا کسانی را که به سراغ حق آمده اند بشناسی. باطل را نیز نشناخته ای تا کسانی را که به سراغ باطل رفته اند شناسایی کنی».

حارث (برای تبرئه خود) گفت: «من همراه سعید بن مالک (سعید بن مالک، مشهور به سعد ابی وقاص) و عبدالله بن عمر کناره گیری میکنم (و بی طرف میمانم)».

امام علی علیه السلام فرمود:

«سعید(سعد) و عبدالله بن عمر حق را یاری نکردند و باطل را نیز خوار نساختند (آنها راه خطا پیمودند، چگونه به آنها اقتدا میکنی؟)»

ص: 108

توضیح:

امام علیه السلام در این حکمت والا به اصل کلی و مهم اشاره کرده می فرماید: راه صحیح این است که اول حق را بشناسی و آن را معیار قرار دهی. هرکس به سراغ آن آمد آن را خوب بدانی، خواه از افراد برجسته باشد یا از افراد ناشناخته. همچنین باطل را خوب بشناسی و بر اساس آن طرفداران باطل را شناسایی کنی، خواه از افراد برجسته باشند یا از مردم عادی.

حق را بشناس و اهل حق را بشناس *** باطل بشناس و اهل باطل بشناس

حق را نتوان به مردمانش شناخت *** حق را بشناس و مردمانش بشناس

(مهدی)

بشناسید حق کسی که حق شما را می شناسد کوچک باشد یا بزرگ، از نظر رتبه پست باشد یا بلند.

غورج 1ش 1939

ص: 109

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْأَمْوَالُ أَرْبَعَةٌ: أَمْوَالُ الْمُسْلِمِينَ، فَقَسَمَهَا بَيْنَ الْوَرَثَةِ فِي الْفَرَائِضِ، وَالْفَيْءُ فَقَسَمَهُ عَلَى مُسَدِّ تَحْقِيقِهِ، وَالْخُمْسُ فَوَضَعَهُ اللَّهُ حَيْثُ وَضَعَهُ، وَالصَّدَقَاتُ فَجَعَلَهَا اللَّهُ حَيْثُ جَعَلَهَا؛ وَكَانَ حَلِيُّ الْكُعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَى حَالِهِ وَلَمْ يَتْرُكْهُ نِسْيَانًا وَلَمْ يَخَفْ عَلَيْهِ [عَنْهُ] مَكَانًا؛ فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ. فَقَالَ لَهُ عُمَرُ لَوْلَاكَ لَأَفْتَضَحْنَا، وَتَرَكَ الْحَلِيَّ بِحَالِهِ. (1)

سیدرضی (ره) می گوید: روایت شده است که در ایام خلافت عمر بن الخطاب، در حضور او از زیورهای کعبه و کثرت آن سخن به میان آمد. گروهی (به عمر) گفتند: اگر آنها را می گرفتی (و می فروختی) و با آن، لشکرهای مسلمین را مجهز میساختی، اجر آن بیشتر بود. کعبه چه احتیاجی به این زیورها دارد؟ به دنبال آن، عمر تصمیم به این کار گرفت و از امیر مؤمنان علیه السلام در این باره سؤال کرد.

امام علی علیه السلام در پاسخ او فرمود:

این قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد در حالی که چهار نوع مال وجود داشت:

1- اموال مسلمانان، که آنها را (طبق دستور قرآن) به عنوان ارث مطابق سهام خاص در میان ورثه تقسیم فرمود.

2- و «فیء» (غنایمی که از طریق جنگ یا غیر جنگ به دست آمده بود) که آن را بر مستحقانش تقسیم کرد.

3- و خمس، که آن را در موارد خود قرار داد.

ص: 110

4- وصدقات (زکوات)، که آنرا در آنجا که لازم بود مقرر داشت (و در میان مستحقانش تقسیم فرمود).

توضیح:

و در آن زمان زیورهای کعبه وجود داشت و خدا آن را بر همان حال باقی گذاشت (و حکم خاصی برای تقسیم آن بیان نکرد) و این امر نه از روی فراموشی بود و نه به دلیل مخفی بودن مکان آن، بنابراین تو نیز آن را بر همان حال که خدا و پیامبرش آن را قرار داده اند باقی بگذار (و از تصرف در آن صرف نظر کن).

عمر (هنگامی که گفتار امام علیه السلام را شنید) عرض کرد: اگر تو نبودی رسوا میشدیم. و زیورهای کعبه را به حال خود وا گذاشت.

علی علیه السلام تودلبر عشاق سینه چاک شدی *** به یک نظر سبب کیمیا ز خاک شدی

هزار مرتبه گفتا عمر به صوت بلند *** علی علیه السلام اگر تو نبودی عمر هلاک شدی

(مهدی)

آرایش انسان به نیکویی راه درست است نه به نیکویی جامه .

غرج 11 ش 3872

ص: 111

48- حال کسی که به خود ضربه می زند تا دشمن را نابود کند

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ رَأَاهُ يَسْعَى عَلَى عَدُوِّ لَهُ بِمَا فِيهِ إِضْرَارٌ بِنَفْسِهِ:

إِنَّمَا أَنْتَ كَالطَّاعِنِ نَفْسَهُ لِيُقْتَلَ رَدْفَهُ. (1)

امام علی علیه السلام مردی را دید که بر ضد دشمنش سعایت و سخن چینی می کند، اما از طریقی که به خودش ضرر میزند.

به او فرمود:

تو به کسی میمانی که نیزه بر خود میزند تا کسی را که پشت سرش سوار شده به قتل برساند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه، اشاره به نکته جالبی می کند که بعضی از افراد احمق و نادان مرتکب آن می شوند: امام علی علیه السلام به کسی که بر ضد دشمنش سعایت می کرد؛ ولی درعین حال به خودش ضرر می زد.

منظور این است که نیزه را در شکم خود فرو کند که از پشت درآید و به شکم دشمنش که پشت او سوار است برسد. این نهایت بی عقلی و حماقت است که برای صدمه زدن به دیگری، خودش را از میان بردارد.

آن کس که سعایت از عدویش بکند *** بر خویش زنده نیزه که دشمن بکشد

(مهدی)

دشمنی کردن از روی سفاهت و سبکسری مرد پرده بردارد و گرنه در حق او چیزی نیافزاید .

غرج 1ش 2397

ص: 112

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ بَالَغَ فِي الْخُصُومَةِ أَثِمَ، وَ مَنْ قَصَرَ فِيهَا ظَلِمَ، وَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَّقِيَ اللَّهَ مَنْ خَاصَمَ. (1)

کسی که در دشمنی با مخالفان افراط کند، آلوده گناه میشود و کسی که کوتاهی کند بر خود ستم کرده (و حقش ضایع می گردد) و کسی که در مقام خصومت برآید نمی تواند حق تقوا را رعایت کند.

توضیح:

معمولاً خصومت و ستیز با دیگران قابل کنترل نیست، حتی بهترین افراد وقتی گرفتار آن می شوند و آتش خشم و غضب در آنان شعله ور می گردد قادر به کنترل خویش نیستند و گرفتار گناهایی از قبیل ظلم و ستم، گفتن سخنان ناروا، ریختن آبروی دیگران و اذیت و آزار مسلمانان می شوند.

درشتی و نرمی به هم در ، به است *** چوناصد که جراح و مرهم نه است

درشتی نگیرد خردمند پیش ** نه سستی که ناقص کنید قدر خویش

نه مَر خویشان را افزونی نهد *** نه یکب-اره تن در مذلت دهد

(سعدی)

کسی که در دشمنی از حدّ بگذراند گناهکار است و کسی که کوتاه آید شکست خورد (بلکه باید اعتدال را در این باره از دست ندهد)

غرج 1ش 2400

ص: 113

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا أَهَمَّنِي ذَنْبٌ أُمِّهْتُ بَعْدَهُ، حَتَّى أُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَ أَسْأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ. (1)

گناهی که پس از آن به اندازه دو رکعت نماز مهلت برآیم باشد مرا نگران نمیکند چراکه (در این نماز یا پس از آن، عفو و) عافیت را از خدا می طلبم (و توبه می کنم).

توضیح:

امام علی علیه السلام راه نجات از گناه را در این گفتار حکیمانه خود نشان می دهد.

توبه، دری از درهای مهم رحمت الهی است که به روی بندگان خطاکار گشوده شده است و اگر این باب رحمت گشوده نمی شد، گنهکاران در یأس و نومیدی و سپس گناه بیشتر فرو می رفتند. باید توجه داشت که توبه شامل حال حتی انبیاء و اولیاء می شود، ولی هرکدام توبه خاص خود را دارند.

گرگنه ها کرده ام، ای بی نیاز *** توبه، توفیقم بده وقت نماز

چون بجا آرم نماز بی ریا *** حق ببخشاید مرا از هر خطا

(مهدی)

چه بسا قیام کننده بر نماز که از قیام و ایستادن خود جز رنج و تعب بهره ای نخواهد برد.

غرج 1 ش 5210

ص: 114

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا زَنَى غَيْرُ قَطُّ. (1)

انسان غیرتمند هرگز زنا نمیکند. (زیرا کاری که دوست ندارد دیگران در حق او کنند او در حق دیگران روا نخواهد داشت).

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه به نکته دقیق اشاره کرده می فرماید:

«انسان غیرتمند هرگز زنا نمی کند.»

زیرا کسی که کاری را در حق دیگران می پسندد به ناچار در حق خود نیز خواهد پسندید و کسی که درباره محارم خود عملی را روا نمی دارد درباره محارم دیگران نیز روا نخواهد داشت.

مروّت نباشد که با دیگران *** کنی آنچه داری کراهت از آن

(مهدی)

مقبوض ترین مخلوق نزد خدای تعالی پیر مرد زناکار است.

غرج 1ش 3782

ص: 115

امام علی علیه السلام فرمود:

كَفَى بِالْأَجْلِ حَارِسًا. (1)

اجل و سرنوشت قطعی، برای حفظ انسان کافی است.

(تا عمر به پایان نرسد هیچ حادثه‌های نمیتواند انسان را از پای درآورد).

توضیح

اشاره به اینکه هرکس سرنوشت حتمی معینی دارد و تا آن زمان فرا نرسد جان او محفوظ است؛ اما هنگامی که فرمان نهایی رسید هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند در برابر او مقاومت کند.

تورا حافظی هست اندر جهان *** که کافی تورا هست بر حفظ جان

چو تقدیر یزدان رساند اجل *** به سرعت کند ترک حافظ محل

(مهدی)

مدّت عمر مقرر استوار و محکم است .

غرج 1ش 40

ص: 116

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، وَقَدْ كَانَ بَعَثَهُ إِلَى طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ لَمَّا جَاءَ إِلَى الْبَصْرَةِ يَذْكُرُهُمَا شَيْئاً مِمَّا سَمِعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي مَعْنَاهُمَا، فَلَوَى عَنْ ذَلِكَ، فَرَجَعَ إِلَيْهِ فَقَالَ إِنِّي أُنْسِيْتُ ذَلِكَ الْأَمْرَ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ كُنْتَ كَاذِباً فَضَدَّ رَبُّكَ اللَّهُ بِهَا بَيِّنَاءَ لَا مِعةَ لَأُتَوَرِّبَهَا الْعِمَامَةَ. (1)

هنگامی که امام علیه السلام وارد بصره شد «انس بن مالک» را خواست تا نزد «طلحه و زبیر» برود و آنچه را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره آنها شنیده بود (منظور پیشگویی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ظلم آنها نسبت به علی علیه السلام است) به آنها یادآوری کند (تا از مخالفت خود با علی علیه السلام خودداری کنند). انس از این مأموریت سرپیچی کرد و به نزد امام علیه السلام برگشت و گفت: من آن را فراموش کرده‌ام. امام علیه السلام فرمود:

اگر دروغ می‌گویی خدا تو را به سفیدی آشکاری (پیسی) مبتلا کند آنگونه که حتی عمامه نتواند آن را بپوشاند.

توضیح:

هنگامی که امام علیه السلام وارد بصره شد «انس بن مالک» را فراخواند و او را مأموریت داد که به سوی طلحه و زبیر برود و چیزی را که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره آنها شنیده بود بیان کند. (اشاره به جمله ای است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن دو فرموده بود که « شما به زودی با علی علیه السلام جنگ خواهید کرد در حالی که ظالمید ») انس از این کار خودداری کرد و نزد حضرت علیه السلام آمد و عرض کرد: من این سخن را فراموش کرده‌ام.

ص: 117

این نفرین امام علیه السلام محقق شد و انس بن مالک تا آخر عمر مبتلا به پیسی شد که نمی توانست با عمامه بپوشاند.

ص: 118

امام علی علیه السلام فرمود:

وَفِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَّا قَبْلَكُمْ، وَخَبْرٌ مَّا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَّا بَيْنَكُمْ. (1)

در قرآن، اخبار پیشینیان و حوادث آینده و حکم و دستور مربوط به شما آمده است.

توضیح:

منظور از اخبار پیشینیان روشن است، زیرا بخش مهمی از قرآن مجید، تاریخ انبیا و اقوام گذشته است؛ از آفرینش آدم تا حالات حضرت مسیح و اصحاب و یارانش، قرآن دست ما را می گیرد و در تمام قرون و اعصار گذشته همراه انبیا و پیغمبران و اقوام آنها حرکت می دهد و تلخ و شیرین زندگی آنها را بیان می کند و تجارب فراوان و حوادث عبرت انگیز بسیاری را که در زندگانی آنها بوده یکجا پیش روی ما می نهند آن گونه که گویا ما همراه آنها بوده ایم و با آنها میزیسته ایم.

از گذشته با تأمل درس ها باید گرفت *** با بصیرت، عبرت از این درسها شاید گرفت

هرکه از قرآن بگیرد درس های پُر بها *** از گذشت و حال و آینده خبر خواهد گرفت

(مهدی)

برترین ذکرها قرآن است که به وسیله آن سینه ها گشوده شود و درون ها روشنی گیرد .

غرج 2ش 8129

ص: 119

امام علی علیه السلام فرمود:

رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ، فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ. (1)

سنگ را از همانجا که آمده بازگردانید، چراکه شر و بدی را جز با (همان) شر و بدی نمی توان دفع کرد.

توضیح:

ولی نباید تردید داشت که کلام امام علیه السلام منحصر به قصاص نیست، بلکه قانونی کلی در برابر افرادی است که جز با توسل به زور از کارهای خلاف خود بر نمی گردند. دشمنانی که با تمام قوا به مسلمانان حمله می کنند جز با مقابله به مثل دست از شیطنت خود بر نمی دارند و این شبیه چیزی است که قرآن مجید در آیات فراوانی بیان فرموده است.

خیبث را چو تعهد کنی و بنوازی *** به دولت تو گنه می کند به انبازی

(سعدی)

ترخم بر پلنگ تیز دندان *** ستمکاری بود بر گوسفندان (سعدی)

کسی که در میدان بدی خویش مرکب براند در همان میدان بر زمین خورده و به رو در افتد.

غرر باب الاساه

ص: 120

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكَاتِبِهِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ: أَلْقِ دَوَاتَكَ، وَأَطِلْ جِلْفَةَ قَلَمِكَ، وَفَرِّجْ بَيْنَ السُّطُورِ، وَقَرِّمِطْ بَيْنَ الْحُرُوفِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْدَرُ بِصَبَاحَةِ الْخَطِّ. (1)

امام علی علیه السلام به کاتب خود، عبیدالله بن ابی رافع فرمود: مرکب دوات خود را با گذاشتن لقیه در آن تنظیم کن و شکاف نوک قلمت را طولانی نما و میان سطرها فاصله بینداز و فاصله بین حروف را کم کن که این به جلوه زیبایی خط می افزاید.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار جالب خود چهار دستور برای حسن خط می دهد؛ به کاتبش عبیدالله بن ابی رافه می فرماید.

امام علی علیه السلام فرمود: به خوشنویسی پردازید که از کلیدهای رزق و روزی است و خط زیبا و نیکو برای فقیر در آمد، برای توانگر جمال و برای بزرگان کمال است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرزندانان را به کتابت (خط و خوشنویسی) اکرام کنید و بدانید آنکه بسم الله الرحمن الرحیم را زیبا بنویسد؛ خداوند گناهایش را خواهد بخشید و به بهشت درآید و خدا به او پاداش نیکو دهد.

داند آنکس که آشنای دل است *** که صفای خط از صفای دل است

زیبایی برون به زیبایی صورت است و زیبایی درون به زیبایی نهاد یا خلق و خوی است.

غرج 1ش 1184

ص: 121

امام علی علیه السلام فرمود:

أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْفَجَّارِ. (1)

من، یعسوب (و پیشوای) مؤمنانم، و مال و ثروت، یعسوب (و پیشوای) بدکاران است.

توضیح:

در واقع امام علیه السلام فرق میان افراد با ایمان را که به معنویات می اندیشند با افراد مادی و بی ایمان که تنها به ثروت می اندیشند، بیان کرده، می گوید: من پیشوای مؤمنانم؛ ولی پیشوای فاجران مال و ثروت است. در عصر آن امام علیه السلام این معنا به خوبی آشکار شد: عده ای دنیا پرست از اطرافیان آن حضرت علیه السلام، او را رها کرده و به دلیل وعده های هنگفت مالی معاویه به شام رفتند و به او پیوستند و با این عمل باطن خود را آشکار کردند.

مسند آرای ایالت، عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَالِي قَدْرٍ *** وَالِي مَلِكٍ وَ مَلِلَ پادشه دین و دُول

(وحشی بافقی)

مدح بر نام تو سرمایه مداح بود *** شعر در مدح تو پیرایه اشعار بود

(معزی)

بی روی تو خورشید جهانسوز مباد *** هم بی تو چراغ عالم افروز مباد

ص: 122

با وصل تو کس، چو من بدآموز مباد *** روزی که تو را نینم آن روز مباد

(رودکی)

هر زبانی گفته مدح بو تراب *** شمع روشن کرده پیش آفتاب

با عنایتش سخندان گشته است *** باشد از خورشید نور ماهتاب

(مهدی)

امام و پیشوایی از ما خاندان نیست جز آنکه او دانا و عالم است به کسانی که بر آنها ولایت دارد و این به خاطر گفتار خدای تعالی است که فرموده «به راستی که تو بیم دهنده هستی و هر قومی را راهنمایی است»

غرج 1ش 720

ص: 123

بعضی از یهودیان به آن حضرت علیه السلام گفتند: هنوز پیامبران را دفن نکرده بودید درباره اش اختلاف کردید!

امام علی علیه السلام در جواب فرمود:

إِنَّمَا اخْتَلَفْنَا عَنْهُ لَا فِيهِ، وَ لَكِنَّكُمْ مَا جَفَّتْ أَرْجُلُكُمْ مِنَ الْبَحْرِ حَتَّى قُلْتُمْ لِنَبِيِّكُمْ «اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»، قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (1)

ما در مورد آنچه از (وصایای) او رسیده بود اختلاف کردیم، نه درباره خودش؛ اما شما پس از عبور از دریا (و غرق شدن فرعونیان) هنوز پاهایتان خشک نشده بود به پیامبر خود گفتید: برای ما هم بتی بساز همانگونه که این قوم بت پرست (اشاره به بت پرستانی است که مشاهده کردند) بتهایی دارند و موسی به شما گفت: شما مردم نادانی هستید (که بعد از این همه معجزات الهی در توحید شک میکنید).

توضیح:

از حدیث شریف بالا استفاده می شود که اسلام، آزادی وسیعی به غیر مسلمانان در محیط اسلام داده بود که حتی افراد عادی یهودی می توانستند رئیس مسلمانان را به چالش بکشند، و سؤال معناداری بیان کنند و حتی مسلمانان را سرزنش کنند که چرا هنوز پیغمبرتان مدفون نشده بود اختلاف کردید؛ اما هنگامی که با پاسخ دندان شکنی روبرو می شدند گاه چنان تحت تأثیر قرار

ص: 124

می گرفتند که دین اسلام را بر می گزیدند، چنان که در بعضی از کتاب ها پس از نقل این روایت می خوانیم: مرد یهودی مسلمان شد.

ص: 125

از امام علیه السلام سؤال شد: به چه وسیله در میدان نبرد بر همتایان خود غالب آمدی؟

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقِيلَ لَهُ بِأَيِّ شَيْءٍ غَلَبْتَ الْأَقْرَانَ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لَقِيتُ رَجُلًا، إِلَّا أَعَانَنِي عَلَى نَفْسِهِ. (1)

امام علیه السلام فرمود:

من با هیچکس روبرو نشدم جز اینکه مرا بر ضدّ خود کمک کرد!

توضیح:

بدون شک یکی از مهمترین عوامل پیروزی و شکست، مسئله قدرت روحیه و ضعف آن است. لشکری که خود را غالب و پیروز می داند و دارای روحیه ای بالاست به یقین بر دشمن غلبه می کند و هرگاه گرفتار ضعف و شکست روحی گردد غالباً گرفتار شکست می شود، هرچند از نظر عدّه و عدّه بر دشمن فزونی داشته باشد.

تمام عرب آوازه شجاعت علی علیه السلام را شنیده بودند به خصوص بعد از جنگ خندق و شکست قویترین مرد عرب (عمرو بن عبدود) این آوازه بلندتر شد و همه جا را فرا گرفت. به همین دلیل هنگامی که قدم به میان میدان نبرد می گذاشت کسانی که در برابر آن حضرت قرار می گرفتند از همان آغاز خود را می باختند و همین خودباختگی ضربه ای بر قوای آنها وارد می کرد به گونه ای که از مقابله با مولا ناتوان می شدند.

ص: 126

به هردشمنی گشته ام رو برو *** نموده ز حق مرگ خود آرزو

من آن شیر غران حق حیدرم *** که زنده نرفت دشمنی از بَرَم

ص: 127

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ:

يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مُنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَمَقَاتِ. (1)

امام علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود:

فرزندم! از فقر بر تو می ترسم پس از آن به خدا پناه ببر، چراکه فقر، هم دین انسان را ناقص میکند و هم عقل را مشوش می سازد و هم مردم را به او و او را به مردم بدبین میکند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این کلام حکیمانه، آثار سوء و وحشتناک فقر را برای فرزندش محمد بن حنفیه بر شمارد.

کامل فرزانه را دیوانه سازد احتیاج *** عاقلان را از خرد بیگانه سازد احتیاج

ساغر چرخ افتد از دور از هجوم بی خودی *** جرعه ای از فقر اگر پیمان سازد احتیاج

(دیوان لامع)

با گرسنگی قوت پرهیز نماند *** افلاس، عنان، از کف تقوی بستاند

(سعدی)

پریشانی و توانگری واقعی پس از آن است که بر خدای سبحان عرضه شود.

غورج 2 ش 7913

ص: 128

61- برای کسب دانش پرسش کن نه برای ایجاد زحمت

امام علی علیه السلام فرمود:

سَلْ تَفْقَهَا، وَلَا تَسْأَلْ تَعْتَبًا؛ فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهٌ بِالْعَالِمِ، وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ [الْمُتَعَنِّتَ] شَبِيهٌ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَنِّتِ. (1)

همواره برای کسب آگاهی پرسش کن، نه برای ایجاد زحمت، زیرا جاهلی که در طریق فراگیری علم گام برمیدارد شبیه به عالم است و عالمی که همواره اصرار بر مسائل پر پیچ و خم دارد شبیه جاهلی است که خود را به زحمت می افکند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه روش سؤال صحیح را بیان کرده و فرق میان جست و جوگران حق طلب را با پرسش کنندگان بهانه جو بیان می دارد.

آنچه خود دانی، روشن کن بر آن *** و آنچه نی می پرس از دانشوران

(نظامی)

به پرسش به دست آید، علم زیاد *** کز استاد خود دارم این پند یاد

نشستن به مکتب بود عاقلی *** بر استاد زحمت بود، جاهلی

(مهدی)

کسب علم کن که اگر ثروتمند باشی تو را بیاراید و اگر فقیر و بینوا باشی خرج زندگی تو را به عهده گیرد.

غورج 2 ش 6896

ص: 129

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ، وَقَدْ أَشَارَ إِلَيْهِ فِي شَيْءٍ لَمْ يُوَافِقْ رَأْيَهُ: لَكَ أَنْ تُشِيرَ عَلَيَّ وَأَرَى، فَإِنْ عَصَيْتَنِي فَأَطِعْنِي. (1)

هنگامی که ابن عباس نظر خود را به عنوان مشاور در محضر امام علیه السلام ارائه کرد امام علیه السلام با عقیده او موافقت ننمود و فرمود: تو حق داری نظر مشورتی خود را به من بگویی و من روی آن بیندیشم و تصمیم نهایی را بگیرم اما اگر با تو مخالفت کردم (و نظر تو را نپذیرفتم) باید از من اطاعت کنی.

توضیح:

شان ورود این گفتار حکیمانه مطابق آنچه طبری و مسعودی در تاریخ خود نوشته اند چنین بوده است که ابن عباس به امیر مؤمنان علی علیه السلام پیشنهاد کرد معاویه را در حکومت شام ابقا کند تا بیعت نماید سپس بتواند او را از آن مقام عزل کند. امام علیه السلام این گفتار حکیمانه را به او فرمود.

هرگاه شناسایی از عقل خود چیزی را (و به شناخت صواب و صحیح راهی نداشته باشی) پیروی کن از رای عاقل و دانایی که نادانی تو را برطرف کند.

غورج 1 ش 4603

ص: 130

امام علی علیه السلام فرمود:

وَرَوِيَ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا وَرَدَ الْكُوفَةَ قَادِمًا مِنْ صِفِّينَ مَرَّ بِالشُّبَامِيِّينَ، فَسَمِعَ بُكَاءَ النِّسَاءِ عَلَى قَتْلِ صِفِّينَ. وَخَرَجَ إِلَيْهِ حَرْبُ بْنُ شَرْحِبِيلَ الشُّبَامِيِّ وَكَانَ مِنْ وُجُوهِ قَوْمِهِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَتَغْلِبُكُمْ نِسَاؤُكُمْ عَلَى مَا أَسْمَعُ؟ أَلَا تَنْهَوْنَهُنَّ عَنْ هَذَا الرَّيْنِ؟ وَأَقْبَلَ حَرْبُ يَمْشِي مَعَهُ وَهُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَاكِبٌ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ازْجِعْ، فَإِنَّ مَشِيَّ مِثْلِكَ مَعَ مِثْلِي فِتْنَةٌ لِلْوَالِي وَ مَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ. (1)

روایت شده است امام علیه السلام هنگامی که از «صفین» باز می‌گشت به «کوفه» وارد شد و از محله قبیله «شبامیان» گذشت مشاهده فرمود که زنان آن قبیله بر کشتگان‌شان در صفین گریه میکنند. (امام علیه السلام ناراحت شد) در این هنگام «حرب بن شرحبیل شبامی» که از شخصیت‌های آن قبیله بود خدمت آن حضرت رسید. امام علیه السلام به او فرمود:

ایا زنان شما آنگونه که می شنوم بر شما چیره شده اند؟ آیا آنها را از این ناله های بلند باز نمی دارید؟

در این هنگام «حرب بن شرحبیل» پیاده همراه امام علیه السلام حرکت می کرد در حالی که امام علیه السلام سوار بر مرکب بود. امام علیه السلام به او فرمود:

باز گرد، زیرا پیاده حرکت کردن شخصی مانند تو در رکاب مثل من، مایه فتنه و غرور بر والی و ذلت و خواری برای مؤمن است.

به راستی که زنان همت و اندوهشان زیور زندگی دنیا و فساد در آن است.

غرر ج 2 ش 9563

ص: 131

امام علی علیه السلام فرمود:

بُؤْسًا لَكُمْ، لَقَدْ ضَرَبْتُمْ مَنْ عَرَّكُمْ، فَقِيلَ لَهُ مَنْ عَرَّهُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ الشَّيْطَانُ الْمُضِلُّ وَالْأَنْفُسُ الْأَمَّارَةُ بِالسُّوءِ؛ عَرَّتْهُمْ بِالْأَمَانِيِّ وَفَسَّحَتْ لَهُمْ بِالْمَعَاصِي وَوَعَدَتْهُمْ الْإِطْهَارَ، فَأَقْتَحَمَتْ بِهِمُ النَّارَ. (1)

بدا به حال شما. به یقین کسی که شما را فریب داد به شما ضرر زد. به امام علیه السلام عرض کردند: ای امیر مؤمنان! چه کسی آنها را فریب داد؟ امام علیه السلام فرمود: شیطان گمراه کننده و نفس اماره به سوء. آنها را به وسیله آرزوها فریفتند، راه گناه را بر آنان گشودند، نوید پیروزی به آنها دادند و آنان را به سرعت به جهنم فرستادند.

توضیح:

می دانیم خوارج، گروهی متعصب و خشک و بسیار نادان و احمق بودند. خود را برترین خلق خدا می پنداشتند و آینده درخشانی به خود نوید می دادند. آنها در برابر امیر مؤمنان علی علیه السلام قیام کردند و فکر حکومت عراق و تمام بلاد مسلمین را در سر می پروراندند. امام علیه السلام به آنها نصیحت جالب و جامعی کرد به گونه ای که اکثریت آن ها از خواب غفلت بیدار شدند و به سوی امام علیه السلام بازگشتند؛ ولی اقلیتی به شدت مقاومت کردند و تقریباً همگی به استثنای چند نفر در میدان نبرد نهر روان به خاک افتادند. گفتار فوق را امام علیه السلام زمانی بیان کرد که با یاران خود از کنار کشته های آنها گذشت، این حکمت را فرمود.

ص: 132

آنچه ما را فریفت صد باره *** همه باشد ز نفس اماره

خدعه نفس و مکر شیطانی *** برده از یاد ما مسلمانی

(مهدی)

نفس فرمان دهنده و آرایشگر همانند منافق چاپلوسی کند و به شیوه دوست صمیمی رفتار کنند تا آنگاه که فریب دهد و جایگیر شود آن وقت است که همانند دشمن مسلط گردد و با تکبر تحقیق کنند و انسان را به جایگاه های بد درآورد.

غرج 2 ش 9736

ص: 133

امام علی علیه السلام فرمود:

اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ، فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. (1)

از عصیان خداوند در خلوتگاه‌ها پرهیزید، چراکه شاهد، همان حاکم و دادرس است.

توضیح:

بسیاری از مردم به خصوص آن‌هایی که به پاکی و تقوا مشهورند یا موقعیت اجتماعی خاصی دارند از انجام معاصی آشکار پرهیز می‌کنند؛ ولی در خلوتگاه از آن‌ها ندارند. امام علی علیه السلام به این‌گونه افراد هشدار می‌دهد که از عصیان خدا در خلوتگاه نیز به شدت پرهیزید، زیرا در آن‌جا نیز خدا شاهد و ناظر آن‌هاست؛ همان‌خدایی که افزون بر شاهد و ناظر بودن، حاکم و قاضی نسبت به اعمال آن‌ها نیز هست.

گناه کرده خلوت، مگو نیست کس *** که حق حاکم است و هم او دادرس

علی علیه السلام داده ما را همی نیک درس *** کسی خانه باشد همین حرف بس

(مهدی)

به خلوت احترام خویشتن دار *** که انسان جوهر فرد است ای یار

تو در خلوت روی گوئی که کس نیست *** تو خود آنجائی ای جان باز و بس نیست

(رفعت اصفهانی)

ص: 134

بپرهیزید از انجام گناهان در خلوت ها که شاهد بر آن همان خدایی است که حاکم و قاضی است .

غرج 1 ش 3399

ص: 135

66- در مصیبت‌ها اندوه دوستان به اندازه شادی دشمنان است

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ حُزْنَنا عَلَيْهِ عَلَي قَدْرِ سُورِهِمْ بِهِ، إِلَّا أَنَّهُمْ نَقَصُوا بَغِيضاً، وَ نَقَصْنَا حَبِيباً. (1)

اندوه ما بر او به اندازه شادی شامیان است، زیرا آنها دشمن بزرگی را از دست داده‌اند و ما دوست بزرگی را.

توضیح:

در تاریخ طبری و همچنین کتاب الغارات ابن هلال ثقفی شأن ورودی برای ای سخن ذکر شده و آن این که یکی از مأموران اطلاعاتی امیر مؤمنان علی در شام به نام «عبدالرحمن بن شیب فرازی» خدمت امام علیه السلام آمد و گفت: هرگز جمعیتی را آن قدر خوشحال ندیدم که مردم شام را به هنگام آگاه شدن از شهادت محمد بن ابی بکر خوشحال دیدم. این مسئله به قدری برای آنها مهم بود که از فراز منبر به اطلاع عموم رساندند.

غم مردن یار بر دل مباد که ما خون جگر گشته و خصم شاد

(مهدی)

ای که اندوه تو را به شادمانی همیشگی درآورد (مانند کسی که اندوهش برای آخرتش باشد و به دنبال آن عمل کند).

غرج 1 ش 1718

ص: 136

امام علی علیه السلام فرمود:

الْعُمُرُ الَّذِي أَعْدَرَ اللَّهُ فِيهِ إِلَيَّ ابْنِ آدَمَ، سِتُّونَ سَنَةً. (1)

عمری که خداوند نسبت به فرزندان آدم در آن اتمام حجت می کند (و عذرش را می پذیرد) شصت سال است. (بعد از آن عذری پذیرفته نیست).

توضیح:

شک نیست که انسان در دوران های مختلف عمر تحت تأثیر انگیزه های گوناگونی است؛ در کودکی به بازی ها سرگرم می شود و در جوانی به شهوات. هنگامی که دوران جوانی می گذرد و بخشی از شهوات رو به افول می گذارد، شهوت مال و مقام و مانند آن در انسان زنده می شود و به آن می پردازد؛ اما هنگامی که به دوران پیری می رسد که لااقل از شصت سالگی شروع می شود آن انگیزه ها نیز در بسیاری از افراد ضعیف می گردد مخصوصاً اگر به وضع جسمانی خود توجه کنند که قوای آن به سرعت رو به کاهش می رود، موهای سرو صورت سفید می شوند، استخوان ها ضعیف می گردند، به تدریج قامت خمیده می شود و نشانه های ارتحال از دنیا یکی پس از دیگری آشکار می گردند. با توجه به این مسائل، هوس های پیری در او طغیان نخواهند کرد و او به فکر آینده خویش و سرای آخرت خواهد افتاد.

ز جا خیز انتهای عمر شصت است *** چو شصت آید نه هنگام نشست است

(الهی قمشه ای)

ص: 137

به قبل از شصت باید کرد همّت *** که حق با آن کند اتمام حجّت

(مهدی)

به راستی که عمر مفید تو همان زمانی است که تو در آن هستی.

غور ج 2 ش 7139

ص: 138

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ الْإِثْمِ بِهِ، وَ الْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ. (1)

کسی که با توسل به گناه پیروز شود پیروز نیست و کسی که با ستم غلبه کند (در واقع) مغلوب است.

توضیح:

بسیارند کسانی که برای رسیدن به پیروزی بر دشمن از اسباب نامشروع استفاده می کنند، ظلم و ستم روا می دارند و مرتکب انواع گناهان می شوند. آنها می خواهند به هر قیمت ممکن به هدف خود برسند، امام به آنها هشدار می دهد که این نوع پیروزی، پیروزی نیست، بلکه در واقع در چنگال گناه مغلوب شدن است و همچنین کسانی که با استفاده از شر، غلبه می کنند ظاهراً غالبند و در واقع مغلوب شیطان و شر و هوای نفس هستند.

شکستی که باشد بری از گناه *** به از سلطه بی رضای اله

اگر از خداوند فرمان بری *** از آن به که از دشمنان جان بری

(مهدی)

سرمست پیروزی مشو که از پیروز شدن زمانه بر تو در امان نخواهی بود.

غرج 2 ش 5716

ص: 139

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ. (1)

خداوند سبحان قوت (و نیازهای) فقرا را در اموال اغنیا واجب و معین کرده است، از این رو هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به سبب بهره مندی غنی (و ممانعت او از پرداخت حق فقیر) و خدای متعال (روز قیامت) در این باره از آنها سؤال و بازخواست میکند.

توضیح:

امام علی علیه السلام به یکی از اصول مهم اسلام در این کلام نورانی اشاره کرده و بیان می کند که نظام اقتصادی اسلام نظامی بسیار حساب شده است به گونه ای که اگر مطابق آن رفتار شود در سراسر کشور اسلام فقیر و نیازمندی باقی نخواهد ماند.

دستی به سوی خالق و دستی به سوی خلق *** گامی به سوی خالق و گامی به سوی خلق

از حق بخواه تا که به دست آوری همی *** کسب رضای خالق و لبخند روی خلق

(مهدی)

نظری کن به من خسته که ارباب کرم *** به ضعیفان نظر از بهر خدا نیز کنند

(سعدی)

درهم فقیر پاکیزه تر یا فزاینده تر است در پیشگاه خداوند از دینار ثروتمند.

غرج 2 ش 7922

ص: 140

70- بی نیاز بودن از عذرخواهی بهتر است

امام علی علیه السلام فرمود:

الإِسْتِغْنَاءُ عَنِ الْعُذْرِ، أَعَزُّ مِنَ الصَّدْقِ بِهِ. (1)

بی نیاز بودن از عذرخواهی، بهتر از عذر صادقانه و مقبول است. (اشاره به اینکه اگر خطایی نکنی که نیاز به عذرخواهی داشته باشی بهتر از ارتکاب خطای توأم با عذر مقبول است.)

توضیح:

اشاره به اینکه چرا انسان مرتکب خطایی شود که ناچار دست تقاضا به درگاه خدا یا بندگان خدا بردارد و از آنها عذرخواهی کند، هرچند عذر، عذر قابل قبولی باشد تا چه برسد به این که عذر ساختگی و غیر قابل قبول باشد.

ملازم راستگویی باش اگرچه از زیان آن بترسی، زیرا راستگویی برای تو بهتر است از دروغی که امید سود در آن داشته باشی.

غرج 1 ش 5072

ص: 141

71- با نعمت خداوند نافرمانی او نکنید

امام علی علیه السلام فرمود:

أَقْلُ مَا يَلْزَمُكُمْ لِلَّهِ، أَلَّا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعْصِيَةِ (1).

کمترین حقی که خدا بر شما دارد این است که با استمداد از نعمت هایش او را معصیت نکنید.

توضیح:

نافرمانی مولا همیشه زشت است، ولی زشت ترین حالات نافرمانی و عصیان این است که انسان نعمت های او را وسیله نافرمانی وی قرار دهد.

کمتر چیزی که در برابر نعمت دهنده لازم است این است که با نعمت او نافرمانی نشود.

غرج 2 ش 9713

ص: 142

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الطَّاعَةَ غَنِيمَةً الْأَكْبَى، عِنْدَ تَفْرِيطِ الْعَجْزَةِ. (1)

خداوند سبحان طاعت خود را غنیمت زیرکان قرار داده هنگامی که افراد ناتوان (و هوس باز) کوتاهی می کنند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این کلام نورانی مقایسه ای میان هوشمندان مطیع و عاجزان بدکار کرده و این چنین می فرماید.

عزیز حقیقی کسی است که به وسیله فرمانبرداری خداوند عزّت یافته است.

غرج 2 ش 5597

ص: 143

73-سلطان (عادل) پاسدار الهی در زمین است

امام علی علیه السلام فرمود:

السُّلْطَانُ وَزَعَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. (1)

سلطان (عادل) پاسدار الهی در زمین اوست.

توضیح:

اشاره به این که وجود قوانین و دستورات الهی به تنهایی برای جلوگیری از نافرمانی ها و گناهان و ظلم ظالمان و تجاوز متجاوزان کافی نیست، بلکه نیروی بازدارنده ای لازم است که افراد متخلف را از کار خود باز دارد و آن قدرت حاکم عادل است.

پیشوای عادل بهتر است از باران بسیار تند و ریزان .

غرج 2 ش 6132

ص: 144

1- همان حکمت 332

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ: الْمُؤْمِنُ بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ، أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا وَأَذَلُّ شَيْءٍ نَفْسًا، يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَيُسْنَأُ السَّمْعَةَ، طَوِيلٌ عَمَّهُ، بَعِيدٌ هَمُّهُ، كَثِيرٌ صَمْتُهُ، مَشْغُولٌ وَقْتُهُ، شَكُورٌ صَبُورٌ، مَغْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ، صَنِينٌ بِخَلَّتِهِ، سَهْلٌ الْخَلِيقَةَ، لَيِّنٌ الْعَرِيكََةَ، نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ وَهُوَ أَذَلُّ مِنَ الْعَبْدِ. (1)

امام علی علیه السلام درباره صفات مؤمن فرمود: انسان با ایمان شادی اش در چهره و اندوهش در درون قلب اوست، سینه اش از هرچیز، گشاده تر و هوس های نفسانی اش از هرچیز خوارتر (و تسلیم تر) است، از برتری جویی بیزار و از ریاکاری متنفر است، اندوهش طولانی و همیش بلند، سکوتش بسیار و تمام وقتش مشغول است، شکرگزار و صبور، بسیار ژرف اندیش است و دست حاجت به سوی کسی دراز نمی کند، طبعش آسان (و سختگیری در کار او نیست) و برخوردش با دیگران توأم با نرمش است، دلش از سنگ خارا (در برابر حوادث سخت و دشمنان خطرناک) محکمتر و سخت تر و (در پیشگاه خدا) از برده تسلیم تر است.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار نورانی صفات مؤمنان راستین را بیان فرموده و هجده وصف برای آنها بر می شمارد. جالب این که هر دو فقره، هماهنگی خاصی با هم دارند که یکی جنبه مثبت را بیان می کند و دیگری جنبه منفی

ص: 145

را و اگر در کسی این اوصاف جمع شود به یقین سزاوار است که نام مؤمن مخلص بر او بنهند.

در گلستان جهان چون غنچه های صبحدم *** با درون پُر ز خون، در حال لبخندیم ما

(فرخی)

گرچه خون دل بسی خوردیم از جور زمان *** کرده غم در دل نهان و لیک خود خوشروئی عیان

(مهدی)

دریای فراوان نشود تیره به سنگ *** عارف که برسجده تنگ آب است هنوز

(سعدی)

تا چند در حجابید ای صوفیان محجوب *** ما پرده خودی را در نیستی دریدیم

(امام خمینی (ره))

تا نگردانی هلاک این مار را *** کی شوی شایسته این اسرار را

گر خلاصی باشدت زین مار زشت *** آدمت با خاص گیرد در بهشت

(عطار نیشابوری)

زنهار مبادا خوشحالی کنید به افتادن دیگران زیرا تو نمی دانی زمان با تو چه خواهد کرد.

غرج 2 ش 7797

ص: 146

امام علی علیه السلام فرمود:

لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَمَصِيرَهُ، لَأَبْعَضَ الْأَمَلَ وَغُرُورَهُ. (1)

زمانی بر مردم فرا می رسد که تنها حيله گران سخن چين، مقرّبند و تنها فاجران بدکار، ظریف و لطیف شمرده می شوند و افراد با انصاف، ضعیف و ناتوان محسوب خواهند شد. در آن زمان کمک به نیازمندان خسارت و ضرر، و صلۀ رحم (که حقّ مسلّم خویشاوندان است) منت، و عبادت (که وظیفۀ هر انسانی در پیشگاه خداست) وسیلۀ برتری جویی بر مردم خواهد بود. در آن زمان حکومت به مشورت زنان و فرمانروایی کودکان و تدبیر خواجه هاست.

توضیح:

سرآمد زندگی و پایان عمر بر هیچ کس روشن نیست؛ خواه جوان باشد یا پیر، سالم باشد یا زمین گیر، زیرا هر روز ممکن است حادثه ای رخ دهد و حتّی جوانان و افراد سالم و نیرومند را با خود از این جهان ببرد؛ ولی با توجّه به این که انسان از پایان عمر خویش به طور دقیق آگاه نیست همین امر گاهی سبب اشتباه او می شود و زندگی را جاودانه می پندارد، دامنه آرزوهایش گسترش پیدا می کند و غرور ناشی از آن تمام وجود او را فرا می گیرد.

گر عاقبتت به فهم بینی *** آمال خودت چو خصم بینی

(مهدی)

ص: 147

چون برسی بکوی ما خامشی است خوی ما *** ز آنکه ز گفت و گوی ما گرد و غبار می رسد

(مولوی)

دل از نور ایمان گر آکنده ای *** تو را خامشی به، که تو بنده ای

(فردوسی)

وای اگر پرده ز اسرار بیفتد روزی *** فاش گردد که چه در خرقه این مهجور است

(امام خمینی (ره))

به دریای غمت دل غوطه ور بی *** مرا داغ فراق بر جگر بی

سری دارم که سامانش نمیبو *** غمی دارم که پایانش نمیبو

اگر باور نداری سوی من آی *** بَوین دردی که در مانش نمیبو

(بابا طاهر عریان)

ناخوشایندی که سرانجامش پسندیده باشد بهتر است از آنچه محبوب باشد ولی سرانجام آن مذموم و نکوهیده است.

غرج 2 ش 6587

ص: 148

امام علی علیه السلام فرمود:

لِكُلِّ امْرِئٍ فِي مَالِهِ شَرِيكَانِ، الْوَارِثُ وَالْحَوَادِثُ. (1)

هر انسانی در اموالش دو شریک دارد: وارثان و حوادث!

توضیح:

اشاره به اینکه افراد بخیل به چه می اندیشند؟ آیا تصوّر می کنند این اموال را با خود می برند با این که از دو حال خارج نیست: یا به وسیله حوادث و پیش آمدهای روزگار از قبیل ورشکست شدن در تجارت، ربوده شدن به وسیله سارقان، سیل و آتش سوزی و امثال آن بر باد می رود و یا در صورت مصون ماندن از حوادث به دست وارث می رسد. وارثی که غالباً دلش به حال صاحب مال نسوخته و آن را تملک می کند و از آن برای منافع خود و عیش و لذّت بهره می گیرد، بی آن که به فکر صاحب اصلی مال باشد.

هر که مالی و اموالی است نیک *** همراهش باشد همیشه دو شریک

این شریکان سهم خود را می برند *** بی مهابا سهم او را می خورند

اولی باشد حوادث ناگهان *** دومی در وقت مردن وارثان

(مهدی)

به راستی که به رهی تواز مال خود همان است که برای آخرت خود از پیش فرستاده اید و آنچه را به جای نهاده ای بهره وارث است.

غرج 2 ش 9465

ص: 149

77- تا وعده نداده ای آزادی

امام علی علیه السلام فرمود:

الْمَسْئُولُ حُرٌّ، حَتَّى يَعْدَ. (1)

کسی که از او درخواستی شده، تا وعده نداده آزاد است. (ولی پس از وعده دادن در گرو وعده خویش است و تا به آن وفا نکند آزاد نمی شود).

توضیح:

اشاره به این که پس از وعده دادن در گرو وعده خویش است و تا به آن وفا نکند آزاد نمی شود. روشن است که حریت و بردگی در این گفتار حکیمانه جنبه مجازی دارد و منظور این است که اشخاص حر از هر نظر آزادند و در قید اسارت، دیگری است و انسان تا وعده نداده آزاد است؛ اما هرگاه وعده ای به دیگری بدهد گویا زنجیر اسارتی را بر گردن خود نهاده و تا به وعده اش وفا نکند از گردن او برداشته نخواهد شد.

زبان بسته داری نباشی اسیر *** چو آزاد شد روبهی نزد شیر

زبان خودت را نگهدار باش *** به نزد کسان آبرو دار باش

(مهدی)

وفا کردن به وعده یکی از دو بخش آزادی است.

غرج 2 ش 10243

ص: 150

78- دعوت کننده بی عمل کماندار بدون زه است

امام علی علیه السلام فرمود:

الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ، كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ. (1)

آنکس که مردم را (به نیکی ها) فرا می خواند؛ ولی خود به آن عمل نمی کند مانند کمانداری است که با کمان بدون زه میخوهد تیراندازی کند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار نورانی به کسانی اشاره می کند که مردم را به چیزی فرا می خوانند که خود عامل به آن نیستند و بدون شک دعوت آنها بی اثر است.

نصیحت کنی، باش مرد عمل *** و گرنه بدانند هستی دَغَل

نصیحت اگر بی عمل می دهی *** کمان دار هستی ولی بی زهی

(مهدی)

عمل شعار و جامه زیرین مؤمن است .

غرج 2 ش 7167

ص: 151

امام علی علیه السلام فرمود:

الْعِلْمُ عِلْمَانِ: مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ؛ وَلَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ، إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ. (1)

علم و دانش دو گونه است: فطری و شنیدنی (اکتسابی) و دانش شنیدنی سودی نمی دهد هنگامی که هماهنگ با فطری نباشد.

توضیح:

نخست اینکه از منظر علم مطبوع، دانش های غریزی و وجدانیات است که انسان از آغاز با الهام الهی در درون جان خود دارد و علم مسموع علوم می است که از طریق شنیدن از دانشمندان و صاحبان تجربه و آگاهی به دست می آید و اگر این دسته از علوم با علوم فطری انسان هماهنگ نباشد نه تنها موجب هدایت نمی شود؛ بلکه گاه موجب گمراهی است.

علم و دانش بود یکی مطبوع *** دیگری اکتسابی و مسموع

می نگردد به دانشت افزون *** گر نباشد به فطرت موزون

(مهدی)

دانشجو است که نفس خود را بالا دارد به طلب علم و از یاد گرفتن خسته نشود و آنچه را یاد گرفته زیاد نشمارد چون علم نهایت ندارد.

غرج 2 ش 6978

ص: 152

امام علی علیه السلام فرمود:

صَوَابُ الرَّأْيِ بِالذُّوْلِ؛ يُقْبَلُ بِإِقْبَالِهَا، وَيَذْهَبُ بِذَهَابِهَا. (1)

رأی صائب همراه با قدرت و حکومت است؛ با آن می آید و با آن می رود. (تا رأی صائب نباشد قدرت به دست نمی آید، یا تا قدرت در دست نباشد رأی صائب حاصل نمی شود.)

توضیح:

نخست اینکه تا انسان آراء صحیح و صائبی نداشته باشد نمی تواند حکومت خوبی تشکیل دهد، مدیریت های عالی و قوی سرچشمه حکومت های نیرومند و صالح است همراه این مدیریت ها آن حکومت ها شکل می گیرد و با از بین رفتن آن، حکومت ها رو به زوال می نهند.

مملکت را کسی که صاحب شد *** رأی و فکرش همیشه صائب شد

مملکت را اگر که داد ز دست *** لا جرم گوشه گیر و غائب شد

(مهدی)

کسی که رأی هایش ناتوان باشد دشمنانش قدرتمند شوند.

غورج 2 ش 3472

ص: 153

امام علی علیه السلام فرمود:

الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى. (1)

عَفَّتْ و خویشنداری، زینت فقر است و شکر و سپاس، زینت غنا و توانگری است.

توضیح:

شخص فقیر به حسب ظاهر و به تصوّر توده مردم دارای نقطه ضعفی است، چرا که دست او از مال دنیا تهی است؛ اما هرگاه عَفَّتْ و خویشتن داری داشته باشد، چشم به مال مردم ندوزد، از طریق حرام به دنبال کسب مال نگردد و در مقابل اغنیا سر تعظیم فرود نیاورد، این حالت خویشتن داری که در عرف عرب «عَفَّتْ» نامیده می شود زینت او می گردد و نقطه ضعف ظاهری او را می پوشاند.

زینت فقر تو عفاف بود *** قسمت روزیت کفاف بود

گر خدا داده روزیت وافر *** عزم شکر تو خلاف بود

(مهدی)

صبر و شکیبایی بر فقر و نداری با عزّت از توانگری با خواری و ذلّت زیباتر است .

غرج 2 ش 7916

ص: 154

82- روز مظلوم علیه ظالم، سخت تر از روز ظالم علیه مظلوم است

امام علی علیه السلام فرمود:

يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ. (1)

روز اجرای عدل بر ستمگر، سخت تر است از روز ظلم کردن ستمگر بر مظلوم.

توضیح:

منظور از آن روز، رستاخیز است که بسیاری از شارحان نهج البلاغه آن را پذیرفته اند و در این صورت شدت این روز نسبت به روز ظلم و جور آشکار است؛ دنیا و ستم های ستمگران هرچه باشد به سرعت می گذرد؛ اما مجازات آنها در قیامت پایدار و برقرار است. هم از نظر طول زمان بیشتر است و هم از نظر کیفیت مجازات الهی، شدیدتر.

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد *** که رحمت بر آن تربت پاک باد

میازار موری که دانه کش است *** که جان دارد و جان شیرین خوش است

سپاه اندرون باشد و سنگدل *** که خواهد موری شود تنگدل

مزن بر سر ناتوان دست زور *** که روزی به پایش در افتی چو مور

مکن خیره، بر زیر دستان ستم *** که دستی است بالای دست تو هم

(سعدی)

ص: 155

روز سرد همیشه (روز قیامت) بر ستمگر سخت تر است از روز ستمگر بر سرد همیشه (که دنیا باشد)

غورج 2 ش 5723

ص: 156

امام علی علیه السلام فرمود:

الْغِنَى الْأَكْبَرُ، الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (1)

برترین بی نیازی، یأس و چشم پوشی است از آنچه در دست مردم است.

توضیح:

این یک واقعیت است که هرکس چشم داشتی به اموال و امکانات و مقامات دیگران داشته باشد به همان نسبت کوچک و موهون می شود؛ خواه دست نیاز به سوی آنها دراز کند و یا این حالت را به سوی دیگری نشان دهد و تا انسان به اموال و امکانات دیگران بی اعتنا نباشد حقیقت غنا و بی نیازی را درک نمی کند.

با هوسناکان به یک پیمانانه می نتوان کشید *** سعی کن صائب شهید تیغ استغنا شوی

آشنا جویان عالم خویش را گم نکرده اند *** فارغم از آشنایان تا به خود پیوسته اند

(صائب)

جان دهی گر بهر یک نان منت دونان مکش *** بی نیازی خش نماید با وجود احتیاج

(لامع)

توانگری و بی نیازی جستن به خداوند و توکل و اعتماد بر او در کارها بزرگترین توانگری و بی نیازی است.

غرج 2 ش 7674

ص: 157

امام علی علیه السلام فرمود:

الْأَقْوِيلُ مَحْفُوظَةٌ، وَالسَّرَائِرُ مَبْلُوءَةٌ، وَكُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ؛ وَالنَّاسُ مَنقُوصُونَ مَدْخُولُونَ، إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ؛ سَدَّ أَيْدِيَهُمْ مُتَعَنِّتٌ، وَ مُجْبِيهِمْ مُتَكَلِّفٌ؛ يَكَادُ أَفْضَلَ لَهُمْ رَأْيًا، يَرُدُّهُ عَنِ فَضْلِ رَأْيِهِ الرِّضَى وَالشَّخْطُ؛ وَيَكَادُ أَصَدَّ لِبُهُمْ عَوْدًا، تَنْكُوهُ اللَّحْظَةُ وَنَسَّ تَحِيلُهُ الْكَلِمَةُ
الْوَحْدَةَ. (1)

گفتار انسان ها نگهداری میشود و باطن آنها آزموده خواهد شد و هرکس در گرو اعمال خویش است. مردم همگی در نقصانند و دارای عیوبی هستند جز کسی که خدا او را حفظ کند (زیرا) سؤال کنندگان آنان در پی بهانه جویی و آزارند و پاسخ دهندگان، توجیه گر و گرفتار تکلفند. حتی برترین آنها از نظر فکر و اندیشه، به سبب حب و بغض، از رأی خود باز میگردد و با استقامت ترین آنها (گاه) با یک نگاه یا یک کلمه دگرگون میشوند (از چنین افرادی باید به خدا پناه برد).

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه درباره چند خطر که در انتظار انسان هاست هشدار می دهد:

1- گفتار انسانها

2- باطن و نیت انسان ها

3- اعمال انسان ها

4- نقصان و عیوبی که در انسان وجود دارد.

عمل کنید در این زمانی که عمل سود دهد و دعا شنیده و مستجاب گردد و توبه بالا رود و پذیرفته شود.

غرج 2 ش 7197

ص: 158

امام علی علیه السلام فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اتَّقُوا اللَّهَ، فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ، وَبَانَ مَا لَا يَسْكُنُهُ، وَجَامِعٌ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ، وَ لَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ وَ مِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ، أَصَابَهُ حَرَامًا وَ احْتَمَلَ بِهِ آثَامًا، فَبَاءَ بِوِزْرِهِ وَ قَدِمَ عَلَى رَبِّهِ آسِفًا لَا هِفَاءَ، فَذُ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ «ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (1).

ای مردم! تقوای الهی را رعایت کنید. چه بسیار آرزومندانی که به آرزوی خود نرسند و چه بسیار سازندگانی که در آنچه ساخته اند سکونت نمی کنند و چه بسیار جمع آوری کنندگان اموال که به زودی اندوخته های خود را ترك میگویند و ای بسا از طریق باطل گردآوری کرده و یا حق آن را نپرداخته اند یا از راه حرام به آن رسیده و به سبب آن، گناہانی بر دوش کشیده و وزر آن را بر عهده دارند، در نتیجه وزر و وبالش به گردن آن هاست و با افسوس و دریغ بر پروردگار خود وارد میشوند و مصداق این آیه شریفه هستند: «(خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ)؛ هم دنیا را از دست داده هم آخرت را و این است زیان آشکار».

توضیح:

امام علی علیه السلام در این حکمت به دنیا پرستان هشدارهای کوبنده و جدی می دهد که با غفلت شامل این آیه قرآن می گردند:

« خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ »

قدری از خدا بترس اگر چه اندک باشد و میان خود و خدا پرده ای قرار ده اگر چه رقیق و نازک باشد .

غورج 2 ش 7197

ص: 159

امام علی علیه السلام فرمود:

مِنْ الْعِصْمَةِ، تَعَدُّرُ الْمَعَاصِي (1).

عدم توانایی برگناه، نوعی عصمت است.

توضیح:

می دانیم عصمت معنای عامی دارد که به معنای محفوظ ماندن، به ویژه محفوظ ماندن از گناه است. گاه این حالت در حدّ کمال دیده می شود که مقام والای انبیاء و امامان است. آنها ملکه ای نفسانی دارند که از هر گناه و خطا آنان را باز می دارد و همین مقام سبب اعتماد همه مردم به آنها می شود که گفتار و رفتارشان حجت و سرمشق برای همگان باشد.

هنگامی که ناتوان و ضعیف شدی از نافرمانی های خدا ناتوان شوی نه از اطاعت او.

غرج 2 ش 3355

ص: 160

امام علی علیه السلام فرمود:

مَاءٌ وَجْهَكَ جَامِدٌ، يَقْطِرُهُ السُّؤَالُ؛ فَاَنْظُرْ عِنْدَ مَنْ تُقْطِرُهُ. (1)

آبرویت جامد است و تقاضا آن را آب کرده، فرو میریزد. بین آن را نزد چه کسی فرو میریزی.

توضیح:

امام علی علیه السلام می فرماید: آب صورت تو در حال عادی جامد است هنگامی که از دیگری تقاضا می کنی مایع شده و فرو می ریزد. بنگر نزد چه کسی آن را فرو می ریزی.

اشاره به اینکه انسان تا می تواند نباید از کسی تقاضا کند و آبروی خود را در آن راه بریزد؛ اما اگر روزی ناچار شد، باید کسی را برای تقاضا کردن برگزیند که شایسته آن باشد و لااقل آبروی خود را نزد انسان با شخصیتی فرو ریخته باشد.

به خواری تن داده کسی که آشکار کند بدی حال خود را برای دیگران.

غرج 2 ش 3301

ص: 161

امام علی علیه السلام فرمود:

الْتَّائِبُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ، وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ. (1)

مدح و ستایش بیش از حد استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، عجز و درماندگی و یا حسد است.

توضیح:

شک نیست که مدح و ستایش در حد اعتدال کاری است بسیار پسندیده، زیرا از یک سو سبب تشویق شخصی می شود که کاری در خور ستایش انجام داده و یا فضیلتی از نظر اوصاف انسانی دارد، و احساس می کند که افراد، قدردان کارها و صفات او هستند و همین امر او را در ادامه راه دلگرم می سازد، به گونه ای که مشکلات را به راحتی تحمل می کند.

کسی که تملق و چاپلوسی او بسیار شد خوش رویی حقیقی او معلوم نشود (چون پیوسته برای چاپلوسی خوش رویی می کند).

غرج 2 ش 9241

ص: 162

امام علی علیه السلام فرمود:

أَشَدُّ الذُّنُوبِ، مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ. (1)

شدیدترین گناهان گناهی است که صاحبش آن را کوچک بشمارد.

توضیح:

دلیل آن روشن است کسی که گناهی را کوچک می شمرد به آسانی به آن گرفتار می شود و گاه آن را آن قدر تکرار می کند که به صورت ملکه او در می آید و غرق در آن می شود و سرانجام به عذاب الهی در دنیا و آخرت گرفتار خواهد شد.

سخت پرهیز از اینکه ارتکاب گناهان را آسان بشماری، زیرا گناهان در دنیا جامه خواری بر اندامت بپوشاند و در آخرت خشم الهی را برای توبه بار آورد.

غرر ج 2 ش 3345

ص: 163

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ، وَ مَنْ رَضِيَ بِرِزْقِ اللَّهِ لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فَاتَهُ، وَ مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ، وَ مَنْ كَابَدَ الْأُمُورَ عَطَبَ، وَ مَنْ افْتَحَمَ اللَّجَجَ غَرِقَ، وَ مَنْ دَخَلَ مَدَاخِلَ الشُّوْءِ اتَّهَمَ، وَ مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ؛ وَ مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ [غَيْرِهِ] النَّاسِ فَأَنْكَرَهَا، ثُمَّ رَضِيَ بِهَا لِنَفْسِهِ، فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ بَعِينِهِ؛ وَ الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ، وَ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ، وَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ، قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْينِهِ. (1)

هرکس به عیب خود بنگرد از عیبجویی دیگران بازمی ماند و هرکس به آنچه خدا به او روزی داده راضی شود بر آنچه از دست داده، اندوهناک نمی گردد، و آنکس که تیغ ستم برکشد (سرانجام) خودش با آن کشته میشود و کسی که (بی مقدمه) به سراغ کارهای سخت رود هلاک می شود و هرکس خود را در گرداب های خطرناک بیفکند غرق میشود و آنکس که در موارد سوءظن وارد شود متهم میگردد.

(امام علی علیه السلام فرمود:) آنکس که زیاد سخن می گوید زیاد اشتباه میکند و آنکس که زیاد اشتباه کند حیائش کم میشود و کسی که حیائش کم شود تقوایش نقصان

ص: 164

می یابد و کسی که تقوایش نقصان یابد قلبش می میرد و کسی که قلبش بمیرد داخل آتش دوزخ میشود. کسی که به عیوب مردم بنگرد و آن را بد شمرد ولی برای خویش آن را خوب بداند، احمق واقعی است و قناعت، سرمایه ای است فناپذیر و آنکس که فراوان یاد مرگ کند به اندکی از دنیا راضی میشود. آنکس که بداند گفتارش جزء اعمال او محسوب میشود سخن کم میگوید مگر در آنجا که به او مربوط است.

توضیح:

بی شک انسان بی عیب غیر از معصومان: وجود ندارد. بعضی عیوب کمتری دارند و بعضی بیشتر، بنابراین عقل و درایت ایجاب می کند انسان به جای این که به عیب دیگران پردازد به اصلاح عیب خویش پردازد. اصولاً کسی که به اصلاح عیب خویش می پردازد مجالی برای عیب جوئی دیگران نمی بیند و اگر مجالی هم داشته باشد شرم می کند و به خود می گوید: من با داشتن این عیوب چگونه به عیب جوئی دیگران پردازم.

عقل ترین مردم کسی است که به عیب خود بینا و از عیب دیگران نابینا.

غرج 2 ش 7395

ص: 165

امام علی علیه السلام فرمود:

لِلظَّالِمِ مِنَ الرَّجَالِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَطْلُبُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَ مَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ، وَ يُظَاهِرُ الْقَوْمَ الظَّالِمَةَ. (1)

مردان ستمگر سه نشانه دارند: به مافوق خود از طریق نافرمانی ستم می کنند و با قهر و غلبه، به زیردستان خویش ستم روا میدارند و پشتیبان گروه ظالمانند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه نشانه های ظالمان و ستمگران را روشن می سازد و نشان می دهد که ظالم، تنها کسی نیست که حق دیگران را ببرد و آنها را در فشار قرار دهد، بلکه ظالم معنای وسیعی دارد که سه نشانه آن را امام علی علیه السلام را بیان فرموده است. البته کسانی که هر سه نشانه در آنها باشد در مرحله بالای ظلم و ستم قرار دارند؛ ولی هریک از این سه نشانه نیز به تنهایی می تواند دلیل بر ظالم بودن باشد.

از جفا کاری پرهیز که جفا کاری برادری را تباه سازد و خشم خدای سبحان و مردمان را برای انسان به بار آورد .

غرج 2 ش 1163

ص: 166

امام علی علیه السلام فرمود:

عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَّةِ، تَكُونُ الْفَرْجَةُ؛ وَعِنْدَ تَضَائِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ، يَكُونُ الرَّخَاءُ. (1)

هنگامی که سختی ها به آخرین درجه شدت برسد فرج حاصل میشود و در آن هنگام که حلقه های بلا تنگ می گردد نوبت آسایش و راحتی فرا می رسد.

توضیح:

این حقیقت به کثرت تجربه شده که پایان شب های سیاه سپید است و عاقبت گرفتاری ها راحتی و استراحت است. به همین دلیل انسان هرگز نباید به هنگام هجوم مشکلات و درد و رنجها مأیوس گردد و دست به کارهای نامعقول بزند و یا زبان به ناشکری بگشاید و بی تابی کند، بلکه پیوسته امیدوار باشد که به دنبال این شدت ها و تنگی حلقه های بلا، گشایش حاصل می شود، طوفان بلا فرو می نشیند و ابرهای نومیدی کنار می رود و آفتاب شفاف امید، آشکار می گردد.

زمان فراخی و وسعت خود را ذخیره ای برای روزهای گرفتاری ات قرار ده.

غورج 1 ش 3567

ص: 167

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شَيْءٍ غِلْبَكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ؛ فَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَوَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَوْلِيَاءَهُ؛ وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ، فَمَا هُمُّكَ وَشُغْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ. (1)

بیشترین دل مشغولی خود را به خانواده و فرزندان (و تأمین زندگی آنها) اختصاص مده، زیرا اگر آنها از دوستان خدا باشند خدا دوستان خود را تنها نمی گذارد و اگر از دشمنان خدا هستند چرا هم خود را صرف دشمنان خدا میکنی؟!

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه برای جلوگیری از حرص حریصان و دنیا پرستی که علاقه شدیدی به زن و فرزند خویش دارند به یکی از یاران خود این حکمت را فرمود.

بزرگترین اندوه خود را خانواده و فرزندان قرار نده، زیرا آنها اگر دوستان خدای سبحان باشند که خداوند دوست خود را وانگذارد و اگر دشمن خدا هستند پس چه اندوهای در مورد دشمنان خدا داری؟

غورج 2 ش 10548

ص: 168

امام علی علیه السلام فرمود:

أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.

بزرگترین عیب آن است که آنچه را در خود توست برای دیگران عیب بشماری.

توضیح:

اشاره به این که چنین انسانی خود دارای عیبی است و آن را نادیده می گیرد حتی ممکن است به آنها افتخار کند؛ اما هنگامی که این عیب را در دیگران می بیند زبان به نکوهش می گشاید و صاحب آن عیب را ملامت و سرزنش می کند و گاه بر سر او فریاد می زند. چنین انسانی گرفتار تناقض آشکاری است و در آن واحد چیزی را هم خوب می داند و هم بد.

اگر در دیگران اخلاق نکوهیده ای را دیدی از دچار شدن به همسالان در خود پرهیز کن.

غرر ج 2 ش 7399

ص: 169

امام علی علیه السلام فرمود:

وَهَذَا بِحَضْرَتِهِ رَجُلٌ رَجُلًا بَعْلَامٌ وُلِدَ لَهُ، فَقَالَ لَهُ لِيَهْنِكَ الْفَارِسُ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَقُلْ ذَلِكَ، وَ لَكِنْ قُلْ شَكَرْتَ الْوَاهِبَ، وَ بُرِكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ، وَ بَلَغَ أَشُدَّهُ، وَ رُزِقْتَ بَرَّةً. (1)

در حضور امام علی علیه السلام کسی به دیگری با این عبارت، نوزادش را تبریک گفت: «قدم این نوزاد یکه سوار مبارک باد».

امام علی علیه السلام فرمود:

این سخن را مگو، لکن بگو: شکرگزار بخشنده باش و مبارک باد بر تو این بخشوده الهی (إنشاءالله) بزرگ شود و از نیکی هایش بهره مند گردی.

توضیح:

بی شک فرزندی، موهبتی الهی است و پیش از هر چیز باید به فکر شکر و اهاب بود، نه این که آن را جدای از برکات الهی شمرد و به شجاعت آینده و یا غارتگری او اندیشید و بعد از آن باید دعا کرد که خدا این فرزند را از خطرات حفظ کند تا مسیر تکامل را طی کند و به حد کمال برسد و مبدأ خیرات و برکات شود و نه تنها برای خودش بلکه خیر و نیکی او به دیگران هم برسد و چه خوب است که به هنگام تبریک گفتن برای مولود جدید به تمام این نکته ها توجه شود.

بهترین مردم در مورد نعمت های الهی کسی است که نعمت موجود را به وسیله شکر، مستدام و پایدار بدارد و نعمت از دست رفته را به وسیله بردباری و صبر بازگرداند. غرر ج 1 ش 4456

ص: 170

96- درهم و دینار از ساختمان سر بر می آورد

امام علی علیه السلام فرمود:

وَبَنَى رَجُلٌ مِنْ عُمَّالِهِ بِنَاءً فَحَمًا، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَطَّلَعَتِ الْوَرِقُ رُءُوسَهَا، إِنَّ الْبِنَاءَ يَصِفُ لَكَ الْغِنَى. (1)

یکی از عاملان (فرمانداران) حکومت امام علی علیه السلام: خانه باشکوهی ساخت، امام علی علیه السلام به او فرمود:

درهم ها (و دینارهای) تو از این بنا سر برآورده و چنین بنایی به یقین نشانه غنا و ثروت توست!

توضیح:

شرح کامل این کلام امام علی علیه السلام در نامه سوم نهج البلاغه آمده است علاقمندان مراجعه کنند.

بسا جمع کننده و گردآورنده چیزی که آن را به زودی واگذارد و از این جهان برود .

غرج 2 ش 9492

ص: 171

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقِيلَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ سَدَّ عَلَيَّ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِهِ وَتُرِكَ فِيهِ، مِنْ أَيْنَ كَانَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ حَيْثُ يَأْتِيهِ أَجَلُهُ. (1)

از امام علی علیه السلام پرسیدند: اگر در خانه کسی را به روی او ببندند و در همان جا محبوس گردد از کجا روزی اش می رسد؟ امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود:

از همان جا که اجل به سراغ او می آید!

توضیح:

اگر مشیت الهی بر حیات کسی تعلق گیرد اسباب حیات او را حتی در اتاق در بسته یا در زندان و غاری که کسی در آن راه نمی یابد فراهم می سازد و همان گونه که فرشته مرگ می تواند از این موانع عبور کند فرشته ای که اسباب حیات را فراهم سازد نیز می تواند از آن عبور نماید.

به زودی به تو خواهد رسید آنچه برای تو مقدر شده پس کسب و کار را آسان بگیر و آهسته تر کار کن .

غرج 1 ش 3581

ص: 172

امام علی علیه السلام فرمود:

وَعَزَى قَوْمًا عَنْ مَيِّتٍ مَاتَ لَهُمْ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَيْسَ لَكُمْ بَدَأٌ وَلَا إِلَيْكُمْ أَنْتَهَى؛ وَفَدَّ كَانَ صَاحِبِكُمْ هَذَا يُسَافِرُ، فَعُدُّوهُ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ؛ فَإِنْ قَدِمَ عَلَيْكُمْ، وَإِلَّا قَدِمْتُمْ عَلَيْهِ. (1)

امام علی علیه السلام به گروهی از بازماندگان کسی که از دنیا رفته بود اینگونه تسلیت گفت: این امر (مرگ) نه آغازش از شما بوده و نه به شما پایان خواهد یافت. این دوست شما سابقاً هم گاهی مسافرت میرفت اکنون نیز تصور کنید به سفری رفته است. اگر او از سفر بازگردد چه بهتر و اگر بازنگردد شما به سوی او خواهید رفت (ویکدیگر را ملاقات خواهید نمود)!

توضیح:

امام علی علیه السلام به سبب لطف و محبتی که به همه داشت از جزئیات زندگی افراد نیز غافل نمی شد و سعی داشت مشکلات مردم را از هر قبیل حل کند؛ از جمله هنگامی که از مرگ یکی از مسلمانان باخبر شد به بازماندگانش چنین تسلیت گفت.

این سخن را هر مصیبت زده ای بشنود آرامش می یابد، زیرا به این نکته توجه پیدا می کند که نه عزیز از دست رفته آنها نخستین کسی بوده که مرگ، دامانش را گرفته و نه آخرین کس است.

ص: 173

امام علی علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! لِيَرْكُمُ اللَّهُ مِنَ النُّعْمَةِ وَجَلِيلِينَ، كَمَا يَرَاكُمْ مِنَ النُّقْمَةِ فَرِيقِينَ؛ إِنَّهُ مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ، فَلَمْ يَرَ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجًا، فَقَدْ أَمِنَ مَخُوفًا؛
وَ مَنْ ضَيَّقَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ، فَلَمْ يَرَ ذَلِكَ اخْتِبَارًا، فَقَدْ ضَيَّعَ مَأْمُولًا. (1)

ای مردم! باید خداوند، شما را به هنگام نعمت ترسان ببیند همانگونه که از بلا و نعمت ترسان میبیند؛ زیرا کسی که خدا به او نعمت گسترده ای بخشیده و آن را (احتمالاً) استدراج (مقدمه مجازات تدریجی) نشمرد از امر خوفناکی خود را ایمن دانسته و (به عکس) کسی که خدا بر او تنگ گیرد (ونعمتهایی را از او سلب کند) و آن را آزمایش (و مقدمه ترفیع مقام) نداند، پاداش امیدبخشی را از دست داده است.

توضیح:

منظور از نعمت های «استدراجی» که در قرآن به آن اشاره شده: این است که خدا افرادی که طغیان را به مرحله شدید رسانده اند نخست مشمول نعمت های خودش قرار می دهد و هنگامی که غرق نعمت شدند ناگهان نعمت را از آنها می گیرد و به سختی آنها را مجازات می کند، که این مجازات بعد از نعمت، بسیار دردناک است.

همچون کسی که از درختی بالا می رود هرچه بالاتر رود به هنگام سقوط بر اثر طوفان یا لغزشی، به زمین خوردن او دردناکتر است و به گفته شاعر:

ص: 174

نردبان این جهان ما و منی است *** عاقبت این نردبان افتادنی است

لا جرم هر کس که بالاتر نشست *** استخوانش سخت تر خواهد شکست

به زودی به تو خواهد رسید آنچه برای تو مقدر شده پس کسب و کار را آسان بگیر و آهسته تر کار کن.

غورج 1 ش 2723

ص: 175

امام علی علیه السلام فرمود:

يَا أَسْرَى الرَّغْبَةِ أَقْصِدُوا، فَإِنَّ الْمُعْرَجَ عَلَى الدُّنْيَا لَا يَرُوعُهُ مِنْهَا إِلَّا صَرِيْفُ أَنْيَابِ الْحِدْثَانِ. أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا، وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ صَرَافَةِ عَادَاتِهَا. (1)

ای اسیران حرص و رغبت در دنیا! بس کنید، زیرا افراد دلبسته به دنیا را جز صدای برخورد دندان های حوادث سخت، به خود نیاورد. ای مردم! تربیت نفس خویش را بر عهده بگیرید و آن را از کشش عادات (بد) بازدارید.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این جا تشبیه شگفتی کرده، حوادث سخت را به حیوانات درنده ای شبیه می داند که به هنگام حمله دندان هایشان را به هم می ساینند و «دندان قروجه» می کنند به گونه ای که صدای دندان های آنها شنیده می شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

حوادث خطرناک هنگامی که دامان آنها را گرفت و همچون حیوان درنده ای که لحظه ای پیش از حمله دندان هایش را به هم می ساید به آنها حمله ور می شود و هنگامی بیدار می شود که کار از کار گذشته است.

نفس تو مثل شتر، خود پرور است *** خود پرست و خود سوار و خود سر است

مرد شو، آور زمام او به کف *** تا شوی گوهر، اگر باشی خرف

ص: 176

هرکه بر خود نیست فرمانش روان *** می شود فرمان پذیر از دیگران

(اقبال لاهوری)

مایه ظلمت ، ز صور دور کن *** تا شنود گوش دلت نفخ صور

ز آینه دل، اگر رفت زنگ *** زنگیت اندر نظر آید چو حور

(حاج ملا هادی سبزواری)

برای نابودی انسان همان حرص کافی است .

غرج 1 ش 1598

ص: 177

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَطْنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءًا، وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا. (1)

هر سخنی که از دهان کسی خارج میشود، تا احتمال خیر و نیکی در آن می یابی حمل بر فساد مکن.

توضیح:

سرمایه اصلی یک جامعه، اعتماد عمومی مردم نسبت به یکدیگر است، از این رو امام در این گفتار حکیمانه، دستوری در این زمینه می دهد، که سبب می شود علقه و محبت و دوستی و موّدت در میان افراد جامعه بیشتر و از پراکندگی و سلب اعتماد جلوگیری شود و در نتیجه زمینه های همکاری که بر پایه اعتماد قرار دارد بیشتر گردد و برکات فزونتری بهره فرد و جامعه شود.

به دل، اندر، اندیشه بد مدار *** بد اندیش را بد بود، روزگار

(فردوسی)

جهان خوش بود بر دل خوش نگر *** همی بود بر دل بد نظر

خدا بین، دل آرام و خوش بین بُود *** هوا پیشه ناکام و بد بین بود

(فردوسی)

به هر اندازه مصاحبت طولانی شود، حرمت (میان آن دو) پایدار و محکم شود.

غرج 1 ش 4985

ص: 178

امام علی علیه السلام فرمود:

إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَاجَةٌ، فَأَبْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ، فَيَقْضِي إِحْدَاهُمَا وَيَمْنَعُ الْآخَرَى. (1)

هرگاه حاجتی به درگاه حق داشتی، نخست با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شروع کن، سپس حاجت خود را بخواه، زیرا خداوند، کریم تر از آن است که دو حاجت از او بخواهند، یکی را قبول و دیگری را رد کند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این کلام شریف به نکته مهمی در مورد اسباب اجابت دعا اشاره می نماید.

آغاز دعا به امر سرمد صلوات *** پایان دعا بر آل احمد صلوات

الله و فرشتگان فرستند درود *** مؤمن بفرست بر محمد صلوات

(مهدی)

ای خدائی که چو حاجات به تو بر گیرند *** هر مرادی که بودشان همه در بگیرند

(مولوی)

خواهی که به آسمان دعایت برسد *** پیغام اجابت از خدایت برسد

بر احمد و آل او درودی بفرست *** تا آنچه طلب کنی برایت برسد

(مهدی)

ص: 179

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ صَنَعَ بِعَرَضِهِ، فَلْيَدْعِ الْمِرَاءَ. (1)

کسی که به آبروی خود علاقه مند است، باید بحث های لجاجت آمیز را با مردم رها کند.

توضیح:

مفهوم کلام امام علی علیه السلام این می شود: هرکس می خواهد آبرو، شخصیت، اصالت و قداست نفس خویش و آنچه مربوط به اوست را حفظ کند باید «مراء» را کنار بگذارد. زیرا به هنگام مراء افراد بر سر لجاجت می افتند و گاه انواع توهین ها را به طرف مقابل روا می دارند و عیوب پنهانی او را بر ملا می کنند و هتک حرمت می نمایند. گاه درباره خودش و گاه درباره کسانی که مورد علاقه او هستند. بنابراین افرادی که علاقه مند به آبرو و شخصیت خود باشند باید همین که بحث آنها با طرف مقابل، به مرحله مراء رسید کلام را قطع کنند و او را رها سازند و از محل و مجلس بحث خارج شوند.

نه در هر سخت بحث کردن رواست *** خطا بر بزرگان گرفتن خطاست

(سعدی)

مکن با کسان گفتگو با جدل *** که ریزد تو را آبرو در محل

(مهدی)

با آدم لجوج در هیچ محفلی جدال نکن.

غورج 2 ش 9005

ص: 180

امام علی علیه السلام فرمود:

مِنْ الْخُرْقِ الْمَعَاجِلَةِ قَبْلَ الْإِمْكَانِ، وَالْأَنَاءُ بَعْدَ الْفُرْصَةِ. (1)

عجله کردن پیش از فراهم شدن امکانات، و از دست دادن امکانات و سستی کردن پس از فرصت، از حماقت و نادانی است.

توضیح:

امام علی علیه السلام دو چیز را در این جا نشانه حماقت و نادانی می شمرد، نخست تعجیل کردن قبل از فراهم شدن امکانات، مثل این که کسی در فصل غوره کردن درختان انگور اصرار بر چیدن داشته باشد که نشانه نادانی است و دیگر این که وقتی فرصت ها فراهم می شود سستی کند و به اصطلاح این دست و آن دست نماید تا فرصت از دست برود؛ فرصتی که شاید هرگز باز نگردد این هم نشانه بی خبری و نادانی است.

عجولی مکن تا شود پخته خام *** چو آماده شد کار را کن تمام

نه افراط و تفریط در کار کن *** نه خود را بدین دو گرفتار کن

(مهدی)

شتاب کردن در کار پیش از وجود امکانات و فراهم شدن زمینه و وسایل آن موجب غم و اندوه شود .

غورج 2 ش 6081

ص: 181

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَسْأَلْ عَمَّا لَا يَكُونُ، فَفِي الَّذِي قَدْ كَانَ لَكَ شُغْلٌ. 364

درباره آنچه تحقیق یافتنی نیست سؤال مکن، چراکه در آنچه تحقیق یافته به اندازه کافی اسباب دل مشغولی تو وجود دارد.

توضیح:

سؤال کردن کار خوبی است و کلید گنجینه علم و دانش است به همین دلیل در قرآن مجید و روایات اسلامی کراراً به آن دستور داده شده است و حتی حیا کردن از سؤال درباره اموری که مربوط به سرنوشت انسان در دین و دنیاست به عنوان «حیاء حمق» (حیاء احمقانه) شمرده شده است. ولی سؤال باید درباره اموری باشد که مربوط به حیات مادی یا معنوی انسان است و اموری که امکان تحقیق در آن تصور شود. اما اگر کسی خود را به سؤالاتی درباره امور غیر ممکن یا بسیار نادر مشغول کند، از مسائل مهم زندگی باز می ماند. در حالی که صدها مسئله مورد ابتلا وجود دارد.

سؤالی مکن ز آنچه ناممکن است *** مزخرف نه شایسته مؤمن است

سؤال خود از آفرینش نما *** وز آن بیشتر کسب بینش نما

(مهدی)

روش و شیوه ای بهتر از تحقیق نیست.

غرج 1 ش 2044

ص: 182

امام علی علیه السلام فرمود:

الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ؛ وَالْإِعْتِبَارُ مُنْدِرٌ نَاصِحٌ؛ وَكَفَى أَدْبًا لِنَفْسِكَ، تَجَنُّبُكَ مَا كَرِهْتَهُ لِعَيْرِكَ. (1)

فکر، آینه شفاف و درخشنده‌ای است، و حوادث عبرت‌انگیز، بیم‌دهنده و نصیحت‌کننده است، و برای ادب‌آموزی خویشتن همین بس که از آنچه برای دیگران ناخوش می‌داری بپرهیزی.

توضیح:

صد بار اگر در بر آینه نشینی *** عیبی است تو را، آنکه ز خود عیب نبینی

اندیشه بود آینه روشن و شفاف *** تا عیب ز خود بینی و از غیر نبینی

(مهدی)

آن کس که نداند و نداند که نداند *** در جهل مرکب ابد الدهر بماند

آن کس که نداند و بداند که نداند *** لنگان خرک خویش به منزل برساند

آن کس که بداند و نداند که بداند *** بیدارش نمائید که در خواب نماند

آن کس که بداند و بداند که بداند *** اسب شرف از گنبد گردون بجهاند

(عطار نیشابوری)

تفکر و اندیشه کردن در نعمت‌های خداوند، خوب عبادتی است.

غرج 2 ش 7956

ص: 183

امام علی علیه السلام فرمود:

الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ، فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ؛ وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ، فَإِنْ أَجَابَهُ، وَإِلَّا اِزْتَحَلَ عَنْهُ. (1)

علم با عمل همراه است، و هرکس (به راستی) عالم باشد عمل میکند. علم، عمل را فرا میخواند اگر اجابت کرد و آمد، علم میماند و الاً کوچ می کند.

توضیح:

علم و عمل رفیق شفیقند و همسفر *** پیوسته با همند و کمک کار یکدیگر

عالم اگر عمل نکند شاخ بی بر است *** شاخ بدون میوه بود در خور تبر

(مهدی)

علم یکتا گوهر است و کاهلی کام نهنگ *** تا بری این گوهر از کام نهنگ آماده شو

(ملک الشعراى بهار)

فضل و دانش بی عمل کی می برد کس را به منزل *** اسب چوبین است جسمی دارد اما جان ندارد

(رجاء اصفهانی)

علم چندان که بیشتر خوانی *** چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند *** چارپایی بر او کتابی چند

ص: 184

آن تُهی مغز را چه علم و خبر *** که بر او هیزم است یا دفتر

(سعدی)

عالم بی عمل بود جاهل *** که ندارد ز کشت خود حاصل

بی عمل علم را نباشد سود *** چون حماری که بار خود افزود

(مهدی)

علم بی عمل همچون درخت بی ثمر و بی میوه است.

غرج 2 ش 7260

ص: 185

امام علی علیه السلام فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ مُوبِقٌ، فَتَجَنَّبُوا مَرَعَاهُ، قُلْعَتُهَا أَحْطَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا وَبُلْعَتُهَا أَرْكَى مِنْ تَرْوَنَتِهَا؛ حُكِمَ عَلَيَّ مُكْثِرٌ مِنْهَا بِالْفَاقَةِ، وَ أُعِينَ مَنْ عَنِيَ عَنْهَا بِالرَّاحَةِ؛ مَنْ رَاقَهُ زَبْرُجُهَا أَعَقَبَتْ نَاطِرِيهِ كَمَهَاءَ، وَ مَنْ اسْتَشَدَّ عَرَّ الشَّعْفَ بِهَا مَلَأَتْ صَدِّ مِيرَهُ أَشْجَانًا، لَهَنَّ رَقِصٌ عَلَيَّ سُؤْيِدَاءَ قَلْبِهِ هَمٌّ يَشُدُّ غَلُّهُ وَ غَمٌّ يَحْزِنُهُ، كَذَلِكَ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ، فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرَاهُ، هَيِّنًا عَلَيَّ اللَّهُ فَنَاؤُهُ وَ عَلَيَّ الْإِخْوَانَ الْفَاؤُهُ؛ وَإِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ وَ يَتَمَتَّتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِصْبِ طِرَارٍ وَ يَسْمَعُ فِيهَا بِأُذُنِ الْمَقْتِ وَ الْإِبْغَاضِ؛ إِنْ قِيلَ أَثْرَى، قِيلَ أَكْدَى، وَ إِنْ فُرِحَ لَهُ بِالْبَقَاءِ، حُزِنَ لَهُ بِالْفَنَاءِ؛ هَذَا وَ لَمْ يَأْتِهِمْ «يَوْمٌ فِيهِ يُبْلِسُونَ» (1).

توجه! توجه! ای مردم! متاع دنیا همچون گیاهان خشکیده «وباخیز» است، بنابراین از چنین چراگاهی دوری کنید. دل کندن از آن لذت بخشتر است از دل بستن و اعتماد به آن، و استفاده از آن به مقدار نیاز بهتر است از جمع کردن و انباشتن ثروت آن. کسی که از آن بسیار گردآوری کند محکوم به فقر و نیازمندی است، و هر آن کس از آن بی نیازی جوید به آسایش و آرامش خود کمک کرده است. کسی که زر و زیورهای دنیا در نظرش شگفت انگیز باشد، قلب او نابینا میشود، و آن کس که عشق آن را به دل بگیرد، در درونش پر از غم و اندوه می شود، اندوه ها بر کانون قلبش پیوسته می رقصند و همواره غم های

ص: 186

سنگینی او را مشغول می سازد و غمی جانکاه او را محزون می نماید. این وضع همچنان ادامه می یابد تا آن جا که (پنجۀ مرگ) گلویش را می فشارد و او را به گوش های می افکند در حالی که رگ های حیاتش قطع شده، مرگ او در پیشگاه خداوند بی اهمیّت و افکندش به گورستان برای دوستانش آسان است.

انسان مؤمن، تنها با چشم عبرت به دنیا مینگرد، از مواهب آن به مقدار ضرورت بهره میگیرد و آهنگ دلربای آن را با بغض و نفرت میشتود. هرگاه گفته شود فلان کس توانگر شد (دیری نمیپاید که) گفته میشود بدبخت و بی نوا گشت و هرگاه مردم از فکر بقای او (در این جهان) شاد شوند (چیزی نمی گذرد که) خبر مرگ او آنها را محزون میکند. این حال دنیای آن هاست و هنوز روزی که در آن به راستی غمگین و مأیوس شوند (روز رستاخیز) فرا نرسیده است.

توضیح:

امام علیه السلام در این کلام نورانی در دو بخش که هر کدام دیگری را تکمیل می کند سخن می گوید. در بخش نخست، بی ارزش بودن دنیا را با تعبیرات قاطع و کوبنده بیان کرده و داد سخن را در این قسمت داده و برای دنیا به هفت عیب بزرگ اشاره می کند.

امام علیه السلام در بخش دوم این حکمت به بیان حالات مؤمنانی می پردازد که به عکس دنیاپرستان، قناعت پیشه و ساده زیست هستند.

مال را عاریه دادن، در کف خود، تا دم مرگ *** زن و فرزند، رفیق اند به تو تا لب گور

(لامع)

ص: 187

تا به کی این سان نفس در جمع سیم و زر زنیم *** یک نفس بنشین که حرف دل به یکدیگر زنیم

(مهدی)

اگر دنیا متاع عافیت داشت *** در او کافر نه می زاد و نه می زیست

ولی سرمایه و زر و بالی است *** که سودش جز زیان آخرت نیست

دل بستگی به عالم دنیای بی ثبات *** بر روی آب نقش عمارت کشیدن است

(مهدی)

اهل دنیا جملگی زندانی اند *** انتظار مرگ داری فانی اند

جز مگر نادر یکی فردا نبی *** تن به زندان جان او کیوانی

(مولوی)

ص: 188

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَصَعَّ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَالْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنِ نِقْمَتِهِ، وَحَيَاشَةَ لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ. (1)

خداوند سبحان ثواب را بر اطاعتش و کیفر را بر معصیتش قرار داده است تا بندگانش را از عذاب خود بازدارد و آنها را به سوی بهشتش سوق دهد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این کلام نورانی و فشرده و کوتاه به فلسفه ثواب و عقاب در برابر اطاعت و معصیت اشاره می فرماید.

در حکمت مورد بحث مفهومش این است که خداوند ثواب را بر طاعت و عقاب را بر گناه قرار داده تا بندگانش را به طاعت و عمل صالح تشویق و از عذاب خود باز دارد.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که فرمود: «هیچ کس را عملش وارد بهشت نمی سازد.

عرض کردند: حتی خود شما ای رسول خدا؟!»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری من هم چنین هستم. مگر این که رحمت خداوند شامل من شود. (2)»

بهشت را به تفضل دهند نه استحقاق *** خوشا کسی که بود بر رضای او مشتاق

(مهدی)

زینهار که اهتمام نورزی در کاری مگر در کاری که برای تو پاداشی را به دست آورد، و تلاش و کوشش مکن مگر آنجا که ثوابی را به غنیمت گیری.

غرج 1 ش 1076

ص: 189

1- همان حکمت 368

2- بحار الانوار ج 7 ص 11

امام علی علیه السلام فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ؛ وَمَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ، خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، سَكَانُهَا وَعَمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ، وَإِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ، يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا، وَيَسُوفُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا؛ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: فَبِي حَلْفٍ لَأَبْعَثَنَّ عَلَى أَوْلِيكَ فِتْنَةً تَتْرُكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ، وَقَدْ فَعَلَ، وَنَحْنُ نَسْتَقِيلُ اللَّهَ عَثْرَةَ الْعُقَلَةِ. (1)

روزگاری بر مردم فرا میرسد که در میان آن ها از قرآن چیزی جز خطوطش و از اسلام جز نامش باقی نخواهد ماند، مساجد آنها در آن زمان از جهت بنا آباد و محکم ولی از جهت هدایت خراب و ویران است، ساکنان آن مساجد و آبادکنندگانش بدترین مردم روی زمین اند، فتنه و فساد از آنها برمی خیزد و خطاها به آنها بازمی گردد، آن کس که در آن زمان از فتنه ها کناره گیری کند او را (به اجبار) به آن بازمی گردانند و هر کسی که از آن جا وامانده است به سوی آن سوقش می دهند، خداوند سبحان می فرماید: «به ذاتم سوگند خورده ام فتنه ای بر آنان می فرستم که عاقل بردبار در آن حیران بماند.» (سپس امام علیه السلام فرمود:). هم اکنون این کار را انجام شده و ما از خداوند خواستاریم که از لغزشها و غفلتهای ما درگذرد.

ص: 190

توضیح:

امام علیه السلام در این گفتار پر معنای خویش از زمانی خبر می دهد که اسلام و قرآن به فراموشی سپرده می شود و اهل آن زمان غرق گناه می گردند، و نه ویژگی از مفاسد برای آن زمان ذکر می کند. در آن هنگام نور هدایت به خاموشی می گراید، آفتاب عالم تاب اسلام رو به افول می نهد و مسلمانان راستین کم می شوند و بر اثر فشارها خانه نشین می گردند. دقت و تعمق در این پیشگویی انسان را به شگفتی وا می دارد!

خاصیت قرآن تو ندانی شاید *** خوانی و معانیش ندانی شاید

قرآن ز برای بندگی، شاید باشد *** تو از پی جا مگیش خوانی شاید

(اوحدی)

دلم از ظلمت شب های غفلت سخت فرسوده *** فروغی یا ریش از فیض نور صبحگاهی ده

(لامع)

مسجد که جای طاعت و ذکر خدا بود *** روزی سرای خدعه و مکر و ریا بود

(مهدی)

نشستن در مسجد و جایگاه نماز پس از طلوع سپیده دم تا طلوع خورشید به منظور اشتغال به ذکر خدای سبحان، شتابان تر است برای آسان کردن روزی از گام برداشتن و رفتن در اطراف زمین.

غورج 1 ش 3920

ص: 191

امام علی علیه السلام فرمود:

وَرُوي أَنَّهُ (عليه السلام)، قَلَّمَا اعْتَدَلَ بِهِ الْمَنِيرُ إِلَّا قَالَ أَمَامَ الْخُطْبَةِ:

أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ، فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبَثًا فَيَلْهُو، وَلَا تُرِكَ سُدَى فَيَلْغُو؛ وَمَا دُنِيَاهُ الَّتِي تَحَسَّنَتْ لَهُ، يَخْلَفُ مِنَ الْآخِرَةِ الَّتِي قَبَّحَهَا سُوءُ النَّظَرِ عِنْدَهُ؛ وَمَا الْمَعْرُورُ الَّذِي ظَفَرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ، كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفَرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سُهُمَّتِهِ. (1)

روایت شده که کمتر اتفاق می افتاد که امام علیه السلام بر منبر بنشیند و پیش از خطبه چنین نفرماید:

«ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید (و بدانید) هیچکس بیهوده و عبث آفریده نشده که دائماً به لهو (و سرگرمی های مختلف) پردازد، و هیچکس مهمل و بی هدف رها نشده تا به کارهای لغو و بی ارزش مشغول شود. (هرگز) دنیای دلپسندش جای آخرتی را که با بدنگری، زشت در نظرش جلوه کرده است نخواهد گرفت و آن فریب خورده ای که با برترین کوشش بر دنیا ظفر یافته همچون کسی نیست که به کمترین سهم خود از آخرت دست یافته است.»

توضیح:

هنگامی که به این جهان پهناور با این همه نظامات و این همه بدایع نگاه می کنیم و سپس به مواهب زیاد و نعمت های گوناگونی که در وجود ما به ودیعت نهاده شده می نگریم، یقین پیدا می کنیم که آفریننده آن دستگاه

ص: 192

با عظمت و این موجود عجیب، هدف مهمی در نظر داشته است. هرگز نه این عالم پهناور بیهوده آفریده شده است و نه خلقت این اعجوبه جهان هستی که نامش انسان است بی هدف می باشد.

گذشت عمر تو امسال همچو پارِ عَیْث *** چرا چنین گذرانند روزگار عیث
بسی نماند ز عمر و بسی نماند ز کار *** هزار حیف که بگذشت وقت کار عیث
گمان مبر که تو را آفرید حق باطل *** گمان مدار تو را ساخت کردگار عیث
تو آمدی به جهان تا روی بر جانان *** بکوش تا بررسی خویش را مدار عیث
تو جان هر دو جهانی و مقصد ایجاد *** عزیز من چه کنی خویش را تو خوار عیث
تو خویش را مفروش ای پسر چنین ارزان *** که بهر جنتی و می روی به نار عیث
گران بها و عزیز الوجود و بی بدلی *** نشی چنین سبک و بی بها و خوار عیث
(مهدی)

دل چه بندی در این سرای مجاز *** همّت پست تا کی رسد بفراز
(سنائی غزنوی)

ذره را تا نبود همّت عالی حافظ *** طالب چشمه خورشید درخشان نشود
(حافظ)

مردمان با تقوا دل هاشان اندوهناک است و مردم از بدی ها و شرارت آنها در امان هستند .

غرج 2 ش 10388

ص: 193

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ الْإِسْلَامِ، وَلَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى، وَلَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ، وَلَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ، وَلَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ، وَلَا مَالَ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَى بِالْقُوْتِ، وَمَنْ افْتَصَّرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكُفَافِ فَقَدِ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ، وَالرَّغْبَةَ مِفْتَاحِ النَّصَبِ وَمَطِيئَةَ التَّعَبِ، وَالْحِرْصُ وَالْكِبْرُ وَالْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ، وَالسُّرُّ جَامِعُ مَسَاوِي الْعُيُوبِ. (1)

هیچ شرافتی برتر از اسلام نیست، و هیچ عزتی گران بهاتر از تقوا، هیچ پناهگاهی بهتر و نگهدارنده‌تر از ورع (وپرهیز از شبهات) نمیباشد، هیچ شفیعی نجات بخش‌تر از توبه، هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت و هیچ سرمایه ای برای از بین بردن فقر بهتر از رضا به مقدار حاجت نمی باشد. آنکس که به مقدار نیاز اکتفا کند به آسایش و راحتی همیشگی دست یافته و در فراخنای آسودگی جای گرفته است در حالی که دنیاپرستی کلید رنج و بلا و مرکب تعب و ناراحتی است. حرص و تکبر و حسد انگیزه هایی هستند برای فرورفتن در گناهان، و شر و بدکاری، جامع تمام (این) عیب هاست.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این جمله های کوتاه و پر معنا اشاره به ده موضوع مهم می کند که هفت موضوع مربوط به فضائل اخلاقی و سه موضوع مربوط به رذایل اخلاقی است.

ص: 194

هست دین مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم دین حیات *** شرع او تفسیر آیین حیات

گر زمینی آسمان سازد تورا *** آنچه حق می خواند آن سازد تورا

صیقلش آینه سازد سنگ را *** از دل آهن رباید زنگ را

تا شعار مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم از دست رفت *** قوم را رمز بقا از دست رفت

آن که از تکبیر او سنگ آب گشت *** از صغیر بلبل بی تاب گشت

آن که عزمش کوه را کاهی شمرد *** با توکل دست و پای خود سپرد

کوشش او با قناعت ساز کرد *** تا به کشکول گدائی ناز کرد

ای برادر این نصیحت گوش کن *** پند آن آقای ملت گوش کن

(اقبال لاهوری)

ور نبود مشربه از زر ناب *** با دو کف دست توان خورد آب

ور نبود بر سرخوان آن و این *** هم بتوان ساخت به نان جوین

ور نبود جامه اطلس تورا *** دل ق کهن ساتر تن بس تورا

شانه عاج ار نبود بهر ریش *** شانه توان کرد به انگشت خویش

(شیخ بهائی)

ص: 195

از قناعت دامن مقصود می آید به کف *** دانه، چون عزلت گزین شد مایه بک خرمن است

(لامع)

کیمیایی تو را کنم تعلیم *** که در اکسیر و در ضاعت نیست

رو قناعت گزین که در عالم *** کیمیائی به از قناعت نیست

(انوری)

حافظ غبار فقر و قناعت ز رخ مشوی *** کاین خاک بهتر از عمل کیمیاگری

(حافظ)

کامل نشود شرافت انسان مگر به جود و بخشندگی و فروتنی.

غرج 1 ش 4395

ص: 196

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ (عَلِيهِ السَّلَامُ) لِيَجَابِرَ بَنِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ:

«يَا جَابِرُ، قِوَامُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: عَالِمٍ مُسَدِّ تَعْمَلِ عِلْمَهُ، وَجَاهِلٍ لَا يَسَّ تَتَكَبَّرُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَجَوَادٍ لَا يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ، وَفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ. فَإِذَا ضَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَتَكَبَّرَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَإِذَا بَخَلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ. يَا جَابِرُ، مَنْ كَثُرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ؛ فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ فِيهَا، عَرَّضَهَا لِلدَّوَامِ وَالْبَقَاءِ، وَمَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ، عَرَّضَهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ.» (1)

امام علی علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری چنین فرمود:

ای جابر! قوام و استواری دین و دنیا به چهار چیز است: عالم و دانشمندی که علم خود را به کار گیرد و نادانی که از فراگیری سر باز نزند و سخاوتمندی که در بذل و بخشش بخل نورزد و نیازمندی که آخرتش را به دنیا نفروشد. از این رو هرگاه عالم علمش را ضایع کند (و به کار نگیرد)، جاهل از فراگیری علم خودداری خواهد کرد (زیرا به علم عالم بدبین میشود) و هرگاه اغنیا در نیکی بخل ورزند، نیازمندان آخرت خود را به دنیا می فروشند (و به اموال اغنیا حمله میکنند).

ای جابر! کسی که نعمت فراوان خداوند به او روی آورد نیاز مردم به او بسیار خواهد شد. در این حال آن کس که وظیفه واجب خود را در برابر این نعمت های الهی

ص: 197

انجام دهد زمینه دوام و بقاء آنها را فراهم ساخته و آن کس که به وظیفه واجب خود در برابر آنها عمل نکند آنها را در معرض زوال و فنا قرار داده است.

توضیح:

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این کلام جامع و نورانی خطاب به جابر بن عبدالله انصاری (آن یار وفادار و با شخصیت) درباره قوام دین و دنیا سخن می گوید. امام علیه السلام اشاره می فرماید؛ که چهارچیز اگر در جای خود قرار گیرد، هم دین سامان می یابد و هم دنیای آنها.

دقت در این کلام امام علیه السلام الحق راهگشای همه مشکلات انسان در دنیا و موجب رستگاری او در آخرت می گردد.

ترک دنیا به مردم آموزند *** خویشان سیم و غله اندوزند

عالمی را که گفت باشد و بس *** هر چه گوید نگیرد اندر کس

عالم آن کس بود که بد نکند *** نه بگوید به خلق و خود نکند

(سعدی)

طریقه و مسلکی سالم تر از استقامت و پیمودن راه راست و درست نیست.

غرج 2 ش 8581

ص: 198

امام علی علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُدُوَانًا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ، فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ، فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيَ، وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ، وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ، وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسِّنْفِ، لِيَتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى، فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ. (1)

ای مومنان! هرکس ظلم و ستمی را مشاهده کند که در حال انجام گرفتن است یا کار زشت و منکری را ببیند که مردم را به سوی آن فرا میخوانند، اگر تنها با قلبش آن را انکار کند راه سلامت را برگزیده و گناهی بر او نیست (به شرط اینکه بیشتر از آن در توان نداشته باشد) و آنکس که با زبان و بیان به مبارزه برخیزد و آن را انکار کند، پاداش الهی خواهد داشت، و مقامش از گروه نخست، برتر است. اما آنکس که با شمشیر (در آنجا که راهی جز آن نیست) برای اعلای نام خدا و سرنگونی ظالمان، به انکار برخیزد او کسی است که به مسیر هدایت راه یافته و بر جاده حقیقی گام نهاده و نور یقین در قلبش تابیده است.

توضیح:

امام علی علیه السلام مراحل سه گانه ای را برای مبارزه با ظلم ظالم و نهی از منکر بیان فرموده که نخستین مرحله آن، انکار با قلب و بیزاری از آن در دل است. البته اگر بیش از این در توان شخص نباشد این مقدار بر او واجب است و خداوند

ص: 199

از او می پذیرد ولی امام علیه السلام پاداشی برای آن ذکر نکرده است شاید به این دلیل که کاری از او سرنزده تنها آلوده به گناه نشده و رضایت به گناه نداده است.

مرحله دوم مبارزه با زبان و بیان است که پاداش الهی دارد.

و مرحله سوم که از همه مراحل بالاتر است مبارزه عملی با شمشیر است که برای نابودی و سرنگونی ستمگران اقدام شود. عمل کنندگان در این مرحله مؤمنین واقعی می باشند.

تا توانی از ستمگر دور باش *** منجز از او ولی مستور باش

گر توانی با زبان و با بیان *** کن برائت پیشگی از ظالمان

ور خدا زور و توانت داده است *** بر ستمگر گیر شمشیری به دست

(مهدی)

ص: 200

امام علی علیه السلام فرمود:

فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَقَلْبِهِ، فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ؛ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ، فَذَلِكَ مُتَمَسِّكٌ بِخِصَلَتَيْنِ مِنَ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُصَدِّعٌ خِصَلَةً؛ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ، فَذَلِكَ الَّذِي صَبَّحَ أَشْرَفَ الْخِصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ؛ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِانْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَ يَدِهِ، فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَتَفْتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ؛ وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ؛ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ. (1)

گروهی از مردم با دست و زبان و قلب به مبارزه با منکرات و انکار منکر بر می خیزند. آنها تمام خصلت های نیک را به طور کامل در خود جمع کرده اند.

گروهی دیگر تنها با زبان و قلب به مبارزه بر می خیزند اما با دست کاری انجام نمی دهند آنها به دو خصلت از خصلت های نیک تمسک جسته اند و یکی را ضایع کرده اند.

گروهی دیگر تنها با قلبشان نهی از منکر میکنند (و از آن بیزارند) ولی مبارزه با دست و زبان را ترك میگویند این گروه بهترین خصلت های از این سه را ترك گفته و تنها به یکی چنگ زده اند.

گروهی دیگر نه با زبان نهی از منکر می کنند و نه با قلب و نه

ص: 201

با دست، اینها (در حقیقت) مردگانی در میان زندگان هستند.

(بدانید) تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون آب دهان است در برابر دریایی عمیق و پهناور.

امر به معروف و نهی از منکر، نه مرگ کسی را نزدیک میکند و نه از روزی کسی میکاهد (و بدانید) از همه اینها مهمتر سخن حقی است که در برابر سلطانِ ستمگری گفته شود. (و از مظلومی در مقابل آن ظالم دفاع گردد).

توضیح:

امام علیه السلام تقسیم سه گانه ای در این گفتار حکیمانه و پرمعنا برای آمرین به معروف و ناهیان از منکر بیان کرده، که قسم اول آن اشاره به کسانی است که با تمام وجود خود و با استفاده از تمام وسایل به مبارزه با منکرات بر می خیزند.

گروه دوم تنها با زبان و قلب به مبارزه می پردازند. اما با دست کاری انجام نمی دهند و گروه سوم که تنها با قلبشان نهی از منکر می کنند ولی مبارزه با دست و زبان را ترک می گویند. که اگرچه یک وظیفه اسلامی و انسانی است، ولی ارجمندی دو مرحله قبلی را ندارد.

سوگند به خدا اگر از شمشیر دنیا فرار کنید از شمشیر آخرت سالم نمی مانید، شما بزرگان عرب و سرکردگان برجسته اید، از گریختن شرم کنید که در آن پیراهن عار به تن کرده و به دوزخ درمیاید.

غرج 1 ش 1307

ص: 202

امام علی علیه السلام فرمود:

أَوَّلُ مَا تُغْلَبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْجِهَادِ، الْجِهَادُ بِأَيْدِيكُمْ، ثُمَّ بِاللِّسَانِ نَبِّئِكُمْ، ثُمَّ بِقُلُوبِكُمْ؛ فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بَقَلْبِهِ مَعْرُوفاً وَ لَمْ يُنَكِرْ مُنْكَرًا قَلْبًا، فَجَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ. (1)

نخستین مرحله ای از جهاد که از شما می گیرند و در آن مغلوب می شوید جهاد با دست (جهاد عملی) است سپس جهاد با زبان و بعد جهاد با قلب. آنکس که حتی با قلبش به طرفداری معروف و مبارزه با منکر برنخیزد قلبش واژگونه میشود! بالای آن پایین و پایین آن بالا می رود (و حس تشخیص نیک و بد را از دست می دهد).

توضیح:

این کلام نورانی در واقع تکمیل بر دو گفتار حکیمانه ای است که قبلاً تحت شماره 112 و 113 آمد و ناظر به مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر است و در واقع هرکدام از زاویه ای به این مسئله مهم می نگرد.

حامی حق باش و خصم ناحقان *** با دل و با دستها و با زبان

از ستمگر قلب خود پُر کینه کن *** بهر مظلومان چنان آینه کن

گر توانی با ستمگر با زبان *** کن ستیزه پیش مردم با بیان

چون دهد حق زور باروئی چنان *** تیغ بُران کش علیه ظالمان

(مهدی)

ص: 203

درهای آسمان به روی مجاهدان باز شود.

غورج 1 ش 1300

ص: 204

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَّرِيءٌ، وَإِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِئْسَ (1)

حق، سنگین اما گواراست، و باطل، سبک است اما بلاخیز و مرگ آور.

توضیح:

این کلام را امیرمؤمنان علی علیه السلام هنگامی بیان فرمود که عثمان تمام فرمانداران خود را از نقاط مختلف کشور اسلام گردآوری کرده بود تا درباره شکایات مردم از آنها صحبت کند. از امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در این مجلس دعوت به عمل آمد حضرت خطاب به عثمان این جمله را بیان فرمود.

حق بود سنگین اما خوشگوار *** باطل است خوشروی اما مرگ بار

(مهدی)

کسی که هدفش کار باطل باشد به حق نرسد اگر چه شهرتش از خورشید بیشتر باشد.

غرج 1 ش 953

ص: 205

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَأْمَنَنَّ عَلَى خَيْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَذَابَ اللَّهِ، لِقَوْلِهِ تَعَالَى «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»؛ وَلَا تَيْئَسَنَّ لِشَرِّ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ رُوحِ اللَّهِ، لِقَوْلِهِ تَعَالَى «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ».(1)

بهترین افراد این امت را از عذاب الهی ایمن ندانید زیرا خداوند میفرماید: جز زیانکاران هیچکس در برابر مجازات الهی احساس امنیت نمیکند. (ممکن است یک روز لغزشی پیدا کند و در صف بدکاران قرار گیرد) و برای بدترین افراد این امت نباید از رحمت خدا مأیوس شوید زیرا خداوند می فرماید: از رحمت خدا جز کافران مأیوس نمیشوند.

توضیح:

«مکر» در فارسی امروز به معنای توطئه مخفیانه برای انجام کارهای خلاف است و جنبه ضد ارزش دارد در حالی که در لغت عرب به معنای هر نوع چاره اندیشی برای بازداشتن دیگری از کار یا از چیزی است خواه خوب باشد یا بد.

بنابراین هنگامی که «مکر» به خداوند نسبت داده می شود به معنای چاره اندیشی برای بازداشتن است که گاه در مورد گنهکاران به کار می رود و مفهومش همان مجازات های الهی است و گاه در مورد نیکوکاران به کار می رود که مفهومش بازداشتن از خطرهایست.

ص: 206

راضی به قضا باش که در خاطر خورشید *** چندان که نظر کار کند ناز و نعیم است

هر نقش امیدی که بدان شاد شود دل *** در پشت سراپرده زنبوری بیم است

صائب به گناه دو جهان از کرم او *** نوید نگردی که خداند کریم است

(صائب تبریزی)

بی چاره کسی که از تو برید *** آسوده تنی که با تو پیوست

(سعدی)

گفتم ای بخت بخسبیدی و خورشید دمید *** گفت با این همه از سابقه نوید مشو

(حافظ)

تا منزلش آدمی سرای دنیاست *** کارش همه جرم و کار حق لطف و عطاست

خوش باش که آن سرا چنین خواهد بود *** سالی که نکوست از بهارش پیداست

(شیخ بهائی)

کسی که ایمن گرداند ترسناکی را از آنچه می ترسد خدای سبحان او را از عقاب خود در امان دارد .

غرج 1 ش 759

ص: 207

امام علی علیه السلام فرمود:

الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ، وَهُوَ زِمَامٌ يَقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ. (1)

بخل، جامع تمام عیوب است و وسیله ای است که انسان را به هر بدی ای می کشاند.

توضیح:

دانشمندان برای «بخل» انواع و اقسامی شمرده اند. کمترین آن این است که انسان نخواهد دیگران از امکانات او استفاده کنند و بالاترین آن این است که نخواهد دیگران از اموال یکدیگر، یا از اموال خودشان بهره مند گردند، و گاه بخل به قدری شدید می شود که انسان در برابر خویشان هم بخیل می گردد و حاضر نیست خودش از امکاناتش بهره مند شود.

قرآن کریم درباره بخل می فرماید:

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا. (2)

آنها کسانی هستند که بخل می ورزند، و مردم را به بخل دعوت می کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته؛) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده ای آماده کرده ایم.

ص: 208

1- همان حکمت 378

2- سوره نسا آیه 37

بخیل آنچه را به خاطر بخل از آبروی خود خرج می کند زیادتراً است از کالا و متاعی که از روی بخل نگه می دارد، و آنچه را از دین خود تباه می کند چندین برابر آن مال و دارایی است که نزد خود حفظ می کند.

غورج 1 ش 772

ص: 209

امام علی علیه السلام فرمود:

يَا ابْنَ آدَمَ، الرَّزْقُ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ؛ فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَتِكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ، كَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ عَلَى مَا فِيهِ؛ فَإِنْ تَكُنَّ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُؤْتِيكَ فِي كُلِّ عَدِّ جَدِيدٍ مَا فَسَمَ لَكَ، وَإِنْ لَمْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ، فَمَا تَصْنَعُ بِالْهَمِّ فِيمَا لَيْسَ لَكَ؛ وَ لَنْ يَسْبِقَكَ إِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ، وَ لَنْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ، وَ لَنْ يُبْطِئَ عَنْكَ مَا قَدَّ قُدَّرَ لَكَ. 122

ای فرزند آدم! روزی دو گونه است؛ یکی آن روزی که تو به دنبالش می روی و دیگری آن روزی که به دنبال تو می آید و اگر به دنبالش نروی باز هم به سراغ تو خواهد آمد بنابراین غم و اندوه تمام سال را بر هم و غم امروزت اضافه مکن.

غم هر روز برای آن روز کافی است.

اگر در تمام سال زنده بمانی و جزء عمر تو باشد خداوند هر روز آنچه از روزی برای تو معین کرده است به تو می دهد و اگر تمام آن سال جزء عمر تو نباشد چرا غم و اندوه چیزی را بخوری که مربوط به تو نیست؟

(بدان) هیچ کس پیش از تو نمی تواند روزی تو را دریافت کند و یا آن را از دست تو بیرون ببرد و آنچه برای تو مقدر شده است بدون تأخیر به تو میرسد.

توضیح:

هدف اصلی امام علیه السلام این است که انسان ها را از حرص به

دنیا باز دارد و به گونه ای نباشند که تمام تلاش و کوشش آنها برای به دست آوردن رزق و روزی باشد و از وظائف دیگر دور بمانند و لزوم تحصیل روزی را بهانه خود برای حرص به دنیا قرار دهند.

به یقین همه روزی ها مقدر است ولی بعضی مشروط است به تلاش و کوشش مانند تولید و برخی مشروط به این شرط نیست بلکه ناخواسته می رسد مانند ارث و یا سودهایی که بدون تلاش و کوشش عاید انسان می شود.

روزی تو می رسد از خان غیب *** پس گریبان چاک کردن هست عیب

کن به تکلیف عمل بی هم و غم *** حق رساند روزی ات را بیش و کم

(مهدی)

ما قلم در سر کشیدیم اختیار خویش را *** اختیار آن است کو قسمت کند درویش را

آن که مکنت بیش از آن خواهد که قسمت کرده اند *** گو طمع کم کن که زحمت بیش باشد بیش را

(سعدی)

به راستی که خدای تعالی قرار نداده است برای بنده خود هر چند سخت باشد چاره اندیشی او و بزرگ باشد خواسته او و نیرومند باشد تدبیر بیش از آنچه برای او مقرر فرموده در ذکر حکیم و لوح محفوظ و همچنین مانع نشده میان بنده خود با وجود ناتوانی و کمی چاره اش از اینکه برسد به کمتر از آنچه مقرر شده برای او در همان ذکر حکیم و به راستی آن کس که این حقیقت را بشناسد و بدان عمل کند و از همه مردم در بردن سود راحت تر است و آن که ترک کند بدین راه در آن شک و تردید داشته باشد گرفتار شدنش در زیان از همه بزرگتر خواهد بود.

غر ج 1 ش 3578

ص: 211

امام علی علیه السلام فرمود:

رُبَّ مُسْتَقْبِلٍ يَوْمًا لَيْسَ بِمُسْتَدْبِرِهِ، وَ مَغْبُوطٍ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ قَامَتْ بَوَاكِيهِ فِي آخِرِهِ. (1)

چه بسیار کسانی که در آغاز روز زنده بودند، اما روز را به پایان نبردند. و چه بسیار کسانی که در آغاز شب زندگی شان مورد غبطه مردم بود، اما در پایان همان شب عزاداران به سوگشان نشستند!

توضیح:

هدف امام علیه السلام از این کلام حکیمانه بیان بی اعتباری دنیاست و بیدار کردن غافلان از خواب غفلت.

بسیارند کسانی که خیال می کنند اگر امروز سالم و شاداب و سرخوشاند ماه ها یا سالها این وضع ادامه پیدا می کند و یا اگر امروز در مجلس جشن و سروری حضور دارند این مجالس تا مدت ها ادامه خواهد یافت.

به شب بودی به پا قصر سرورش *** سر و کارش سحر با قبر و گورش

به وقت شام بودش تاج بر سر *** شفق چون زد کشیدش خاک در بر

(مهدی)

رساترین پندها نظر به آرامگاه مردگان و پند گرفتن به جایگاه بازگشت پدران و مادران است.

غرج 2 ش 5957

ص: 212

امام علی علیه السلام فرمود:

الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ؛ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ، صِدْرَتَ فِي وَثَاقِهِ. فَأَحْزُنْ لِسَانَكَ، كَمَا تَحْزُنُ ذَهَبَكَ وَوَرِقَكَ؛ فُرْبَ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَ جَلَبَتْ نِقْمَةً. (1)

سخن را تا نگفته ای اسیر توست اما همین که گفתי تو اسیر او خواهی بود. زبانت را همچون طلا و نقره ات حفظ کن. ای بسا گفتن یک کلمه نعمت بزرگی را از انسان سلب کرده یا بلا و مصیبتی را فراهم ساخته است.

توضیح:

چه تشبیه و تعبیر جالبی! به راستی، سخن قبل از آن که از دهان گوینده اش بیرون آید همچون اسیری در نزد اوست ولی همین که از دهان گوینده بیرون آمد نه تنها قادر بر مهار کردنش نیست بلکه در اسارت آن خواهد بود، و تمام مسئولیت هایش را باید به عهده بگیرد. پس چه بهتر که انسان کم سخن بگوید و سنجیده بگوید.

خردمند باش و بی آزار باش *** همیشه زبان را نگهدار باش

(فردوسی)

به نطق آدمی بهترست از دَوَابِ *** دَوَابِ از تو به گر نگوئی صواب

(سعدی)

نگاه دار زبان تا به دوزخ نبرد *** که از زبان بتر اندر جهان زیانی نیست

(سعدی)

ص: 213

ببر در نیام و نگهدار تیغ زبان *** مبادا به تندی به یاران رساند زیان

(مهدی)

بپرهیز از سخن گفتن درباره چیزی که راه آن را شناسی به حقیقت آن را ندانی زیرا گفتار تو راهنمای عقل تو است و سخن تو خبر می دهد از شناخت تو پس نگه دار از درازی زبان خود آنچه ایمن هستی از آن و کوتاه کن سخن خود را بدان چه آن را نیکو دانی که این کار برای تو زیباتر و بر فضیلت و برتری تو راهنماتر است.

غورج 2 ش 8392

ص: 214

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيَّ جَوَارِحَكَ كُلَّهَا فَرَانَصَ يَحْتَجُّ بِهَا عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

چیزی را که علم به آن نداری مگو، بلکه همه آنچه را که میدانی نیز مگو، زیرا خداوند بر تمام اعضای تو واجباتی قرار داده که روز قیامت از آنها بازخواست خواهد کرد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه به دو نکته مهم اشاره می فرماید: نخست این که انسان باید از گفتن چیزی که درباره آن آگاهی ندارد بپرهیزد.

زیرا در آیات متعددی در قرآن از این کار نهی شده ثانیاً از نظر عقل نیز کار قبیحی است و گاهی دروغ هم خواهد بود. دلیل کلام دوم (همه آنچه را می دانی مگو) این است که گاه افشای اسرار مؤمنین و جامعه اسلامی و گاه غیبت و عیب جوئی دیگران است و گاه سبب اهانت به دیگران.

سخن گرچه دلنبد و شیرین بود *** سزاوار تصدیق و تحسین بود

چو یک بار گفتمی مگو باز پس *** که حلوا چو یک بار خوردند بس

(سعدی)

سخن را سر است ای خردمند و بن *** میاور سخن در میان سخن

ص: 215

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش *** نگوید سخن تا نبیند خموش

(سعدی)

در بند زبانت را پیش از آنکه زندانت را طولانی کند و تو را به هلاکت اندازد زیرا چیزی برای زندانی کردن طولانی آن سزاوارتر نیست از زبانی که از راستی و درستی عدول کند و به پاسخ دادن شتاب کند.

غرج 2 ش 8385

ص: 216

امام علی علیه السلام فرمود:

احْذَرُ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ، وَيَقْدِكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ، فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ. وَإِذَا قَوَيْتَ، فَاقْوِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَإِذَا ضَعُفْتَ، فَاصْغُرْ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ. (1)

برحذر باش از این که خدا تو را نزد معصیتش حاضر ببیند و نزد طاعتش غایب، که از زیان کاران خواهی بود، و هرگاه قوی و قدرتمند میشوی قدرت بر اطاعت خداوند داشته باش و هرگاه ضعیف و ناتوان میگردی در برابر معصیت خداوند ضعیف و ناتوان باش.

توضیح:

اشاره به اینکه عالم محضر خداست و خداوند از ما به ما نزدیک تر است حتی افکار و خیالاتی را که در ذهن ما نقش می بندد می داند و می بیند، بنابراین چگونه به خود اجازه می دهیم که در صحنه های معصیت در حضور خداوند، حضور داشته باشیم و در صحنه های اطاعت که خاصان و مقربان پروردگار و مؤمنان صالح حضور دارند جای ما خالی باشد؟

مبادا به وقت اطاعت تو غایب شوی *** به هنگام جرم و معاصی تو طالب شوی

چو قدرت بیایی به تن، بر اطاعت بکوش *** شدی ناتوان ز آتشِ معصیتها مجوش

(مهدی)

ص: 217

مبادا به هشیاری و بیهشی *** کسی راز فرمان او فرمشی

(نظامی)

حکمت و فرزاندگی نیست مگر به عصمت و نگهداری از گناهان.

غورج 2 ش 6435

ص: 218

امام علی علیه السلام فرمود:

الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا تُعَايِنُ مِنْهَا جَهْلٌ؛ وَ التَّقْصِيرُ فِي حُسْنِ الْعَمَلِ إِذَا وَثِقْتَ بِالثَّوَابِ عَلَيْهِ غِبْنٌ؛ وَ الطَّمَأْنِينَةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ قَبْلَ الْإِخْتِبَارِ لَهُ عَجْزٌ. (1)

اعتماد به دنیا با وجود آنچه با چشم خود از (تحولات و دگرگونی های) آن مشاهده میکنی جهل و نادانی است و کوتاهی در حُسن عمل با وجود اطمینان به پاداش (الهی) برای آن، غبن و خسارت است و اطمینان به هرکس قبل از آزمایش و امتحان او دلیل عجز و ناتوانی است.

توضیح:

همه افراد، بدون استثنا یا در تواریخ خوانده اند و یا درباره پیشینیان شنیده اند و یا با چشم خود دیده اند که افراد قدرتمند یا ثروتمند و پرتوان ناگهان قدرت و ثروت و توان خود را از دست داده و به صورت فردی ضعیف و ناتوان در آمده اند. یک روز امیر بود و فردای آن اسیر است، یک روز جوانی نیرومند و فردا بیمار ناتوانی در بستر، یک روز ثروتمند و روز دیگر فقری نیازمند. با این تحولات سریع و دگرگونی هایی که در امور دنیا می بینیم اگر به امکانات آن اعتماد کنیم آیا نشانه جهل و نادانی نیست؟

آن عقل کل که تکیه دنیای ما بدو است ***گفت: دیوانگی است تکیه به دنیا کندکسی

(شهریار)

ص: 219

دست من گیر و از این خرقة سالوس رهان *** که در این خرقة به جز جایگه جاهل نیست

(امام خمینی)

اوقات دنیا اگرچه به درازا کشد کوتاه است و بهره مندی از آن اگرچه بسیار باشد اندک خواهد بود .

غرج 1 ش 2817

ص: 220

وَ امام علی علیه السلام فرمود:

مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا. (1)

برای پستی این دنیا (ی فریبنده پر زرق و برق) همین بس که تنها جایی است که معصیت خدا در آن می شود، و برای رسیدن به پاداش های الهی راهی جز ترك آن نیست.

توضیح:

امام علیه السلام در این گفتار نورانی به دو نکته در پستی دنیا اشاره می کند:

نخست این که جای معصیت الهی تنها اینجاست و دوم این که وسیله رسیدن به سعادت جاویدان، ترك آن است.

حضرت سجاد علیه السلام می فرماید:

ما با امام حسین (پدرم به سوی کربلا) خارج شدیم. امام هر زمان در منزلی پیاده می شد و یا از آن حرکت می کرد به یاد یحیی بن زکریا و قتل او می افتاد و روزی فرمود: در پستی دنیا همین بس که سر یحیی بن زکریا (پیامبر خدا) برای زن آلوده ای در بنی اسرائیل هدیه فرستاده شد. (2)

بدانید که امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است جایزه برندگان بهشت و سرانجام عقب ماندگان دوزخ است.

غرج 1 ش 2833

ص: 221

1- همان حکمت 385

2- بحار الانوار ج 45 ص 90

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا، نَالَهُ أَوْ بَعْضَهُ. (1)

هرکس برای رسیدن به چیزی تلاش کند یا به همه آن میرسد یا به قسمتی از آن چیز (خواهد رسید).

توضیح:

بدون شک برای رسیدن به مقصود، عوامل زیادی باید دست به دست هم بدهند، ولی در میان همه آن عوامل، نقش تلاش و کوشش از همه پررنگ تر است و تجربه نیز همین را نشان می دهد که بزرگان دنیا که به مقاصد عالی دست یافته اند بر اثر کار و کوشش و تلاش فراوان بوده و حتی مخترعان و مکتشفان که توانسته اند نیروهای مختلف جهان طبیعت را به تسخیر خود در آورند، بر فراز آسمان پرواز کنند و یا به بعضی از کرات بالا برسند، در اعماق دریاها سیر کرده و ذخایر آن را کشف نمایند، نیروی اتم را در اختیار بگیرند و از آن برای مقاصد صلح جویانه استفاده کنند، به کشفیات فراوانی در علوم مختلف دست یابند و درهای گنجینه های علوم را بگشایند، همه اینها در سایه تلاش و کوشش و استقامت و پشتکار است.

جامیا بر در طلب بنشین *** کافر این در ، تو را گشاده شود

(جامی)

مأیوس ز لطف حق نگرده بنده *** البته که جوینده بود یابنده

(مهدی)

ص: 222

مردم دنیا دو گروه طالب و جوینده هستند همه مطالب هستند و هم مطلوب که دیگری در طلب آن هاست آنکه دنیا را می طلبد مرگ نیز او را می طلبد تا او را از دنیا ببرد و آن که آخرت را می طلبد دنیا نیز او را می طلبد تا روزی او را به طور کامل به او برساند.

غورج 2 ش 5461

ص: 223

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا خَيْرٌ بِخَيْرِ بَعْدَهُ النَّارُ، وَمَا شَرٌّ بِشَرِّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ؛ وَكُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مُحْفُورٌ، وَكُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَاقِبَةٌ. (1)

آن خوبی و نعمتی که به دنبالش جهنم باشد خوبی نیست و آن بدی و مشکلی که بعد از آن بهشت باشد بدی نیست، هر نعمتی در مقایسه با بهشت، حقیر و کوچک است و هر رنج و بلائی در مقایسه با جهنم، تندرستی و عافیت محسوب میشود.

توضیح:

امیر مؤمنان علی علیه السلام این خطبه را در مدینه بعد از هفت روز از وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایراد کرد و مواظب بسیار مهمتی در آن بیان شده که اگر مردم آن را به کار می بستند وضع مسلمانان بسیار بهتر از امروز بود. بسیاری از انسانها فریب لذت های زودگذر می خورند و از عواقب خطرناک آن بی خبرند و البته عقلای از انسانها سختی های زودگذر را تحمل می کنند تا به نتایج مطلوب آن به دو دنیا و چه در آخرت دست یابند.

دلی که حور بهشتی ربود و یغما برد *** کی التفات کند بر بتان یغمائی

(سعدی)

ما را امید دیدن روی علی علیه السلام بود *** از لذت تمام جهان دل بریده ایم

(مهدی)

ص: 224

کار خیر را انجام بده و کار بد را انجام نداده زیرا بهتر از کار خیر کسی است که آن را انجام دهد و بدتر از کار بد کسی است که به انجام آن می پردازد.

غورج 1 ش 2671

ص: 225

امام علی علیه السلام فرمود:

أَلَا وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ، وَأَشَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَأَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ؛ أَلَا وَإِنَّ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ. (1)

آگاه باشید که یکی از بلاها فقر و تنگدستی است و بدتر از آن بیماری جسم است و از آن بدتر بیماری قلب (فساد اخلاق و انحراف عقیدتی) میباشد و بدانید که تقوای قلب به دلیل صحت بدن است.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار نورانی در چهار جمله به چهار نکته مهم اشاره می کند. در جمله های سه گانه نخست اشاره به سه بلا کرده که یکی از دیگری شدیدتر و رنج آورتر است و در مرحله چهارم به بیماری ای اشاره می فرماید که از همه مراحل قبلی بدتر است و آن مرض قلب است.

ز بیماری در آید کوه از پای *** چه سنجد کاه برگی بار پیمای

به رنجوری شکر شیرین نیاید *** که لب را از شکر تلخی فزاید

(عطار نیشابوری)

عاشقی پیداست از زاری دل *** نیست بیماری چو بیماری دل

(عمان سامانی)

مداوا کنید جور و ستم را به عدالت و مداوا کنید فقر و نداری را به صدقه و بخشش .

غرج 2 ش 7924

ص: 226

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ. (1)

کسی که اعمالش او را عقب براند نسبش او را پیش نخواهد برد.

توضیح:

اشاره به این که ارزش و شخصیت در انسان به صفات و فضایل شخصی اوست، علم و دانش، شجاعت و سخاوت، بزرگواری و امانت و صفات برجسته دیگر. و آنها که از این صفات بی بهره اند و تنها به مقام پدران خود افتخار می کنند در اشتباه بزرگی هستند.

در کلام دیگری می فرماید:

مَنْ فَاتَهُ حَسَبُ نَفْسِهِ، لَمْ يَنْفَعَهُ حَسَبُ آبَائِهِ. (2)

آن کس که از ارزش های وجودی بی بهره است ارزش پدران و نیاکان سودی به او نخواهد بخشید.

گیرم پدر تو بود فاضل *** از فضل پدر، تو را چه حاصل

عالم و دانشمند واقعی کسی است که کارهایش گواهی به درستی گفتارش دهد.

غرر ج 2 ش 7162

ص: 227

1- همان حکمت 389

2- همان حکمت 389

امام علی علیه السلام فرمود:

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ؛ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يَرُمُّ مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ. وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. (1)

انسان با ایمان ساعات شبانهروز خود را به سه بخش تقسیم میکند: قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش میکند و قسمت دیگری را برای ترمیم معاش و کسب و کار زندگی قرار میدهد و قسمت سوم را برای بهره گیری از لذات حلال و دلپسند می گذارد. و سزاوار نیست که انسان عاقل حرکتش جز در سه چیز باشد: مرمت معاش، گامی در راه معاد و لذت در غیر حرام.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه برنامه ای به منظور نظم زندگی پربرکت برای انسان ها، ارائه داده است. که باید اوقات هر انسانی به سه بخش تقسیم گردد. مناجات و عبادات، تأمین معاش و کسب و کار، بهره گیری از لذات حلال و دلپسند.

بخش کن روز خویش و شب را نیز *** مگذران بر فسوس عمر عزیز

(اوحدی)

عمر از کف گذشته نیاید دست *** از تلف کردنش نما پرهیز

(مهدی)

ص: 228

حسابرسی نفس خود کن برای خودت زیرا برای کسان دیگر حسابرسی جز تو خواهد بود.

غورج 2 ش 9874

ص: 229

امام علی علیه السلام فرمود:

اَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا، يُبْصِرُكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا، وَلَا تَغْفُلُ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْكَ. (1)

زهد و بی‌اعتنایی به (زرق و برق) دنیا پیشه کن تا خداوند چشم تو را برای دیدن عیوب آن بینا سازد و غافل مباش که (فرشتگان الهی و از آن بالاتر ذات پاک پروردگار) مراقب تو اند.

توضیح:

روشن است که انسان هرگاه دل بسته و عاشق چیزی باشد هرگز عیوب آن را نمی‌بیند بلکه بسیار می‌شود که عیوب را محاسن و صفات برجسته می‌شمرد.

در حدیث مشهوری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «علاقه تو به چیزی، نابینا و کورت می‌کند.»

این مسأله با تجربه های شخصی کاملاً به اثبات رسیده است که در واقع محبت افراطی و عشق به چیزی، از حجاب های معرفت محسوب می‌شود و تا این حجاب کنار نرود انسان حسنها و عیوبها را از هم تشخیص نمی‌دهد.

تو برو زاویه زهد نگهدار و مترس *** که خداوند سزا را به سزاوار دهد

(منوچهری)

شهر طابوس را آخر مگس ران می‌کنند *** چون خود آرایان تلاش جامه رنگین مکن

(صائب تبریزی)

ص: 230

هر که او نور را حصار کند *** تیر شیطان بر او چیکار کند؟

زهد چون قلعه ایست پاس تو را *** قلعه آهنین هراس تو را

هر که را زهد پرده دار شود *** محرم وحی کردگار شود

(اوحدی)

دنیا مطلقه و همسر طلاق داده زیرکان است .

غرج 1 ش 2783

ص: 231

امام علی علیه السلام فرمود:

تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. (1)

سخن بگویند تا شناخته شوید زیرا انسان در زیر زبان خود پنهان است.

1- هر کس به حساب خود برسد سود می برد.

2- و آن کس که غافل بماند زیان می بیند.

3- کسی که (از خدا) بترسد ایمن می گردد.

4- و کسی که عبرت گیرد بینا می شود.

5- و آن کس که بینا گردد (حقایق را) می فهمد.

6- و آن کس که (حقایق را) بفهمد دانا می شود.

توضیح:

در این کلام حکیمانه شش جمله وجود دارد که سه جمله از آن مستقل از یکدیگر و سه جمله مرتبط با یکدیگر است و هر کدام نکته ای را بیان می کند. در حقیقت شش چراغ راه است که انسان را به سعادت برساند.

زبان درنده ای است اگر رهایش کنی زخم می زند.

غورج 2 ش 8358

ص: 232

امام علی علیه السلام فرمود:

خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ، وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ؛ فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ، فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ. (1)

از دنیا همان قدر را بگیر که به سراغ تو می آید، و از آنچه از تو روی گردانده روی بگردان (و به دنبال آن مشتتاب) و اگر چنین نمی کنی لااقل در طلب دنیا به صورت معقول تلاش کن (و تندروی مکن).

توضیح:

اشاره به این که هر انسانی در شرایط معمولی و کسب و کار عادی، در آمدی دارد که این درآمد خواه ناخواه به سراغ او می آید. مثلاً هنگامی که زراعت می کند معمولاً این زراعت درآمدی دارد و همچنین دامداری و تجارت و صنعت. ولی بسیار می شود که اضافه بر آن به سراغ انسان نمی آید.

امام علی علیه السلام می فرماید: چه بهتر که تو هم به سراغ آن نروی و این حقیقت زهد و بی اعتنایی به دنیاست.

ز دنیا مکن بیش از حدّ طمع *** که عاقل بود در جهان «مَنْ قَنَعَ»

(مهدی)

به راستی که دنیا پرفریب و پر نیرنگ است در عین بخشندگی جلوگیری و در عین پوشانندگی برهنه کننده است فراخی زندگی اش پایدار نیست و رنج و دردش به سر آمدنی نبوده و گرفتاری و بلایش ایستادنی نیست .

غرج 1 ش 2873

ص: 233

امام علی علیه السلام فرمود:

رُبَّ قَوْلٍ أَنْفَذَ مِنْ صَوْلٍ (1)

چه بسیار سخنهایی که از حمله کردن (و اعمال قدرت) نافذتر است.

توضیح:

این کلام حکمت آمیز ممکن است هم ناظر به تأثیرات مثبت سخن باشد هم تأثیرات منفی آن، زیرا گاهی سخن به قدری نافذ و مؤثر است که ممکن است دشمن یا دشمنانی را مغلوب سازد و مردم را بر ضد آنها بشوراند و آنها را به فرار وادارد. نیز گاه ممکن است تأثیر سخن در آزدن اشخاص و ناراحت کردن آنها از حمله کردن با سلاح بیشتر باشد.

شاعر عرب می گوید:

جراحات نیزه ها ممکن است بهبود یابد ولی ای بسا که جراحات زبان هرگز بهبودی نیابد.

جِرَاحَاتُ السِّنَانِ لَهَا الْتِيَامُ *** وَلَا يَلْتَامُ مَا جَرَحَ اللِّسَانُ

يَا حَرِيصًا قَطَعَ الْإِيَامَ فِي *** بُؤْسِ عَيْشٍ وَعِنَاءٍ وَتَعَبٍ

لَيْسَ يَعْدُوكَ مِنَ الرِّزْقِ الَّذِي *** قَسَمَ اللَّهُ فَأَجْمَلُ فِي الطَّلَبِ

ای کسی که تمام روزها را در ناراحتی و رنج و تعب می گذرانی.

(بدان) آن رزقی که خدا برای تو مقرر کرده است از تو دریغ نخواهد کرد بنابراین در طلب دنیا عاقلانه عمل کن. (2)

گنگی بهتر از درماندگی در گفتار است.

غورج 2 ش 8359

ص: 234

1- همان حکمت 393

2- پیام امام ص 220 ج 15 ذیل حکمت 393

امام علی علیه السلام فرمود:

كُلُّ مُقْتَصِرٍ عَلَيْهِ، كَافٍ (1).

به هر مقدار (از دنیا) قناعت کنی همان برای تو کافی است.

توضیح:

اشاره به این که نیاز آدمی با نحوه تفکر و روحیات او متفاوت می شود. انسان قانع می تواند با زندگی ساده ای بسازد در حالی که افراد غیر قانع فکر می کنند نیاز آنها با این گونه زندگی تأمین نمی شود و باید امکانات فراوان در اختیار داشته باشند؛ منزل وسیع همچون یک قصر، وسایل گسترده و در حد آن، خادمان فراوان، مرکب های سواری، سفره های رنگین و امثال آن.

امام علی علیه السلام در کلام دیگری فرمود:

کل مازاد علی الافتصاد اسراف

آنچه ما فوق میانه روی است اسراف می باشد. (2)

و باز فرمود: کسی که مقدار کم او را قانع نسازد، با مقدار زیاد هم قانع نخواهد شد. (3)

آن شنیدستی که در اقصای غور *** بار سالاری بيفتاد از ستور

گفت چشم تنگ دنیا دوست را *** یا قناعت پر کند یا خاک گور

(سعدی)

هرگاه در طلب بی نیازی و توانگری بودی آن را با قناعت طلب کند زیرا اگر همه دنیا را هم بگیری و قانع نباشی بی نیاز نخواهی بود.

غور ج 2 ش 8287

ص: 235

1- نهج البلاغه حکمت 395

2- محاسبه نفس ص 74

3- بحار ج 75 ص 76

امام علی علیه السلام فرمود:

الْمَنِيَّةُ وَالْأَدْنِيَّةُ، وَالنَّقْلُ وَالْأَتَّسُلُ؛ وَمَنْ لَمْ يُعْطَ قَاعِدًا، لَمْ يُعْطَ قَائِمًا؛ وَالذَّهْرُ يَوْمَانِ، يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ، فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرَ، وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ. (1)

مرگ آری اما تن دادن به پستی هرگز! و قناعت به مقدار کم آری ولی دست نیاز به سوی دیگران دراز کردن، نه. آن کس که با تلاش معتدل و صحیح چیزی را به دست نیاورد با تلاش نادرست و بی رویه چیزی به دست نخواهد آورد.

توضیح:

یعنی انسان با شخصیت اگر بر سر دوراهی قرار بگیرد که یک راه به سوی مرگ و شهادت می رود و راه دیگر به سوی ذلت و پستی، هرگز دومی را بر اولی ترجیح نمی دهد؛ با قامتی رسا به سوی خدا می رود و با قامتی شکسته و پست، زیر دست افراد دون همت و پست قرار نمی گیرد.

چو روزگار نسازد ستیزه نتوان بُرد *** ضرورت است که با روزگار درسازی

(سعدی)

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت *** دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

(حافظ)

هر چه از دونان به منت خواستی *** در تن افزودی و از جان کاستی

(سعدی)

ص: 236

گردون دون اگر دوسه روزی به کام تو *** دوری زند مباحش بدان غره زینهار

(حافظ)

چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر *** که یک جو منت دونان دو صد من زر نمی ارزد

(حافظ)

گرسنگی بهتر از خواری خضوع و فروتنی در برابر مردمان است.

غرج 1 ش 3294

ص: 237

امام علی علیه السلام فرمود:

نِعْمَ الطَّيِّبُ الْمِسْكُ؛ خَفِيفٌ مَحْمَلُهُ، عَطِرٌ رِيحُهُ. (1)

مشک، عطر خوبی است حملش سبک و عطرش بسیار خوب است.

توضیح:

بوی خوش در اسلام و مخصوصاً احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی: بسیار مدح شده است و به مسلمانان دستور داده اند که از عطریات استفاده کنند و همیشه خوشبو باشند و مخصوصاً به هنگام نماز از بوی خوش استفاده نمایند.

امام سجاد علیه السلام:

ظرفی که در آن مُسک بود کنار سجاده می گذاشت و هنگام نماز خودرا معطر می فرمود. (2)

ص: 238

1- همان حکمت 397

2- کافی ج 2 ص 515

امام علی علیه السلام فرمود:

ضَعْفُ فَخْرِكَ، وَ احْطُطْ كِبْرَكَ، وَ اذْكُرْ قَبْرَكَ. (1)

فخر فروشی خود را کنار بگذار و تکبر را (از خود) فرو ریز و به یاد قبرت باش (و برای آن آماده شو).

توضیح:

ممکن است انسان امتیازاتی داشته باشد که مایه افتخار است چه از نظر علم و دانش و چه از نظر موقعیت اجتماعی و حسن ظاهر و صفات برجسته اخلاقی. اینها واقعیت است ولی آنچه نکوهیده است این است که انسان افتخارات خود را ذکر کرده و به آنها افتخار کند و خود را به این وسیله از دیگران برتر بشمارد.

از کبر مدار هیچ در دل هوسی *** کز کبر بجایی نرسیده است کسی

چون زلف بتان شکستگی عادت کن *** تا صید هزار دل کنی در نفسی

(بابا افضل)

خاکساران جهان را به حقارت بنگر *** تو چه دانی که در این گرد سواری باشد

(اوحدی)

فخر کردن در زمان توانگری تخم خواری زمان فقر نداری را می کارد.

غور ج 2 ش 7776

ص: 239

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا؛ فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ. (1)

فرزند بر پدر حقی دارد و پدر را نیز بر فرزند حقی است.

حق پدر بر فرزندان این است که در همه چیز جز در معصیت خداوند سبحان از او اطاعت کنند.

و حق فرزند بر پدر این است که نام نیک بر او بگذارد و او را به خوبی ادب آموزد (و تربیت کند) و قرآن را به او تعلیم دهد.

توضیح:

امام علیہ السلام در این گفتار حکیمانه به بخشی از حقوق پدران بر فرزندان و حقوق فرزندان بر پدران اشاره می کند. برای حق پدر بر فرزند، تنها یک مورد را بیان می فرماید و برای حق فرزند بر پدر سه مورد.

به پور خویش دین و دانش آموز *** که تابد چون مد و النجم نگیش

بدست او اگر دادی هنر را *** ید بیضا است اندر آستینش

ندارم آن مسلمان زاده را دوست *** که در دانش فزود و از ادب کاست

(اقبال لاهوری)

ص: 240

آلا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور *** پدر را از پسر آخر کجا شد مهر فرزندی

(حافظ)

از جمله عقوق (نافرمانی و آزار پدر و مادر) ضایع کردن و تباه ساختن حقوق آن هاست.

غورج 1 ش 2047

ص: 241

امام علی علیه السلام فرمود:

الْعَيْنُ حَقٌّ، وَالرَّقِي حَقٌّ، وَالسَّحْرُ حَقٌّ، وَالْفَالُ حَقٌّ، وَالطَّيْرَةُ لَيْسَتْ بِحَقٍّ، وَالْعَدْوَى لَيْسَتْ بِحَقٍّ، وَالطَّيْبُ نُشْرَةٌ، وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ، وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ، وَالنَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ نُشْرَةٌ. (1)

چشم زخم، حق است و تعویذ (دعایی که برای دفع چشم زخم است) نیز حق است و سحر حق است و فال (نیک) نیز حق است اما طیره (فال بد) حق نیست و عدوی (اثرگذاری کسی بر دیگری در امور خرافی نیز) حق نیست. بوی خوش، عسل، سوار شدن بر مرکب و نگاه کردن به سبزه، مایه قوت و نشاط است.

توضیح:

بسیاری از مردم معتقدند که چشم های برخی از افراد، دارای اثر مخصوصی است و یا به تعبیر دیگر، انرژی خاص و فوق العاده ای دارد که هرگاه از روی تعجب به چیزی بنگرند ممکن است آن را در هم بشکنند و یا تأثیر بدی در آن بگذارند. این نیروی مغناطیسی و انرژی فوق العاده و یا هرچه نام آن بگذاریم مطلب قابل انکاری نیست که در بعضی از چشمها به طور طبیعی و گاه با تمرین به وجود می آید و بسیاری نقل می کنند که با چشم خود افرادی را دیده اند که دارای چنین نیروی مرموزی بوده اند که به حیوانات یا انسان ها یا اشیا از طریق چشم زدن آسیب رسانده اند.

ص: 242

مزن فال بد کاورد حال بد *** مبادا کسی کو زند فال بد

(نظامی)

ز یک در هر دو تن گردند داخل *** که بد چشمی مباد آید مقابل

ز بد چشمان حذر باید، حذر کن *** حذر از تنگ چشمان ای پسرکن

(رفعت اصفهانی)

ص: 243

امام علی علیه السلام فرمود:

مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ، أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ. (1)

هماهنگی (معقول) با مردم در اخلاقشان سبب ایمنی از کینه توزی و دشمنی آن هاست.

توضیح:

شک نیست که هر قوم و جمعیت بلکه هر انسانی صفات و اخلاق ویژه خود را دارد و به کسانی علاقه مند است که در صفات و اخلاق با او هماهنگ باشند، به آداب و رسومش احترام بگذارند و مطابق خواسته های او عمل کنند. هماهنگی با مردم در این امور، البته در مواردی که برخلاف شرع و عقل نیست، سبب می شود که آنها انسان را از خود بدانند و با او رابطه دوستی برقرار کنند و همین امر سبب امنیت از کینه توزی و دشمنی آنها می شود.

خواهی اربا کس در آمیزی به رنگ او در آی *** بین چسان هم رنگ گل پروانه دارد بال (و پر)

(ملک الشعراء بهار)

با بد و نیک جهان در ساز تا خرم شوی *** در نگاه خار و گل گلزار می باید شدن

(لامع)

نرمخویی و مهربانی به آشتی و دوستی منتهی می شود .

غرج 1 ش 3683

ص: 244

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ مُخَاطَبِيهِ وَقَدْ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ يُسْتَصْعَرُ مِثْلُهُ عَنْ قَوْلِ مِثْلِهَا: لَقَدْ طَرِثَ شَكِيرًا وَهَدَرَتْ سَقْبًا. (1)

امام علی علیه السلام به شخصی که در حضورش سخنی بالاتر از شأن خود گفت، فرمود:

پیش از پردرآوردن پرواز کردی و هنوز بالغ نشده بانگ برآوردی.

توضیح:

از مقدمه این کلام استفاده می شود که شخصی در حضور امام علی علیه السلام سخنی بیش از حد و مقدار خود گفت (و به تعبیر رایج میان مردم: بزرگتر از دهانش حرف زد) امام علی علیه السلام برای اینکه او را بر سر جایش بنشانند و او دیگر زیاد از حد خود سخن نگوید با تعبیر بسیار زیبا و ذکر دو مثال جالب اشتباه او را به او گوشزد کرد. یکی پر در نیاورده پرواز کردن و دیگر بالغ نشده آواز سر دادن.

اندازه نگه دار که اندازه نکوست *** هم لایق دشمن است و هم لایق دوست

(مهدی)

نرمخویی و مهربانی به آشتی و دوستی منتهی می شود .

غرج 1 ش 3683

ص: 245

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتٍ، خَدَلَتْهُ الْحَيْلُ. (1)

کسی که به کارهای مختلف پردازد نقشه ها و تدبیرهایش به جایی نمیرسد.

توضیح:

افراد زیادی را در جامعه می بینیم که قانع به یک یا چند شغل نیستند و حتی گاهی شغل های متضاد و مختلف برای خود انتخاب می کنند و با این که از استعداد خوبی برخوردارند و گاه ممکن است جزء نخبه ها و نابغه ها باشند باز می بینیم به موفقیت چشمگیری نائل نمی شوند.

شیخ بهائی می گوید: « بر تمام دانشمندانی که مثل من در علوم مختلف کار کرده بودند غلبه کردم اما دانشمندی که تنها در یک علم فعالیت داشت بر من غلبه نمود.»

از این شاخه به آن شاخه پریدن *** نباشد شرط بهتر میوه چیدن

یه یک حرفه اگر مشغول باشی *** به نزد اهل فن مقبول باشی

(مهدی)

آنکس که بدون آگاهی از احکام شرعی تجارت داد و ستد کند در ربا غوطه ور شود.

غرج 1 ش 1047

ص: 246

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَدْ سُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِمْ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»: إِنَّا لَا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً، وَلَا نَمْلِكُ إِلَّا مَا مَلَكَتْنا؛ فَمَتَى مَلَكَتْنا مَا هُوَ أَمْلِكُ بِهِ مِنَّا كَلَّفْنَا، وَمَتَى أَخَذَهُ مِنَّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَلَنا. (1)

امام علی علیه السلام در پاسخ به سوالی درباره معنای «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» چنین فرمود:

ما در برابر خداوند با مالکیت او شریک نیستیم بلکه ما چیزی را مالک نیستیم جز آنچه او به ما تملیک کرده و هرگاه قدرتی یا مالی را به ما ببخشد، در حالی که او از ما به آن مال سزاوارتر است- ما را مکلف به وظایفی (درباره آن) فرموده و هرگاه آن را از ما پس گیرد تکلیفش را نیز از ما برداشته است.

توضیح:

این همان نکته باریک و دقیق و بسیار جالب «الامر بین الامرین» است. نه چنان است که ما از خود استقلال تام داشته باشیم و صاحب قدرتی در برابر خدا و مالکیتی در برابر مالکیت او گردیم و نه چنان است که در اعمال خود مطلقاً اراده و اختیاری نداشته باشیم. بلکه او به ما قدرت و قوت و اختیار داده و هماهنگ با آن تکالیفی بر عهده ما گذاشته است و تا زمانی که آن قدرت و قوت وجود دارد تکالیف هم هست هنگامی که گرفته شد تکالیف از بین می رود.

ص: 247

مؤثر در وجود آلا یکی نیست *** درین حرف شگرف اصلاً شکی نیست

ولی جز زیرکان این را ندانند *** دریغاً زیر گردون زیرکی نیست

(جامی)

در دلم بود که جان در ره جانان بدهم *** جان ز من نیست که در مقدم او جان بدهم

(امام خمینی (ره))

کسی که سربلندی و سرکشی کند بر مردم به خاطر توانایی و قدرتی که دارد قدرت و توانایی از او سلب گردد.

غورج 2 ش 8096

ص: 248

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، وَقَدْ سَمِعَهُ يُرَاجِعُ الْمُغِيرَةَ بْنَ شُعْبَةَ كَلَامًا:

دَعُهُ يَا عَمَّارُ، فَإِنَّهُ لَمْ يَأْخُذْ مِنَ الدِّينِ إِلَّا مَا قَارَبَهُ مِنَ الدُّنْيَا، وَعَلَى عَمْدٍ لَبَسَ عَلَى نَفْسِهِ، لِيَجْعَلَ الشُّبُهَاتِ عَازِرًا لِسَقَطَاتِهِ.

امام علی علیه السلام هنگامی که شنید عمار یاسر با مغیره بن شعبه (آن مرد منافق لجوج) جزّ و بحث میکند، فرمود:

ای عمار! رهایش کن، چراکه او از دین خدا آن مقدار گرفته که به دنیا نزدیکش سازد و از روی عمد حق را بر خود مشتبه ساخته تا شبهات را بهانه لغزش ها و خلاف هایش قرار دهد.

توضیح:

از مقدمه این کلام استفاده می شود که عمار یاسر، آن صحابی پاکباز و شجاع و مخلص با مغیره بن شعبه در مسائل مهم دینی گفتگو داشت و مغیره، آن مرد منافق و کوردل نمی پذیرفت. امام علی علیه السلام گفتگویی را که میان این دو نفر رد و بدل می شد شنید و چند جمله کوتاه و پرمعنا درباره مغیره بن شعبه فرمود که تمام روحيات و برنامه زندگی او در آن خلاصه شد.

امام علی علیه السلام روی دو نکته اساسی تکیه فرموده است. یکی مربوط به دنیای مغیره و دیگری مربوط به اعتقادات و آخرتش در مورد اعتقادات می فرماید: به مسائل اسلامی اعتقادی ندارد و در مورد دیگر می فرماید: عمداً حقایق را بر خورد مشتبه می سازد و این روش منافقین است.

ص: 249

بدترین دردها لاف زدن و گزافه گویی است.

غورج 1 ش 5203

ص: 250

147- تواضع ثروتمندان در برابر مستمندان، بزرگ منشی مستمندان در برابر اغنیا

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعَ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ، طَلَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ؛ وَأَحْسَنُ مِنْهُ تِيَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ، اتِّكَالًا عَلَى اللَّهِ. (1)

چه زیباست تواضع و فروتنی ثروتمندان در برابر فقرا، برای رسیدن به پاداش های الهی، و از آن بهتری اعتنایی و بزرگ منشی مستمندان است در برابر اغنیا برای توکل بر خدا.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار نورانی به دو نکته اشاره می کند که اگر در جامعه پیاده شود بسیاری از نابسامانی ها سامان می یابد. زیرا دو چیز است که باعث تباهی جامعه و شکاف وسیع طبقاتی می شود: تکبر صاحبان ثروت و خضوع ذلت بار مستمندان در برابر آنها.

در واقع این دو رذیله اخلاقی علاوه بر این که چهره جامعه انسانی را زشت و نفرت انگیز می کند سرچشمه انواع نابسامانی ها، عداوت ها و کینه ها و بی ثباتی هاست.

نظر کردن به درویشان منافی با بزرگی نیست *** سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش

(حافظ)

جان دهی گر بهر یک نان منت دونان مکش *** بی نیازی خوش نماید با وجود احتیاج

(لامع)

ص: 251

هرگاه به هدف و مقصود خود راهنمایی شدی فروتنی ات در پیشگاه پروردگار بیشتر باشد .

غرج 1 ش 2381

ص: 252

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ أَمْرًا عَقْلًا، إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهِ يَوْمًا مَا. (1)

خداوند هیچ نوع عقلی را در وجود کسی به ودیعت ننهاده جز این که روزی به وسیله آن وی را نجات خواهد داد.

توضیح:

از تعبیر امام علیه السلام استفاده می شود که عقل، شاخه های مختلفی دارد و خداوند در هر کسی شاخه یا شاخه هایی از آن را به ودیعت می نهد. تعبیر امام علیه السلام به «عقلا» به صورت نکره اشاره به همین نکته است. آری، بعضی عقل معاد دارند، بعضی عقل معاش و بعضی هر دو. عقل معاد نیز شاخه های متعددی دارد؛ کسانی از طریق ادله عقلی وارد می شوند و افرادی از طریق ادله نقلی که هرکدام نیز شاخه های متعددی دارد و در عقل معاش نیز بعضی عقل صنعت دارند، بعضی استعداد خوبی برای کشاورزی و بعضی برای امور دیگر و هرکدام از اینها نیز برای خود شاخه هایی دارد.

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد *** ستایش خرد را به از راه داد

خرد رهنمای و خرد دلگشای *** خرد دست گیرد به هر دو سرای

خرد تیره و مرد روشن روان *** نباشد همی شادمان یک زمان

کسی کو خرد را ندارد ز پیش *** دلش گردد از کرده خویش ریش

(فردوسی)

کار زشت عاقل بهتر است از کار نیک نادان.

غرج 2 ش 6596

ص: 253

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ، صَرَغَهُ. (1)

آن کس که با حق درافتد، حق او را بر زمین خواهد زد.

توضیح:

آنچه امام علی علیه السلام در این گفتار نورانی بیان فرموده همان چیزی است که بارها تجربه شده و تاریخ شواهد فراوانی برای آن دارد. زیرا حق به معنای واقعیت است و در برابر آن، باطل چیزی است که برخلاف واقع است و طرفداران آن می خواهند با زور و فشار آن را سرپا نگاه دارند و طبیعی است روزی فرا می رسد که آن زور و فشار کم می شود و بساط باطل برچیده خواهد شد.

چراغی را که ایزد برفروزد *** هر آن کس پُف زند ریشش بسوزد

(مولوی)

یاری دادن و همیاری برای اقامه حق و برپا داشتن آن ادای امانت و دین داری است.

غورج 1 ش 1935

ص: 254

امام علی علیه السلام فرمود:

الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ. (1)

قلب، کتاب چشم است. (و آنچه را انسان با چشم میبیند و می آزماید در قلبش نقش می بندد).

توضیح:

به یقین قسمت بسیار مهمی از علوم و دانش های ما از طریق چشم حاصل می شود اعم از آنچه مستقیماً با چشم می بینیم و یا آنچه در آثار گذشتگان می خوانیم. بنابراین اگر گفته شود قلب، مصحف و کتاب چشم است سخنی حکیمانه است و گویی چشم به منزله قلمی است که پیوسته در کتال قلب می نویسد و رقم می زند.

همه شب با دل دیوانه خود در حرفم *** چه کنم جز دل خود نامه بری نیست مرا

خاطر امن به ملک دو جهان می ارزد *** نیستم درهم اگر سیم و زری نیست مرا

(صائب تبریزی)

دل کتاب و دفتر فکر و اندیشه است.

غورج 2 ش 8214

ص: 255

امام علی علیه السلام فرمود:

التَّقِيُّ، رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ. (1)

پرهیزکاری، رئیس صفات پسندیده است.

توضیح:

تقوا رئیس اخلاق است زیرا این ملکه درونی، انسان را از بخل و حسد و کینه و عداوت و غیبت و ظلم و ستم و کبر و غرور و مانند آن باز می‌دارد و به همین دلیل امام آن را رئیس اخلاق شمرده است و نیز به همین دلیل آنها که از تقوای الهی بی‌بهره‌اند آلوده انواع رذایل اخلاقی می‌شوند.

تقوا پاکیزه‌ترین زراعت و کشت کاری است .

غرر ج 2 ش 10378

ص: 256

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَيَّ مَنْ أَنْطَقَكَ، وَبَلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَيَّ مَنْ سَدَّدَكَ. (1)

تندی و تیزی زبانت را بر ضد کسی که سخن گفتن را به تو آموخته به کار مگیر و (نیز) بلاغت سخنت را بر ضد کسی که سخنوری به تو آموخت صرف مکن.

توضیح:

این سخن شامل پدر و مادرها و همه استادان و معلم ها می شود؛ انسان نباید در برابر پدر و مادری که یک حرف و دو حرف بر زبانش گذاشته اند تا شیوه سخن گفتن را فرا گیرد درستی و خشونت کند. این کار گذشته از این که از نظر شرعی منفور و زشت است، از نظر وجدانی نیز کاری ناپسند و ناجوانمردانه می باشد.

مکن پیش استاد اظهار فضل *** که تو شاخه باشی و استاد اصل

به نزد سخندان سخنور مباش *** تو را سروری داد، سرور مباش

زبان بسته و گوش ها باز دار *** سزاوار بشنیدن راز دار

(مهدی)

تقوا پاکیزه ترین زراعت و کشت کاری است .

غرج 1 ش 395

ص: 257

امام علی علیه السلام فرمود:

كَفَاكَ أَدَبًا لِنَفْسِكَ، اجْتَنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ. (1)

برای اصلاح (و تربیت) خویشتن همین بس که از آنچه برای دیگران نمی پسندی اجتناب ورزی.

توضیح:

بسیاری از افراد دوست دارند واقعاً خود را اصلاح کنند ولی اصلاح خویشتن و زدودن صفات رذیله از خود، کار آسانی نیست زیرا در این جا حجابی وجود دارد که نمی گذارد انسان عیوب خود را ببیند و آن حجاب حبّ ذات است، و گاهی حتی نقاط ضعف خود را بر اثر این حجاب نقاط قوت پندارد و به جای آن که آنها را از نفس خویشتن بزداید سعی در تقویت آن کند.

ادب نیست بر دیگری تاختن *** خرابی خود، دیگری ساختن

تو اول ادب از خود آغاز کن *** سپس بر نصیحت دهان باز کن

(مهدی)

عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس *** که وعظ بی عملان واجب است نشنیدن

(حافظ)

به راستی که مردم آن به ادب شایسته نیازمند ترند از نیاز به طلا و نقره.

غورج 1 ش 400

ص: 258

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ صَبَرَ صَبَرَ الْأَحْرَارَ، وَإِلَّا سَلَ سُلُوكَ الْأَعْمَارِ. (1)

هرکس همچون آزادگان شکبیا باشد (به اجر و پاداش صابران خواهد رسید و آرامش خواهد یافت) و گرنه همچون جاهلان، خود را به غفلت میزند (و بی نصیب خواهد بود).

توضیح:

افراد عاقل و بزرگوار و با شخصیت در برابر مصائب شکیبایی پیشه می کنند، جزع و فزع به خود راه نمی دهند و می دانند زندگی دنیا به هر حال، آمیخته با درد و رنج هاست که بسیاری از آنها اجتناب ناپذیر است، و همگان گرفتار آن می شوند، خواه یک فرد ضعیف باشد یا رئیس نیرومند یک کشور و فرمانده یک لشکر.

به هنگام سختی شکبیا شدن *** به از غرق اندوه بیجا شدن

به وقت بلا صابری پیشه کن *** به پاداش رحمان اندیشه کن

(مهدی)

ایمان عبارت است از صبر در بلا و گرفتاری و شکر در وسعت و فراخی.

غرج 1 ش 4797

ص: 259

155- در مصیبت شکبیا باش و گرنه چون حیوانات غافل باش

امام علی علیه السلام فرمود:

وَفِي خَيْرٍ آخِرَ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسٍ مُعَزِّياً عَنِ ابْنِ لَهْ:

إِنْ صَبَرْتَ صَبَرَ الْأَكْرَمُ، وَإِلَّا سَلَوْتَ سَلَوَّ الْبَهَائِمِ. (1)

امام علی علیه السلام در خبر دیگری (همین مضمون را) به اشعث بن قیس به عنوان تسلیت درگذشت فرزندش فرمود:

هرگاه همچون بزرگواران صبر پیشه کنی (پیروز خواهی شد) و گرنه همچون چهارپایان، خود را به غفلت خواهی زد (و بی نصیب می مانی).

توضیح:

روشن است که منظور امام علی علیه السلام این نیست که یکی از این دو راه را انتخاب کنید بلکه منظور این است که اگر راه اول را نپذیرفتید به راه دوم خواهید افتاد، که رهبر شما در این راه، شیطان و هوای نفس است.

البته بعضی از جاهلان راه سومی انتخاب می کنند؛ آنقدر جزع و فزع و بی تابی می کنند و سخنان ناموزون می گویند تا خسته شوند و با گذشت زمان به تدریج فشار مصیبت کاسته شود؛ این راه نیز راه عاقلان و افراد با ایمان نیست.

به وقت مصیبت صبوری کنی *** از آن به که کار ستوری کنی

(مهدی)

به گرداب غم کوشش آغاز کن *** چو مرغان پروبال خود باز کن

(مهدی)

ص: 260

صبر، ساز و برگ مهیا شده ای برای رویرو شدن با بلا و گرفتاری است.

غورج 1 ش 4782

ص: 261

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صِفَةِ الدُّنْيَا:

تَغْرُورٌ وَتَضَرُّرٌ وَتَمَرُّ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَ بِهَا ثَوَابًا لِأَوْلِيَائِهِ، وَلَا عِقَابًا لِأَعْدَائِهِ؛ وَإِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ، بَيْنَمَا هُمْ حَلُّوا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ، فَازَتْحَلُّوا. (1)

امام علی علیه السلام در وصف دنیا فرمود:

می فریبد و زیان می رساند و می گذرد. خداوند به (بخشیدن) آن به عنوان پاداش برای دوستانش، رضایت نداده و (گرفتن) آن را به عنوان کیفر دشمنانش نپذیرفته است. اهل دنیا همچون کاروانی هستند که هنوز رحل اقامت نیفکنده اند که قافله سالار فریاد میزند (کوچ کنید): و آنها کوچ میکنند.

توضیح:

فریبندگی دنیا از طریق ظواهر پر زرق و برق آن است؛ اموال و ثروتها، کاخ ها و زینت ها، مقام ها قدرت ها؛ همه از مظاهر فریبنده دنیاست که گروه زیادی را به سوی خود جلب کرده و می کند. و زیان رساندن دنیا از طریق ناکامی ها، درد و رنج ها، شکست ها و مصیبت هاست. هنوز انسان دوران جوانی را طی نکرده برف پیری بر سر و روی او می نشیند و هنوز از قدرتش استفاده نکرده، دیگران آن را از چنگ او در می آورند. هنوز از سلامتی اش بهره مند نشده امواج بیماری و درد و رنج او را احاطه می کند.

ص: 262

عمری گذشت در غم هجران روی دوست *** مرغم، درون آتش و ماهی، برون آب

حالی نشد نصیبم از این رنج و زندگی *** پیری رسید غرق بطالت پس از شباب

از درس و بحثِ مدرسه ام حاصلی نشد *** کی می توان رسید به دریا از این سراب

هر چه فرا گرفتم و هر چه ورق زدم *** چیزی نبود غیر حجابی پس از حجاب

(امام خمینی (ره))

دنیا گمراه می کند.

غرج 1 ش 2771

ص: 263

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ (عليهما السلام):

لَا تُخَلِّفَنَّ وِرَاءَكَ شَيْئاً مِنَ الدُّنْيَا، فَإِنَّكَ تَخَلِّفُهُ لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ:

إِمَّا رَجُلٌ عَمِلَ فِيهِ بَطَاطَةَ اللَّهِ، فَسَعِدَ بِمَا شَقَّيْتَ بِهِ؛

وَأَمَّا رَجُلٌ عَمِلَ فِيهِ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَشَقَّيَ بِمَا جَمَعْتَ لَهُ، فَكُنْتَ عَوْناً لَهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ؛

وَلَيْسَ أَحَدٌ هَذَا بِنِ حَقِيقاً أَنْ تُؤَثِّرَهُ عَلَى نَفْسِكَ. (1)

امام علیہ السلام به فرزندش امام حسن علیہ السلام فرمود:

چیزی از مال و ثروت دنیا را بعد از خود باقی نگذار زیرا آنچه باقی می‌گذاری برای یکی از دو کس خواهد بود:

یا کسی که آن را در راه اطاعت خداوند مصرف می‌کند که در این صورت او به چیزی سعادتمند شده که تو به سبب آن محروم شده‌ای.

یا برای کسی می‌گذاری که آن را در راه معصیت خداوند به کار می‌گیرد در نتیجه تو به سبب چیزی که برای او اندوخته‌ای شقاوتمند، و محروم از سعادت می‌شوی و در واقع او را در گناهش یاری کرده‌ای.

و سزاوار نیست هیچ‌یک از این دو کس را بر خویشتن مقدم داری.

توضیح:

مخاطب امام علیہ السلام حریصانی هستند که به نام تأمین آینده فرزندان به هر دری می‌زنند و حلال و حرام را به هم می‌آمیزند و خود را به زحمت و درد و رنج فراوان و مسئولیت‌های سنگین گرفتار می‌کنند. امام علیہ السلام به این

ص: 264

گونه افراد می فرماید: برای چه کسی این اموال را ذخیره می کنید؟ برای افراد صالح که از آن در راه اطاعت خداوند بهره می گیرند؟ در این صورت آنها خوشبخت می شوند و شما محروم و زیان کار؛ در حالی که زحمت جمع کردن مال را شما کشیده اند.

و اگر این اموال به دست افراد ناصالح و فاسد بیفتند و از آن در مسیر معصیت پروردگار کمک بگیرند سرنوشت بدتری خواهید داشت زیرا علاوه بر این که از برکات مال خود محروم شده اید، اعانت به خطا و کمک به گناه کرده اید.

از بعد خودت بگو اگر که مالی داری *** اندیشهٔ اولاد و عیالی داری

آنها ببرند ارث خوشبخت شوند *** لیکن تو از آن ورز و وبالی داری

(مهدی)

دنیا جابجا شونده و نابود شدنی است که اگر فرضاً برای تو پایدار بماند تو برای آن پایدار نخواهی ماند .

غرج 1 ش 2085

ص: 265

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَائِلٍ قَالَ بِحَضْرَتِهِ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»:

ثِكْلَتِكَ أُمَّكَ، أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ؟

الْإِسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ وَهُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتَّةٍ مَعَانٍ:

1- أَوْلَاهَا النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى،

2- وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعَوْدِ إِلَيْهِ أَبَدًا،

3- وَ الثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمْلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ،

4- وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْمَدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَعْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا،

5- وَ الْخَامِسُ أَنْ تَعْمَدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتُذَيِّبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ،

6- وَ السَّادِسُ أَنْ تُذَيِّقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ؛ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (1)

امام علی علیه السلام به شخصی که در حضور او (از روی غفلت و بی خبری) استغفرالله گفت، فرمود:

مادرت به عزایت بنشیند آیا می دانی استغفار چیست؟ استغفار مقام بلندمرتبه گان است و واژه ای است که بر شش معنا اطلاق میشود (مراحل شش گانه ای دارد):

1- نخست پشیمانی از اعمال گذشته،

2- دوم تصمیم بر ترك همیشگی آنها در آینده.

3- سوم این است که حقوقی را که از مردم ضایع کرده

ص: 266

ای به آن‌ها بازگردانی تا به هنگام ملاقات پروردگار (به هنگام مرگ یا محشور شدن در قیامت) حق کسی بر تو نباشد.

4- و چهارم این که هر واجبی که از توفوت شده است حق آن را ادا کنی (و قضای آن را به جای آوری).

5- پنجم، گوشت‌هایی را که بر اثر حرام بر اندامت روییده با اندوه بر گناه آب کنی تا چیزی از آن باقی نماند و پوست به استخوانت بچسبد و گوشت تازه در میان آنها بروید.

6- و ششم آن که به همان اندازه که لذت و شیرینی گناه را به جسمت چشاندی زحمت و مرارت طاعت را نیز به آن بچشانی. پس از انجام این مراحل می‌گویی: استغفر الله.

توضیح:

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام در حکمت مورد بحث شرایط توبه کامل و جامع را در عباراتی کوتاه و بسیار پر معنا بیان فرموده که چیزی فراتر از آن در امر توبه وجود ندارد.

چنین توبه ای است که انسان را از هرگونه گناه و از تمام آثار وضعی و تکوینی آن پاک و پاکیزه می‌کند و از نفوذ گناه در اعماق وجود انسان جلوگیری می‌نماید. البته گناه آلودگی انسان به اندازه ای است که تصمیم به توبه گرفتن کار آسانی نیست؛ زندگی او آلوده به انواع اموال حرام شده، شغل او و فکر او آلوده به گناه است. در این گونه موارد تصمیم شجاعانه ای لازم است که توأم با امدادهای الهی شود و انسان را از منجلاب گناه بیرون آورد.

اگر به راستی مردم در وقتی که نافرمانی خدا کنند بازگردند و استغفار کنند، عذاب نشوند و نابود نگردند.

غرج 2 ش 7605

ص: 267

امام علی علیه السلام فرمود:

الْحِلْمُ عَشِيرَةٌ (1)

حلم همچون يك قوم و قبیله است (در یاری کردن انسان در مقابل سفیهان).

توضیح:

حقیقت حلم همان بردباری در برابر اهانت ها و سخنان درشت و سخیف و بی ادبانه افراد نادان است و همیشه در جوامع انسانی چنین افرادی بوده و هستند که گاهی از سر حسادت و یا نادانی، افراد با شخصیت را مورد اهانت قرار داده و می دهند.

امام علیه السلام می فرماید: هرگاه افراد با شخصیت در مقابل نادانی که ناسزا می گوید و اهانت می کند، سکوت نمایند و بردبار باشند، مردم به یاری آنها بر می خیزند و شخص نادان و بی ادب را سرجایش می نشانند، و چه بهتر که دشمن انسان به دست دیگران تنبیه شود.

معنای دیگر این است که؛ همان گونه که فرد هتاک از قبیله ای می ترسد و فرار می کند، در مقابل تَحَلُّم و صبوری شخص مورد اهانت هم عقب نشینی می کند و پیروزی از آن مرد با شخصیت می شود.

شجاع ترین مردم کسی است که با کمک حلم و بردباری بر جهل و نادانی غالب و پیروز آید.

غرج 2 ش 2111

ص: 268

امام علی علیه السلام فرمود:

مِسْكِينُ ابْنِ آدَمَ؛ مَكْتُومُ الْأَجَلِ، مَكْنُونُ الْعِلَلِ، مَحْفُوظُ الْعَمَلِ؛ تُؤْلِمُهُ الْبَقَّةُ، وَ تَقْتُلُهُ الشَّرْقَةُ، وَ تُنْتِنُهُ الْعَرَقَةُ. (1)

بیچاره فرزند آدم، سرآمد زندگیش نامعلوم، عوامل بیماریاش ناپیدا و (تمام) اعمالش در جایی محفوظ است. پشه او را آزار می‌دهد و گلوگیر شدن (آب یا غذا) موجب مرگ او میشود و عرق، او را متعفن و بدبو می‌سازد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه پرده از روی ضعف انسان برداشته و غرور و غفلت او را در هم می‌شکند و نشان می‌دهد که در برابر تمام نقطه‌های قوت و توانایی که انسان دارد نقاط ضعف عجیبی را نیز داراست و در مجموع به شش نقطه از این نقاط ضعف اشاره می‌فرماید، سه قسمت از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و سه قسمت از بیرون.

بیچاره آدمی که نداند سرآمدش *** یا کی مرض به خانه و کاشانه آیدش

ثبت است جمله خوب و بدکارهای او *** تا روز حشر جمله خدا پیش آردش

(مهدی)

در سختیها بسیار شکيبا باش و در پیشامدهای ناگوار که مردم را بلرزاند پروقار و پابرجا.

غرج 1 ش 4318

ص: 269

امام علی علیه السلام فرمود:

وَرُوي أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ جَالِسًا فِي أَصْحَابِهِ، فَمَرَّتْ بِهِمْ امْرَأَةٌ جَمِيلَةٌ فَرَمَقَهَا الْقَوْمُ بِأَبْصَارِهِمْ،

فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ الْفُحُولِ طَوَامِحٌ، وَإِنَّ ذَلِكَ سَبَبٌ هَبَابِهَا؛ فَإِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى امْرَأَةٍ تُعْجِبُهُ، فَلْيُلَامِسْ أَهْلَهُ، فَإِنَّهَا هِيَ امْرَأَةٌ كَامِرَاتِهِ.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْخَوَارِجِ: قَاتَلَهُ اللَّهُ كَافِرًا، مَا أَفْقَهُهُ! فَوَثَبَ الْقَوْمُ لِيَقْتُلُوهُ،

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

رُويْدًا، إِنَّمَا هُوَ سَبٌّ بِسَبِّ، أَوْ عَفْوٌ عَنْ ذَنْبٍ. (1)

روایت شده است که آن حضرت در میان اصحابش نشسته بود. زن زیبایی (که تمام چهره اش را نپوشانده بود) از آن جا عبور کرد و چشم حاضران را به خود جلب نمود.

امام علی علیه السلام فرمود:

چشمان این مردان، طغیانگر است و آنچه نظرشان بر آن افتاد مایه تحریک و هیجان آن هاست. هرگاه یکی از شما نظرش به زنی افتاد که زیبا و صاحب جمال بود، برود و با همسر خود آمیزش کند زیرا او هم زنی است مانند همسرش!

در این هنگام مردی از خوارج گفت: خداوند این کافر را بکشد چقدر دانا و فقیه است!! هنگامی که حاضران این سخن را شنیدند از جای پریدند تا او را به قتل برسانند،

ولی امام علی علیه السلام فرمود:

آرام باشید جواب دشنام، بدگویی است و یا گذشت از گناه (نه کشتن مرد بدزبان).

ص: 270

توضیح:

این گفتار حکیمانه زمانی از امام علیه السلام صادر شد که روایت شده است آن حضرت در میان اصحابش نشسته بود. زن زیبایی (که تمام چهره اش را نپوشانده بود) از آن جا عبور کرد و چشم حاضران را به خود جلب نمود.

در این جا امام علیه السلام تصریح می کند که افتادن چشم اصحاب بر چنین زنی خواه ناخواه سبب تحریک آنها می شود. سپس به عنوان یک حکیم آگاه و مهربان راه حل مشکل را به آنها نشان می دهد.

ز دست و دیده و دل هر دو فریاد *** که هرچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد *** زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

(باباطاهر)

تورا شهوت درون دل عجب نیست *** نمایان کردن آن ، از ادب نیست

به شب خاموش کن این آتش روز *** که وقتی بهتر از هنگام شب نیست

(مهدی)

دشنام ندهند دو نفر به یکدیگر جز آن که هر کدام پست تر است بر آن دیگری چیره شود.

غرج 1 ش 3914

ص: 271

امام علی علیه السلام فرمود:

كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ، مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ غَيِّكَ مِنْ رُشْدِكَ. (1)

این مقدار از عقل تو برای تو کافی است که راه های گمراهی را از راه سعادت برای تو واضح و روشن سازد.

توضیح:

می دانیم عقل شاخه های متعدد و آثار فراوانی دارد و حتی گاهی شیطنت با عقل اشتباه می شود. امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه نشانه عقلی را که مایه نجات انسان است را به روشنی بیان می کند.

در آدم شد از عقل تمییز *** که تا دانست از آن اصل همه چیز

(شیخ محمود شبستری)

نهایت عقل و خرد آن است که اعتراف به نادانی خود کند یعنی آنچه را نداند اعتراف کند که نمی داند.

غرج 2 ش 6595

ص: 272

امام علی علیه السلام فرمود:

أَفْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئًا، فَإِنَّ صَدَّ غَيْرَهُ كَبِيرٌ وَقَلِيلُهُ كَثِيرٌ. وَلَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ إِنَّ أَحَدًا أَوْلَىٰ بِفِعْلِ الْخَيْرِ مِنِّي، فَيَكُونَ وَاللَّهِ كَذَلِكَ؛ إِنَّ لِلْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَهْلًا، فَمَهْمَا تَرَكَتُمُوهُ مِنْهُمَا، كَفَاكُمُوهُ أَهْلُهُ. (1)

کار نیک انجام دهید و هیچ مقدار از آن را کم مشمارید چرا که کوچک آن بزرگ و کمش بسیار است. هیچ یک از شما نگوید: فلان کس در انجام (این) کار خیر از من سزاوارتر است که به خدا سوگند چنین خواهد شد. هر کدام از خیر و شر را اهلی است که اگر شما آن را رها کنید دیگران به جای شما انجام می دهند.

توضیح:

بسیارند اشخاصی که وقتی به کارهای نیک کوچک برخورد می کنند بی اعتنا از کنار آن می گذرند در حالی که گاهی همین کارهای کوچک، سرنوشت ساز است؛ ممکن است جرعه آبی تشنه ای را از مرگ نجات دهد یا مقدار کمی دوا مایه نجات انسانی از مرگ شود. اضافه بر این اگر همه مردم حتی به کارهای نیک کوچک اهمیت دهند، قطره قطره جمع می شود و تبدیل به دریایی از خیر و خیرات می گردد.

از این گذشته هرگاه کار خیر به نیت اطاعت فرمان خدا انجام گیرد بزرگ خواهد بود همان گونه که گناه، هر قدر کوچک باشد به دلیل جایگاه عظیم پروردگار بزرگ خواهد بود.

ص: 273

اضافه بر این، رفتن به سوی کارهای خیر کوچک انسان را به تدریج آماده برای خیرات بزرگ می کند و این خود نکته مهمی است.

کار نیک آسان تر است از کار بد.

غرج 1 ش 2666

ص: 274

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَصْلَحَ سِرِّيرَتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عَالَمَ نَبْتِهِ؛ وَمَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ، كَفَّاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ؛ وَمَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ. (1)

آن کس که درون و باطن خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح مینماید و هرکس برای دین خود کار کند خداوند کار دنیايش را سامان می بخشد و آن کس که رابطه میان خود و خدایش را اصلاح کند خداوند رابطه میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد.

توضیح:

مردم معمولاً خواهان سه چیزند: آراستگی ظاهر، تأمین امر معاش و حسن رابطه با سایر مردم. امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه و نورانی طرق معنوی رسیدن به این خواسته های سه گانه را در سه جمله کوتاه و پرمعنی بیان فرموده است.

صلاح ظاهر مردمان نشانه و نمودار درستی درون های آن هاست.

غرج 2 ش 5936

ص: 275

امام علی علیه السلام فرمود:

الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ؛ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ. (1)

حلم پرده ای است ساتر و عقل شمشیری است برنده، بنابراین، عیوب اخلاقی خود را با حلمت بیوشان و با هوی و هوس های سرکش با شمشیر عقل مبارزه کن.

توضیح:

انسان برای حفظ خود در برابر خطرات مادی و معنوی احتیاج به دو چیز دارد: یکی وسیله ای که خود را در برابر خطرات بیوشاند مانند زره و دژهایی که در سابق وجود داشت و وسایل نقلیه محکمی که امروز در جنگ ها در آن خود را حفظ می کنند و دیگری سلاحی که به وسیله آن با دشمن مبارزه کند و او را از خود دورسازد.

این زمین از حلم حق دارد اثر *** تا نجاست بُرد و گل ها داد بر

تا بپوشد آن پلیدی های ما *** در عوض بر روید از وی غنچه ها

حلم حق، گرچه مواساها کند *** چون که از حد بگذرد رسوا کند

(مولوی)

از جهالت تو را رهاند عقل *** به حقیقت تو را رساند عقل

ص: 276

که خدای تن بشر عقل است *** از همه حال باخبر عقل است

عقل هم قادر است و هم مقدر *** عقل هم آمر است و هم مأمور

(سنائی غزنوی)

شخص معیوب و کسی که نقصی در اخلاق او است عیبش از او پوشیده است.

غرج 2 ش 7389

ص: 277

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ، فَيَقْرُبُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا؛ فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ، ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ. (1)

خداوند بندگانی دارد که نعمت های خاصی را به آنان بخشیده تا بندگان دیگر از آن بهره گیرند، به همین دلیل مادامی که از این نعمت ها به دیگران می بخشند خدا آن را در دستشان نگه می دارد اما هنگامی که آن نعمت ها را از دیگران دریغ داشتند از آن ها می گیرد و آن را به گروهی دیگر می دهد (که این شکرانه را انجام می دهند).

توضیح:

در بین مردم بندگان ضعیفی پیدا می شوند که توانایی مدیریت اموال خود را ندارند خداوند این مدیریت را به افرادی می سپارد که توان آن را دارند و در واقع سهم بندگان ضعیف را در اختیار بندگان قوی قرار می دهد تا آن را مدیریت کنند و به هنگام نیاز به آنها بپردازند.

برترین فضیلتها بذل عطاها و کمک کردن به حاجت خواهان و میانه روی در کارها است.

غرر ج 1 ش 855

ص: 278

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَتَّقَ بِحَصَلَتَيْنِ: الْعَافِيَةَ وَالْغِنَى؛ بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافًى إِذْ سَقِمَ، وَبَيْنَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذْ افْتَقَرَ.

سزاوار نیست انسان به دو چیز اطمینان پیدا کند: سلامتی و ثروت. چراکه در همان حال که انسانی را تندرست میبینی ناگهان بیمار میشود و در همان حال که او را ثروتمند مشاهده میکنی ناگهان فقیر و مستمند میگردد.

توضیح:

آنچه را امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه بیان فرموده همه یا غالب ما در طول عمر خود نمونه های متعددی از آن را دیده ایم؛ افرادی سالم، قوی پیکر و قهرمان را مشاهده کرده ایم که ناگهان به ما اطلاع دادند بیمار شده در بستر بیماری افتاده و قادر به حرکت نیست.

مال و ثروت پادشاه و فرمانروای فاجران و تبهکاران است.

غرر ج 2 ش 9433

ص: 279

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ شَكَاهُ الْحَاجَّةَ إِلَى مُؤْمِنٍ، فَكَأَنَّهُ شَكَاهَا إِلَى اللَّهِ، وَمَنْ شَكَاهَا إِلَى كَافِرٍ، فَكَأَنَّمَا شَكَاهَا إِلَى اللَّهِ. (1)

کسی که مشکل و نیاز خود را نزد مؤمنی بازگو کند گویا نزد خدا بازگو کرده و کسی که آن را نزد کافری بازگو کند گویی از خدا شکایت کرده است.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه در واقع به مؤمنان توصیه می کند که مشکلات و گرفتاری های خود را تنها با برادران مؤمن خود در میان نهند نه با دشمنان و کافران. روشن است کسی که نزد برادر ایمانی خود برود و از گرفتاری ها و مشکلات خویش سخن می گوید هرگز تعبیراتی را که دلیل پرخاشگری و ناسپاسی باشد به کار نمی برد بلکه هدفش این است که با طرح مشکل خود از آن برادر کمک بطلبد و پناه بردن برادران ایمان به یکدیگر در مشکلات، کار خلافی نیست بلکه مفهوم تعاون و همکاری همین است که هر کس در مشکلات به یاری دیگری برخیزد. امروز این برادر از آن برادر کمک می طلبد، فردا به عکس.

اعتماد مکن به دوست پیش از آزمایش.

غور ج 2 ش 9106

ص: 280

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ الْأَعْيَادِ: إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَشَكَرَ قِيَامَهُ؛ وَكُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ. (1)

امام علی علیه السلام در یکی از اعیاد (عید فطر) فرمود: امروز تنها برای کسانی روز عید است که روزه آنها مقبول درگاه پروردگار و عبادت های شبانه آنان مورد پذیرش او قرار گرفته است و (بنابراین) هر روزی که در آن عصیان خداوند نشود آن روز، عید است.

توضیح:

حقیقت این است که همه مردم جهان برای خود روزهای شادی خاصی دارند که آن را عید می نامند. این روزها یا مانند عید نوروز است که تحوّل جالبی در جهان طبیعت رخ می دهد؛ گیاهان می خندند، درختان شکوفه می کنند و حیات و زندگی در طبیعت تجدید می شود یا این که در آن روز، فتح مهمی در تاریخ مردم یک منطقه واقع شده و یا تحوّل اجتماعی و علمی صورت گرفته که یاد و خاطره آن را زنده می دارند و عید می شمرند. جالب اینکه در اسلام، اعیاد به دنبال اطاعت اوامر مهم الهی قرار دارد.

یا رب مددی که ما تباهی نکنیم *** در عید سعید اشتباهی نکنیم

فرمود علی (علیه السلام) همیشه عید است اگر *** در محضر حق جرم و گناهی نکنیم

(مهدی)

ص: 281

عید است اگر دلی زما شاد شود *** مرغی ز قفس رها و آزاد شود

شادی نبود اگر که همسایه و دوست *** از دست و زبان دوست ناشاد شود

(مهدی)

ص: 282

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ، وَدَخَلَ الْأَوَّلُ بِهِ النَّارَ. (1)

بزرگترین حسرت ها در قیامت حسرت کسی است که ثروتی را از راه حرام به دست آورده و کسی آن را از او به ارث برده که در راه خداوند سبحان انفاق نموده است و خداوند به سبب این مال او را داخل بهشت میکند و شخص اول را به سبب همان مال، وارد جهنم می گرداند.

توضیح:

گاه می شود که انسان مالی به دست می آورد ولی نمی تواند از آن استفاده کند و از دست می رود. چنین کسی واقعاً گرفتار حسرت می شود که چرا از این مال برای دنیا و آخرت استفاده نکردم ولی از آن فراتر حسرت کسی است که مال حلالی را به دست آورده ولی خودش از آن به نفع آخرتش بهره نگرفته و وارثان از آن بهره گرفته اند و در قیامت می بیند آنها با اموالی که او با تلاش و زحمت به دست آورده بود به جایی رسیده اند و خودش محروم مانده است.

ص: 283

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَحْسَرَ النَّاسِ صَفْقَةً وَأَخْيَبَهُمْ سَعِيًّا، رَجُلٌ أَخْلَقَ بَدَنَهُ فِي طَلَبِ مَالِهِ، وَلَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِزَادَتِهِ؛ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَتِهِ، وَقَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَتِهِ. (1)

زیانکارترین مردم در داد و ستد و ناامیدترین آن‌ها در تلاش و سعی، کسی است که بدن خود را برای رسیدن به آرزوهای درازش فرسوده کرده ولی مقدرات، او را برای رسیدن به خواسته‌هایش یاری ننموده است؛ با حسرت از دنیا بیرون رفته و با گناهانش در سرای آخرت گام نهاده است.

توضیح:

حاصل کلام امام علی علیه السلام این است که گروهی از انسانها را به معامله گرانی تشبیه می‌کند که در این دنیا تمام نیروهای خود را برای رسیدن به آمال و آرزوها به کار می‌گیرند و در عین حال، مقدرات به آنها اجازه رسیدن به مقصود را نمی‌دهد و هنگامی که از دنیا خارج می‌شوند چیزی نیندوخته‌اند در حالی که تمام نیروهای خود را از دست داده‌اند و با دست خالی و کوشش‌های بیهوده وارد عرضه محشر می‌شوند؛ کفه حسنات آنها بسیار سبک و کفه سیئاتشان سنگین است. چرا که برای رسیدن به آمال و آرزوها علاوه بر هدر دادن نیروهای خدادادی، سیئاتی در نامه اعمال خود ثبت کرده و بار سنگینی بر دوش خود نهاده‌اند.

ص: 284

اگر تنها نیروهای خود را از دست داده بودند و گناهی مرتکب نمی شدند حسرت آنها کمتر بود اما شدیدترین حسرت ها به فرموده امام علیه السلام حسرت گروهی است که زبان حالشان این است:

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم *** از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم

سرمایه ز کف رفت و تجارت نمودیم *** جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم

(میرزای نوغانی خراسانی)

تا به کی این سان نَفَس در جمع سیم و زر ز نیم *** یک نَفَس بنشین که حرف دل به یکدیگر ز نیم

(مهدی)

نیک دانی نیست سیم و زر متاع آخرت *** سعی باید کرد تا بار سفر کمتر کنیم

(مهدی)

بیشتر جان کن و ز جمع کن و خوش دل باش *** که همه سیم و زر و مال تو مار سَقَر است

(مولوی)

دنیا به تصادف و اتفاق داده شده ولی آخرت از روی استحقاق و شایستگی است.

غرج 1 ش 2775

ص: 285

امام علی علیه السلام فرمود:

الرِّزْقُ رِزْقَانِ، طَالِبٌ وَ مَطْلُوبٌ؛ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا، طَلَبَهُ الْمَوْتُ، حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا؛ وَ مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ، طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا، حَتَّى يَسَّ تَوْفِي رِزْقَهُ مِنْهَا. (1)

روزی بر دو گونه است: یکی آن که به دنبال انسان می آید و دیگر آن که انسان به دنبال آن می رود. کسی که دنیا را بطلبد، مرگ، او را می طلبد تا او را از دنیا خارج کند (و به تمام خواسته هایش نخواهد رسید) و کسی که طالب آخرت باشد دنیا در طلب او برمی آید تا وی روزی اش را به طور کامل از دنیا برگیرد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه برای این که دنیا پرستان را از راهی که می روند باز دارد و طالبان آخرت را در مسیری که دارند تشویق کند این حکمت را می فرماید.

تجربه های ما نیز در زندگی به ما نشان داده است که گاه روزی های فراوانی بی آن که انسان به دنبال آن برود و یا تلاش زیادی داشته باشد به او می رسد و گاه به عکس، تمام تلاش خود را برای رسیدن به اموال و ثروت هایی به کار می گیرد و گاه بخش مهمی از عمر خودش را در این راه صرف می کند ولی هرگز به آن نمی رسد و ناکام از دنیا می رود.

گفت رو امر ما به جای آور *** هیچ اندوه رزق خویش، مخور

تو جناب مرا ملازم شو *** روزیت بر من است هرزه مرو

ص: 286

هر که تقوا گزید در ره دوست *** حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ خَزِينَهُ اوست

(شیخ محمود شبستری)

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن *** که دوست خود روش بنده پروری داند

(حافظ)

أَدْخُلُوا لَا بِيَاتٍ مِنْ ابْوَابِهَا *** وَاطْلُبُوا الْأَرْزَاقَ مِنْ أَسْبَابِهَا

(مولوی)

هنگامی که خدا به تو روزی داد تو هم (به نان خواران و دیگران) توسعه بده .

غرج 1 ش 3579

ص: 287

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا، وَاسْتَعْلَمُوا بِأَجْلِهَا إِذَا اسْتَعْلَمَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا؛ فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ يُمِيتَهُمْ، وَتَرَكَوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَتْرُكُهُمْ؛ وَرَأَوْا اسْتِكْتَارَ غَيْرِهِمْ مِنْهَا اسْتِغْلَالًا، وَدَرَكَهُمْ لَهَا فُوتًا؛ أَعْدَاءُ مَا سَأَلَ النَّاسُ، وَسَلَّمَ مَا عَادَى النَّاسُ؛ بِهِمْ عُلِمَ الْكِتَابُ وَبِهِ عَلِمُوا، وَبِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَبِهِ قَامُوا؛ لَا يَرُونَ مَرْجُوًّا فَوْقَ مَا يَرْجُونَ، وَلَا مَخُوفًا فَوْقَ مَا يَخَافُونَ. (1)

اولیاء الله (دوستان واقعی خدا) کسانی هستند که به باطن دنیا می نگرند آنگاه که مردم (دنیاپرست) به ظاهر آن نگاه می کنند، آنها به آینده آن مشغولاند در حالی که دنیاپرستان به امروز آن سرگرم اند، و اموری را که بیم دارند سرانجام قاتلشان خواهد شد از میان می برند، آنچه را که می دانند سرانجام آنها را ترك می گوید، رها می سازند، و آنچه را دیگران از دنیا بسیار می شمارند اولیاء الله کم می شمردند و رسیدن به آن را از دست دادن آن محسوب میکنند، آنان با آنچه دنیاپرستان با آن در صلح اند دشمن اند و با آنچه دنیاپرستان با آن دشمن اند در صلح اند، کتاب خدا (قرآن مجید) به وسیله آن ها فهمیده میشود و آن ها نیز به وسیله قرآن حقایق را درک میکنند، قرآن به وسیله آن ها برپاست همان گونه که آنها به وسیله قرآن برپا هستند، برتر از آنچه به آن

ص: 288

امید دارند و دل بسته اند امیدوار کننده ای نمی بینند و برتر از آنچه از آن می ترسند مایه ترس سراغ ندارند.

توضیح:

امام علیه السلام در این گفتار بسیار پر معنا و حکیمانه، دوستان خاص خدا را با اوصاف دوازده گانه ای معرفی می کند.

فروغ مهر در پیشانی دیوار می بینم *** صفای طلعت آینه از زنگار می بینم

فریب دانه نتواند مرا در دام آوردن *** که از آغاز هر کار آخر آن کار می بینم

نم یگردهد حجاب بینش من پرده ظاهر *** که در سر هر چه نرگس دارد از دستار می بینم

سرانجام دل سرگشته حیران چه خواهد شد *** که من این نقطه را بسیار بی پرگار می بینم

(صائب تبریزی)

به چشم نهران، بین نهران جهان را *** که چشم عیان بین، نبیند نهران را

(ناصر خسرو)

برون آی از حجاب تن پیر بر ساحت گلشن *** کنی تا چند از روزن نظر بر طرف گلشن ها

تو سیمرخ همایونی که عالم زیر پر داری *** چسان با این شکوه و فرگزیدی کنج گلخن ها

در آن باغ و در آن ها مون برت حاصل ز حد افزون *** ز بهر دانه ای دون نمودی ترک خرمن ها

(حاج ملاهادی سبزواری)

ص: 289

هر که سودای تو دارد چه غم از هرکه جهانش *** نگران تو چه اندیشه ز بیم دگرانش

(سعدی)

از دشمنم چه بیم که با دوست همدمیم *** و از هر من چه باک که با اسم اعظمم

(فروغی)

کورتترین مردم کسی است که نابینا شده از دوستی ما و برتری و فضیلت ما و دشمنی با ما را آشکار کرده بی آنکه جرم و گناهی از ما به او رسیده باشد جز آن که ما او را به سوی حق دعوت کرده و دیگران او را به سوی فتنه و دنیا خوانده اند و این آن دنیا را برگزیده و پرچم دشمنی ما را برافراشته اند .

غرج 1 ش 711

ص: 290

امام علی علیه السلام فرمود:

اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ، وَبَقَاءَ التَّبِعَاتِ. (1)

به یاد داشته باشید که لذات (معاصی به سرعت) پایان می گیرد و تبعات و آثار سوء آن (مدتها) باقی می ماند.

توضیح:

این یک واقعیت است که معاصی و گناهان لذت بخش، لذاتی ناپایدار و زودگذر دارند؛ یک فرد شراب خوار چقدر از آنچه می نوشد لذت می برد و یا زناکار لذتش از این گناه چقدر زمان می برد؟ و این در حالی است که آثار گناه و تبعات آن بسیار طولانی و پایدار است.

اما تبعات اخروی آن تا دامنه قیامت و در عرصه قیامت باقی و برقرار است.

دوست داشتن شهرت اساس و سر هر بلا و گرفتاری است.

غرج 1 ش 4649

ص: 291

امام علی علیه السلام فرمود:

أَخْبِرْ، تَقْلِبْ. (1)

آزمایش کن تا دشمنش داری.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه بسیار کوتاه و پرمعنا به یک اصل مهم اجتماعی اشاره کرده، می فرماید: به ظاهر اشخاص قناعت نکنید، آنها را بیازمایید و ای بسا با آزمودن، آنها را دشمن بدارید و در یک عبارت کوتاه: «آزمایش کن تا دشمنش داری»

کارها به کار آزمودگی است.

غرج 1 ش 2345

ص: 292

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ، وَيُعْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ؛ وَلَا لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الدُّعَاءِ، وَيُعْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ؛ وَلَا لِيَفْتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ التَّوْبَةِ، وَيُعْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْمَغْفِرَةِ. (1)

چنین نیست که خداوند در شکر را به روی بنده ای بگشاید و در فزونی نعمت را به رویش ببندد، و چنین نیست که خداوند باب دعا را به روی کسی بگشاید و باب اجابت را به رویش ببندد، و نیز چنین نیست که خداوند در توبه را به روی کسی باز کند و در آمرزش را به رویش ببندد.

توضیح:

در واقع شکر و دعا و توبه، سه موضوع سرنوشت ساز انسان است و سعادت‌مند و خوشبخت کسانی هستند که بتوانند از هر سه استفاده کنند؛ در برابر نعمت‌ها شاکر باشند، در مشکلات دست به دعا بردارند و به هنگام لغزش‌ها و گناهان از در توبه وارد شوند.

تائب ذنب را بداده پناه *** پاک کرده صحائفش ز گناه

(سنائی غزنوی)

نعمت پیوند خورده به شکر، و شکر نیز پیوند خورده به فزونی و این دو بسته به یکدیگرند در شاخی همانند ریسمان پیوسته ای که به شاخ می بندند و فزونی نعمت از سوی خدای سبحان بریده نشود تا وقتی که شکر از سوی شکرگزار بریده شود که در آن وقت فزونی نعمت هم قطع می شود.

غرج 1 ش 4444

ص: 293

امام علی علیه السلام فرمود:

أَوْلَى النَّاسِ بِالْكَرَمِ، مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ. (1)

شایسته‌ترین مردم به کرم، آن کسی است که افراد کریم به واسطه او شناخته شوند.

توضیح:

اشاره به این که وقتی کسی اشخاص کریم و با شخصیت و بزرگواری را معرفی می‌کند مفهومی این است که او این اشخاص را دوست می‌دارد و کرم و کرامت را ارزش می‌شمرد اگر چنین است خودش از همه بیشتر باید به این موضوع اهمیت بدهد.

کسی که حاتم طایی را مدح و ستایش می‌کند باید خودش سهمی از سخاوت و کرم داشته باشد.

نیست چندان کرم این جان چنین افشاندن *** جان بقریان کریمی که کرم زنده از اوست

(شهریار)

اگرچه دست کرم نزد حق بزرگواری است *** به مدح آن که معروف شود سزاوار است

(مهدی)

بهترین اخلاقی آن است که تو را به کارهای نیک وا دارد .

غرج 2 ش 8729

ص: 294

امام علی علیه السلام فرمود:

وَسَدَّ بِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ، الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَ عَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتَيْهَا؛ وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ؛ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا. (1)

از امام علی علیه السلام سؤال شد که کدام یک از این دو برترند: «عدالت» یا جود و بخشش؟

امام علی علیه السلام در جواب فرمود: عدل، هر چیزی را در جای خود قرار می دهد ولی سخاوت و بخشش آن را از مسیرش فراتر می برد. (اضافه بر این) عدالت، قانونی است همگانی ولی جود و بخشش جنبه خصوصی دارد بنابراین، عدل، شریف تر و برتر است.

توضیح:

در واقع امام علی علیه السلام به دو نکته اساسی اشاره فرموده است: نخست این که نتیجه عدالت این است که هرکسی در جامعه به حق خویش برسد و هر چیز در جای خود باشد. اصولاً بعضی عدالت را چنین معنا کرده اند: «وضع الشیء فی موضعه؛ هر چیز را در جای خود قرار دادن».

اما جود و بخشش چنین نیست زیرا چیزی اضافه بر استحقاق افراد است که البته در جای خود بسیار خوب و شایسته است ولی ای بسا همین صفت خوب و شایسته سبب شود که عده ای به تبلی روی آورند و تلاش و کوشش را کم کنند و به انتظار جود و بخشش سخاوتمندان بنشینند.

ص: 295

عدالت کن، که در عدل آنچه یک ساعت به دست آید *** میسر نیست در هفتاد سال اهل عبادت را

(صائب تبریزی)

خرمن بی داد اهل جور را سوزد یقین *** از فروغ عدل اگر تابد شهابی در میان

(لامع)

میزان عدل میل به یک سو نمی کند *** عارف بود به کعبه و بتخانه آشنا

(صائب تبریزی)

عدالت برپادارنده رعایت و زیور و زیبایی زمامداران است.

غرج 2 ش 6136

ص: 296

امام علی علیه السلام فرمود:

الرَّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»؛ وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي، فَقَدْ أَخَذَ الرَّهْدَ بِطَرْفَيْهِ. (1)

تمام زهد در دو جمله از قرآن مجید آمده است. خداوند سبحان می فرماید: «تا بر گذشته تأسف مخورید و به آنچه در دست دارید دل بسته و شادمان نباشید».

بنابراین آن کس که بر گذشته تأسف نمی خورد و به آینده (و آنچه در دست دارد) دل بستگی ندارد هر دو طرف زهد (از آغاز تا پایان آن) را در اختیار گرفته است.

توضیح:

می دانیم زهد از اموری است که در آیات و روایات درباره اهمیت و فضیلت آن سخن بسیار آمده است ولی ماهیت و حقیقت آن برای گروهی ناشناخته است تا آن جا که گاه کارهای ریاکارانه و گاهی ابلهانه را به حساب زهد می گذارند.

امام علی علیه السلام در این کلام حکیمانه زهد را به عالی ترین صورت توصیف کرده و از آیه ای از قرآن برای این تفسیر کمک گرفته است.

آدمی صورت اگر دفع کند شهوت نفس *** آدمی خوی شود ورنه همان جانور است

(سعدی)

ص: 297

دلا تا بزرگی نیاری به دست *** به جای بزرگان نشاید نشست

بزرگیت باید در این دسترس *** به یاد بزرگان برآور نفس

(نظامی گنجوی)

مهر و دقت وصف انسانی بود *** خشم و شهوت وصف حیوانی بود

(مولوی)

زهد چه؟ تجرید قلب از حبّ غیر *** تا تعق نایدت مانع ز سیر

گر رسد مالی نگردی شادمان *** ورود آن نبودت باکی از آن

لطف دانی آنچه آید از خدا *** خواه ذل و فقر خواه عزّ و فنا

هرکه او را این صفت حالی نشد *** دل ز حبّ ماسوا خالی نشد

نفی لا تأسوا علی ما فاتکم *** یأس آوردش شده از راه گم

(شیخ بهائی)

از نشانه های عقل است توشه بر گرفتن برای معاد و روز رستاخیز.

غورج 1 ش 3785

ص: 298

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ، لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ. (1)

چه شکننده است خواب برای تصمیم هایی که (انسان) در روز میگیرد.

توضیح:

هدف امام علی علیه السلام از بیان این سخن این است که نمی توان به تصمیم ها و وعده های افراد زیاد خوش بین بود، زیرا بسیار می شود که تصمیم های محکمی امروز می گیرند ولی شب می خوابند و صبح بیدار می شوند و به کلی آن را رها می سازند. گویی نه تصمیمی گرفته بودند نه وعده ای داده بودند.

این سخن، هم می تواند اشاره به این باشد که زیاد نباید به قول و قرارهای افراد اعتماد کرد و روی آن برنامه ریزی نمود و نتیجه آن را سریع الوصول پنداشت و هم این که اگر کسانی بر اثر عصبانیت یا عدم مطالعه کافی تصمیم سوئی گرفتند نباید زیاد از آن وحشت کرد ای بسا خواب شبانه آن را برهم زند و فردا از آن خبری نباشد.

گوش دل وا کن به پند بو تراب *** عزم خود را بست بنما وقت خواب

خواب را کم کن حذر کن از خیال *** تا نگردد عمر، کوتاه ای جناب

(مهدی)

کسی که در شب خوابش بسیار باشد از دستش برود کاری که در روز جبرانش نتواند.

غورج 2 ش 10029

ص: 299

امام علی علیه السلام فرمود:

الْوَلَايَاتُ، مَصْنَمِيرُ الرَّجَالِ. (1)

مقامات حکومتی، میدان آزمون و مسابقه مردان است.

توضیح:

انسان ها را در میدان های مختلفی می توان آزمون؛ گروهی به وسیله مال و ثروت، گروه دیگری به وسیله فقر و ناتوانی، گروهی دیگر به وسیله مصائب و حوادث سخت و دردناک.

ولی در میان میدان های آزمون و مسابقه به خصوص برای شخصیت های برجسته حساس ترین میدان، میدان حکمرانی است. آن جاست که معلوم می شود چه کسانی را غرور فرا می گیرد و پا از گلیم خود فراتر می نهند و چه کسانی به واسطه داشتن ظرفیت کامل تغییری در وضع آنها رخ نمی دهد. چه کسانی برای اندوختن مال و ثروت از طریق حکومت، به ظلم و ستم به دیگران می پردازند و چه کسانی تقوا را از دست نمی دهند. چه افرادی به نفع طرفداران خود حکم ظالمانه می کنند و چه اشخاصی همگان در برابر آن ها یکسان اند.

تکبر تو در دوران حکومت موجب خواری زمان عزل تو خواهد بود.

غرر ج 2 ش 10550

ص: 300

امام علی علیه السلام فرمود:

لَيْسَ بَلَدٌ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ، خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ. (1)

هیچ شهری برای تو سزاوارتر از شهر دیگر نیست، بهترین شهرها شهری است که تو را پذیرا شود (و وسیله آرامش و پیشرفت تو را فراهم کند).

توضیح:

اشاره به این که گرچه حب وطن یک میل باطنی عمیق است و در احادیث اسلامی بر آن تأکید شده ولی بسیار می شود که ماندن در وطن باعث عقب ماندگی و ذلت است در این گونه موارد انسان باید شجاعت به خرج دهد و از وطن خویش به جای دیگر مهاجرت کند؛ جایی که در آن اسباب پیشرفت و ترقی و آرامش خاطر او فراهم است و تعصب کور و کر به وطن در اینگونه موارد نه منطقی است و نه کمکی به زندگی انسان می کند. بارزترین نمونه پذیرا بودن شهری برای دیگری شهر یثرب است که پذیرای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شد و آنگاه به «مدینه الرسول» تغییر نام یافت و مرکز حکومت اسلام شد، و اسلام از این شهر به سراسر جهان پرتو افکند.

سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است صحیح *** نتوان مُرد به سختی که من این جا زادم

(سعدی)

بدترین شهرها شهری است که نه در آن امنیت است و نه فراخی و ارزانی وجود دارد .

غرر ج 1 ش 1016

ص: 301

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ جَاءَهُ نَعْيُ الْأَشْتَرِ رَحِمَهُ اللَّهُ:

مَالِكٌ، وَ مَا مَالِكٌ! وَاللَّهِ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْدًا، وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَلْدًا؛ لَا يَزْتَعِيهِ الْحَافِرُ، وَ لَا يُوفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ. (1)

هنگامی که خبر شهادت مالک اشتر رحمه الله به امام علیه السلام رسید، امام علیه السلام درباره او چنین فرمود:

مالک، اما چه مالکی! به خدا سوگند اگر کوه بود یکتا بود و اگر سنگ بود سرسخت و محکم بود. هیچ مرکبی نمی توانست از کوهسار وجودش بالا رود و هیچ پرنده ای به قله آن راه نمی یافت.

توضیح:

امام علیه السلام در این توصیف فشرده و پرمعنا درباره شخصیت مالک سنگ تمام گذاشته است. از یک طرف او را به کوه بی نظیری تشبیه می کند که هیچ انسان و پرنده ای نمی تواند به قله آن برسد و از سوی دیگر او را به سنگ محکمی تشبیه می نماید که در برابر حوادث بسیار مقاوم است.

در واقع دو وصف مهم در این عبارت درباره مالک بیان شده است: یکی اوج افکار بلند و همت عالی او و دیگر استقامت و پایداری اش در برابر دشمنان. و مالک در طول عمر خود که در صحنه های مختلفی ظاهر شد هر دو معنا را به اثبات رساند.

ابن ابی الحدید می گوید: مالک اشتر تک سوار شجاعی بود و رئیسی از بزرگان شیعه و شخصیت های برجسته

ص: 302

محسوب می شد، بسیار به امیر مؤمنان علی علیه السلام و یاری آن حضرت علاقه مند بود. (و به او عشق می ورزید).

ص: 303

امام علی علیه السلام فرمود:

إِذَا كَانَ فِي رَجُلٍ خَلَّةٌ رَائِقَةٌ، فَانْتَظِرُوا أَخْوَاتَهَا. (1)

هرگاه در انسانی خوی و خصلت خوشایندی باشد انتظار همانندهایش را نیز (در او) داشته باشید.

توضیح:

طبیعی است که وقتی بر شاخه درختی میوه خوب و جالبی ببینیم دور از انتظار نیست که همانند آن در شاخه های دیگر نیز یافت می شود. همچنین هرگاه انسان در جایی به قطعه سنگ قیمتی ای برخورد کند چه بسا که نشانه وجود معدنی از آن در آن جا باشد.

این سخن در وجود انسان دلیل روشنی دارد و آن این که کارهایی که انسان به طور مکرر انجام می دهد یک ریشه باطنی سبب می شود که مشابهات آن نیز در وی ظاهر گردد.

کار نیک را انجام دهد و چیزی از آن را حقیر و کم بشمارد که کم آن نیز بسیار و انجام دهنده اش شادمان است.

غرج 1 ش 2669

ص: 304

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِغَالِبِ بْنِ صَعْصَعَةَ أَبِي الْفَرَزْدَقِ فِي كَلَامٍ دَارَ بَيْنَهُمَا:

مَا فَعَلْتَ بِبَيْتِكَ الْكَثِيرَةِ؟

قَالَ دَغْدَغَتْهَا الْحُقُوقُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ذَلِكَ أَحْمَدُ سُبُلِهَا. (1)

امام علی علیه السلام در سخنی که بین او و مردی به نام «غالب بن صعصعه»، پدر فرزدق، رد و بدل شد چنین فرمود:

شتران فراوانت چه شدند؟

غالب عرض کرد: ای امیر مؤمنان! حقوق واجب (ادای زکات)، آن‌ها را پراکنده ساخت (و چیز چندانی برای من باقی نمانده است).

امام علی علیه السلام فرمود: این بهترین راه مصرف آن‌ها بود.

توضیح:

شاید منظور «غالب بن صعصعه» این بوده که من پیوسته زکات شترانم را پرداختم و چیزی بر آن نیفزودم تا از آخرین نصاب گذشت.

امام علی علیه السلام می فرماید: چه مصرفی بهتر از این که آنها را ذخیره یوم المعاد خود ساخته ای و به نیازمندان کمک کرده ای و سلامت و عافیت را برای خود خریداری نموده ای.

قرآن مجید می فرماید: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»

آنچه نزد شماست سرانجام از بین می رود ولی آنچه نزد خدا ذخیره شده باقی و برقرار است. (2)

ص: 305

1- همان حکمت 446

2- سوره نحل آیه 96

کسی که زکات مالش را پردازد از بخل نفس خود در امان مانده است.

غورج 1 ش 3751

ص: 306

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ، فَقَدْ اِزْتَطَمَ فِي الرَّبَا. (1)

کسی که بدون آگاهی (از احکام الهی) به تجارت پردازد در رباخواری غوطه ور میشود.

توضیح:

روشن است که ورود در هر کاری بدون آگاهی از مسائل مربوط به آن، مشکل آفرین است به خصوص ورود در تجارت با عدم آگاهی از فقه اسلامی انسان را گرفتار معاملات حرام و اعمال نامشروع می کند و دلیل آن این است که فقه اسلامی در امر تجارت و خرید و فروش دستورات دقیقی دارد که بخشی از مهمترین آن دستورات مربوط به ریاست.

رباخواری مکن این پند بنیوش *** که با شیر ربا خور کرد خرگوش

(نظامی گنجوی)

ص: 307

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ الْمَصَائِبِ، ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِكِبَارِهَا. (1)

کسی که مصیبت های کوچک را بزرگ شمارد خداوند او را به مصائب بزرگ مبتلا میسازد.

توضیح:

زندگی این جهان خالی از مصائب نیست منتها هر کسی به یک شکل گرفتار مصیبت می شود. آیا می توان کسی را پیدا کرد که در تمام عمر مصیبتی ندیده باشد؟ آیا طول عمر که یکی از مواهب الهی است همواره توام با تلخی مصائب دوستان و بستگان و آشنایان نیست؟ آیا افرادی که از عمر طولانی برخوردارند در پایان کار که مصداق ارذل العمر است گرفتار انواع بیماری ها نمی شوند؟

شکست در ازدواج، بیماری فرزندان، مشکلات کسب و کار، از دست دادن عزیزان، عوارض ناشی از خشکسالی ها و مانند آن، مصائبی است که هر کس به یک یا چند مورد از آن گرفتار است.

هرکس به مصیبتی دچار است اینجا *** آن کیست که از بلا کنار است اینجا

آرامش و راحتی فقط باغ بهشت *** بر شاخه گل همیشه خار است اینجا

(مهدی)

محنت و رنج همراه و پیوسته است با دوستی دنیا.

غرج 2 ش 9108

ص: 308

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ. (1)

کسی که برای خود شخصیت قائل است شهواتش را خوار شمارد.

توضیح:

بدیهی است کسی که می خواهد شخصیتش در میان مردم و یا حتی برای خودش محفوظ بماند باید از بسیاری از خواسته های نفس صرف نظر کند و به تعبیر امام علیه السلام آن خواسته ها در نظرش خوار و بی ارزش باشد زیرا در میان این دو تضاد روشنی است. افراد هوی پرست که جز شکم و شهوت چیزی نمی فهمند در نظر عموم مردم افرادی پست و بی ارزش اند و به همین دلیل مطرود هستند. بنابراین، عواقب سوء شهوت پرستی تنها مربوط به زندگی آخرت نیست در دنیا هم شهوت پرستان زندگی بدی دارند و در نظر مردم، پست و خوارند.

آدمی صورت اگر دفع کند شهوت نفس *** آدمی خوی شود، ورنه همان جانور است

(سعدی)

دلا تا بزرگی نیاری به دست *** به جای بزرگان نشاید نشست

بزرگیت باید در این دست رس *** به یاد بزرگان بر آور نفس

(نظامی گنجوی)

ص: 309

تا به دنیا پایند شهوتی *** خوار و بی مقدار و بی شخصیتی

باز کن از پای زنجیر هوس *** پس بین با شوکت و با عزتی

(مهدی)

کرم و بزرگواری به این است که انسان عرض و آبروی خود را بر مال ترجیح دهد و مال را فدای آبرو کند نه بالعکس.

غرج 2 ش 8752

ص: 310

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا مَزَّحَ امْرُؤٌ مَزْحَةً، إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً. (1)

هیچ کس شوخی (نامناسبی) نکرد مگر این که مقداری از عقل خود را فروریخت.

توضیح:

حقیقت مزاح آن است که انسان سخنی غیر واقعی بگوید (البته با قرائن حالی یا مقالی) که مایه انبساط خاطر و تفریح شود ولی این کار با این که در بسیاری از موارد پسندیده است و در اخبار به آن توصیه شده گاه مشکلات عظیمی به بار می آورد. برخی از شوخیها دشمنی و عداوت به بار می آورد، و در دل کینه ایجاد می کند، گاهی موجب انتقام جوئی می شود و نظائر آن.

به حرف تلخ خود را در نظرها می کند شیرین *** بلای جان بود شوخی که خوش دشنام می افتد

(صائب تبریزی)

گر بخندند گروهی که ندارند خرد *** تو چه دیوانه به خنده دگران نیز مخند

ز شوخی پرهیز ای با خرد *** که شوخی تو را آبرو می برد

(ناصر خسرو)

نزاع و شوخی سبب جدایی است و کینه در پی دارد .

غرر ج 2 ش 9197

ص: 311

امام علی علیه السلام فرمود:

زُهِدْكَ فِي رَاغِبٍ فِيكَ، تُقْصَانُ حَظًّا؛ وَرَغْبَتُكَ فِي زَاهِدٍ فِيكَ، ذُلُّ نَفْسٍ. (1)

اظهار بی میلی به کسی که به تو علاقه مند است سبب کاستی بهره تو در دوستی اوست و اظهار میل به کسی که به تویی اعتناست سبب خواری تو خواهد بود.

توضیح:

این یک واقعیت مسلم است که اگر انسانی به ما اظهار محبت کند و ما به او بی اعتنایی کنیم خود را از دوستی و محبت و کمک های احتمالی او در مشکلات محروم ساخته ایم و به این ترتیب بهره کمی برده ایم. انسان عاقل و هشیار کسی است که دست های افراد لایقی را که به عنوان دوستی به سوی او دراز می شود بفشارد و روز به روز بر دوستان خود بیفزاید چرا که مشکلات زندگی به قدری زیاد است که انسان به تنهایی از عهده حل آنها بر نمی آید ولی اگر دوستان فراوانی داشته باشد آنها می توانند به حل مشکلات او کمک کنند و این جاست که در ضرب المثل گفته اند: هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار.

چون هزاران دوست کم باشد یکی دشمن زیاد *** رو که این یک را کنی با آن هزاران همطراز

(مهدی)

به پای دار رغبت و اشتیاق مردم را به سوی خود به جای محرومیت و ناامیدی به تو.

غرج 1 ش 3675

ص: 312

امام علی علیه السلام فرمود:

الْغِنَى وَالْفَقْرُ، بَعْدَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ. (1)

غنا و فقر آن گاه آشکار می شود که اعمال (انسان ها) به پیشگاه خدا عرضه شود.

توضیح:

حقیقت غنا بی نیازی و حقیقت فقر نیازمندی است ولی می دانیم که این دو عنوان گاه جنبه مادی دارد و گاه جنبه معنوی. جنبه مادی آن نیز شاخه هایی دارد: غنا از نظر مال و ثروت، غنا از نظر مقام و جاه و جلال و غنا از نظر علوم و دانش های مادی. اینها همه زودگذر و زوال پذیر است ولی فقر و غنا واقعی آنگاه معلوم می شود که در عالم برزخ و قیامت جلوی دیدگان دیگران قرار می گیرد و انسانها می فهمند که سود برده یا زیان کرده اند.

چنین گفتند دانایان هشیار *** که نیک و بد به مرگ آید پدیدار

(نظامی)

هر چه کنی به خود کنی *** گر همه نیک و بد کنی

گور بهتر از فقر است (یعنی فقری که صبر با آن نباشد و موجب بدبختی دنیا و آخرت گردد).

غور ج 2 ش 7902

ص: 313

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا زَالَ الزُّبَيْرُ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، حَتَّى نَشَأَ ابْنَهُ الْمَشُومُ مَعْبُدَ اللَّهِ. (1)

زیبر همواره از ما اهل بیت (و از یاران خاص ما) بود تا آن که فرزند شومش عبدالله نشو و نما کرد (و پدر را گمراه ساخت).

توضیح:

مطابق آنچه در تاریخ طبری آمده این گفتار پر معنا را امام علیه السلام زمانی فرمود که در جنگ جمل دو لشکر در مقابل هم قرار گرفتند. علی علیه السلام بر اسب سوار شد و زیبر را صدا زد و او در مقابل امام علیه السلام ایستاد. حضرت علیه السلام فرمود: چه چیز تورا به این جا آورده؟ گفت: تو سبب شدی زیرا من برای تو اهل بیت خلافت قائل نیستم و تو اولی از ما نمی باشی. علی علیه السلام فرمود: آیا بعد از عثمان شایسته خلافت نیستم؟ ما تورا از طائفه بنی عبدالمطلب (از طائفه خودمان) می دانستیم تا این که فرزند بد تو به وجود آمد و بین ما و تو جدایی افکند. سپس امام علیه السلام سخنانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره خودش و زیبر نقل کرد و زیبر از خواب غفلت بیدار شد و علیرغم اصرار پسرش (عبدالله) بر ادامه جنگ، از نبرد با علی علیه السلام کناره گیری کرد. زیبر بعداً به وسیله فردی به نام «ابن جرموز» کشته شد. و امام علیه السلام از قتل او ناراحت گشت.

ص: 314

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ! أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ جَيْفَةٌ، وَ لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ. (1)

انسان را با تکبر چه کار؟ در آغاز، نطفه بی ارزشی بود و سرانجام مرداری (گندیده) است. نمیتواند خود را روزی دهد و نه مرگ را از خود دور سازد.

توضیح:

شک نیست که انسان امتیازات فراوانی دارد و نسبت به مخلوقات دیگر برتر است و بسیاری از انسانها از نظر مال و ثروت و جاه و مقام و شرافت خانوادگی و قدرت جسمانی بر دیگران برتری دارند ولی این امتیازات دلیل بر آن نمی شود که انسان موقعیت خود را فراموش کند و به این و آن فخر بفرشد و به خویشتن ببالد و گرفتار صفت رذیله ای شود که مردم را از او و او را از خدا دور سازد.

ای هست وجود تو ز یک قطره منی *** معلوم نمی شود که تو چند منی

تا چند منی ز خود که کو همچو منی *** نیکو نبود منی ز یک قطره منی

(شیخ بهائی)

نبیند مدعی جز خویشتن را *** که دارد پرده پندار در پیش

گرت چشم خدا بینی ببخشد *** بینی هیچ کس عاجز تر از خویش

(سعدی)

ص: 315

تکبر با گدایان در میخانه کمتر کن *** که اینجا مور برهم می زند تخت سلیمان را

(فروغی بسطامی)

آفت ریاست و آقایی فخر کردن است.

غورج 2 ش 7779

ص: 316

امام علی علیه السلام فرمود:

وَسُئِلَ مَنْ أَشْعَرُ الشُّعْرَاءِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَجْرُوا فِي حَلْبَةٍ تُعْرَفُ الْغَايَةُ عِنْدَ قَصَبَتِهَا؛ فَإِنْ كَانَ وَلَا بُدَّ، فَالْمَلِكُ الصَّلِيلُ. (1)

از امام علیه السلام پرسیدند: برترین شعرای عرب کیست؟ امام علیه السلام فرمود:

شاعران همه یک روش نداشتند و در یک میدان به مسابقه پرداختند تا پیشگام آنها مشخص شود و اگر ناگزیر باید به این سوال پاسخ داد باید گفت: برترین آنها، همان سلطان گمراه بود.

توضیح:

در یکی از شب های ماه مبارک رمضان که امام علیه السلام مجلس اطعامی برای مؤمنان فراهم کرده بود سخن از شعر و شاعران به میان آمد. بعضی از حاضران از امام علیه السلام پرسیدند: برترین شعرای عرب کیست؟ امام علیه السلام در یک جواب کوتاه حکیمانه فرمود: «شاعران همه یک روش نداشتند و در یک میدان به مسابقه پرداختند تا پیشگام آنها مشخص شود و اگر ناگزیر باید به این سؤال پاسخ داد باید گفت: او همان سلطان گمراه بود.» منظور امام علیه السلام امرؤالقیس، شاعر معروف عرب است (که امام علیه السلام او را بر همه از نظر قدرت شعری مقدم شمرد هرچند اشعار او محتوای جالبی ندارد).

در شعر میبچ و در فن او *** چون اکذب اوست احسن او

نظم ارچه به مرتبت بلند است *** آن علم طلب که سودمند است

ص: 317

یک دسته گل دماغ پرور *** از خرمن صد گیاه بهتر

(نظامی گنجوی)

ص: 318

امام علی علیه السلام فرمود:

أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَّاطَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا. (1)

آیا آزادمردی پیدا نمی شود که این ته مانده غذا را به اهلس واگذارد؟ بدانید وجود شما بهایی جز بهشت ندارد آن را به چیزی جز بهشت نفروشید.

توضیح:

اشاره به اینکه اقوام زیادی به این دنیا آمده اند و از مواهب آن بهره برده اند و غذاهای آن را خورده اند گویا ته مانده آن به شما رسیده است، اصل آن ارزشی نداشته تا چه رسد به ته مانده آن.

تعبیر به «حُر» اشاره به این دارد که تنها آزادگان می توانند خود را از قید و بند دنیای مادی رها سازند ولی آنها که اسیر شهوات و زرق و برق ها هستند هرگز نمی توانند به آسانی خود را از عشق به دنیا رها سازند و برای رسیدن به آن دست به هر کاری می زنند.

اگر خواهی که گردی مرغ پرواز *** جهان جیفه نزد کرکس، انداز

(شیخ محمود شبستری)

همین بس است ز آزادگی نشانه ما *** که زیر بار فلک هم نرفته شانه ما

ز دست حادثه پامال شد به صد خواری *** هر آن سری که نشد خاک آستانه ما

(فرخی)

ص: 319

قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند *** قصهٔ علّم الاسماء به زبان است هنوز

(امام خمینی (ره))

کمترین قدر تو شد باغ بهشت *** از چه جان بفروختی بر خاک و خشت

از چه ارزان می فروشی این متاع *** کم فروشی هست از اعمال زشت

(مهدی)

آزاد آزاد است اگر چه به او سختی و زیان برسد و بنده بنده است اگر چه مقدرات الهی با او همراهی کند.

غرج 1 ش 1531

ص: 320

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ؛ طَالِبُ عِلْمٍ، وَ طَالِبُ دُنْيَا. (1)

دوگرسنه اند که هرگز سیر نمی شوند: طالب علم و طالب دنیا.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این حکمت به دو گروه اشاره می فرماید که هرگز سیر نمی شوند گروه طالب علم (عالمان راستین) و گروه دنیا طلب شیفتگان مال و ثروت و شهوت. آنهایی که زرق و برق فریبنده دنیا آنها را اسیر خود کرده است.

عارفی از منعمی کرد این سؤال *** کای تو را دل در پی مال و منال

سعی تو از بهر دنیای دنی *** تا چه مقدار است ای مرد غنی

گفت بیرون است از حدّ شمار *** کار من این است در لیل و نهار

(شیخ بهائی)

برتری می یابند مردم به خاطر عمل ها و عقل هاشان، نه برای مال ها و ریشه ها و نجات هایشان.

غرج 2 ش 6819

ص: 321

امام علی علیه السلام فرمود:

الإيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ، وَ أَلَّا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ، وَأَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ. (1)

ایمان آن است که راست گویی را در آن جا که به زیان توست بر دروغ گویی در آن جا که به سود توست مقدم داری و این که گفتارت بیش از عملت نباشد و به هنگام سخن گفتن درباره دیگران تقوای الهی را پیشه کنی.

توضیح:

بسیار می شود که انسان اگر در بیان حقیقتی، راستی را برگزیند زیان هایی دامن او را می گیرد. مثل این که سؤال کنند: تو چیزی به فلان شخص که از دنیا رفته است بدهکاری؟ و او حقیقتش را بگوید که آری فلان مبلغ را بدهکارم. این اعتراف گرچه ظاهراً به زیان گوینده است و دروغ گفتن به سود اوست ولی قطعاً این صدق و راستی از نشانه های ایمان به خدا و روز قیامت می باشد.

یا این که تصادفی موجب خسارت شده و شخص می داند مقصّر بوده است اگر تقصیر خود را بپوشاند و دروغ بگوید نفع مادی می برد ولی اگر حق را آشکار سازد گرفتار زیان می شود ولی این زیان در حقیقت منفعت است و از نشانه های ایمان می باشد.

ایمان گفتن به زبان است و عمل به وسیله ارکان و اعضای بدن.

غورج 1 ش 773

ص: 322

امام علی علیه السلام فرمود:

يَغْلِبُ الْمَقْدَارُ عَلَى التَّقْدِيرِ، حَتَّى تَكُونَ الْآلَهُ فِي التَّدْبِيرِ. (1)

مقدّرات بر تقدیر و تدبیر (ما) غلبه میکند تا آن جا که (گاه) آفت انسان در تدبیر اوست.

توضیح:

این حکمت سه پیام مهم دارد:

1- ما را با مسئله خدانشناسی و توحید افعالی پروردگار آشنا تر می کند.

2- توکل ما بر خداوند تقویت می کند که در همه جا و همه موضوعات به خدا توکل کنیم.

3- غرور و تکبر بر ما غلبه نکند هنگامی که فکر می کنیم قدرت ظاهری پیدا کرده ایم.

با چرخ فلک نمی توان کرد ستیز *** از حکم قضا کجا توان یافت گریز

تغییر قضا به سعی ممکن نشود *** از آمد و شد رنجۀ بی هوده مباش

به روی خود در تقدیر را کی می توان بستن *** به زور عقل از دست قضا کی می توان رستن

(لامع)

کار ما تدبیر و تقدیر از خداست *** مبطل تدبیر ما تقدیر ماست

(مهدی)

ص: 323

تدبیر کند بنده و تقدیر نداند *** تدبیر به تقدیر خداوند چه ماند

(مولوی)

هنگامی که قضا و قدر فرود آید، بیم و پرهیز بی اثر گردد.

غرج 2 ش 8103

ص: 324

امام علی علیه السلام فرمود:

الْحِلْمُ وَالْأَنَاةُ تَوْأَمَانِ، يَنْتَجُهُمَا عُلُوُّ الْهَمَّةِ. (1)

بردباری و ترک شتاب، فرزندان دوقلویی هستند که از همت بلند متولد می شوند.

توضیح:

این حکمت تاریخچه ای دارد و آن این که؛ یکی از بزرگان ایران خدمت امام علیه السلام رسید.

آن حضرت علیه السلام پرسید: بهترین پادشاهان ایران نزد شما چه کسی بود؟

او پاسخ داد: اردشیر در کشورداری پیشگام بود ولی بهترین روش را انوشیروان داشت.

امام علیه السلام سؤال کرد: کدام یک از فضایل اخلاقی در وی برجسته بود؟

عرض کرد: بردباری و عدم شتاب در کارها. امام علیه السلام فرمود:

این دو، همچون فرزندان دوقلویی هستند که از همت بلند متولد می شوند.

همت هر کسی که گشت بلند *** دوقلو آورد ز خود فرزند

بردباری یکی ز فرزندان *** صبر و ترک شتاب دوم آن

(مهدی)

برترین بردباری ها فرو بردن خشم و در اختیار گرفتن نفس در هنگام قدرت بر تلافی و انتقام است.

غرج 1 ش 2113

ص: 325

امام علی علیه السلام فرمود:

الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ. (1)

غیبت کردن، آخرین تلاش شخص ناتوان است.

توضیح:

اشاره به این که تنها فرومایگان و افراد پست و ناتوان به سراغ غیبت می روند چرا که اگر انسان در خود، توانایی و استعداد پیشرفت ببیند به جای این که با غیبت مقام کسی را خدشه دار کند خودش می کوشد و به آن مقام و برتر از آن می رسد ولی چون عاجز و ناتوان و فرومایه است سعی می کند به وسیله غیبت آبروی دیگری را در انظار عموم بریزد. از این رو امام علیه السلام می فرماید:

غیبت، آخرین تلاش افراد ناتوان است.

کند هر آینه غیبت، حسود کوتاه دست *** که در مقابله گنگش بُود زبان مقال

(سعدی)

به غیر از زبان نیست در خود فروشی *** اگر سود خواهی ببند این دکان را

بود غیبت خلق، مردار خواری *** به پرواز ازین لقمه کام و زبان را

(صائب تبریزی)

آن را که حرامزادگی عادت و خوست *** عیب دگران به نزد او سخت نکوست

(صائب تبریزی)

ص: 326

معیوب؛ همه عیب کسان می طلبد *** از کوزه همان برون تراود که در اوست

(اوحدی)

زنهار پرهیز از غیبت که تو را نزد خدای تعالی و نزد مردم مبعوض گرداند و پاداش تو را از بین می برد.

غورج 2 ش 7715

ص: 327

امام علی علیه السلام فرمود:

رُبَّ مَفْتُونٍ يَحْسِنُ الْقَوْلَ فِيهِ. (1)

بسیارند کسانی که به سبب تعریف و تمجید دیگران فریب می خورند.

توضیح:

درست است که باید افراد نیکوکار را تشویق کرد و عالمانی را که علم آنها سبب پیشرفت جامعه انسانی اسلامی شده مورد تمجید قرار داد ولی گاه این تعریف و تمجیدها آفاتی را نیز به دنبال دارد که باید از آن پرهیز کرد.

چون شهرت است آفت مردان در این زمان *** کن سعی آن که گم شودت نام بیشتر

شهرت است آفت مردان به جهان، دل، زنهار *** گوشه بی گیر در این عرصه و شهرت مطلب

(لامع)

کسی که وانگذارد در حالی که ستوده و ممدوح است، واگذارد در حالی که نکوهیده است.

غرج 1 ش 3315

ص: 328

امام علی علیه السلام فرمود:

الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا، وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا. (1)

دنیا برای غیرش آفریده شده نه برای خودش.

توضیح:

گاه در نظر بعضی افراد، روایاتی که در مدح دنیا آمده و آن را مزرعه آخرت یا دار عافیت و یا به منزله دانشگاه شمرده، با روایاتی که در ذم آن آمده متناقض است. در حالی که هرگز چنین نیست. اگر دنیا را برای دنیا بخواهیم، دنیای مذموم و نکوهیده است و اگر دنیا را ابزاری برای رسیدن به آخرت و مزرعه ای برای کشت بذر نیکی ها و معارف بدانیم ممدوح است و سرای نمونه.

زندگانی چیست دانی جان منور داشتن *** بوستان معرفت را تازه و تر داشتن

عرش و فرش پای کوب تست همّت بلند کن *** تا کی از این خاکدان بالین و بستر داشتن

بگسل این دام هوس ای مرغ قدسی آشیان *** گردو عالم بایدت در زیر شهپر داشتن

(عمان سامانی)

دنیا سایه ای است رفتنی.

غرج 1 ش 2776

ص: 329

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِبَنِي أُمَيَّةٍ مِرْوَدًا يَجْرُونَ فِيهِ، وَ لَوْ قَدْ اِخْتَلَفُوا فِي مَا بَيْنَهُمْ، ثُمَّ كَادَتْهُمْ الضَّبَاعُ لَغَلَبَتْهُمْ. (1)

بنی امیه تا زمان معینی مهلت دارند که به تاخت و تاز مشغول باشند و همین که بین آنها اختلاف افتاد دشمنان ضعیف کفتارصفتشان آنها را فریب می دهند و بر آنان پیروز می شوند.

توضیح:

این حکمت که از پیشگویی های امام محسوب می گردد. شرح مفصل و طولانی دارد که در کتاب ارزشمند پیام امام در چند صفحه آمده است علاقمندان مراجعه کنند.

ص: 330

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَدْحِ الْأَنْصَارِ: هُمْ وَاللَّهِ رَبُّوَا الْإِسْلَامَ كَمَا يُرَبِّي الْفُلُو، مَعَ غَنَائِهِمْ بِأَيْدِيهِمْ السَّبَاطِ وَالْأَسْنَتِهِمُ السَّلَاطِ. (1)

امام علی علیه السلام در مدح و ستایش انصار چنین فرمود:

به خدا سوگند آنها اسلام را همچون فرزندی در دامانشان پرورش دادند با دست های گشاده و پرسخاوت و زبان های گویا و فصیح، با این که نیاز مادی به آن نداشتند.

توضیح:

در این گفتار حکیمانه، امام هم اشاره به نقش انصار در پیشرفت اسلام کرده و هم دو صفت برجسته آنها را بیان نموده است.

1- پرورش اسلام چون فرزند خودشان

2- ایستادگی در مقابل دشمنان اسلام و دفاع از آن با جان و مال

اگر میان تو و دشمنت داستانی اتفاق افتاد که به خاطر آن قرارداد صلحی بستی و پیمانی منعقد کردی به قرارداد خود وفا کن و پیمان خود را رعایت کن و نفس خود را سپری قرار ده میان خود و میان پیمانی که بسته ای.

غرج 2 ش 10333

ص: 331

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ لَهُ:

وَوَلِيَّهُمْ وَالٍ، فَأَقَامَ وَاسْتَقَامَ، حَتَّى ضَرَبَ الدِّينَ بِجِرَانِهِ. (1)

امام علی علیه السلام در کلام خویش فرمود:

يك والی (الهی) بر مسلمانان حکومت کرد و حق را برپا داشت و خود در جاده حق گام برداشت تا آن جا که شتر دین گلوگاه خود را بر زمین نهاد و اسلام استقرار یافت

(این سخن اشاره زیبایی است به وضع شتران هنگامی که به مقصد می رسند و از پیمودن راه راحت می شوند، استراحت می کنند آن گونه که گلوگاه خود را بر زمین می نهند).

توضیح:

در تفسیر این سخن و این که امام علی علیه السلام اشاره به چه کسی نموده؟ نظرات مختلفی در میان شارحان نهج البلاغه وجود دارد که نظر غالب آن است که منظور، پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که بر مردم حکومت کرد و امور را سامان داد و خود در مسیر صحیح الهی گام برداشت تا زمانی که اسلام سراسر جزیره العرب را فرا گرفت و آرامشی پیدا شد آن گونه که شتر هنگامی که به مقصد می رسد می خوابد و گلوگاه خود را بر زمین می نهد.

بشناسید حق کسی که حق شما را می شناسد کوچک باشد یا بزرگ از نظر رتبه پست باشد یا بلند.

غرج 1 ش 1939

ص: 332

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ زَمَانٌ عَضُوضٌ، يَعَضُّ الْمُوسِرُ فِيهِ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ وَلَمْ يُؤْمَرْ بِذَلِكَ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «وَلَا تَسْؤُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ»؛ تَنَهَّدُ فِيهِ الْأَشْرَارُ وَتُسْتَدَلُّ الْأَخْيَارُ وَيَبِيعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَقَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ بَيْعِ الْمُضْطَرِّينَ. (1)

امام علی علیه السلام فرمود:

زمانی بر مردم فرا می رسد که ثروتمندان بر آنچه در دست دارند دندان می فشارند در حالی که چنین دستوری به آن ها داده نشده است (بلکه به عکس) خداوند سبحان می فرماید: «احسان و بخشش را در میان خود فراموش نکنید» (و در آن زمان) اشرار و بدان بر مردم مسلط می شوند و نیکان و پاکان را خوار می کنند و مردم بینوا، هستی خود را از روی اضطرار (به قیمت کم) می فروشند در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چنین معامله ای نهی فرموده است.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار پرمعنا که جنبه پیشگویی زمان آینده را دارد اشاره به زمانی می کند که مردم در فشار شدید قرار می گیرند و ارزش های اسلامی به فراموشی سپرده می شود. و به چهار موضوع می پردازد:

1- بخل ثروتمندان

2- فساد اوضاع سیاسی

3- انزوای نیکان

4- اضطرار مردم و فروش اموال به ثمن نجس

ص: 333

بخشش کن مال خود را به کسی که آبروی خود را به تو بذل کرده (و از تو چیزی طلب کرده) که به راستی چیزی با بذل آبرو برابری نمی کند.

غورج 1 ش 852

ص: 334

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَهْلِكُ فِيَّ رَجُلَانِ؛ مُحِبٌّ مُفْرِطٌ، وَبَاهِتٌ مُفْتَرٍ. (1)

امام علی علیه السلام فرمود:

دو کس در مورد من هلاک خواهند شد: دوستی که در حق من افراط و غلو می کند و دشمنی که بهتان می زند و افترا می بندد.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه به دو گروه از منحرفان اشاره کرده و همه آنها را اهل هلاکت می شمرد.

1- آنهایی که در دوستی امام علی علیه السلام غلو کردند و او را به مقام الوهیت رساندند.

2- آنهایی که با بغض و حسادت فضائل او را کتمان کردند.

امام علی علیه السلام این تعبیر را در حکمت 117 که در جلد اول این مجموعه (دفتر اول نهج البلاغه) ذکر بصورت دیگری بیان فرموده است.

هَلَكَ فِيَّ رَجُلَانِ: مُحِبٌّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالَ

دو کس در مورد من هلاک خواهد شد محبّی که غلو می کند و دشمنی که با زبان با من دشمنی می کند.

امام علی علیه السلام گروهی از غلو کنندگان که امام علی علیه السلام را خدا می دانستند پس از نصیحت های فراوان چون دست از عقاید باطلشان برداشتند دستور سوزاندن آنها را صادر کرد.

کسی که حالت مخاصمه و دشمنی با مردم دارد نمی تواند تقوای الهی داشته باشد.

غرر ج 1 ش 2401

ص: 335

امام علی علیه السلام فرمود:

وَسُئِلَ عَنِ التَّوْحِيدِ وَالْعَدْلِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

التَّوْحِيدُ إِلَّا تَتَوَهَّمَهُ، وَالْعَدْلُ إِلَّا تَتَّهَمَهُ. (1)

از آن حضرت درباره توحید و عدل سؤال شد، امام علی علیه السلام فرمود:

توحید آن است که خدا را در وهم و اندیشه نیاوری و عدل آن است که او را متهم نسازی (اشاره به این که ذات خداوند در اندیشه هیچ کس نمی گنجد و بدانیم در تقسیم نعمت هایش عدالت و حکمت را رعایت می فرماید).

توضیح:

امام علی علیه السلام در این کلام کوتاه و بسیار پر معنا دو اصل مهم دین را به عالیتین وجهی بیان می کند. یکی توحید و دیگری عدل.

توحید در این جا به معنی خداشناسی است و خداشناسی در صورتی کامل می شود که او را برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم بدانیم از هر چه دیده ایم و شنیده ایم و گفته ایم فراتر بشماریم.

و اما جمله دوم که امام علی علیه السلام می فرماید:

«حقیقت عدل (عدالت خداوند) آن است که او را متهم نسازی»

اشاره به این است که کسی عقیده کامل به عدالت خداوند دارد که همه کارهای او را بر وفق حکمت و عدالت بداند.

هر چه در صورت عقل آید و در وهم و قیاس *** آنکه محبوب من است از همه ممتاز آید

(سعدی)

ص: 336

جهان پر سماع است و مستی و شور *** و لیکن چه بیند در آینه کور

(سعدی)

هرکجا عدل روی بنموده است *** نعمت اندر جهان بیفزوده است

هرکجا ظلم رخت افکنده است *** مملکت را ز بیخ بر کنده است

(سنائی غزنوی)

عدل بازوی شه قوی دارد *** قامت ملک مستوی دارد

عدالت جان گواهی دادن است یعنی گواهی اگر غیر از عادل بود روح ندارد.

غرج 2 ش 6118

ص: 337

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دُعَاءِ اسْتَسْقَى بِهِ:

اللَّهُمَّ اسْقِنَا ذُلَّ السَّحَابِ، دُونَ صِعَابِهَا. (1)

امام علی علیه السلام در دعایی که برای درخواست باران کرده، عرضه میدارد:

خداوندا! به وسیله ابرهای رام به ما باران عنایت کن نه به وسیله ابرهای سرکش (و خطر آفرین).

توضیح:

باران یکی از نعمت های بزرگ الهی است که در قرآن مجید بارها به عنوان نعمت و همچنین به عنوان آیتی از آیات حق به آن اشاره شده است. این نعمت الهی گاهی خالی از ضایعات است، ابرها نرم نرم می بارند بی آن که طوفان و صاعقه و گردبادی همراه داشته باشد. امام علی علیه السلام در کلام خود آنها را ابرهای رام و تسلیم شمرده، و گاه با طوفان ها و صواعق و گردبادها همراه است که در عین باریدن، ضایعات فراوانی همراه دارد. آتش صاعقه انسان ها و خانه هایی را می سوزاند و خاکستر می کند و گردباد و طوفان سبب ویرانی خانه ها و امارت ها و ریشه کن شدن درختان می شود. (امام علی علیه السلام از خداوند درخواست باران مفید می نماید.)

ص: 338

امام علی علیه السلام فرمود:

وَقِيلَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ غَيَّرْتَ شَيْبَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْخِضَابُ زِينَةٌ، وَنَحْنُ قَوْمٌ فِي مُصِيبَةٍ. (1)

به حضرت علی علیه السلام عرض کردند: چه خوب بود محاسن خود را رنگ و خضاب می کردید.

امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود:

خضاب و رنگ بستن زینت است ولی ما عزاداریم.

توضیح:

خضاب کردن و زدن رنگ مناسب به موهای سفید در هنگام کهنسالی یا میانسالی، هم از نظر عرف عقلا کار مطلوبی است و هم در شریعت اسلام بر آن تأکید شده است. ولی امام علی علیه السلام می فرماید چون عزادار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستیم به احترام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زینت نمی کنم و خضاب نمی کنم.

تجمل و آراستگی از اخلاق مؤمنان است.

غرج 1 ش 1191

ص: 339

امام علي عليه السلام فرمود:

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَى؛ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ. (1)

مجاهد شهيد راه خدا اجر و پاداشش بيشتر از کسی نيست که قدرت بر گناه دارد اما خويشتن داری می کند، اين فرد عفيف و خويشتن دار نزديك است که فرشته ای از فرشتگان خدا شود.

توضیح:

امام علي عليه السلام در کلام کوتاهی مقایسه ای میان مجاهد شهيد و فرد عفيف و پاکدامن کرده و عفيف را کمتر از مجاهد شهيد نمی شمرد.

خود نگهداری که قادر بود بر جرم و گناه *** نيست کمتر ز آنکه جان داد است در راه خدا

(مهدی)

بزرگترین گناهان نزد خداوند گناهانی است که انجام دهنده اش بر آن اصرار ورزد.

غورج 1 ش 3419

ص: 340

امام علی علیه السلام فرمود:

الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ. (1)

قناعت ثروتی است پایان ناپذیر.

توضیح:

مال و ثروت، مهمترین وسیله برای زندگی مادی است که انسان به کمک آن به تمام خواسته های ضروری و رفاهی خود می رسد و حتی وسیله ای است برای رسیدن هوس بازان به هوس هایشان. اما این مال و ثروت هر قدر زیاد باشد باز هم پایان پذیر است به همین دلیل بسیار دیده شده جوانانی که از پدرانشان مال و ثروت هنگفتی به ارث می برند ولی بعد از مدتی همه آن را در راه شهوات و عیش نوش و شراب و قمار و مانند آن تلف کرده و به روز فلاکت باری گرفتار می شوند و حتی اگر انسان ثروتش را در راه های غلط مصرف نکند اما زندگی را بسیار مرفه بسازد اموال رو به فنا می روند.

بی نیازترین بی نیازی ها قناعت و تحمل و صبر در نداری است.

غورج 2 ش 8278

ص: 341

امام علی علیه السلام فرمود:

اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَ احْذِرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ؛ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ. (1)

عدالت را پیشه کن و از خشونت و سختگیری و ستمگری بپرهیز زیرا سختگیری سبب فرار مردم از منطقه می شود و ظلم و ستم، مردم را به شورش مسلحانه دعوت می کند.

توضیح:

از سخن بعضی از شارحان نهج البلاغه استفاده می شود که والیانی که از طرف خلفا به منطقه فارس می رفتند گاه اصرار داشتند که خراج را قبل از موعد یعنی قبل از به دست آمدن محصول کشاورزی و باغداری از مردم بگیرند و علت آن این بود که توجه نداشتند که برای گرفتن خراج باید سال شمسی را در نظر گرفت زیرا فرارسیدن زمان محصول، مطابق سال شمسی است نه سال قمری. اما آنها سال قمری را معیار قرار می دادند و مردم را در فشار شدید گرفتار می ساختند به گونه ای که مردم مجبور بودند محصولات خود را به صورت پیش فروش به قیمت نازلی بفروشند و مال الخراج را بپردازند و همین، سبب نارضایی شدید مردم می شد.

هر کجا عدل روی بنموده است *** نعمت اندر جهان بیفزوده است

هر کجا ظلم رخت افکنده است *** مملکت را ز بیخ برکنده است

(سنائی غزنوی)

ص: 342

عدالت آسوده می سازد عمل کننده به آن را از به گردن گرفتن حقوق پایمال شده مردم.

غورج 2 ش 6131

ص: 343

امام علی علیه السلام فرمود:

أَشَدُّ الذُّنُوبِ، مَا اسْتَحَفَّ بِهَا صَاحِبُهُ. (1)

بدترین و خطرناکترین گناهان گناهی است که مرتکب شونده آن، آن را کوچک بشمرد.

توضیح:

بعضی معتقدند که گناهان را نباید به صغیره و کبیره تقسیم کرد؛ همه گناهان نسبت به مقام شامخ الهی کبیره است زیرا هر قدر شخصی که معصیتش می شود بزرگتر باشد معصیت، بزرگتر خواهد بود و چون خداوند از هر چه برتر و بالاتر است هر معصیتی در پیشگاهش عظیم است.

البته این سخن از یک نظر صحیح است ولی از یک نظر می توان میان گناهان تفاوت گذاشت. گاهی ذات گناهان با هم متفاوت است؛ تفاوتی که مثلاً در میان سیلی زدن به یک شخص بی گناه یا کشتن او می باشد و تفاوتی که میان زنای با غیر محارم و زنای با محارم است.

گناهان را ز خوردی سهل مشمار *** که خرمن های عالم دانه دانه است

آن را که روزگار نگیرد به هر گناه *** چون جمع شد گناه خدا گیر می شود

خرد مشمار گنه را که گیاهی است بزرگ *** گندمی، کرد ز فردوس برون آدم کرد

(صائب تبریزی)

چه بسا گناه بزرگی را که انجام داده ای و آن را کوچک می شماری.

غرج 1 ش 3367

ص: 344

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا، حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلَّمُوا. (1)

خداوند از افراد جاهل پیمان نگرفته که دنبال علم و دانش بروند، مگر این که قبل از آن از علما و دانشمندان پیمان گرفته که به آن ها علم بیاموزند.

توضیح:

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه اشاره به دو پیمان الهی می کند: پیمانی که در درجه اول است پیمانی است که از دانشمندان گرفته که علم خود را کتمان نکنند و در اختیار مردم بگذارند، و پیمانی که از افراد جاهل گرفته که به دنبال تحصیل علم بروند. و اگر این دو پیمان در جامعه انسانی لباس عمل به خود بپوشد، جهل و نادانی ریشه کن خواهد شد.

خواهی که بهین کار جهان کار تو باشد *** زین هر دو یکی کار کن، از هر چه کنی بس

یا قائده ده آنچه بدانی دگری را *** یا فایده گیر آنچه ندانی ز دگر کس

(انوری)

نادانی ریشه و اساس هر بدی است.

غرج 1 ش 1317

ص: 345

امام علی علیه السلام فرمود:

شَرُّ الْإِخْوَانِ، مَنْ تَكَلَّفَ لَهُ. (1)

بدترین برادران (دوستان) کسی است که برای پذیرایی از او (ناچار باشی) خود را به زحمت افکنی.

توضیح:

اصولاً زندگی پرتکلف و پردردسر، همیشه مایهٔ بدبختی و اضطراب و ناراحتی است بنابراین اگر دوستانی پیدا شوند که توقع زیادی در پذیرایی یا کمک رسانی دارند و انسان مجبور شود به خاطر آنها خود را به زحمت بیفکند، دوستان بدی هستند.

به دور انداختن تکلف های زندگی شریف ترین اندوخته است.

غرج 2 ش 8907

ص: 346

امام علی علیه السلام فرمود:

إِذَا احْتَشَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ، فَقَدْ فَارَقَهُ. (1)

هنگامی که مؤمن، برادر با ایمانش را به خشم آورد و شرمگین سازد اسباب جدایی از او را فراهم کرده است.

توضیح:

برای این گفتار حکیمانه مورد بحث سه تفسیر به نظر می رسد و ممکن است همه آنها در مفهوم کلام امام علی علیه السلام جمع باشد. نخست خشمگین ساختن دوستان، دوم، شرمنده نمودن آنها و سوم، برتری جویی و تکبر در برابر آنها. هر کدام از این امور سه گانه برای جدا شدن دوستان از انسان کافی است البته ممکن است انجام یک مرتبه و دو مرتبه این کارها تأثیر گذار نباشد ولی به یقین اگر تکرار شود سبب جدایی از دوستان خواهد شد.

در گذر از آنچه تو را به خشم آورد به خاطر آنچه تو را خشنود سازد.

غرر ج 2 ش 7524

ص: 347

- آبروی خود را نزد هر کس مریز..... 161
- آثار دوستی اهل بیت علیه السلام 53
- آخر کارها را با آغازش بسنجید..... 35
- آداب و رسوم غلط بین مردم و امیران 28
- آزاد مرد دنیا را وا می نهد..... 319
- آزمایش الهی از مردم حتمیست..... 45
- آزمایش کن تا بشناسی..... 292
- آفت انسان در تدبیر اوست..... 323
- آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگری پسند 258
- آنچه ندانی مگو، آنچه دانی همه را مگو..... 215
- اتمام حجّت خداوند تا سن 60 سالگی است..... 137
- اجرو پاداش فردعفیف و خویشتندار..... 340
- ادب در برابر استاد 257
- از ارتکاب گناه در خلوت پرهیزید..... 134
- از استدراج ترسان باشید..... 174
- از بحث لجاجت آمیز دوری کن..... 180
- از سرمای آغاز بهار استقبال کنید..... 59
- از فقر به خدا پناه ببرید..... 128
- از مسائل تحقیق نایافتنی سوال نکن..... 182

- اسباب جدایی مؤمن از برادر با ایمانش 347
- استواری دین و دنیا بر چهار چیز است 197
- اسیران حرص و رغبت به دنیا 176
- افراط در دشمنی گناه آلود است 113
- افراط و تقریط در مورد امام علیه السلام 335
- امام علی علیه السلام پیروز همه میدانها 126
- امام علیه السلام یعسوب مؤمنین 122
- اندیشه آینه شفاف و درخشنده 183
- اندیشه در سرانجام امور 147
- انسان در دنیا همواره هدف تیرهای مرگ است 83
- انسان غیرتمند زناکار نیست 115
- اولین مرحله جهاد 203
- ایمان بر چهار پایه استوار است 22
- صبر بر چهار پایه استوار است 22
- یقین بر چهار پایه استوار است 22
- عدل بر چهار پایه استوار است 22
- جهاد بر چهار پایه استوار است 22
- کفر بر چهار پایه استوار است 23
- شک بر 4 پایه استوار است 23
- اینچنین مبارک باد بگویند 170

- با آنچه می بینی به دنیا اعتماد نکن 219
- با نعمت خداوند نافرمانی او نکنید 142
- بازماندگان شمشیر بقای بیشتری دارند 39
- بالاترین شرافت اسلام است 194
- بیخس تا خداوند بر تو ببخشد 278
- بخل جامع تمام عیوب است 208
- بدترین برادران 346
- بدترین گناهان 344
- بر ثروت و سلامتی خود تکیه مکن 279
- برادرت را با نیکی به آن سرزنش کن 82
- برای آدم با شخصیت شهوت خوار است 309
- برای تقوای الهی دامن همت به کمر زنید 96
- برای غیر از خود چیزی وامگذار 264
- برای کسب دانش پرسش کن نه برای ایجاد زحمت 129
- برترین پارسایی 19
- برترین شعرای عرب 317
- بزرگترین حسرت در قیامت 283
- بزرگترین عیب هر کسی 169
- بسا سخنی که از قدرت شمشیر نافذتر است 234
- بعد از سختیها آسانی آشکار می شود 167
- بلای فقر و بیماری جسم و جان 226

به کارهای مختلف پرداختن تو را به هدف نمی رساند 246

بهترین راه مصرف مال 305

بهترین شهر، شهری است که پذیرای تو باشد 301

بیاعتنایی به دنیا، عیوب آن را آشکار می کند 230

بی نیاز بودن از عذرخواهی بهتر است 141

بی نیاز واقعی 157

بیچاره فرزند آدم 269

بیست اندرز آموزنده 103

بیماری سبب ریزش گناهان است 31

پ

پانزده اندرز بازدارنده 164

پایان لذات و آغاز آثار سوء آنها 291

پر نیاورده فکر پرواز نباش 245

پرده پوشی خداوند از گناهان 22

پرهیز از جرّو بحث با انسان های لجوج 249

پرهیزگاری رئیس صفات پسندیده است 256

پشت کردن زندگی و ملاقات مرگ سریع است 20

پیروزی با گناه پیروزی نیست 139

پیشگویی امام علیه السلام درباره قرآن، اسلام مساجد و 190

پیمان علما و دانشمندان 345

ت

تا وعده نداده ای آزادی 150

تجارت بدون علم، احتمال رباخواری دارد..... 307

تحقق نفرین علیه السلام به انس بن مالک 117

تعریف بیجا فریب می دهد 328

تکبر شایسته انسان نیست 315

تمام زهد در دو جمله قرآن آمده است 297

تواضع ثروتمندان در برابر مستمندان، بزرگ منشی مستمندان در برابر اغنیا..... 251

توصیه مؤکد به رعایت تقوای الهی..... 159

توصیف مالک اشتر نخعی 302

توصیف یاران باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم 331

توصیه امام علیه السلام به تقوا 192

توصیه به آرام نمودن زنان در مصیبتها..... 131

ث

ثواب بر طاعت است و کیفر بر گناه 189

ج

جمعی که از حل مشکلات خود عاجزند چگونه توان حل مشکل دیگری را دارند؟ 106

جواب دشنام، دشنام یا عفو است 270

جوینده یابنده بود 222

چ

چشم زخم، حق است 242

چون آزادگان شکیا باش 259

ح

- حاجت خود از خداوند را با صلوات توأم کن 179
- حال کسی که به خود ضربه می زند تا دشمن را نابود کند 112
- حق پدر و فرزند بر یکدیگر 240
- حق را بشناس آنگاه اهل حق را خواهی شناخت..... 108
- حق گوارا و باطل مرگ آور است 205
- حلم دو گونه است 152

خ

- خصلت های خوب پی در پی است 304
- خضاب نمودن 339
- خواب شکننده تصمیم ها است 299
- خوبی که جهنم در پی دارد خوبی نیست..... 224
- خود را اسیر سخنت نکن 213
- خوش آمد مباد 90
- خوف و رجا دو بال پرواز 206
- خیر و نیکی در چیست؟ 47

د

- در شوخی بیجا شخصیت فرومی ریزد 311
- در طلب دنیا معقول تلاش کن 233
- در فتنه ها کنارگیری کن 17
- در مصیبت شکبیا باش و گرنه چون حیوانات غافل باش 260

در مصیبت‌ها اندوه دوستان به اندازه شادی دشمنان است..... 136

در وقت معصیت خداوند غایب و در وقت اطاعت حاضر باش 217

درهم و دینار از ساختمان سر بر می آورد..... 171

دعای باران..... 338

دعوت کننده بی عمل کماندار بدون زه است..... 151

دلیل پستی دنیا..... 221

دندان فشردن برای جمع مال بیجا 333

دنیا برای غیرش آفریده شده 329

دنیا می فریبد و می گذرد 262

دنیا همچون شتر بدخو است 94

دو امان مردم زمین از عذاب الهی 42

دوگرسنه که سیر نمی شوند 321

ر

رای پیر از چالاکی جوان بهتر است 40

رای صائب با قدرت همراه است 153

روز مظلوم علیه ظالم، سخت تر از روز ظالم علیه مظلوم است..... 155

روزی دو گونه است 210

روزی هرکس به دست او خواهد رسید 172

ز

زیر با ما بود تا پسرش بزرگ شد..... 314

زیانکارترین مردم 284

زیورهای کعبه را به همان حال واگذارید..... 110

س

ساعات شبانه روز را به سه بخش تقسیم کن..... 228

ستایش بیش از حدّ تملّق است 162

سخن افراد را حتّی المقدور حمل بر فساد مکن 178

سخن بگو تا شناخته شوی 232

سخنان امام علیه السلام با کمیل بن زیاد 69

سرنوشت قطعی حافظ انسان است 116

سستی در اطاعت تضييع حقوق دیگران است..... 101

سلطان عادل پاسدار خدا در زمین است..... 144

سه نشانه ستمگران..... 166

سی هشدار اخلاقی امام علیه السلام به مردم 76

سیزده اندرز آموزنده و آثار آن..... 97

ش

شادی مؤمن در چهره او و اندوهش در سینه اوست 145

شایسته ترین مردم به کرم معرّف کریمان است..... 294

شتاب و سستی در عمل هر دو غلط است 181

شرایط استغفار 266

شرایط ایمان واقعی 322

شش عامل شگفتی از انسان..... 55

شکر و فزونی نعمت دعا واجابت، توبه آمرزش..... 293

شکیبایی همچون قبیله پشتوانه است 268

ص

صحبت امام علیه السلام با اهل قبور 61

صفت شورشگران 88

ط

طاعت خداوند غنیمت زیرکان است 143

ع

عدالت پیشه کن 342

عدل هر چیزی را در جای خود قرار می دهد 295

عدم اعتماد به بی اعتباری دنیا 212

عدم توانایی بر گناه مصونیت است 160

عفت زینت فقر است 154

عقل آن مقدار که راه را از چاه باز شناسی کافیت 272

عقل موجب نجات است 253

علم پیوسته با عمل همراه است 184

عمل، شرط موفقیت است نه نسب 227

عیوب اخلاقی خود را باحلم بپوشانید 276

غ

غیبت نمودن، تلاش شخص ناتوان است 326

ص: 351

- فخر فروشی را کنار بگذار..... 239
- فرصت دو رکعت نماز پس از ارتکاب گناه..... 114
- فقر و غنی در پیشگاه خداوند آشکار می شود..... 313
- فقیه واقعی کیست؟ 44
- فلسفه لباس ساده پوشیدن امام علیه السلام 49
- فلسفه قضا و قدر 37
- فنا در بقا، بیماری در سلامت و فقر در دارایی در کمین انسان است..... 54

- قدرت یافتن بر چیزی علاقه را کم می کند..... 102
- قرآن جامع اخبار پیشینیان و آیندگان 119
- قسمت و روزی دو گونه است 286
- قلب، کتاب چشم است 255
- قناعت برای تو کافیست 235
- قناعت ثروتی پایان ناپذیر 341
- قوانین خوش خطی 121

- کار نیک را کم ندانید 273
- کسی که در تمام عمرش مجاهد بود 33
- کسی که درونش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح نماید..... 275
- کلمه حقی که اراده باطل از آن می شود 87

کوتاهی در عمل، اندوه در پیدارد 58

گ

گاهی بدی را تنها با بدی باید جبران کرد 120

گرسنگی فقیر از زیاده خواهی ثروتمند است 140

گفتوگوی امام علیه السلام با کشته شدگان خوارج 132

گناه هر چه باشد کوچک مشمار 163

م

مبارزه با ظلم و ستم با قلب و زبان و دست و جوارح 199

متاع دنیا و باخیز است 186

محافظت دو ملک از انسان 91

محکوم شدن یهودی با استدلال امام علیه السلام 124

مراحل سه گانه جهاد و مبارزه بامنکرات 201

مرز حلال و حرام الهی را حفظ کنید 51

مرگ آری، تن به ذلت دادن نه 236

مرگ را همچون سفر تلقی کنید 173

مشارکت در خلافت معنا ندارد 93

مشک عطر خوبی است 238

مشکل خود را جز به مؤمن مگو 280

مشورت با رهبر و اطاعت از او 130

مصیبت های کوچک را بزرگ نشمارید 308

معنی توحید و عدل 336

معنی لا حول و لا قوة الا بالله 245

مقامات حکومتی میدان مسابقه مردان است 300

مهلت بنی امیه برای حکومت 330

میل و بی میلی نسبت به دیگران را اندازه نگه دار 312

ن

نحوه سوگند دادن ظالم 105

نسبت دادن کارهایی بد به مردم عکس العمل مشابه دارد 28

و

وصف یکی از حاکمان مسلمان 332

ویژگی اولیاء الهی 288

ویژگی روز عید 281

ه

هرکس به نوایی رسید طغیان می کند 100

هرکس در اموالش دو شریک دارد 149

هرکس در گروه اعمال خویش است 158

هرکه با حق در افتد برافتد 254

هشدار امام علیه السلام به مذمت کننده دنیا 64

هماهنگی با مردم موجب رفع کینه هاست 244

همّت بلند، بردباری و ترک شتاب تولید می کند 325

همه دل مشغولیهایت برای اهل و عیال نباشد 168

هنگام خشم باید خود را فرو نشانند 85

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

